



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



سازمان آموزش عالی و تربیت مدرسین  
معاونت عالی و تحصیلات تکمیلی  
واحد انتشارات



مجلس شورای اسلامی

نخستین دوره آزمون

# بوشان خلیلیت

(مشاهیر مدفون در تکیه بروجرودی - در گوشگی)

مید خلیلیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# بوستان فضیلت

نویسنده:

حمید خلیلیان

ناشر چاپی:

سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان



## فهرست

۵	فهرست
۱۸	بوستان فضیلت
۱۸	مشخصات کتاب
۱۹	اشاره
۳۳	مقدمه
۳۷	فصل اول: تیکه میرزا ابوالحسن بروجردی
۳۷	اشاره
۳۹	تاسیس
۳۹	معرفی تکیه از نگاه علامه جلال الدین همایی
۴۳	وضعیت قبور
۴۳	معماری
۴۵	جنس و نوع سنگ قبور
۴۶	نقوش
۵۰	ماده تاریخ ها
۷۲	فصل دوم: علما و دانشمندان
۷۲	اشاره
۷۴	میرزا ابوالحسن بروجردی
۷۴	اشاره
۷۵	خانندان
۷۶	فرزندان
۷۶	تحصیلات
۷۷	تدریس
۷۸	اجازه آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی به سید محمد باقر نحوی
۸۰	میرزا ابوالحسن بروجردی از نگاه دیگران

۸۱	فعالیت های سیاسی و اجتماعی
۸۲	وفات و مدفن
۸۳	فرزندان و خاندان
۸۵	سید محمد بروجردی
۸۷	شیخ محمدابراهیم کلباسی
۸۷	اشاره
۸۸	اجازه آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی به شیخ محمد ابراهیم کلباسی
۹۱	شیخ عبدالعلی قدس نجفی
۹۲	محمدحسن ریاضیات
۹۳	شیخ احمد مجتهد بیدآبادی
۹۳	اشاره
۹۴	خاندان علمی
۹۷	کرامتی از آیت الله حسین آبادی
۹۷	خاطره ای از استاد
۹۸	فرزندان میرزا محمد جواد حسین آبادی
۹۸	دوران تحصیل آیت الله شیخ احمد بیدآبادی
۱۰۰	تدریس
۱۰۲	تألیفات
۱۰۳	شیخ احمد مجتهد بیدآبادی از نگاه دیگران
۱۰۴	احوال معنوی و فضایل اخلاقی
۱۰۵	ارتباط با امام زمان (عج)
۱۰۵	فعالیت های سیاسی و اجتماعی
۱۰۷	وفات
۱۰۹	شعر شاعران در وفات وی
۱۱۱	فرزندان
۱۱۲	اجازه ی علامه صاحب روضات به آیت الله شیخ احمد بیدآبادی

۱۱۷	اجازه ی علامه میرزا محمدهاشم چهارسوقی به شیخ احمد مجتهد بیدآبادی
۱۲۱	سید صدرالدین هاطلی کویایی
۱۲۱	اشاره
۱۲۲	تحصیلات و اساتید
۱۲۴	حوزهی تدریس
۱۲۵	شیوه ی تدریس
۱۲۵	شاگردان
۱۳۶	ارتباط حاج آقا صدر با مرحوم حضرت امام خمینی(ره)
۱۳۷	احوال معنوی و فضایل اخلاقی
۱۳۹	در محضر درس نهج البلاغه آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی
۱۴۰	آیت الله حاج سید صدرالدین کو پایی از نگاه دیگران
۱۴۱	آثار و تألیفات
۱۴۲	وفات
۱۴۳	خبر فوت آن مرحوم در روزنامه چهلستون
۱۴۴	شعر شاعران در فوت حاج آقا صدر
۱۵۱	میرزا ابوالقاسم زفره ای
۱۵۱	اشاره
۱۵۲	خاندان
۱۵۳	تألیفات
۱۵۳	تدریس
۱۵۴	شاگردان
۱۵۶	وفات
۱۵۷	شیخ علی مدرّس یزدی
۱۵۷	اشاره
۱۵۷	تدریس
۱۵۸	شیوه ی تدریس استاد به روایت شاگردان

۱۶۰	شاگردان
۱۶۵	احوال معنوی و فضایل اخلاقی
۱۶۷	فعالیت های اجتماعی
۱۶۷	وفات
۱۶۷	ماده تاریخ وفات
۱۶۸	خاندان
۱۷۱	میرزا محمد باقر امامی
۱۷۱	اشاره
۱۷۲	تحصیل علوم دینی
۱۷۳	آثار
۱۷۳	وفات
۱۷۶	ملا محمد حسن ادهم
۱۷۹	ملا احمد بیدآبادی
۱۷۹	اشاره
۱۸۰	تحصیلات
۱۸۱	کتابخانه
۱۸۵	منبر و موعظه
۱۸۶	آثار و تألیفات
۱۸۷	وفات
۱۹۰	ملا محمد همای
۱۹۰	اشاره
۱۹۰	تحصیلات
۱۹۱	دوران خدمتگزاری
۱۹۶	شاگردان
۱۹۷	وفات
۱۹۸	فرزندان

۲۰۱	میرزا علی اصغر شریف
۲۰۱	اشاره
۲۰۲	اساتید
۲۰۳	فعالیت های علمی، آموزشی و دینی
۲۰۳	تدریس
۲۰۵	شاگردان
۲۰۶	مسجد و منبر
۲۰۶	دوستان و معاشران
۲۰۶	اوصاف شخصی و فضایل اخلاقی
۲۰۷	خاندان و فرزندان
۲۰۷	وفات و مدفن
۲۱۰	سید احمد مقدّس
۲۱۰	اشاره
۲۱۰	خاندان
۲۱۱	اساتید
۲۱۲	شاگردان
۲۱۲	استاد از نگاه شاگردان
۲۱۳	وفات
۲۱۵	سید علی مقدّس
۲۱۸	سید نورالدین مقدّس
۲۲۰	حاج میرزا عباسعلی سهیلیان شمس آبادی
۲۲۰	اشاره
۲۲۰	تحصیلات
۲۲۳	تدریس
۲۲۳	صفات اخلاقی
۲۲۴	شیخ عباسعلی سهیلیان از نگاه دیگران

۲۲۵	تالیفات
۲۲۹	سه حکایت
۲۳۰	وفات
۲۳۰	شعر شاعران در وفات فیاض اصفهانی
۲۳۶	آخوند ملا محمد کاظم مروّج بیدآبادی
۲۳۶	اشاره
۲۳۶	اوصاف
۲۳۸	تالیفات
۲۴۰	وفات
۲۴۲	میرزا علی قمشه ای شمس آبادی
۲۴۲	اشاره
۲۴۳	وفات
۲۴۵	میرزا علی بروجردی
۲۴۵	اشاره
۲۴۵	خاندان
۲۴۵	تحصیلات
۲۴۶	اوصاف
۲۴۶	وفات
۲۴۹	میرزا محمدحسن تفضلی بروجردی
۲۴۹	اشاره
۲۴۹	اساتید
۲۴۹	امامت جماعت
۲۵۰	تالیفات
۲۵۱	وفات
۲۵۲	آقا سید محمدرضا داماد
۲۵۴	میرزا محمدرضا الهی

۲۵۷	بانو ربابه الهی
۲۵۷	اشاره
۲۵۷	تحصیلات
۲۵۷	تالیفات
۲۵۸	وفات
۲۶۰	آخوند ملا محمدحسین مظاهری
۲۶۰	اشاره
۲۶۱	خاندان
۲۶۱	مهاجرت به اصفهان
۲۶۱	تحصیلات
۲۶۲	امامت جماعت
۲۶۲	احوال معنوی پدر از زبان فرزندش
۲۶۴	وفات
۲۶۵	فرزندان
۲۶۸	شیخ اسدالله فاضل بیدآبادی
۲۶۸	اشاره
۲۶۸	تحصیلات
۲۶۹	وفات
۲۷۱	شیخ ابوتراب زاهدی
۲۷۱	اشاره
۲۷۱	خاندان
۲۷۱	وفات
۲۷۳	سید محمد علی فصیح الواعظین
۲۷۶	شیخ محمدحسین مشکوه
۲۷۶	اشاره
۲۷۷	فعالیت فرهنگی

- ۲۷۷ ..... اوصاف
- ۲۷۸ ..... مدرسه ی اقدسیه
- ۲۷۹ ..... شاگردان
- ۲۸۰ ..... وفات
- ۲۸۳ ..... ملّا احمد مشکوه زفره ای
- ۲۸۳ ..... اشاره
- ۲۸۵ ..... اوصاف
- ۲۸۵ ..... وفات
- ۲۸۸ ..... سید محمدحسین موسوی بیدآبادی
- ۲۸۸ ..... اشاره
- ۲۹۰ ..... خاندان
- ۲۹۰ ..... اساتید
- ۲۹۰ ..... تألیفات
- ۲۹۱ ..... اوصاف
- ۲۹۲ ..... وفات
- ۲۹۳ ..... آقا سید علی موسوی
- ۲۹۶ ..... سید مصطفی سیادت موسوی
- ۲۹۸ ..... سید محمد صمصام
- ۲۹۸ ..... خاندان
- ۲۹۹ ..... تولّد و تحصیلات
- ۳۰۰ ..... اوصاف
- ۳۰۱ ..... استجابت دعا
- ۳۰۱ ..... عبادت و بندگی
- ۳۰۳ ..... توجه مردم به صمصام
- ۳۰۶ ..... وفات
- ۳۰۷ ..... شعر شاعران در فوت صمصام



- ۳۲۲ ..... سید محمدباقر عمادالواعظین
- ۳۲۶ ..... شیخ محمدتقی نجفی شهرضایی
- ۳۲۶ ..... اشاره
- ۳۲۶ ..... شاگردان
- ۳۲۸ ..... سید محمد علوی
- ۳۲۸ ..... اشاره
- ۳۳۰ ..... خاندان
- ۳۳۰ ..... تحصیلات
- ۳۳۱ ..... سید محمد مجاهد
- ۳۳۱ ..... بازگشت به ایران
- ۳۳۲ ..... فعالیت های هنری
- ۳۳۲ ..... وفات
- ۳۳۲ ..... شعری در فوت وی
- ۳۳۴ ..... سید هاشم سادات موسوی (خادمی)
- ۳۳۴ ..... اشاره
- ۳۳۴ ..... تحصیلات
- ۳۳۴ ..... وفات
- ۳۳۷ ..... سید محمد جعفر محقق موسوی
- ۳۳۷ ..... اشاره
- ۳۳۸ ..... اساتید
- ۳۴۰ ..... وفات
- ۳۴۳ ..... عبدالجواد شیخ الاسلامی سبزواری
- ۳۴۵ ..... شیخ یوسف نجفی
- ۳۴۹ ..... میر سید حسن امام جمعه
- ۳۵۰ ..... میرزا مهدی مطمئن
- ۳۵۰ ..... اشاره

۳۵۰	وفات
۳۵۲	شیخ محمدحسین حکیم مهاجرزفرهای
۳۵۵	سید محمدرضا امامی
۳۵۷	سید علی حسینی
۳۵۷	اشاره
۳۵۷	مردی آهنین در عبادت
۳۵۸	مردی از قیامت خبر آورد که چه چیز ارزش دارد
۳۶۰	وفات
۳۶۲	سید محمدجواد روضه خوان
۳۶۵	لطف الله سینایی
۳۶۵	اشاره
۳۶۷	اوصاف
۳۶۸	وفات
۳۷۳	عباس اشتها رها
۳۷۵	میرزا عباس تنباکوزاده
۳۷۷	فصل سوم: شاعران
۳۷۷	اشاره
۳۷۹	سید حسین بشارت خاندان
۳۷۹	خاندان
۳۸۲	بشارت حضور
۳۸۲	وفات
۳۸۴	حسن سالک اصفهانی
۳۸۷	محمد حسن متانی
۳۸۷	اشاره
۳۸۷	دوران خدمت
۳۸۸	جلسات تفسیر قرآن

۳۸۸	.....	اوصاف
۳۸۸	.....	شعر و شاعری
۳۸۹	.....	وفات
۳۹۲	.....	محمدحسن ساکت اصفهانی
۳۹۹	.....	میرزا عبدالله تابش
۳۹۹	.....	اشاره
۴۰۳	.....	مناجات با قاضی الحاجات
۴۲۰	.....	علی محمد کاویان جهرمی
۴۲۴	.....	عباسعلی بهرامیان
۴۲۴	.....	اشاره
۴۲۷	.....	وفات
۴۳۱	.....	سید مهدی مکینیان
۴۳۱	.....	اشاره
۴۳۱	.....	روزنامه مکین
۴۳۳	.....	شعر و شاعری
۴۳۷	.....	وفات
۴۴۱	.....	فصل چهارم: هنرمندان
۴۴۱	.....	اشاره
۴۴۳	.....	میرزا عباس ذوالفنون
۴۴۳	.....	اشاره
۴۴۵	.....	فعالیت های هنری و آثار
۴۴۷	.....	وفات
۴۴۹	.....	سید هاشم نقاش رشتیان
۴۴۹	.....	اشاره
۴۴۹	.....	خاندان
۴۴۹	.....	تحصیل هنر

- ۴۴۹ ..... اوصاف
- ۴۵۰ ..... آثار هنری
- ۴۵۱ ..... فرزندان
- ۴۵۱ ..... وفات
- ۴۵۲ ..... میرزا محمد علی شیخ زین الدینی
- ۴۵۵ ..... غلامعلی ماهرالنقش
- ۴۵۵ ..... اشاره
- ۴۵۷ ..... تحصیل علم و هنر معماری
- ۴۵۷ ..... آثار
- ۴۵۷ ..... وفات
- ۴۵۹ ..... حسن ماهرالنقش
- ۴۶۱ ..... غلامحسین جلالی
- ۴۶۴ ..... فصل پنجم: دیگر بزرگان و معاریف مدفون در تکیه
- ۴۶۴ ..... اشاره
- ۴۶۶ ..... میرزا محمدتقی ادیب خراسانی
- ۴۶۶ ..... اشاره
- ۴۶۶ ..... تحصیلات
- ۴۶۶ ..... فعالیت های سیاسی و اجتماعی
- ۴۶۷ ..... روزنامه ی صبح امید
- ۴۶۸ ..... مدیریت مدارس
- ۴۶۹ ..... وفات
- ۴۷۰ ..... سید کمال الدین بروجردی
- ۴۷۲ ..... سید حسین مرندی
- ۴۷۲ ..... اشاره
- ۴۷۲ ..... خاندان
- ۴۷۲ ..... کراماتی از حاجی کرباسی

۴۷۵	تحصیلات و دوران خدمت
۴۷۷	شعر و شاعری
۴۸۰	وفات
۴۸۳	سید علی لقمانیان
۴۸۳	اشاره
۴۸۳	وفات
۴۸۶	میرزا محمد طبیب خراسانی
۴۸۷	سید حسین بصیر
۴۹۱	سید فخرالدین موسوی فریدنی
۴۹۴	سید محمد باقر اعتصامی رهنانی
۴۹۷	میرزا اسدالله الهی دوست
۴۹۷	اشاره
۴۹۸	اوصاف
۴۹۸	امر به معروف و نهی از منکر
۴۹۸	کارآفرینی
۴۹۹	اهمیت عبادت
۴۹۹	برخورد با مردم
۴۹۹	وفات
۵۰۲	فصل ششم: بزرگان گمنام
۵۰۸	فهرست
۵۰۸	اشاره
۵۲۸	فهرست کتب
۵۳۰	فهرست منابع و مأخذ
۵۳۲	فهرست مقالات
۵۳۳	فهرست مصاحبه ها
۵۳۶	درباره مرکز

سرشناسه : خلیلیان، حمید، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور : بوستان فضیلت / تالیف حمید خلیلیان؛ [ برای ] مجموعه تاریخی، فرهنگی، مذهبی تخت فولاد اصفهان، شهرداری اصفهان.

مشخصات نشر : اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۴۱۶ ص. : مصور.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۳۲۰-۳۴-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ قبلی: : کانون پژوهش، ۱۳۸۶.

یادداشت : عنوان دیگر: بوستان فضیلت: مشاهیر مدفون در تکیه آیت الله میرزا ابوالحسن طباطبایی بروجردی.

یادداشت : کتابنامه.

عنوان دیگر : بوستان فضیلت: مشاهیر مدفون در تکیه آیت الله میرزا ابوالحسن طباطبایی بروجردی.

موضوع : مجتهدان و علما ایران اصفهان سرگذشتنامه

موضوع : مشاهیر ایران اصفهان سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان سرگذشتنامه

موضوع : اصفهان آرامگاهها

شناسه افزوده : سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان

شناسه افزوده : مجموعه فرهنگی مذهبی تخت فولاد ( اصفهان)

شناسه افزوده : شهرداری اصفهان

رده بندی کنگره : DSR۲۰۷۳ / ص ۷۹ خ ۷۷ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۹۳۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۶۷۹۶۲

ص: ۱

اشاره































سرزمین مقدّس تخت فولاد را باید منظومه ای دیدنی از مفاخر ارجمند این دیار هنرمند پرور دانست. در بیان قداست این سرزمین این سخن کفایت می کند که آن را پس از قبرستان وادی السلام نجف از متبرک ترین و شریف ترین مقابر و گورستانهای شیعه می دانند و آن را وادی السلام ثانی می خوانند.

این مزار یاد آور ادوار طلایی فرهنگ اسلامی و ایرانی است و به یقین می توان یکی از دلایل برگزیده شدن اصفهان را به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام وجود مزار بزرگان و هنرمندان و شاعران و ... در این خاک تابناک دانست.

بدیهی است ارزش هر جامعه بیشتر به شخصیت ها و انسانهای والای آن و خدماتی است که به اجتماع نموده اند، و خدمات و کارهای ارزنده هر کس نشان دهنده ی شخصیت والای اوست. آنان که مردم را به سوی خدا دعوت می کنند، و با اختراع، اکتشاف، ابداع و ابتکارهای خود باری از دوش خلق بر می دارند، آنها که یار و همراه بندگان خدایند، نه بار خاطر آنان، افرادی که با تلاش و زحمات شبانه روزی خود آثاری آفریده اند که راهگشای علم و هنر و فضیلت برای آیندگان است و افتخار هر ملت و مملکت به مردان و زنان فرهنگی و عالم و عارف و هنرمند و تلاشگر آن است. آنانکه با علم و عرفان، هنر، شعر، خط، نقاشی و آثار مکتوبشان جاودانه مانده اند. مزارشان سمبلی برای نسل های آینده می باشد تا یادشان را گرامی دارند و به زیارت تربت شان بروند و در برابر روح با عظمت شان سر تسلیم و

به بیان دیگر قبرستان‌ها موزه‌هایی هستند که سازندگان تاریخ و بازیگران آن را در خود جای داده‌اند و تفرجگاهی برای ساعتی تأمل و اندیشه‌اند، سنگینی بار کوههای غصه و غم را از دوش آدمی بر می‌دارند و با زدودن غبار افسردگی، نشاط سازنده‌ای برای ادامه‌ی یک زندگی هدفمند به او عطا می‌کنند.

مجموعه‌ی تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد در راستای گردآوری شرح حال و آثار بزرگان مدفون در تکیه‌ی بروجردی، به بهسازی، مرمت و احیای این تکیه پرداخته است بدین امید که ان شاء الله موجب شادی روح این بزرگان نیز باشد.

در این کتاب علاوه بر شرحی پیرامون سابقه‌ی تکیه، معماری و جنبه‌های هنری و تزئینی تکیه به شرح احوال فقیهان، هنرمندان، دانشمندان و معاریف مدفون در این تکیه و در پنج فصل تدوین گردیده است. فصل اول به وجه تسمیه، موقعیت تاریخی و جغرافیایی، معماری و دیگر عناصر شاخص موجود در تکیه اشاره دارد. فصل‌های دیگر شامل شرح بزرگان مدفون در تکیه می‌باشد که عبارت است از: فصل دوم علما و دانشمندان، فصل سوم شاعران، فصل چهارم هنرمندان و فصل پنجم دیگر بزرگان شامل رجال سیاسی و روزنامه‌نگاران و طبیبان قدیم و جدید و خیرین را شامل می‌شود. در فصل ششم نام بزرگانی که در این تکیه مدفون‌اند ولی از شرح احوال آنها اطلاعی بدست نیامد و در پایان فهرست اعلام، کتب و منابع و مآخذ اشاره شده است.

شایسته است از عزیزانی که در تألیف و نشر این کتاب نویسنده را یاری نمودند بویژه جناب آقای دکتر اصغر منتظرالقائم که سالهای سال است راهنمایی‌های دلسوزانه و اشتیاق برانگیز ایشان پیش روی بنده بوده و نیز مساعدت‌های علمی و معنوی دوستان ارجمند و محقق آقایان رحیم قاسمی و غلامرضا نصرالهی و

سید احمد عقیلی و مدیر محترم مجموعه فرهنگی تخت فولاد جناب آقای مهندس حسین حمیدی اصفهانی تشکر و قدردانی گردد و همچنین از آقای علیرضا لطفی ویراستار این اثر و نیز سرکار خانم ها مریم زینلی و زهرا ترکی و آقایان مهدی بابایی و بابک شمس اللهی که در تهیه عکس های تکیه و سنگ قبور همراهی کرده اند و تمام کسانی که به نوعی نگارنده را یاری نمودند، تشکر و قدردانی می گردد و توفیقات بیشتر آنان را از درگاه حضرت احدیت خواستارم.

حمید خلیلیان

۱۳۸۵/۱۱/۲۲ ه. ش.

ص: ۱۷









پس از به خاک سپاری عالم جلیل القدر آیت الله میرزا ابوالحسن طباطبایی بروجردی در سال ۱۳۴۸ ه.ق. در جنوب اراضی تخت فولاد، بقعه ای توسط فرزند ایشان بر سر مزار این عالم بزرگ ساخته شد و اطراف بقعه اطاقهای خانوادگی و شخصی برپا گردید و به مرور زمان بسیاری از مشاهیر، علما و بزرگان و هنرمندان در صحن و اطاق های تکیه به خاک سپرده شدند و این تکیه به یکی از تکایای معتبر تخت فولاد تبدیل شد.

این تکیه که به نام میرزا ابوالحسن بروجردی (۱) نام گذاری شده است، در سمت جنوب خیابان آزادگان (سعادت آباد) و در کنار تکیه آیت الله شیخ مرتضی ریزی واقع شده است. مساحت فعلی تکیه بروجردی ۶۹۰۰ متر مربع می باشد و درب ورودی تکیه در جهت شمال غربی آن می باشد.

### معرفی تکیه از نگاه علامه جلال الدین همایی

((تکیه ایست وسیع، آباد، مملو از قبور که اتفاقاً قبور با الواح قائم و عکسهای

ص: ۲۱

---

۱- نام های مختلف تکایا برگرفته از پاره ای از شرح حال صاحب نام مزار است، چنانکه تکیه بروجردی به دلیل سکونت مرحوم بروجردی در محلهی درب کوشک اصفهان و دفن تعداد زیادی از مردم این محل در این تکیه به نام تکیه درب کوشکی و همچنین به دلیل دفن مرحوم سید محمد صمصام از چهره های محبوب مردم در این تکیه، به نام ایشان و نیز به دلیل دفن تعداد زیادی از واعظان شهر اصفهان در این مکان به نام تکیه واعظان نیز خوانده می شود.

الصاق شده اش مشابهت به قبرستان آرامنه پیدا کرده و این طریق به تازگی رسم شده که سر قبور لوحه یی قائم نصب و عکس صاحب قبر را در آن زیر آینه یا ساده می چسبانند.»(۱)

تکیه بروجردی به فاصله ی چهل پنجاه قدم در مشرق تکیه ی ریزی و حاج آقا مجلس واقع شده و درشش بطرف مغرب در فضای مابین چند تکیه (ریزی و حاج آقا مجلس و فاتح الملک و امین التجار) باز می شود.

بقعه وسط آجری به سبک هشت شاه نشین کوچک به سبک بقعه ی شیخ مرتضی ریزی است که از چهار طرف به خارج باز است. در وسط بقعه قبر حاج میرزا ابوالحسن بروجردی است... بنای تکیه برای او شده و بعد از وی مورد توجه واقع گشته از مستحدثات است.»(۲)



تکیه بروجردی قبل از مرمت

پس از دفن میرزا ابوالحسن بروجردی در این مکان به سال ۱۳۶۸ ه. ق.

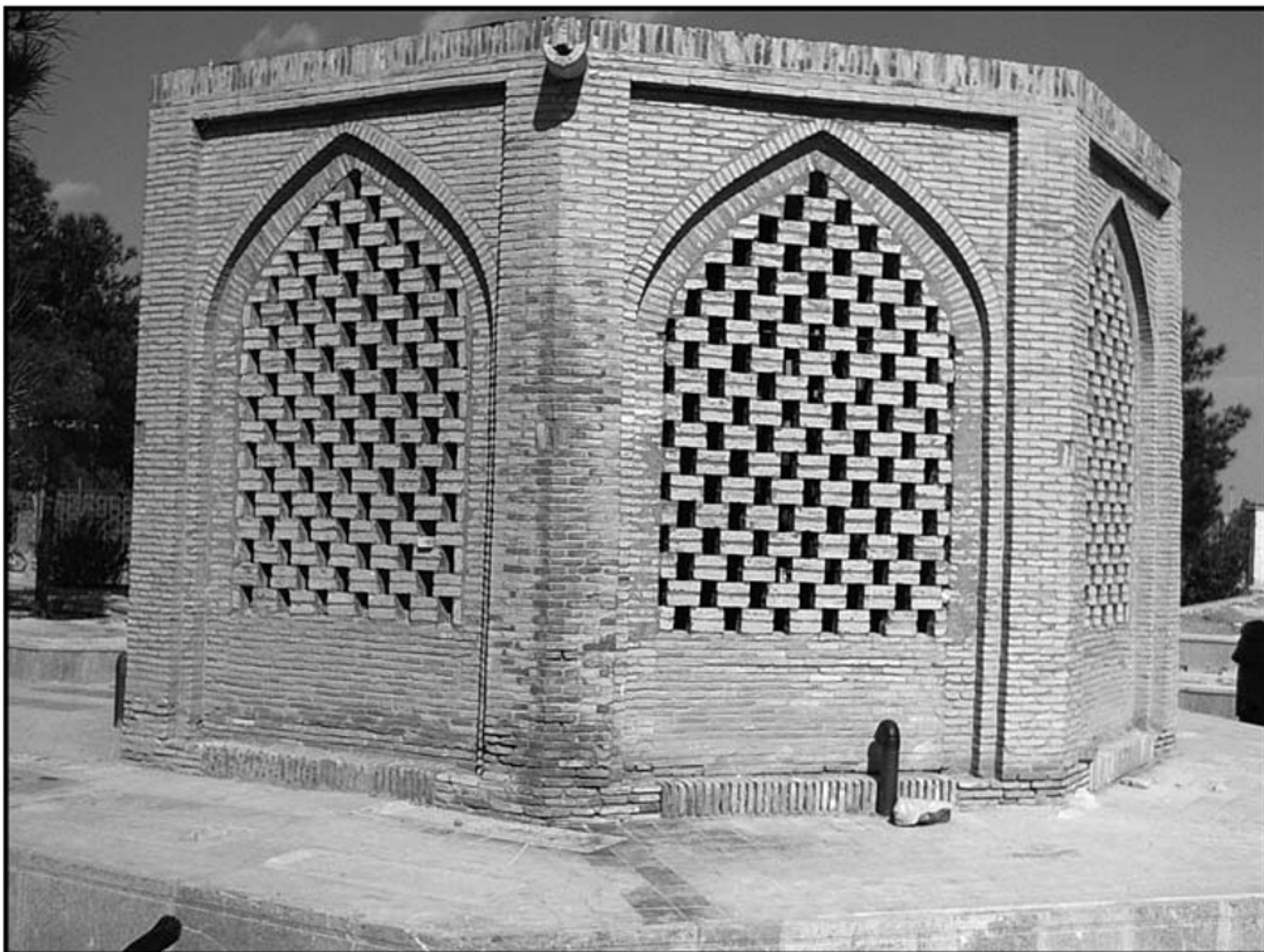
ص: ۲۲

۱- همایی، جلال الدین: تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و امارات)، ص ۴۷۹.

۲- همان.

اطاق هایی در چهار جهت تکیه ساخته شد که از لحاظ سبک معماری از بناهای چهار ایوانه پیروی می کردند ولی به مرور زمان اطاق ها تخریب و در حال حاضر تنها بنای بازمانده از این تکیه ی زیبا، بقعه مرکزی است. این بقعه که از نمونه های سبک معماری اواخر دوران قاجار است از لحاظ فنون معماری مذهبی و سنتی قابل توجه و ارزشمند و دارای ویژگیهای سادگی، زیبایی و عدم استفاده از نقوش تزئینی است.

از دیگر ویژگیهای این تکیه وجود قبور تعداد زیادی از واعظان اصفهان است که از این رو برخی آن را تکیه ی وعظ نیز می گویند. و از دیگر علل شهرت و امتیاز این مکان وجود مدفن مرحوم سید محمد صمصام از وعاظ معروف اصفهان در دوران معاصر است، که به سبب ارادت زیاد مردم به ایشان معمولاً مملو از ارادتمند به وی است.



بقعه تکیه بروجردی

این تکیه در پی احداث خیابان آزادگان (سعادت آباد) و تأسیس فرودگاه سابق که هم اکنون پایگاه هوانیروز نیروی هوایی سپاه است از دیگر تکایای تخت فولاد جدا گردید و در قسمت جنوبی خیابان آزادگان قرار گرفت.

این تکیه دارای دو قسمت الحاقی نیز بوده که به مرور زمان از بین رفته و یا در قسمت فروردگاه سابق قرار گرفته که یکی حظیر شاهزاده همایون میرزا (امیر ارفع) پسر ظل السلطان است و دیگری حظیره الفت بود. حظیره الفت توسط مرحوم محمدباقر الفت ساخته شده بود و مرحوم عارف کامل سید محمد علوی در آن به خاک سپرده ولی با احداث فرودگاه تخریب شد.

مرحوم همایی در مورد حظیره همایون میرزا می نویسد: «در جنوب تکیه بروجردی دیوار به دیوار واقع شده و صحنش خیلی کوچک تر از بروجردی است اما از جهت زیبایی و استحکام مبانی و وسعت اطاقهای گچ کاری شده و طراوت حوض و باغچه هیچ طرف مقایسه با تکایای آن حدود نیست و چون مقبره خصوصی است هنوز قبر ناک و مقبره زار نشده، فقط در اطاق بزرگ شرقی که چند پلهای سنگی از صحن بالارو دارد.....قبر همایون میرزا امیر ارفع پسر ظل السلطان است که سنگ مرمر بسیار عالی دارد.

تکیه همایون میرزا از دالانی که جنب اطاق مسکونی ضلع شمالی است راه به تکیه بروجردی دارد اما درب اصلی آن پشت دیوار جنوبی بروجردی به طرف مغرب باز می شود...»<sup>(۱)</sup>

در حال حاضر محدوده تکیه مشخص و دیواره های آن احیاء و بازسازی شده است و از شمال به خیابان آزادگان، جنوب به خانه ریاضیات و مقبره شاهزاده همایون میرزا، شرق به منطقه نظامی و از غرب به ورزشگاه امین محدود می باشد.

ص: ۲۴

## وضعیت قبور

با بازسازی قبور این تکیه، قبور در دو سطح، اطراف بقعه در مرکز و دیگری در ایوان اطراف تکیه قرار گرفته اند و هم جنس بودن و یکنواختی سنگ قبور، فضای قابل توجهی را ایجاد و موجب تنوع محیط گردیده است. بیشتر مدفونین تکیه از محل‌های درب کوشک، بید آباد، چهارسوق شیرازیها، می باشند که بر اساس برداشت و ثبت قبور تکیه تعداد ۳۶۸۰ قبر بوده است و از خاندانهای معروف مدفون در تکیه می توان به خاندانهای ادهم، ابراهیمیان، امامی، بروجردی، بشارت، تابش، جیهانی، دامادی، زرگر باشی، سادات قلمزن، مشکوه، مقدس و غیره اشاره نمود.

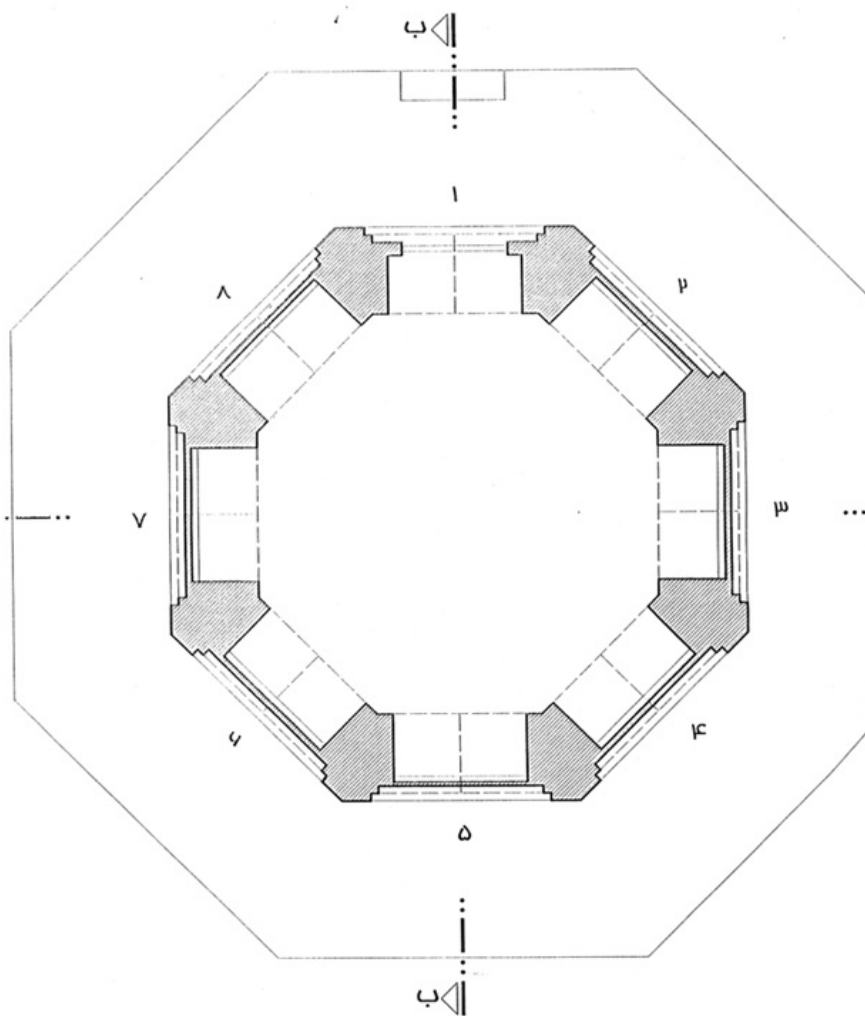
## معماری

تنها اثر بازمانده از معماری آرامگاهی تکیه بروجردی که جلوه ی ویژه به تکیه داده، بقعهی منسوب به مرحوم بروجردی است. این بقعه در عین سادگی، دارای ظرافتی نه چندان ماهرانه در ارائهی بنای مذهبی دارد.

بقعه به سبک معماری دوره ی قاجاریه شامل یک پلان هشت ضلعی است که نمونه هایی از این سبک را می توان در سایر بناهای آرامگاهی از دوره ی قاجار در تخت فولاد از جمله بقعه ی تکیه ی ابوالمعالی کلباسی، بقعه ی تکیه ی شیخ مرتضی ریزی، و امثالهم که تقریباً در یک وجه تمایز بقعه تکیه بروجردی با بقاع دیگر در این نوع آن است که علی رغم تبعیت از الگوی معماری آرامگاهی، گنبدی بر روی بنا دیده نمی شود. بنابراین سقف بنا عریض، ساده و بدون تزئین است. نوع و شیوه کاربرد مصالح مهم ترین عاملی است که بنا را جلوهی خاص می بخشد و زیبایی مضاعفی به آن می دهد.

بیش ترین مصالحی که در بقعه به کار رفته آجرهای مربع ۲۰ سانتی متری است که به عنوان متداول ترین ابزار جهت بالا بردن اضلاع و ابعاد بقعه به کار رفته و در هر

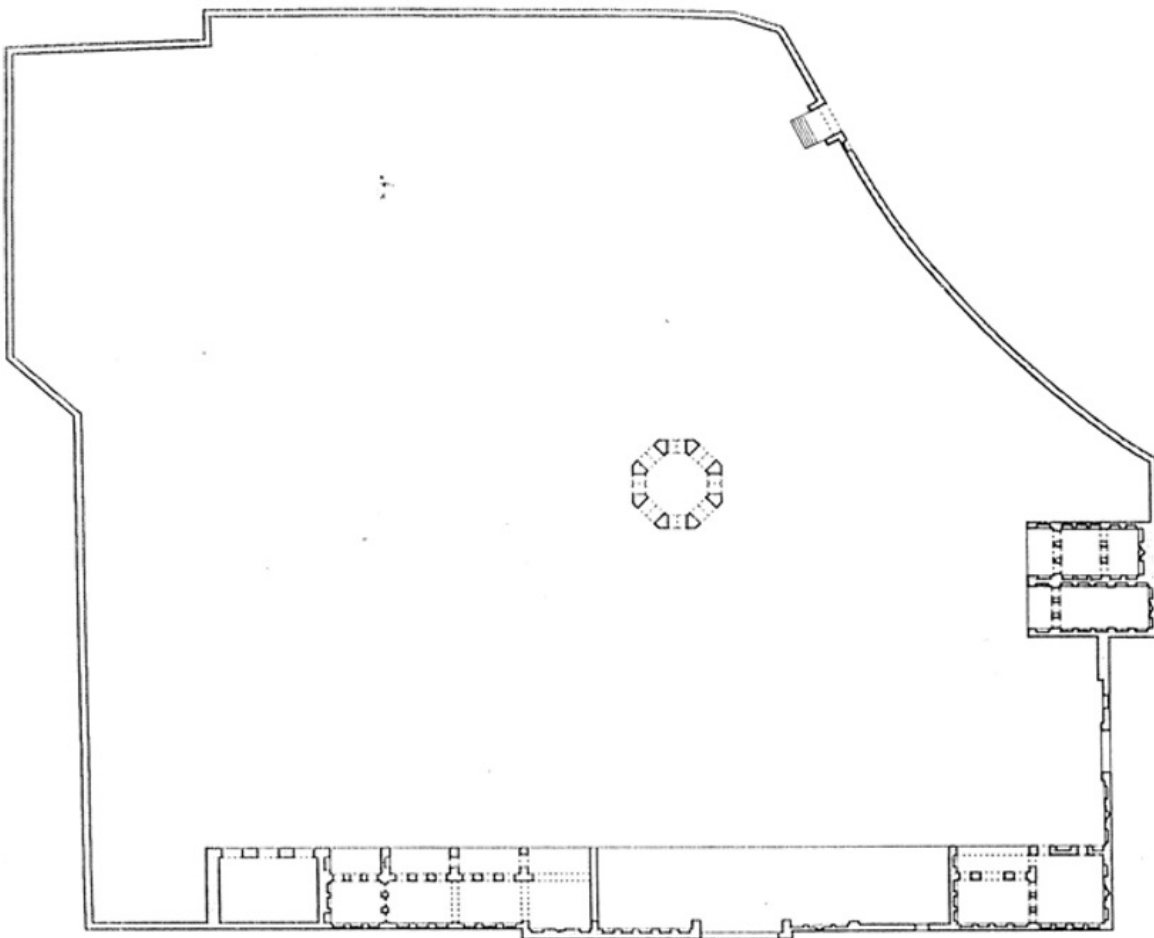
دهانه پنجره های مشبک آجری آن علاوه بر زیبایی بنا سبب ارتباط بین محیط درونی و بیرونی، تهویه هوا، ایجاد محیط معنوی، تعدیل رطوبت و تأمین نور داخل بقعه گردیده است.



پلان بقعه بروجردی مقیاس ۱/۵۰



هرکدام از اضلاع بقعه یک نیم طاق و جمعا هشت نیم طاق است اندازه های طول ۴۱۰ سانتی متر و عرض ۱۹۰ سانتی متر می باشد. کف بقعه ۷/۶۰ طول و ۷/۶۰ عرض می باشد و فاصله از کف تا سقف ۴/۷۰ سانتی متر است. بقعه بر روی هشت ضلعی و از کف صحن تکیه ۶۰ سانتی متر بالاتر قرار گرفته است.



پلان تکیه بروجردی

### جنس و نوع سنگ قبور

نوع سنگ قبور نیز با توجه به شهرت و مکنت و اهمیت متوفی متفاوت است ضمن اینکه به علت کثرت و کاربرد زیاد سنگ آهکی خاکستری در انواع مختلف، بیشتر سنگ قبور یک جنس می باشد.

مزار انسان پیش از آنکه گویای مرگ وی باشد نشانه‌ی زندگی زیرا که مرگ میوهی حیات بخش از زندگی و کوچکتر از آن است. (۱)





تصویر



---

۱- هوشنگ پور، کریم: سنگ مزارهای ایران، ص ۲۹.

نقوش موجود بر روی سنگ مزارها آلبوم بی نظیری از نقوش تزئینی و نماد می باشد. و این نقوش با زیبایی و ظرافت تمام حجاری شده و بیانگر هنر و سبک های جامعه می باشد. سنگتراشان بر سنگ قبور علاوه بر ثبت اطلاعاتی در مورد متوفی و حرفه او و اشعار و ماده تاریخ فوت آن شخص، به تناسب رابطه بین جنس، سن، حرفه و عقاید و شهرت متوفی، نقوش را بر روی سنگ حک می کنند.

سنگ قبور این تکیه فقط دارای نقوش تزئینی است و گاه تزئین حالتی نمادین در قاب های هندسی و مضلع، پائین سنگها نقوش برگرفته از طبیعت مثل گل بوته و مواردی از این قبیل است. نقوش مهر و تسییح، شانه و مهر نیز نمادی از تدین و تقد به دین و پاکی و آراستگی بوده است. گل و برگ درختان نشان سبزی و زندگی است با توجه به آنچه در خصوص نقوش حک شده بر روی سنگ قبور مشاهده می شود می توان گفت بخشی از اسناد بسیار مهم در بررسی و پژوهشی پیرامون اندیشه، فرهنگ، هنر و جامعه شناسی مردم اصفهان در طی سده های گذشته، توجه به سنگ قبور موجود در تخت فولاد، حائز اهمیت می باشد.

## ماده تاریخ ها

تخت فولاد عرصه ای از تجلی شعر و ادب بویژه در زمینه ی ماده تاریخ است. در بررسی هایی سنگ قبور بزرگان مدفون در تخت فولاد اشعاری سروده شده که ماده تاریخ فوت آنها نیز در ضمن آن آمده است و نمونه اشعار بسیاری از ادبا و شاعران و خصوصاً در زمینه ی ماده تاریخ در دل سنگ قبور و کتیبه های موجود در تخت فولاد می باشد.

از جمله اینها ماده تاریخ های موجود بر روی سنگ قبور تکیه بروجردی است که ماده تاریخ هایی از شاعران و ادیبان اصفهانی همچون عبد الجواد خطیب، میرزا حبیب الله نیر، سید رضا بهشتی نژاد متخلص به «دریا»، معرفت، سالم، مرتضی

اشتری، صغیر اصفهانی، شکیب، صفایی، فضل الله خان اعتمادی (برنا)، نوا، رها، مشفق، پیمان و دیگر شاعران، موجود است.

در زیر به برخی ماده تاریخ هایی که بروی سنگ قبور تکیه دیده می شود اشاره می کنیم.

میرزا باقر زاهدی، فرزند شیخ اسدالله، فوت ۲۱ ذی الحجه ۱۳۶۷ ه. ق.

صد حیف که این عزیز مصر فردوس

مخفی شده گنج عز و نصر فردوس

لیکن دو هزار شکر شد برخوردار

از نعمت بی شمار و حصر فردوس

«تیر» پسی سال فوت آن شکر گزار

بشنید ندای صبح و عصر فردوس

سر کرد برون چو طوطی طبعش گفت

«شد باقر زاهدی بقصر فردوس»

۱۳۶۷=۹-۱۳۷۶

میرزا حسن بصیری، فرزند میرزا اسماعیل، فوت ۱۳۷۷ ه. ق.

دریغ از بصیری که آن محترم

شداز نیک نامی بعالم علم

حسن نام نیک اختر و خوش خصال

نکورای و فرخ فرو پاکدم

ز راه صفا وادی سعد را

به هم برد اندر طواف حرم

چو اصحاب خاص رسول امین

به لب داشت ذکر خدا دم بدم

اجابت نمود ارجعی تا شنید

به گوش دل از قادر ذوالکرم

شکیب از وفاسال تاریخ او

کند تا که در ماه شعبان رقم

زبان سر در آورد در جمع و گفت

بصیری به خلد برین زد قدم

ص: ۳۰



سید حبیب الله بشارت، فرزند سید حسین بشارت، فوت ۱۳۹۰ ه.ق.

جهان چون وادی سر در نشیب است

که در هر گام آن دام فریب است

ره بیرون شدن زین دامگه نیست

و گر باشد همان صبر و شکیب است

علاج مرگ رانتوان نمودن

که بیرون از مداوای طیب است

خوش آن مقبل که بهر راه عقبی

مر او را توشه ی طاعت نصیب است

چو آن «سید حبیب الله» بشارت

که فارغ بال در یوم الحسب است

بتاریخش چو پا بنهاد «دریا»

چنین گفتا «بشارت با حبیب است»

۱۳۹۰

حاج اسماعیل حبیبیان فرزند میرزا یوسف خان، فوت پنجم مرداد ۱۳۴۹ ش.

دل بر جهان میند و به مال و منال آن

زیرا که جاودان نبود عمر در جهان

غیر از خدای قادر یکتای لایزال

در این جهان هر آنچه بود نیست جاودان

بنگر چگونه دست اجل روز شب کند

پنهان بقعر گور گهی پیر و گه جوان

همچو حبیبیان که بمرداد مه اجل

در زیر خاک تیره نمودش زمانهان

ص: ۳۱

مردی که بود در همه حال از نهاد پاک

خندان لب و فروتن و خوش خو و مهربان

مردی که از طریق موذت زخوی خوش

با مرگ خود نمود غمین اهل اصفهان

چون او ندای ارجعی از سوی حق شنید

از این جهان بعالم جاوید شد روان

«برنا» بشمسی از پی تاریخ فوت گفت

«روح حبیبان ز جهان رفت بر جان»

میرزا ابراهیم خان ماهتاب فرزند غضنفر خان کیخسروکیانی، فوت شنبه هشتم اسفند ۱۳۸۵ ش. ستوده خان لقب ماهتاب ابراهیم

که بود صاحب خط نکو و خوی سلیم

نخست وارد فرهنگ شد سپس ارتش

ولی گرفت در آخر به انزوا تصمیم

چو بود منزوی و گوشه گیر و دور از خلق

بکنج خلوت و عزلت مدام بود مقیم

برید رشته ی مهر از علایق دنیا

نداشت در دل خود حرص مکنّت و زر و سیم

بگوش جان چو شنید ارجعی زحی غفور

شد از جهان و به جانان نمود جان تسلیم

چو بود در دل او مهر احمد و آتش

گرفت جام زساقی کوثر و تسنیم

رقم نمود بشمسی وفات او «برنا»

«بصحن خلد دهد حق مقام ابراهیم»

۱۳۴۵

امان الله اعتمادی فرزند علی، فوت دوم آبان ۱۳۳۴ ش.

بگردش فلکی سال بگذرد هم ماه

بیاطنش نگری نیست غیر ناله و آه

بخواب غفلت رفتیم و خواب خرگوشی

ز حرص و آرز که ناگه اجل رسید از راه

زبی وفایی دنیا همین دینت بس

که از نظر شد این نیک مرد کار آگاه

هزار حیف از این معدن فتوت و قدر

برفت و نام نکو را گذاشت در افواه

اگرچه کوب عمرش ز روشنایی کاست

ولیک برد ز اعمال خیر خود همراه

سبکتگین زبی فوت اعتمادی گفت

مرام قرب کنون یافته امان الله

۱۳۳۴

میرزا احمد لاهیجی فرزند میرزا عبدالحسین، فوت ۲۵ آذر ۱۳۳۵ ش.

در گلستان باز باد سرد پاییزی روان شد

باز هر برگ گلی بازیچه ی باد خزان شد

ص: ۳۳

نی همین باد خزان شد آفت گل‌های گلشن

دست بیداد اجل هم آفت پیر و جوان شد

چونکه باید مرد ناچار ای خوشا آنکس که عمری

پاکباز و بی نیاز و کارساز و کاردان شد

همچنان این مرد باتقوی که در میدان گیتی

در پناه خیر و احسان از بدیها در امان شد

خواست تاریخ وفاتش را نواگوید بشمسی

کلک مسکینش بیاد روح او عنبر فشان شد

پس زجمع مصرع آخر یکی کم کرد و گفتا

احمد لاهیجی نیکو سیرت جنت مکان شده

۱۳۳۵

محمد سالم فرزند محمد کریم، فوت پنجم رجب ۱۳۷۵ ه. ق.

چونکه زهجرت گذشت سیصد بعد هزار

بسال هفتاد و پنج ماه رجب

آنکه محمد بدی نام گرامی او

آنکه در این دهر بود سالم او را لقب

امت خیر الانام محمد مصطفی

شیعه ی خاص علی خدیو ملک عرب

دارفنا را وداع نموده وی درگذشت

ز بعد هشتاد سال کسب کمال و ادب

نداشت از دوستان دریغ او لطف و مهر

به دشمنان می نمود رأفت جای غضب



شنید چون ارجعی جواب لیبک داد

آنکه به ذکر خدای می بودی روز و شب

«وافی» آزرده دل گفت به روز جزا

یارب او را ببخش به خسرو تشنه لب

حاج پرویز دیانی فرزند حاج علی اکبر دانی، فوت ۲۳ آبان ۱۳۸۸ ش.

با تصادف روبرو شد مرد مؤمن ناگهان

آنکه بودی خیر خواه خلق پیدا و نهان

حاج پرویز آنکه شهرت داشت دیانی و بود

راستی مرد شریف و پاک دین و مهربان

بود بس خوش خلق و نیکوسیرت و روشن ضمیر

بهر سوگ او شده غمگین تمام دوستان

داشت مهر چهارده معصوم را بردل که شد

میهمان در خلد نزد خاتم پیغمبران

سال فوتش را «رها» شمسی باین عنوان نوشت

سیصد و پنجاه و هشت با الف ای دانا بخوان

همایون میرزا امیر ارفع مسعود فرزند ظل السلطان، فوت یکشنبه غره رمضان ۱۳۷۱ ه.ق. برابر با چهارم خرداد ۱۳۳۱ ه.ش.

هر کس که دلی لبریز دارد ز غم دلبر

شاید که برافزاد از فخر بگردون سر

آنکس که نمی سوزد از آتش عشق یار

تاریک بود جاننش چون چهرهی خاکستر

گویند اگر عاشق در عشق بود صادق  
از چرخ بهم باشد در مرتبه والاتر  
عشقی که دل و جان را آرام و قرار آرد  
آن مهر علی باشد غم سوز و نشاط آور  
شهزاده امیر ارفع مسعود همایونفال  
با مهر علی عمری بگذاشت ز پا تا سر  
از شمع جمال او خود سوخت چو پروانه  
وز شوق وصال او بگشود بجنت پر  
شهزاده ی خرم جان پیوست چو باجانان  
تاریخ ورا کیوان چون خواست نویسد بر  
در جمع یکی بگذاشت آنگاه چنین بنگاشت  
جان داد امیر ارفع با دوستی حیدر  
 $۱۳۷۰ + ۱ = ۱۳۷۱$

بانو طلعت ترابی فرزند حاج محمود معمار، فوت ۲۵ آذر ۱۳۹۱

دریغ و درد ز جور سپهر کج رفتار  
که خون کند دل خلق زمانه را بسیار  
بیاغ دهر برومند چون درختی شد  
ز تندباد اجل ریشه کن شد یک بار  
مبند دل به جهان گر تو صاحب خردی  
که دوستی نشناسد زمانه ی غدار  
نشست باغم و اندوه گرد غصه و آه  
به خاندان ترابی زچرخ بی مقدار





اجل رسید ز در «طلعت ترابی» را  
گرفت دامن و برد از میانه اش یک بار  
بدانکه دختر مرحوم حاج محمود است  
که بوده اند پدر در پدر همه معمار  
به غیر مهر و محبت نکرد او کاری  
ز دست او نرسیدی به هیچ کس آزار  
قرین رحمت حق روح پرفتوحش باد  
که تا شود زبرایش مزار همچون گلزار  
چو «معرفت» شدم از سال فوت او جویا  
نمود هاتفی از غیب این چنین اظهار  
که رفت بهجده ماه رجب بیاغ جنان  
بسال سیصد و هشتاد و یک ز بعد هزار

سید محمد حسین احمدزاده، فوت ۲۸ ذی القعدة ۱۳۸۸ برابر با ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۷ فرزند سید احمد مارنانی.

نباید دل به دنیای دنی بست  
که هر کس بست جان خویشتن خست  
خوشا حال توانایی که غافل  
ز حال زار امانش نیست تا هست  
چو احمدزاده آن مرد نکونام  
که بگرفتی ز پافتادگان دست  
که نام و حسن خلق و حسن خوی  
چنین نقاش قدرت نفس اوست  
قفس را مرغ روح پرفتوحش

... آخر ذیقعدہ بشکست

صغیرش از پی تاریخ رحلت

بسی کوشید چون از قید تن رست

برون آورد سر دانایی و گفتا

که بر جد خود احمدزاده پیوست

۱۳۸۸

ص: ۳۷

حاج آقا محمد خسروی فرزند وکیل علی تخت فولادی فوت پنج شنبه ۲۱ اسفند ۱۳۳۱.

حاجی محمد آقا آن گو به اصفهان

مشهور بد به خسروی و بود پاک جان

غیر از صفا و صدق و محبت و نبوغ خویش

از او ندیده بود کسی اندر این جهان

مهر و ولای آل علی داشت چون به دل

شد باولای حیدر کرار در جنان

از مرگ او به ناله و افغان قرین شدند

جمعی زدوستان و به تاریخش آن زمان

بنهاد پازجمع برون مشفق و گفت

بگزید خسروی ز ولا در جنان مکان»

اسماعیل ماهر التّقس، فرزند حاج اسدالله معمار، متوفی ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ ش.

دریغ از «ماهر التّقس» آن نکونام

که با نام نکو گردید ناکام

به نقش بر عمل چون بود ماهر

از آن شد ماهر التّقس» نکونام

زحق تا ارجعی بشنید غافل

به آهنگ سفر بنمود اقدام

بهشتی گشت «اسماعیل» مرحوم

بشرع احمد آیین اسلام

چو اردیبهشت آن سرو آزاد

خزان شد آن نوبهارش نابهنگام

«شکيب» از بهر تاريخ وفاتش

رقم بنمود با صدگونه آلام

هزار و سيصد و چل بود بانه

که روحش در جنان بگرفت آرام

۱۳۴۹

ص: ۳۸

استاد رضا نقاش فرزند براتعلی، ۲۹ شهریور ۱۳۲۸.

رضا آنکه از کلک سحر آفرین

گرو بدی از نقش بندان چین

دو صد نقش بستی بیک نیمدم

ز حسن عمل در خور آفرین

ز فکرت بکف چون گرفتگی قلم

زدی نقش بر لوح ماء معین

چو بنهاد پا بر سر این جهان

شد اندر جنان همدم حور و عین

چو در ماه شهریور آن نیکنام

خزان شد بهارش باه و انین

پی سال تاریخش از بحر دل

بدست آورم تا که دری ثمین

یکی سر در آورد در جمع و گفت

بدریای رحمت رسید از یقین

۱۳۲۸

آقا سید علی بروجردی طباطبایی فرزند عالم زاهد سید محمدباقر بروجردی، متوفی شب شنبه ۲۰ ذی الحجه ۱۳۸۹ ه. ق. برابر با ۱۲ فروردین ۱۳۶۹ ه. ش.

چون قمر با برج عقرب شد به فروردین قرین

با پیام ارجعی آمد زمین روح الامین

چون شنیدی ارجعی لبیک گویان پرگشود

شد سوی طوبی بر جدش امیر المؤمنین

شاخه ای از نخل بستان بروجردی شکست

شاخهای دیگرش در حفظ خیر الحافظین

آه از فقدان آن مرد خردمند خلیل

بهر صیدش کرد گرگ تیز چنگالی کمین

زد رقم کلک کمال الدین بسال فوت او

با خلوص نیت اندر بیت نغز آخرین

ص: ۳۹

اهل او آمد برون و آه آه از دل کشید

«میرزا سید علی شد سوی فردوس برین»

محمد ابراهیم شیرازی فرزند لطفعلی خان سرتیپ، متوفی ۳ اسفند ۱۳۳۷.

ای دریغ از فتنه ی دور زمان

که نباشد کس ز جورش در امان

رنجه سازد خاطر شاه و گدا

پنجه بر می تابد از پیر و جوان

ای خوش آن آزادهی روشندلی

که نبند... دل بر جهان

چند روز عمر را مرد خدای

با خدای خود شود همداستان

حاجی ابراهیم خان هم سالها

در طریق بندگی داد امتحان

نیمه ی شعبان به امر کردگار

روح پاکش از جهان شد بر جنان

در هزار و سیصد و هفتاد و هشت

شد بهشتی حاجی ابراهیم خان

هم بابجد سال فوتش را نوا

خواست از مجموع فکر و بیان

پیکی از مجموع خارج گشت گفت

«سوی حق شد حاجی ابراهیم خان»



استاد علی رشتیان، وفات ۳۱ فروردین ۱۳۹۳ ه. ش.

آه ک ه این نقشبند چرخ فسونکار

کرده مرا مات همچو نقش به دیوار

کلک قضا آنچه طرح ریخت به گیتی

بود همه رنگ و بو و فتنه و آزار

هر گهری تابناک دیدوگراسنگ

برد و نهان کرد زیر سنگ گرانبار

ص: ۴۰

چون علی رشتیان که بود هنرمند

ن امور و چیره دست در هنر و کار

گشت چو طی شصت و هشت سال از عمرش

دفتر هستیش درنوشت چو طومار

خامه ی «دریا» نوشت بهر وفاتش

«نقش علی پایدار ماند در این دار»

ص: ۴۱







میرزا ابوالحسن بروجردی فرزند مرحوم حاج سید علی طباطبایی بروجردی، عالم فاضل زاهد، از علما و مجتهدین بزرگ و مدرّسین اصفهان و امام جماعت مسجد پاشیر در کوشک و مدرّس مدرسه ی درب کوشک بود که از این رو به در کوشکی معروف گردیده بود.



آیه الله میرزا ابوالحسن بروجردی

وی از سادات جلیل القدر طباطبایی بروجردی است که نسب ایشان به حضرت مجتبی سبط اکبر (علیه السلام) می پیوندد. این خاندان ابتدا در زواری اصفهان ساکن بودند و سپس به بروجرد مهاجرت کردند. در زمان سلاطین صفویه به اصفهان منتقل شده و پس از انقراض سلطنت صفوی و در پی فتنه ی افغان و بی سروسامانی اصفهان و متلاشی شدن امور، اهل علم و دیگران با جمیع افراد خود و عده ای از منتسبین به نجف مهاجرت نمودند سپس اولاد میر سید علی بن سید محمد به اصفهان و عده ای از اولاد سید مرتضی بن سید محمد در بروجرد سکنی گزیدند و عده ای دیگر از آنان در نجف باقی مانده و با این بیان سلسله طباطبایی بروجردی به سه شعبه تقسیم شده اند.

از بزرگان این خاندان مرحوم آیت الله العظمی سید حسین طباطبایی بروجردی، پیشوای عظیم القدر است که دوران سراسر افتخار زندگانی او می تواند الگوی زندگی ما باشد و مرگش سبب توجه دنیای مادی گری به عالم روحانیت و اسلام گردید.

همان طور که گفته شد از اولاد سید محمد بن سید عبدالکریم، مرحوم سید علی به اصفهان آمد و مدتی ریاست علمیه و دینی این شهر را با همه عظمت آن و اینکه اصفهان دار العلم و مرکز تجمع علما نامدار بود به ایشان محول گردید.

از معاریف سادات بروجردی اصفهان عالم ربانی و فقیه محقق آیت الله حاج میر سید علی فرزند سید عبدالکریم فرزند سید علی می باشد. وی که یکی از علماء مبرز زمان خود بود در بروجرد متولد و نشأت گرفت و مقدمات علوم عربی و فنون ادب را نزد علمای بروجرد فراگرفت و فقه و اصول را از حوزه درس شیخ ملا اسدالله بروجردی (متوفی ۱۲۷۱ ه. ق.) بهره مند گشت و پس از فوت استاد مذکورش به اصفهان آمد و مدارج عالی تر را در حوزه ی درس حاج محمد جعفر

آبادهای، شیخ محمد مهدی کلباسی و سید اسدالله شفتی بیدآبادی و دیگران پیمود و در فقه و اصول از علمای عصر خویش گردید و در مسجد در کوشک به تدریس و امامت پرداخت.

از تألیفات وی کتاب شرح بدایه الهدایه شیخ حرّ عاملی می باشد. مرحوم سید علی بروجردی در شب پنجشنبه دهم ربیع الاول ۱۳۰۶ ه. ق. فوت و پیکرش را در بقعه تکیه خوانساری ها در طرف بالا سر ملا حسینعلی تویسرکانی دفن نمودند. (۱)

### فرزندان

از فرزندان سید علی بروجردی یکی مرحوم سید محمدباقر بروجردی است که جابری انصاری درباره او می نویسد: فرید عصر و نظر به اخلاق کریمه مورد توجه عامه و خاصه و دولت آن زمان و مقرب نزد ظلّ السلطان که اوامر ایشان را بی شائبه همه کس می پذیرفت. (۲) وی در ۲۲ رجب ۱۳۴۰ ه. ق. فوت و در تکیه‌ی حاج آقا مجلس (خادم الشریعه) در تخت فولاد به خاک سپرده شد.

دیگر فرزند وی، میرزا مهدی بروجردی است که در جوانی و زمان حیات پدر بزرگوارش به سال ۱۳۰۶ ه. ق. فوت و در بقعه‌ی تکیه‌ی خوانساری مدفون گردید. (۳)

### تحصیلات

سید ابوالحسن بروجردی پس از دوران کودکی تحت تربیت پدر دانشمند خود قرار گرفت و سپس از محضر علمای دیگر بهره مند گردید که برخی از اساتید ایشان عبارتند از:

ص: ۴۷

---

۱- آقابزرگ تهرانی: نقباء البشر، جلد چهارم، ص ۱۴۷۰ مهدوی: تاریخچه شهر سامرا، ص ۱۱۵.

۲- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۱۵.

۳- گزی، عبد الکریم: تذکره القبور، ص ۲۳۳.



۱-عالم کامل سید مهدی نحوی (متوفی ۱۳۰۷.ق.)

۲-آیت الله میرزا بدیع درب امامی (متوفی ۱۳۱۸.ق.)

۳-علامه میرزا محمدباقر چهارسوقی (صاحب روضات) (متوفی ۱۳۱۳.ق.) (۱)

۴-میرزا محمدحسن نجفی هزار جریبی (متوفی ۱۳۱۷.ق.) (۲)

۵-علامه میرزا محمدهاشم چهارسوقی (متوفی ۱۳۱۸.ق.) (۳)

مجاز از ایشان. وی همچنین پس از سالها تلاش در حوزه علمیه ی نجف اشرف به مقام اجتهاد و فضیلت نایل آمد و به اصفهان بازگشت و مورد احترام و تجلیل بزرگان شهر واقع شد. وی سالها مردم را در منبر موعظه و ارشاد می فرمود و عموم مقدسین اصفهان ارداتی زایدالوصف به ایشان داشتند.

### تدریس

وی علاوه بر امامت جماعت مسجد در کوشک در آن مکان تدریس نیز می نمود و طلاب و فضیلتی زیادی از محضر پر فیض او بهره مند گردیده اند که از جمله می توان به حضرات آیات و حجج اسلام ذیل اشاره نمود:

۱- سید ابوالقاسم موسوی فریدنی مشهور به امیر شاه کرمی (متوفی ۱۳۸۶.ق.)

۲- سید محمدباقر نحوی (متوفی ۱۳۵۰.ق.) مجاز از ایشان

۳- سید ریحان الدین مهدوی (متوفی ۱۳۹۹.ق.)

۴- شیخ محمدابراهیم کلباسی (متوفی ۱۳۹۲.ق.) مجاز از ایشان

۵- میرزا محمد حسن تفضلی بروجردی (متوفی ۱۳۱۸.ق.)

ص: ۴۸

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، تحقیق و اضافات رحیم قاسمی، محمدرضا نیلفروشان، ج ۱، ص ۱۵۲.

۲- کرباسی زاده اصفهانی، علی: نگاهی به آراء و احوال حکیم مدرس اصفهانی، ص ۷۸.

۳- نقباء البشر: ج ۱، ص ۴۰.

همچنین مرحوم آیت الله سید شهاب الدین مرعشی (متوفی ۱۴۱۸ ه.ق.) (۱) از ایشان اجازه نقل حدیث دریافت داشته است.

## اجازه آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی به سید محمد باقر نحوی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الذي رفع درجات العلماء وجعلهم ورثة الانبياء و اقامهم بالقيام مقام الاوصياء و فضل مدادهم على دماء الشهداء والصلوة والسلام على نبيناخاتم النبيين محمد المحمود بألسنه المخلوقات اجمعين و على آله الطاهرين المعصومين الذين هم حجج الله على اهل السموات والارضين و رحمه الله و بركاته ورضوانه على كبرائنا الماضين من علمائنا الأخبار و فقهائنا السابقين اساطين الدين المبين و لعنه الله على اعداء آل محمد عليهم السلام و مخالفهم و ظالمهم و غاصبي حقوقهم الى قيام يوم الدين.

و بعد فلما كان اشرف الامور و اجلها و احسن الاشياء و اكملها و افضل ما يوجد في عالم الامكان و اعزها جوهره العلم و المعرفه و الصعود الى مراتب الفضل و الكمال لا سيما ما يتعلق منها بالعلوم الشرعيه و الاحكام الالهيه التي هي وسيله النجاه في امور المعاش و المعاد و كان من من الله تعالى عليه بسلوك هذه المسالك و التصدي لاستخراج جواهر المطالب بذهنه الصائب و فكره الثاقب عمدته الأفاضل الكرام و نخبه العلماء الفخام الآقا سيد محمد باقر المشهور بالنحوي ادام الله تعالى بقائه و فضله نجل المرحوم العالم الماهر والفاضل الكامل فقيه عصره و فريد دهره استادنا المعظم الآقا حاج سيد مهدي المعروف بالنحوي اعلى الله مقامه الشريف فانّ جنابه من جمله العلماء الراسخين و صاحب القوه القدسيه الملكوتيه مترقياً من

ص: ۴۹

حضيض التقليد الى اوج الاجتهاد فحمدت الله سبحانه من جهة وصوله الى هذه الدرجة الرفيعة و بلوغه الى هذه المرتبة الشريفة و أجزت لجنابه  
دام علاه أن يروى

عنى كلما صحت لى روايته من الاخبار المرويه عن خزائن العلوم الزبانيه و مهابط الفيوضات الالهيه و كتب علمائنا الأبرار فى التفسير والادعيه  
والفقه والاصول سيما الكتب الأربعة المشهوره فى الاعصار الكافى والفقيه والتهذيب والاستبصار والكتب الثلاثه المتأخره الجامعه لما فى الاربعه  
و غيرها الوافى والوسائل و بحار الانوار أسكن الله مصنفها جناتٍ تجرى من تحتها الأنهار بواسطه مشايخى العظام و أساتيدى الاعلام أعلى الله  
منزلهم فى دار السلام منهم العالم الماهر الكامل المؤيد علامه المتأخرين و خاتم المجتهدين سيد العلماء والمحدثين مروج العلم و العمل  
استادنا المكرم الآقا ميرزا محمد هاشم الخوانسارى المتوطن فى اصفهان والمدفون فى دار السلام قدس الله تعالى روحه عن شيخه الاعظم قدوه  
المحققين و اسوه المدققين محيى مراسم الأولين والآخريين مروج الشريعه و حافظ الطريقه فخر العلماء الاعلام رئيس المجتهدين الشيخ مرتضى  
الأنصارى الدزفولى نورالله روحه فى الجنان عن العلامة التحرير صاحب المقامات العاليه زبده الفقهاء الرشدين و قدوه العلماء الراسخين الفاضل  
المحقق المدقق مولانا احمد النراقى الكاشانى رفع الله درجته عن سيدنا الاجل الافخم البحر المحيط برهان أهل الحق و اليقين ناموس شريعه جدّه  
سيد المرسلين مطاع الفريقين قدوه العباد و الزهاد السيد محمد مهدى الطباطبائى النجفى المعروف ببحر العلوم نورالله مرقده الشريف عن استاد  
الاساتيد خاتم المجتهدين فخر المتأخرين مروج مذهب الاماميه ع المله والدين الآقا محمد باقر البهبانى أعلى الله درجاته فى جنات النعيم عن  
والده العالم الجليل الأفضل الأورع المولى محمد اكمل أعلى الله مقامه عن العلامة المجلسى نورالله مرقده الشريف بجميع طرقه المذكوره فى  
اجازات البحار و غيرها المتصله الى أرباب العصمه و ولاه الأئمه صلوات الله عليهم أجمعين الى يوم القيامه فله دام

فضله ان يروى عنى بالطريق المذكور و اسئله دام توفيقه و فضله الاخذ بالاحتياط فى جميع الأقوال و الأفعال و ان لا ينسانى من صالح الدعاء فى جل الاوقات سيما فى الاسحار و عقيب الصلوات حرره الأقل الآثم الجانى ابوالحسن ابن المرحوم المغفور الأفا حاج مير سيد على الطباطبائى البروجردى نورالله مرقدته الشريف فى شهر رجب المرجب من سنه ١٣٦٧. (١)

### ميرزا ابوالحسن بروجردى از نگاه ديگران

١- حاج ميرزا حسن خان جابرى انصارى (١٢٧٨-١٣٧٦ه.ق.)

آن بزرگوار به علم و عمل و محسنات اخلاقى آراسته و نظر به اوصاف حسنه، خداوندش عزت فوق العاده و محبوبيت عامه به ايشان مرحمت فرموده در اوایل مشروطه که در انجمن ولايتى علمای بزرگ آقا نجفى و غيرهم آمده منظوقات ايشان الحق مورد تحسين همگان مى شد. (٢)

٢- سيد مصلح الدين مهدوى (١٣٣٤ - ١٤١٦ه.ق.)

حاجى ميرزا ابوالحسن بن حاج ميرزا سيد على طباطبايى بروجردى اصفهانى زبدهى ارباب تحقيق الفاضل العالم الربانى و الزاهد الورع السبحانى العالم الثانى فخر الفقهاء والمجتهدين حجه الاسلام والمسلمين عالم فاضل كامل و محقق جامع مرجع جميع فضلاء در اين اواخر وجود ايشان بود در زمان حيات و پس از فوت تاکنون در مقام ايشان احدى زبان بقدرح نگشود بلکه همگان وى را به علم و عمل مى ستايند. در مسجد درب كوشك امامت مى فرمود و هم در آنجا مجلس تدريس داشت و بيشتراز حاضرین مجلس درس آن جناب افاضل بودند. (٣)

ص: ٥١

---

١- يادداشت هاى مرحوم مهدوى: مخطوط

٢- جابرى انصارى: تاريخ اصفهان، ص ٢٩٠.

٣- يادداشت هاى مرحوم مهدوى: مخطوط .

از علما و مدرسین و ائمه جماعت معروف اصفهان بود و مردم به او وثوق بسیار داشتند»<sup>(۱)</sup>.

### فعالیت های سیاسی و اجتماعی

در حوادث سیاسی عصر مشروطیت عده ای از علمای اصفهان که موافق مشروطه ی مشروعه بودند نیز شرکت کردند و با صدور بیانیه و سخنرانی در مجالس مختلف، حمایت خود را از مشروطه ی مشروعه اعلام کردند و موجب شدند که نهضت مشروطیت در اصفهان موفق تر از تهران و تبریز به پیش رود زیرا از ابتدا رهبری مردم را روحانیت به عهده داشت و در حوادث بعد از آن نیز با رهبری علما گذر نمودند که از جمله ی این علما مرحوم میرزا ابوالحسن بروجردی بوده است و نام ایشان نیز جزو امضاء کنندگان اعلامیه ی علما در حمایت از مشروطه ی مشروعه می باشد.<sup>(۲)</sup>

چنانکه در انجمن ولایتی اصفهان نیز به حمایت از علمای مشروطه خواه می پردازد. جابری انصاری، که خود از اعضای اصلی این انجمن بوده، درباره ی او می نویسد: «در اوایل مشروطه که در انجمن ولایتی علمای بزرگ آقا نجفی و غیرهم آمده، منطوقات ایشان میرزا ابوالحسن بروجردی الحق مورد تحسین همگان می شد.»<sup>(۳)</sup>

از دیگر فعالیتهای سیاسی مرحوم بروجردی مهاجرت ایشان به همراهی عده ای از علمای اصفهان در سال ۱۳۴۶ ه.ق. به شهر قم در اعتراض به قانون نظام

ص: ۵۲

۱- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان: المآثر و الآثار، جلد دوم، ص ۷۶۸.

۲- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۴۸.

۳- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۲۹۰.

اجباری و برخی از قوانین دیگر و در اصل مخالفت با اساس سلطنت رضاخان (۱) است. این مهاجرت که مدت سه ماه طول کشید سرانجام با پیروزی روحانیت به پایان رسید.

## وفات و مدفن

حاج میرزا ابوالحسن بروجردی سرانجام در صبح روز جمعه هجدهم ذی القعدة سال ۱۳۴۸ ه.ق. مطابق با فروردین سال ۱۳۰۹ شمسی در اصفهان وفات کرد (۲) و پیکر پاکش با تجلیل باشکوهی تا مزار تخت فولاد تشییع کردند و در قسمت های جنوب غربی تخت فولاد مکانی که بعداً به نام خود ایشان به تکیه بروجردی (در کوشکی) معروف گردید به خاک سپردند. در پی خاکسپاری مرحوم بروجردی دل‌های مؤمنین و ارادتمندانش به این مکان متوجه گردید و به برکت مرقد شریف او، بسیاری از علما و فضلا و وعاظ در این محل مدفون گردیدند و بسیاری از مردم عوام و خواص محله در کوشک و محل های اطراف نیز وصیت کردند که پس از فوت در کنار مزار وی به خاک سپرده شوند.

مرحوم مهدوی در مورد فوت وی می نویسد: «ایشان در سال ۱۳۶۸ وفات یافت و در ماتمش محشری بیا گردید». (۳)

مرحوم جابری انصاری در وفات این مرحوم که با فوت آقامیرزا احمد مدرس اصفهانی از اجلهی علما، مقارن بوده (شنبه ۱۱ ذی القعدة ۱۳۶۸ ه.ق.) در ماده تاریخ مشترک چنین سرود

ص: ۵۳

---

۱- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۱۵۳.

۲- معلم حبیب آبادی، محمدعلی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۹۶.

۳- یادداشت های مرحوم مهدوی: مخطوط .

از مقام قاب قوسینی یکی آمد بگفت

بود در معراج احمد بوالحسن یار و رفیق (۱)

عبارت سنگ مزار وی چنین است:

هذا مرقد السيد السعيد العالم الفاضل ملجأ المؤمنين و ملاذ الموحدين، حجت الاسلام و المسلمین الحاج میرزا ابوالحسن بروجردی الطباطبایی الاسلام و الصلوه علیه و علی عباد الله الصالحین و كان وفاته فی يوم الجمعة ثامن عشر من شهر ذی القعدة الحرام من سنه ثلاثه مائه و ثمانیه و اربعین بعد الالف من الهجره النبویه.

### فرزندان و خاندان

میرزا ابوالحسن از همسر گرامی اش صاحب یک فرزند پسر و پنج دختر گردید. پسرش سید محمد بروجردی و دختران گرامی اش همسران آقایان شیخ عبدالعلی قدس نجفی، شیخ محمد ابراهیم کلباسی، (۲) محمد حسن ریاضیات، رحیم شریفیان و اهل البیت

بودند. (۳)



سنگ مزار میرزا ابوالحسن بروجردی

ص: ۵۴

۱- جابری انصاری: تاریخ اصفهان و ری و همه جهان، ص ۳۲۷.

۲- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۹۲.

۳- مصاحبه با آقای ابوالحسن بروجردی نوهی مرحوم آیت الله بروجردی و با تشکر از ایشان که اطلاعات و عکس مرحوم پدر و جد خود را در اختیار نگارنده قرار دادند.



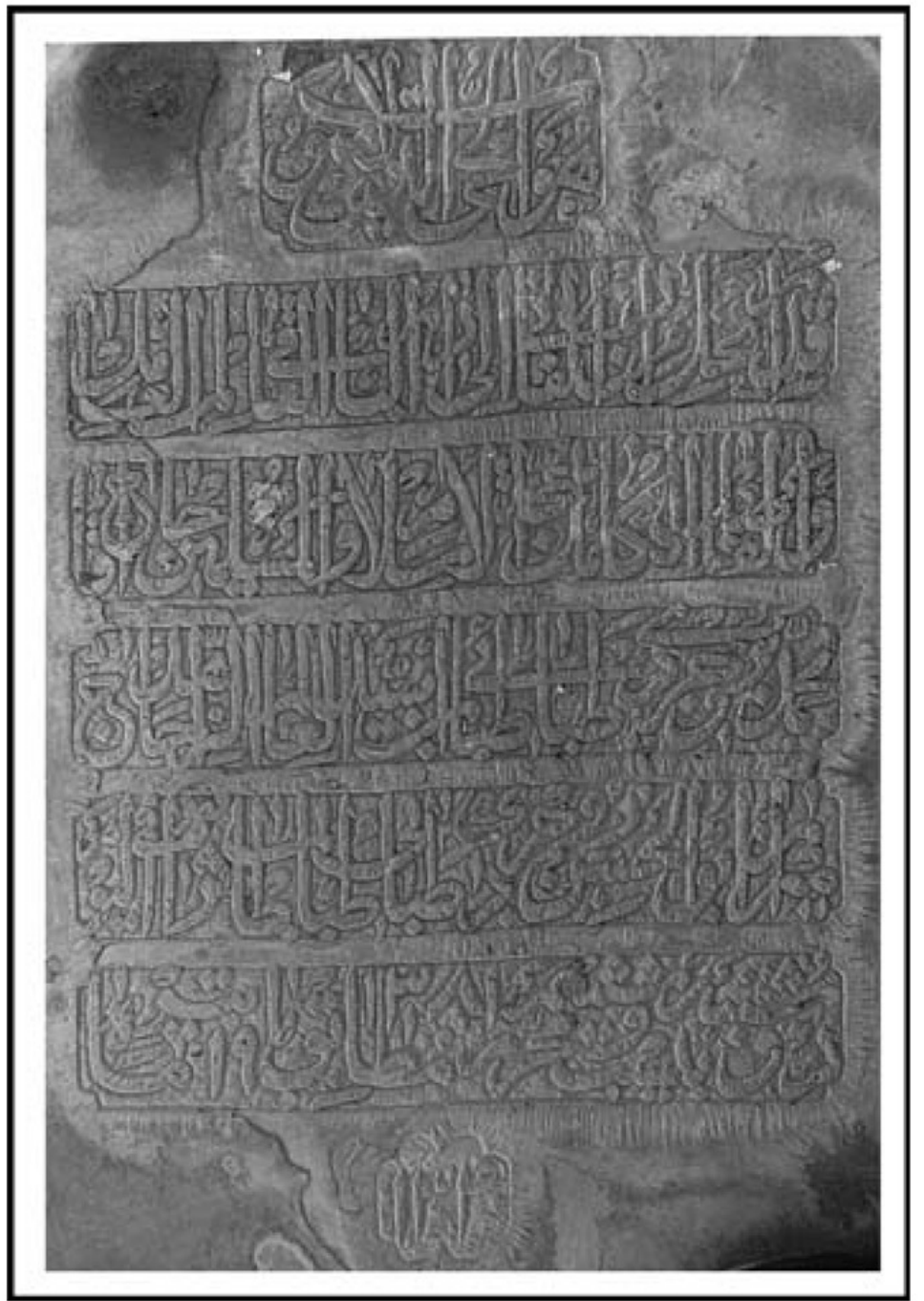
سید محمد بروجردی تنها پسر آیت الله بروجردی در اصفهان به دنیا آمد و پس از فراگیری علوم دینی نزد پدرش و دیگر علمای اصفهان به حوزه ی علمیه نجف اشرف رفت و سالها در آنجا به تحصیل علوم دینی پرداخت.

مرحوم سید محمد بروجردی پس از بازگشت از عتبات عالیات به امور دفتر اسناد پرداخت و سرانجام در روز دوشنبه ۲۶ محرم ۱۳۸۱ ه.ق. برابر با ۱۹ تیر ۱۳۴۰ ه.ش. وفات یافت و در جوار پدرش به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

قد ارتحل من دار الفانی الی دارالباقی العالم العامل و الفاضل الکامل حجه الاسلام والمسلمین حاج آقا محمد بروجردی طباطبایی این سید العالم الزاهد حاج میرزا ابوالحسن بروجردی طباطبایی طاب ثراه فی الیوم دوشنبه بیست و ششم محرم ۱۳۸۱ مطابق با ۱۹ تیر ماه ۱۳۴۰.



سنگ مزار سید محمد بروجردی

او فرزند عالم فاضل میرزا عبدالرحیم (۱) (فرزند شیخ محمدرضا فرزند حاجی کرباسی است. وی در ۱۱ شوال ۱۳۰۲ ه.ق. در نجف اشرف متولد شد و پس از طی دوران کودکی در نجف همراه پدرش به اصفهان آمد و در نزد شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی)، آقا سید محمدباقر درجه ای و آخوند شیخ محمد حسین فشارکی (۲) و میرزا ابوالحسن بروجردی پدر همسرش و حاج شیخ عبدالکریم حائری (۳) به تحصیل علوم پرداخت وی علم معقول را نزد مرحوم آخوند کاشی (۴) فراگرفت، و خود از علما و فقهای بزرگوار گردید.

مرحوم شیخ محمدابراهیم از اساتید خود من جمله آیت الله فشارکی، آقا نجفی و پدر زوجی اول خود مرحوم میرزا ابوالحسن بروجردی اجازه‌ی نقل روایت دریافت کرد (۵).

مرحوم کلباسی دارای اخلاق حمیده و خصال محموده و سخاوت طبع بود و با مردم خصوصا با خویشان و خانواده، جوشش داشت (۶) وی از حدود سال ۱۳۳۵ ه.ق. به تهران مهاجرت نمود و در مسجد محمودیهی تهران امامت جماعت

می نمود. (۷)

ص: ۵۶

- ۱- بنگرید به: مشاهیر مزار علامه ابوالمعالی کلباسی، ص ۱۶۸.
- ۲- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، صص ۹۱ و ۹۲.
- ۳- کلباسی حایری، محمد: خاندان کلباسی، ص ۲۲۵.
- ۴- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۹۲.
- ۵- همان، ص ۹۲.
- ۶- کلباسی حایری، محمد: خاندان کلباسی، ص ۲۲۴.
- ۷- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۹۲.

وی دارای تألیفاتی است که بعضاً عبارتند از: ۱- فوائد السئیه در فقه و غیره ۲- تذکره العظیمیه، در احوال حضرت عبدالعظیم (ع) و بعضی امامزاده های ری و در آخر مختصری از احوال حاجی کرباسی و والد ماجدش آقا میرزا عبدالرحیم کلباسی ۳- رساله ای در بیع و غیره. (۱)

سرانجام این عالم فاضل در پیش از ظهر روز دوشنبه بیستم ربیع الاخر ۱۳۹۲ ه.ق. برابر با ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۲ ه.ش. در تهران وفات کرد و در حرم مطهر شاه عبدالعظیم در نزد مرحوم حاج ملا علی کنی دفن شد. (۲)

مرحوم کلباسی از همسر اول خود، دختر مرحوم بروجردی پسری به نام آقا میرزا محمد مهدی داشت که اهل علم و فضل و منبر و موعظه بود که در جوانی در ماه شوال سال ۱۳۷۳ ه.ق. برابر با سال ۱۳۳۳ ه.ش. در تهران وفات نمود. (۳)

### اجازه آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی به شیخ محمد ابراهیم کلباسی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رفع درجات العلماء وجعلهم ورثه الأنبياء واقامهم بالقيام مقام الاوصياء و فضل مدادهم على دماء الشهداء والصلوه والسلام على نبينا خاتم النبيين محمد المحمود بالسنة المخلوقات اجمعين و على أئمة الطاهرين المعصومين الذين هم حجج الله على اهل السموات والارضين و رحمه الله و بركاته و رضوانه على كبرائنا الماضين من علمائنا الاخبار و فقهائنا السابقين اساطين الدين المبين و لعنه الله على اعداهم آل محمد عليهم السلام و مخالفهم و ظالمهم و غاصبين حقوقهم الى قيام يوم الدين.

ص: ۵۷

۱- همان، صص ۹۳ و ۹۴.

۲- همان: ص ۹۵.

۳- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۹۵.

و بعد كان اشرف الامور و اجلها و احسن الاشياء و اكملها و افضل ما يوجد فى عالم الامكان واعزها جوهره العلم والمعرفه والصعود الى مراتب الفضل والكمال لأ سيما ما يتعلق منها بالعلوم الشرعيه و الاحكام الالهيه التى هى وسيله النجاه فى امور المعاش والمعاد و كان ممن من الله تعالى عليه بسلوك هذه المسالك والتصدى لاستخراج جواهر المطالب بذهنه الصائب و فكره الثاقب جناب المؤيد الممجد المسدد الذكى التقى النقى العالم الفاضل عمدته الأفاضل الكرام و نخبه العلماء

المدقق العلامه مروج الشريعه و حافظ الطريقه فخر العلماء رئيس المجتهدين عز المتقين سمي خليل رب العالمين صاحب المنهاج والاشارات حشره الله مع خاتم النبيين صلى الله عليه و اله فان جنابه من جمله العلماء الراسخين و صاحب القوه القدسيه الملكوتيه مترقيه من حضيض التقليد الى اوج الاجتهاد فحمدت الله سبحانه من جهه وصوله الى هذه الدرجه الرفيعه و بلوغه الى هذه الدرجه الرفيعه و بلوغه إلى هذه المرتبه الشريفه و اجزت لجنابه دام علاه أن يروى عنى كلما صحت الى درايتيه من الاخبار المرويه عن خزائن العلوم الربانيه و مهابط الفيوضات الالهيه و

كتب علمائنا الأبرار فى التفسير و الادعيه و الفقه و الاصول سيما الكتب الأربعة المشهوره فى الامصار الكافى و الفقيه و التهذيب و الاستبصار و الكتب الثلاثه المتأخره الجامعه لما فى الاربعه و غيرها الوافى و الوسائل و بحار الانوار اسكن الله مصنفها جنات تجرى من تحتها الأنهار بواسطه مشايخي العظام و اساتيدى الاعلام اعلى الله منازلهم فى دار السلام منهم العالم الماهر الكامل المؤيد فقيه عصره و فريد دهره علامه المتأخرين و خاتم المجتهدين سيد العلماء والمحدثين الآقا ميرزا محمد هاشم الخوانسارى المتوطن فى اصفهان والمدفون فى دار السلام اعلى الله مقامه الشريف عن شيخه الاعظم قدوه المحققين و اسوه المدققين محيى مراسم الأولين و الآخريين مروج الشريعه و حافظ الطريقه فخر العلماء الاعلام رئيس

المجتهدين الشيخ مرتضى الأنصارى الدزفولى قدس الله تعالى روحه و اكثر فى الجنان فتوحه عن العلامة التحرير صاحب المقامات العاليه زبده الفقهاء الراشدين و قدوه العلماء الراسخين الفاضل المحقق المدقق مولانا احمد النراقى الكاشانى رفع الله در جته عن سيدنا الاجل الافخم البحر المحيط الأعظم برهان اهل الحق واليقين ناموس شريعه جده سيد المرسلين المطاع الفريقين قدوه العباد والزهاد العالم الربانى السيد محمد مهدى الطباطبايى النجفى المعروف ببحر العلوم نورالله مرقدته الشريف عن استاذ الاساتيد خاتم المجتهدين فخر مروج مذهب الاماميه عز المله والدين الآقا محمد باقر البهبهانى اعلى الله درجاته فى جنات النعيم عز والده العالم الجليل الأفضل الأورع المولى محمد اكمل اعلى الله مقامه عن العلامة المجلسى نورالله مرقدته الشريف بجميع طرقه المذكوره فى اجازات البحار و غيرها المتصله الى ارباب العصمه و ولات الائمه صلوات الله عليهم اجمعين الى يوم القيمة فله دام فضله ان يروى عنى بهذا الطريق و اسئله دام توفيقه الاخذ بالاحتياط فى جميع الأقوال و الافعال و ان لا ينسانى من صالح الدعاء فى جل الأوقات سيما فى الاسحار و عقيب الصلوه. حرره الاقل الجانى ابوالحسن بن المرحوم المغفور المبرور الحاج مير سيد على الطباطبايى البروجردى نورالله مرقدته الشريف فى شهر ذى القعدة من سنه ١٣٤١. (١)

ص: ٥٩

---

١- كلباسى، شيخ محمد ابراهيم : الفوائد السنيه، چاپ سنگى، صص ٢٠٨ - ٢١١ .

داماد دیگر وی عالم فاضل مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالعلی قدسی نجفی (۱) بود. وی پس از فراگیری علوم دینی، به امر قضاوت در دادگاه پرداخت و سرانجام در ۱۴ رمضان ۱۳۹۰ه. ق. فوت و در بقعه همین تکیه به خاک سپرده شد.

بر سنگ مزار وی چنین نوشته شده است:

هو احی الذی لا یموت

آرامگاه حجت الاسلام والمسلمین عالم ربانی مرحوم حاج شیخ عبدالعلی نجفی قدسی قدس سرّه تاریخ فوت روز چهاردهم ماه رمضان مطابق با ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۹ شمسی.

ص: ۶۰

عابد زاهد صالح مرحوم محمد حسن ریاضیات فرزند مرحوم حاج عبدالوهاب ریاضیات داماد دیگر مرحوم بروجردی بوده که گفته می شود که قرآن را از حفظ داشت و مرتب جلسات تفسیر قرآن را در منزلش توسط مرحوم آیت الله خادمی برگزار می نمود، مرحوم ریاضیات در شب چهارم رجب سال ۱۳۸۲ ه. ق. فوت و پیکرش را داخل بقعه بروجردی مدفون نمودند. (۱)

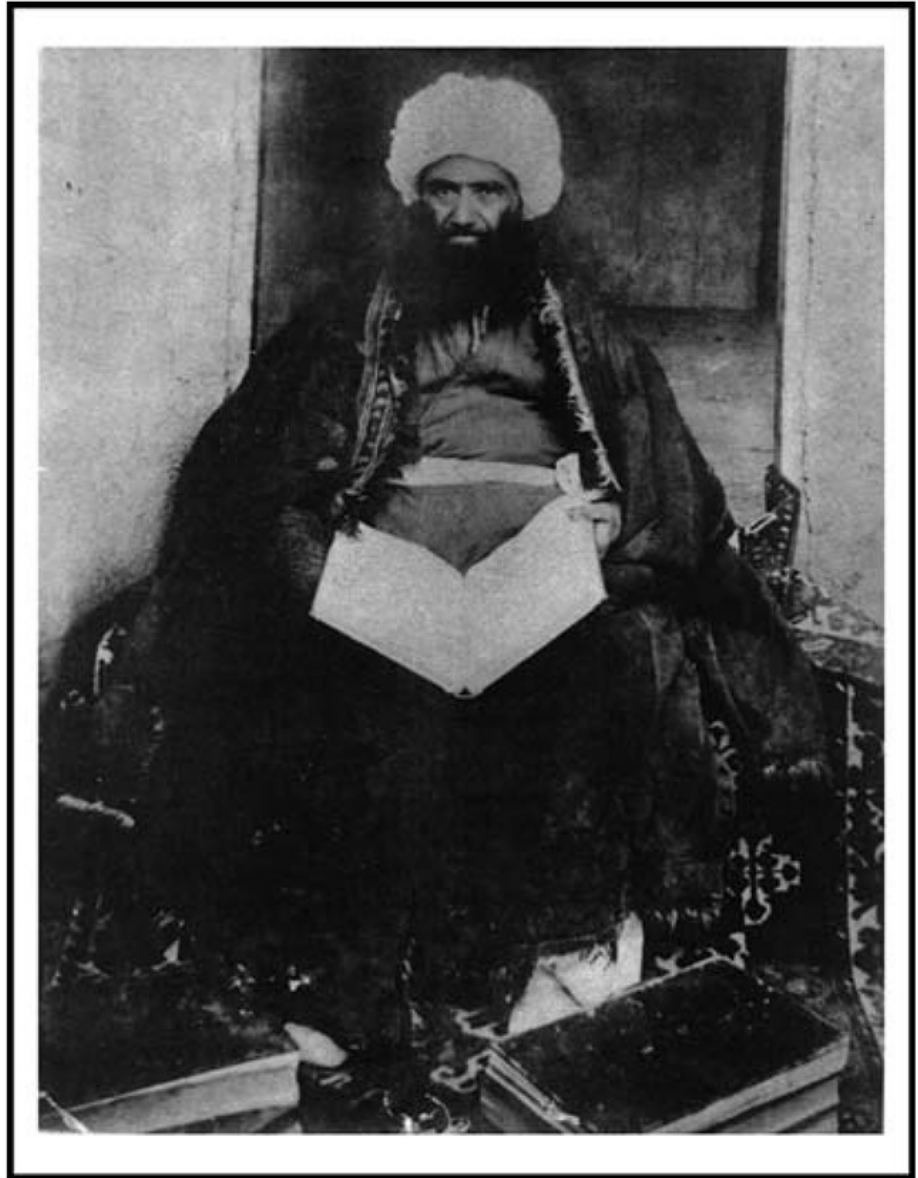
بر سنگ مزار وی چنین نوشته شده است:

آرامگاه مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان عابد زاهد صالح محمدحسن ریاضیات ولد مرحوم حاج عبدالوهاب ریاضیات داماد سیدالعلماء والمجتهدین الراشدین آقای حاج میرزا ابوالحسن طباطبایی بروجردی مضجعه الشریعه بتاریخ لیله چهار رجب المرجب سنه ۱۳۸۲ ق.

ص: ۶۱



نام شریف او احمد و معروف به شیخ احمد مجتهد بیدآبادی است، وی حدود سال ۱۲۷۸ ه.ق. در اصفهان بدنیا آمد. او بزرگترین فرزند عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله شیخ محمد جواد حسین آبادی معروف به صدر الافاضل،<sup>(۱)</sup> فرزند میرزا محمدحسن ملقب به ناقوس و این لقب را به این دلیل دارا بود که دارای خطی بسیار



آیه الله شیخ احمد مجتهد بیدآبادی

۱- لقب صدر الافاضل را علاوه بر اینکه خاندان وی گفته اند بر روی سنگ قبر فرزندش مرحوم شیخ احمد نیز وجود دارد.

## خاندان علمی

میرزا محمد جواد حسین آبادی حدود ۱۲۴۰ ه. ق. در محله ی حسین آباد اصفهان به دنیا آمد و از همان اوان زندگی به تحصیل علوم اسلامی پرداخت. مقدمات علوم را در اصفهان فراگرفت و سپس علی رغم مشکلات خانوادگی فراوان، برای ادامه ی تحصیل به نجف اشرف عازم شد. او در این دوران از شاگردان مبرز علامه شیخ محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر بود که از وی اجازه اجتهاد گرفت. وی پس از اتمام تحصیلات خود از نجف به اصفهان مراجعت نمود و تشکیل خانواده داد در سال ۱۳۰۴ ه. ق. از طرف ناصرالدین شاه قاجار به دلیل اجرای حدود الهی بر خلاف نظر حکومت وقت در اصفهان، و به درخواست ظل السلطان حاکم اصفهان به تهران تبعید شد.

مرحوم آیت الله حسین آبادی مدت شش سال در تهران اقامت داشت و مبارزات او در تهران نیز ادامه پیدا کرد به طوری که نقل می کنند در مسیر منزل تا مسجدی که در آن اقامه جماعت می نمود، مرکزی وجود داشت که متعلق به شخصی به نام

(کنت) - ارمنی - بود که نه تنها محل لهو و لعب به شمار می آمد، بلکه مرکز شراب سازی بود و گفته می شد شراب دربار شاهی نیز در آن مکان ساخته می شد. مرحوم شیخ محمد جواد با آگاهی از این موضوع، به عنوان نهی از منکر، صاحب آن محل را از ادامه ی آن اعمال خلاف شرع منع می فرماید و چون مؤثر واقع نمی شود روزی همراه دو فرزندش مرحوم شاه آبادی و مرحوم میرزا علی محمد الشریف و

ص: ۶۳

---

۱- مصاحبه با آقایان مهندس سیفی و غایی در تاریخ ۸۴/۴/۲۷ با تشکر از نوادگان مرحوم شیخ احمد که اطلاعات و مدارکی را در اختیار نگارنده قرار دادند.

جمعی از متدینین به آنجا می رود و خود خم های شراب را شخصاً در چاه خالی می کند و به همراهان دستور می دهد بقیه شراب ها را خالی کنند و خارج می شود. گزارش این واقعه به دربار می رسد و ناصرالدین شاه دستور پیگیری می دهد. با آگاهی آیت الله حسین آبادی از خبر پیگیری شاه در این مورد، با شهادت تمام این کار را به عنوان یک وظیفه شرعی بیان می کند و برای او پیغام می فرستد که «گمان می کردم تو ناصر دینی ولی حالا دانستم تو کاسر (شکننده) دینی» و حکم تبعید خود را نقض و راهی اصفهان می شود.

ظل السلطان از ماجرا آگاه می شود و شاه را از تعقیب قضیه منصرف می سازد و بازگشت وی را به اصفهان صلاح نمی داند. از این رو سراج الملک (۱) مأمور می شود که به هر کیفیتی است، وی را از بازگشت به اصفهان منصرف نماید. سراج الملک برای جلب نظر مرحوم آیت الله شیخ محمد جواد حسین آبادی اظهار می دارد هرگونه او امری باشد، اجرا خواهد شد و ایشان می فرماید چنانچه این محل فساد، خریداری و به مسجد تبدیل شود، از مراجعت به اصفهان خودداری خواهند نمود.

بنابر این مرحوم سراج الملک با خریدن آن محل، غائله را خاتمه می دهد و مرحوم حسین آبادی در آن محل به عنوان مسجد اقامه جماعت می نماید و پس از ساختن و تکمیل مسجد آن را به نام مسجد سراج نامگذاری می نماید.

در این مورد مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی می گوید من در سنین جوانی در مسجد سراج الملک پشت سر ایشان نماز خوانده ام. وی به هنگام برگشتن به اصفهان

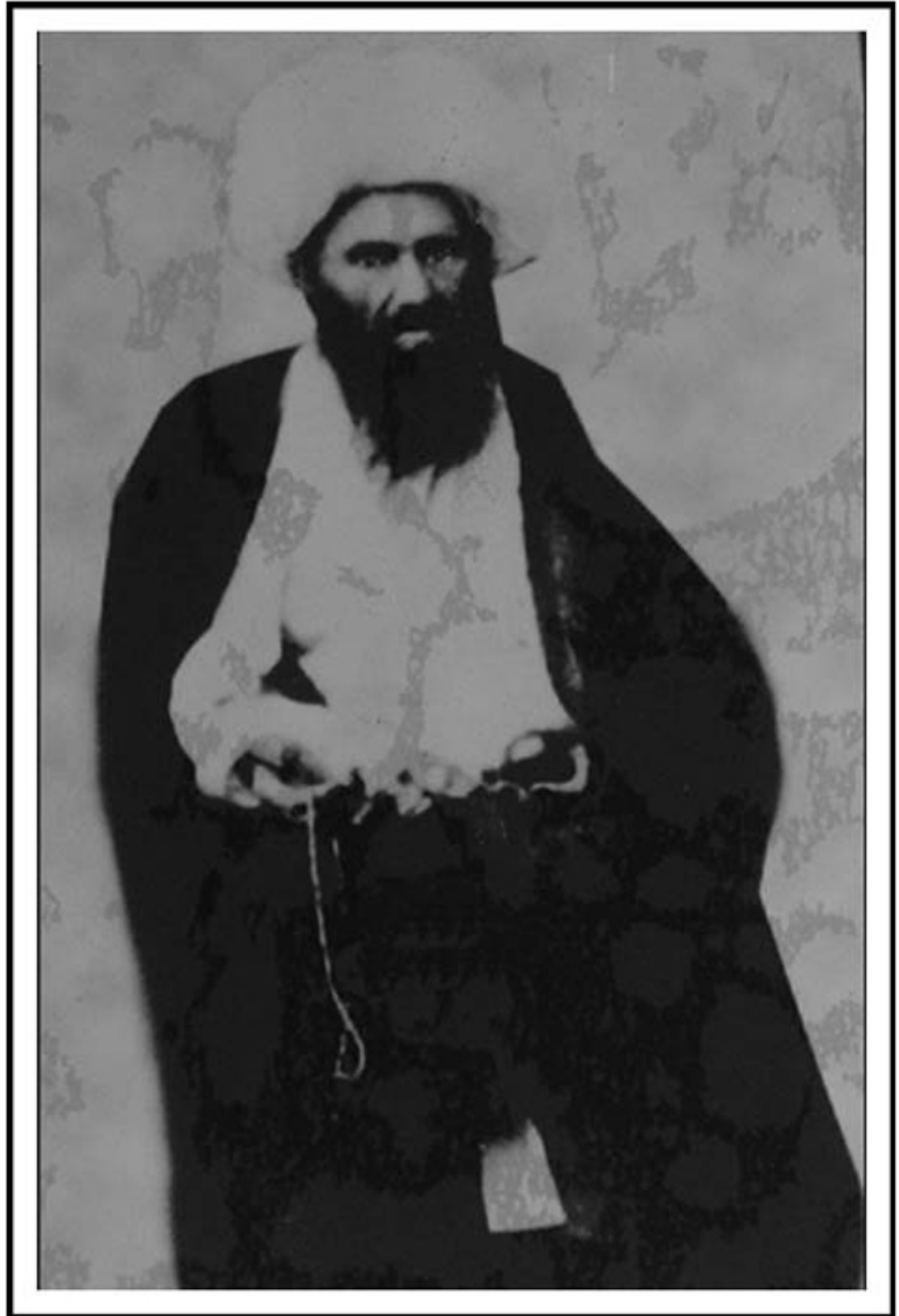
ص: ۶۴

---

۱- رضاقلی خان سراج الملک فرزند عباس خان ابروانی پیشکار مالیه اصفهان، مردی عارف مسلک و درویش نهاد و خدمتگذار عرفا و دانشمندان بوده خدمت سعادت علی شاه حاج محمدکاظم اصفهانی به سلسله فقر وارد شده. در اصفهان و شیراز و تهران خانه اش خانقاه درویشان و حاجت مندان بوده. بناهای خیر و تعمیر مساجد و مدارس نموده. بنای مسجد سراج الملک در تهران از اوست. ر. ک: دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، ص ۵۴۳.

تولیت مسجد را به سید ریحان الله بروجردی واگذار می کند. (۱)

آیه الله میرزا محمد جواد حسین آبادی



وی پس از شش سال اقامت در تهران، تصمیم به زیارت مرقد مطهر حضرت سیدالشهداء (ع) گرفت، اما به اصرار بستگان خود بویژه فرزند بزرگش میرزا احمد

ص: ۶۵

راهی اصفهان شد تا پس از صله ی رحم، به عتبات عالیات مشرف شوند. پس از دو سال اقامت در اصفهان هنگامی که عزم سفر می کنند بیمار می شوند و بالاخره در ذی القعدة ۱۳۱۲ ه. ق. رحلت می کند و در تخت فولاد، در سرداب تکیه شیخ محمد تقی رازی (مادر شاهزاده) به خاک سپرده می شوند. (۱)

### کرامتی از آیت الله حسین آبادی

در سفری که به عتبات عالیات داشتند قصد عبور از شطی را داشتند. از قایقران می پرسد: این سفر چه مدت طول می کشد، قایقران می گوید ممکن است یک هفته. ایشان می پرسند: آیا کمتر هم می شود؟ قایقران می گوید اگر رودخانه آرام و اوضاع مساعد باشد، زودتر می رسیم. باز ایشان می پرسد: آیا کمتر هم می شود؟ تا اینکه او می گوید: «یک روزه هم می شود راه را طی کرد و دیگر کمتر نمی شود. در همین حین آقا شروع به خواندن زیارت عاشورا می کند و با تمام شدن زیارت به آن طرف آب می رسند. (۲)

### خاطره ای از استاد

آیت الله العظمی شاه آبادی به نقل از پدرشان میرزا محمد جواد حسین آبادی نقل می کند که استادش مرحوم صاحب جواهر، دارای پسری بود که از فضلای شهیر حوزه ی علمیه نجف به شمار می رفت و تصادفاً در حیات پدرش فوت می کند. در روز تشییع، با اینکه هاله ای از غم و اندوه، سرتاسر نجف را فراگرفته بود ولی با این حال، صاحب جواهر که خود صاحب عزا بود، تا جمع شدن علما و طلاب حوزه و اهالی نجف برای تشییع جنازه، از فرصت کوتاه استفاده کرده نصف صفحه ای از

ص: ۶۶

۱- بنگرید به: گلشن اهل سلوک، ص ۱۸۲.

۲- مصاحبه با آقای مهندس سیفی و آقای غایی از خاندان مرحوم بید آبی، ۸۴/۴/۲۷.

### فرزندان میرزا محمد جواد حسین آبادی

از آیت الله میرزا محمد جواد هفت اولاد پسر به نامهای احمد، علی محمد، محمدعلی، محمود، محمد حسن، فضل الله، نصر الله، و هفت دختر باقی می ماند. که از پسرها چهار نفرشان (احمد، علی محمد، محمدعلی، فضل الله (۲)) موفق به تحصیل علوم اسلامی گردیده اند.

### دوران تحصیل آیت الله شیخ احمد بیدآبادی

شیخ احمد بیدآبادی در ابتدا جهت تحصیل از محضر پدر دانشمندش بهره مند شد و علاوه بر فراگیری علوم مقدماتی از لحاظ تربیتی بهره های فراوان و عمیقی را به دست آورد. در این دوران حتی کوچکترین فرصت را هم جهت فراگیری علوم پدر از دست نداده و همواره با جدیت کامل به فراگیری مشغول بود. از دیگر اساتید وی میرزا محمدباقر چهارسوقی (علامه صاحب روضات) و نیز برادرش علامه میرزا محمدهاشم چهارسوقی بودند. وی در این دوران چهارده سال توفیق شاگردی مرحوم صاحب روضات را داشت. (۳)

از آنجا که هوش و ذکاوتی سرشار داشت قرآن را در سن چهارده سالگی حفظ کرد. کتاب معالم را در سن هفت سالگی خوانده و از حفظ بود. اشعار ابن مالک در کتاب سیوطی را که حاوی حدود هزار بیت است از حفظ می خواند. و از همه مهمتر

ص: ۶۷

---

۱- عارف کامل: ص ۹۵.

۲- مرحوم شیخ فضل الله برای امر تبلیغ و ترویج به شهر کرد می رود و در ۲۸ صفر ۱۳۴۶ه. ق. فوت و در صحن تکیه مادر شاهزاده نزدیک سرداب محل دفن پدرش به خاک سپرده شده است.

۳- بیان اصفهانی، شیخ احمد: خلد برین، ص ۱۳۵.

اینکه در سن سیزده سالگی به مرتبه رفیع اجتهاد نائل آمد و از اساتید معظم خود اجازه اجتهاد گرفت و به همین جهت به میرزا احمد مجتهد معروف گردید. (۱)

وی در دوران تحصیل و بعد از آن شش اجازه از اساتید خود دریافت کرد که سه اجازه آن یکی از علامه صاحب روضات به سال ۱۳۰۴ ه.ق. و دیگری اجازه‌ی اجتهاد از علامه میرزا محمد هاشم چهارسوقی به سال ۱۳۰۵ و اجازه ششم از مرحوم پدرش به سال ۱۳۰۸ ه.ق. در سن سی سالگی است. (۲)

لازم به ذکر است غیر از مرحوم شیخ احمد بیدآبادی در میان بزرگان مدفون در تخت فولاد، مرحوم مولی بهاء الدین محمد بن تاج الدین حسن اصفهانی معروف به فاضل هندی از اعظم علماء و مجتهدین نیز قبل از سن بلوغ به مرتبه‌ی اجتهاد نایل آمده است. (۳)

مرحوم آیت الله میرزا محمد جواد حسین آبادی در اجازه‌ای که به فرزندش شیخ احمد داده، چنین می نویسد:

(چون بعضی از برادرانم از علما برای فرزندم شیخ احمد از من استجازه کردند، در حالی که او نوجوانی بیش نبود، به آنان گفتم که اگر چه در این زمان هیچ کس به اندازه او به این چنین در جهای از علم نرسیده است، ممکن است اهل عناد گمان کنند که اجازه‌ی من به او از حُب پدری است و به این جهت گفتم که دیگر اساتید به وی اجازه دهند. پس جمعی از بزرگان علماء کثر الله تعالی امثالهم، به او اجازه اجتهاد دادند، بعضی قبل از بلوغ وی بود و بعضی بعد از بلوغ وی، به حیثی که هیچکس جرأت انکار آن را نیافت و چون تعداد اجازت آن به پنج رسید، من نیز این

ص: ۶۸

---

۱- مصاحبه با خاندان شیخ احمد بیدآبادی، ۲۷/۴/۸۴.

۲- آقابزرگ تهرانی، الذریعه، جلد یازدهم، ص ۱۶.

۳- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۱، ص ۲۳۸؛ و متن سنگ قبر وی.

اجازت را با ششمین اجازه از جانب خودم تمام کردم» (۱).

مرحوم مجتهد بیدآبادی تحصیلاتش را فقط در اصفهان کسب نمود و به حوزه های شهرهای دیگر نرفت. وی حدود پنجاه سال به اقامه جماعت و هدایت و ارشاد مردم می پرداخت. وی در هفته، سه چهار شب منبر می رفت و مردم را با مواعظ شافیه و نصایح کافیه ی خود بهره مند می نمود و در ماه مبارک رمضان، نماز و منبر آن مرحوم، رونق و اهمیت بسزایی داشت. (۲)

## تدریس

وی به امر تدریس نیز همت می گماشت و مدرس وی یکی در مدرسه میرزا مهدی (۳) و دیگری کنار منزلشان بود که هنوز موجود است. و در مدت پنجاه سال

ص: ۶۹

۱- متن اجازه شیخ محمدجواد حسین آبادی به فرزندش شیخ احمد بیدآبادی .

۲- بیان اصفهانی، احمد: خلد برین، ص ۱۳۵.

۳- مدرسه و مسجد میرزا مهدی سر جوی بابا حسن (نبش خیابان مسجدسید و خیابان آیت الله طیب) از آثار میرزا مهدی خان اشتهاردی، از مستوفیان عهد نادری است. این مدرسه پس از سال ۱۳۶۵ه. ق. با کمک مردم خیر، تعمیراتی اساسی یافت. در سال ۱۶۰۸ه. قی. مسجد و مدرسه میرزا مهدی، به وسیله شهرداری جهت احداث خیابان آیت الله طیب تخریب گردید و دو سوم آن، جزء خیابان قرار گرفت و باقیماندهی آن با کمک مردم و زیر نظر حجت الاسلام والمسلمین حاج سید عباس فقیه احمد آبادی فرزند مرحوم آیت الله حاج سید محمد تقی موسوی فقیه احمدآبادی، امام جماعت مسجد، تجدید بنا گردید و به نام مسجد المهدی نام گذاری گردید. عده ای از بزرگان علما در مدرسه میرزا مهدی تدریس و امامت می نمودند که از آن جمله است: ۱- آقا شیخ احمد بیدآبادی، امام مدرسه و مدرس، عالم عابد زاهد فقیه مجتهد بزرگوار ۲- شیخ اسدالله فاضل بیدآبادی، عالم عابد عارف متقی ۳- آیت الله آقا محمد مقدس بیدآبادی، مؤلف کتاب الأوائل مطبوع از علما و اتقیاء ۴- آقا حبیب مقدس برادر آقا محمد مقدس بیدآبادی و اما از ساکنین مدرسه در این اواخر: ۱- میرزا علی اصغر شریف از مدرسین سطوح ادبیات و فقه ۲- شیخ علی محمد الشریف برادر مرحوم آقا شیخ احمد بیدآبادی ۳- نجم الدین طریحی فرزند مرحوم شیخ محمد حسین طریحی ۴- آیت الله سید عبدالحسین طیب، مؤلف تفسیر اطیب البیان همچنین تولیت این مدرسه از طرف واقف به عهده خاندان میر محمد صادقی از اعقاب عالم واعظ جلیل میر محمد اسماعیل حسینی جدّ علامه بزرگوار مرحوم آیت الله علامه آقا میر سید حسن مدرس (متوفی ۱۲۷۳ق.) استاد جناب میرزای بزرگ شیرازی بود و در این اواخر عالم جلیل مرحوم آقا سید عبد الله ثقه الاسلام در آنجا تولیت داشت (یادداشت های خطی سید مصلح الدین مهدوی مخطوط)



حضور در محله ی بید آباد و مدرسه ی میرزا مهدی، بزرگانی چند در محضر آن استاد بزرگ حضور می یافتند و از علوم و کمالات و فضایل وی بهره ها می بردند. از آن جمله می توان به آیات و حجج اسلام ذیل اشاره نمود:

۱- برادر وی میرزا محمدعلی شاه آبادی (۱۲۹۲-۱۳۶۹.ق.).

۲- آقا جمال الدین خوانساری (حدود ۱۳۰۰-۱۳۹۱.ق.).

۳- شیخ محمدرضا کلباسی، صاحب اجازه‌ی روایات از ایشان (۱۲۹۵-۱۳۸۳.ق.).

۴- ملا علی مارینی (فوت جمعه ۶ ربیع الثانی ۱۴۰۲.ق.).

۵- آقارضا مظاهری (متوفی ۱۴۱۰.ق.).

۶- سید عبدالحسین طیب (۱۳۱۱-۱۶۱۲.ق.).

۷- آقا محمد مقدس (متوفی ۱۳۷۸.ق.).

۸- شیخ احمد بیان الواعظین، صاحب اجازه روایت از ایشان (۱۳۱۴-۱۳۷۱.ق.).

۹- آقا سید محمدرضا شفتی (۱۳۲۰-۱۳۹۱.ق.).

۱۰- سید مرتضی مسئله گو

ص: ۷۰

- ۱۱- شیخ عباس مصباح دستگردی (متوفی ۱۶۰۸ ه.ق.)
- ۱۲ □ سید محمدرضا آل رسول شمس آبادی (فوت ۱۶۰۹ ه.ق.)
- ۱۳- شهید سید ابوالحسن آل رسول شمس آبادی (شهادت ۱۳۵۰ ه.ش.)
- ۱۴- سید نورالله قاضی عسگر (فوت ۱۳۸۸ ه.ق.)
- ۱۵- شیخ علی مشکوه (۱۳۱۹-۱۶۱۰ ه.ق.)
- ۱۶- سید محمدباقر نحوی (۱۳۰۶ - ۱۳۵۰ ه.ق.)
- ۱۷ □ میر سید علی مدرس (۱۳۲۰ - ۱۶۰۰ ه.ق.)
- ۱۸ □ سید ابوالحسن مرتضوی کرونی موسوی
- ۱۹- شیخ محمد حسن تفضلی بروجردی (۱۲۹۰-۱۳۲۸ ه.ش.)
- ۲۰- سید محمد باقر موسوی آسیاب پری (فوت ۱۹۰۹ ه.ق.)
- ۲۱- آقا محمد نوری (حدود ۱۲۹۰-۱۳۷۳ ه.ق.)
- ۲۲- دکتر ابراهیم انواری (۱۳۰۹-۱۳۷۷ ه.ق.) |

## تألیفات

از مرحوم میرزا احمد مجتهد بیدآبادی تألیفات مرتبی باقی نمانده است اما از آثار او می توان به جزوات فقه و اصول نامرتب از تقریرات اساتیدش اشاره داشت که پس از فوت وی به درخواست برادرش مرحوم شاه آبادی، توسط اولاد آن مرحوم خدمت وی فرستاده می شود. (۱)

ص: ۷۱

---

۱- معلم حبیب آبادی: رجال خاندان کلباسی، مخطوط، ص ۶۶.

استاد به روایت شاگرد

شیخ احمد بیان اصفهانی معروف به بیان الواعظین از شاگردان وی در کتاب «خلد برین» در تاریخ گویندگان اسلام، استادش را چنین معرفی می نماید:

«از اعظام علما و اکابر فقها و وعاظ معاصر است، آن جناب اعباد عباد بود و از هد زهاد، الحق آن ستوده خصال در اموری چند متفرد بود.

اول - در حافظه و ذکاوت اعجوبه ی عصر بود. دعاهاى مطوله مثل دعای ابوحمزه ثمالی را بطور تقطیع در قنوت نوافل با لهجه بسیار جذابی قرائت می نمود.

دوم - در احاطه بر فروع فقهیه به طوری مسلط بود که عدیل و نظیری نداشت. سوم - در اخلاق و ارادت به خانواده عصمت و طهارت جدیت تامه داشت. چهارم - در فتوت و جوانمردی و فرزانگی آیت وقت بود.»<sup>(۱)</sup>

سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶ ه.ق.).

از اعظام علما معاصرین بود به کثرت علم و فضل مشهور و در مدرسه میرزا مهدی واقع در محله بیدآباد تدریس و امامت می فرمود.»<sup>(۲)</sup>

میرزا حسن خان جابری انصاری (۱۲۸۷ - ۱۳۷۶ ه.ق.).

مجتهدی زاهد، امام مدرسه ی سرجوب، حافظه ی بسیار سرشاری داشته که مناجات خمسہ عشر و اغلب ادعیه را در حافظه داشت و در قنوت نماز شب قرائت می کرد.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۷۲

---

۱- بیان اصفهانی : خلد برین، ص ۱۳۵ .

۲- مهدوی: رجال اصفهان، یا تذکره القبور، ص ۸۲.

۳- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۰۴.

مرحوم شیخ احمد مجتهد بیدآبادی، همچون پدرش میرزا محمدجواد صدر الافاضل، علاوه بر مقام بلندی که در علوم اسلامی و معارف دینی داشت، از جایگاه ویژه‌ای در اخلاق و زهد و تقوی نیز برخوردار بود و در فضایل انسانی و مکارم اخلاقی، مدارج بالایی را پیمود.

تمام شاگردان وی و کسانی که شرح زندگانی او را نوشته‌اند؛ او را شخصیتی کم نظیر در علم و عمل دانسته و صفات برجسته‌ای را برای وی برشمرده‌اند. چنانکه شاگردش مرحوم بیان الواعظین اشاره کرده است او در اخلاق و ارادت به خاندان عصمت و طهارت جدیت تام داشت. وی محل سکونت خود را اهدایی از طرف حضرت رضا علیه السلام می‌دانست و همه ساله در منزلش مراسم روضه خوانی دهه‌ی اول محرم برپا بود چنان که این سنت پس از ۱۱۵ سال هنوز ادامه دارد.

بطور معمول از شب بیستم و یکم ماه رمضان شبانه روزی در مدرسه میرزا مهدی معتکف می‌شد و عبادت می‌کرد و در نوافل و مستحبات بسیار جدی بود، بطوری که دعای کمیل را در سجود نمازهای مستحبی می‌خواندند.

مرحوم پدرشان فرموده بود که من در دوران زندگی خودم یک دروغ هم از شیخ احمد نشنیده‌ام و اگر یک موقعی، یک خط روی دیوار می‌کشید و می‌پرسیدم احمد چه کار می‌کنی می‌گفت دارم روی دیوار خط می‌کشم.

در مورد جدیت در امور تحصیلی و فراگیری علم از اساتیدش همین بس که در طول چهارده سال شاگردی مرحوم صاحب روضات، حتی روزهای تعطیل را هم به درس وی می‌رفته است.<sup>(۱)</sup>

ص: ۷۳

مرحوم میرزا عبدالکریم غایی از دامادهای مرحوم شیخ احمد و از محترمین اصفهان و ارادتمندان مرحوم آقا و مرحوم سید علی نجف آبادی و مرحوم سید محمدباقر در چه ای بوده است. فرزند ایشان از مرحوم پدرش نقل می کند: در جریان کشف حجاب در کوچه ی تلفنخانه مقابله منزل خود هنگامی که با دوچرخه از کوچه عبور می کرده شاهد جسارت یک پاسبان در برداشتن چادر از سر یک زن می شود. پدرم می گفت من بی تأمل از دوچرخه پیاده شدم و دوچرخه ام را پرت کردم و با پاسبان درگیر شدم و چنان کشیده ای بر صورت پاسبان نواختم که نقش بر زمین شد. در پی این ماجرا من را گرفتند و به کلانتری بردند و به بازداشتگاه انداختند. پس از چند روزی، مرحوم آقا جمال روزبه نیا فرزند شیخ احمد و دایی کوچک ما که نوجوان سیزده ساله ای بود به دیدار پدرم رفت به وی گفته بود که به آقا بفرمایید دعا کنند و بفرمایید یک عریضه از جانب من خدمت ولی عصر امام زمان (عج) بنویسند. در ملاقات بعدی پدرم از مرحوم روزبه نیا می پرسند: در خواست مرا به آقا گفتید، عریضه را نوشتند؟ او از قول آقا به پدرم می گوید: «بطور شفاهی خدمت حضرت عرض کردم و ان شاءالله آزاد می شوید و مشکلی پیش نمی آید». زمان چندانی نگذشت که بوسیله ی سرهنگی که همسایه ما بود پدرم آزاد شد. (۱)

## فعالیت های سیاسی و اجتماعی

مرحوم شیخ احمد بیدآبادی مانند پدر بزرگوارش در اصفهان به اجرای حدود الهی می پرداخت و در مدرسه میرزا مهدی (مسجد المهدی) محکمه و مراجعه

ص: ۷۴

داشته است و در مدرسه علاوه بر تدریس به امور قضا و رفع اختلافات نیز می پرداخته است.



آیه الله شیخ احمد مجتهد بیدآبادی در کنار سیدالعراقین

و شهید سید حسن مدرس در مدرسه صدر اصفهان

مهمترین حرکت سیاسی مرحوم بیدآبادی در جریان مهاجرت علمای اصفهان به قم در سال ۱۳۶۹ ه. ق. برای اعتراض به قانون نظام اجباری و برخی از قوانین موضوعه است که در اصل می تون آن را مخالفت با اساس سلطنت رضاشاه پهلوی تلقی کرد.<sup>(۱)</sup>

ص: ۷۵

۱- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۱۵۳.

در آن ماجرا از بزرگان حاضر در قم مرحوم شیخ عبدالکریم حایری و مرحوم شاه آبادی برادر شیخ احمد بوده اند که گفته شده است روزی بین مرحوم شیخ احمد و مرحوم شیخ عبدالکریم بحثی علمی پیش می آمد. در آن بحث مرحوم شاه آبادی با نظر شیخ عبدالکریم موافق بوده است؛ داماد آقای شاه آبادی مرحوم آقا سید حسن احمدی به مرحوم شاه آبادی اعتراض می کند و می گوید: شما که با نظر شیخ عبدالکریم همنظر بودید چرا چیزی نگفتید؟ و ایشان پاسخ می دهند: «من در مقابل استاد و برادر بزرگترم حرف نمی زنم.» که این نشان از اعلمیت مرحوم شیخ احمد و ادب مرحوم شاه آبادی است. (۱)

## وفات

شیخ احمد مجتهد بیدآبادی حدود هشتاد سالگی وفات می یابد چنانکه مرحوم مهدوی می نویسد: عمر معقولی نمود. (۲) و در روز چهارشنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۵۷ ه. ق. برابر با ۲۹ تیر ۱۳۱۷ ه. ش. به دیار ابدی شتافت و جمعیت باشکوهی پیکر او را تا تخت فولاد تشییع و داخل بقعه ی بروجردی به خاک سپردند.



سنگ مزار آیه الله شیخ احمد بیدآبادی

١- مصاحبه با خاندان مرحوم بید آبادی: ٨٤/٤/٢٧.

٢- مهدوی: رجال اصفهان، ص ٨٢.



در وفات این عالم بزرگوار شعرای اصفهان از جمله عالم فاضل و ادیب شاعر مرحوم میرزا عبدالجواد خطیب (متوفی ۱۳۵۹ ه. ق.) چنین می سرایند:

بمعراج قرب احد رفت احمد

حضور شهنشاه عالم محمّد

چنان با براق او روان شد به جنّت

در آغوش حوران بعیش مخلد

چو در بندگی بود در حد اعلی

نمودش خدا شامل لطف بیحد

به ترویج شرع متین مطهر

بهر حالت احوال بودش مُمهد

به تحصیل و تدریس مرضات باری

به تأیید الله بودی مؤید

نه بُد منکرش هیچ کس در محامد

که اوصاف مدحیه اش بود بی حد

به شهر جمادی مه تیر بُردش

به درگاه خود بی قیوم سرمد

خدایش فرو بُرد در بحر رحمت

به جنات عدنش نماید مُمهد

به تاریخ فقدش مریدان عارف

پی جستجو تا که گردد مؤید

خطیب آه از دل برآورد و گفتا

بمعراج قرب احد رفت احمد(۱)

ادیب شاعر گرانقدر مرحوم میرزا حبیب الله تیر (متوفی ۱۳۷۹ه.ق.) نیز در وفات وی چنین سروده است:

به سوی دار بقا عالم ربّانی رفت

اهل جنت ز قدومش همه کرده شادی

از ادب پا به میان هشت و (تیر) گفتا:

«در جنان آمده شیخ احمد بیدآبادی»<sup>(۲)</sup>

۱۳۵۷ = ۲ + ۱۳۵۵

ص: ۷۷

---

۱- با تشکر از آقای مهندس سیفی که شعر مرحوم خطیب را در اختیار نگارنده قرار دادند.

۲- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۰۵.

متن سنگ او بیانگر شخصیت علمی و معنوی این عالم بزرگ است.

هو الحی الذی لا یموت

هذا مرقد المحقق المدقق الفقيه الجلیل و العالم الكامل النبیذ الزاهد التقی التقی الزکی الجمیل جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول البالغ قبل البلوغ الی مراتب الرشاد و اعلى مدارج الاجتهاد كما صیرح به بعض مشایخه و اساتیده الکرام فی اجازاته الکاشفه عنه علو مقامه و سمو شأنه هو الشیخ الأوحّد الامجد بیدآبادی رحمه الله خلف شیخ العالم المهذب الصفی البارع الكامل الملقب بصدر الافاضل الآقا میرزا محمّد جواد الحسین آبادی طاب ثراه و کان تاریخ وفاته احدی و عشرين من الجمادى الأولى من عام سبعة و خمسين و ثلاثه مائة بعد الف من الهجره النبویه.

به تاریخ فقدش مریدان عارف

پی جستجو تا که گردد مؤید

(خطیب) آه از دل برآورد و گفتا

(بمعراج قرب احد رفت احمد)

(۱۳۵۷)

### فرزندان

مرحوم شیخ احمد بیدآبادی دارای سه همسر بود. همسر اول وی که دختر معتمد الشریعه مدفون در مقبره مسجدسید است و به دنبال فوت برادرش میرزا حسن از آنجا که همسر میرزا حسن ناگزیر به زندگی در همان منزل بوده است، شیخ احمد او را به همسری اختیار می کند. همسر دوم که این ازدواج با خواستگاری همسر اول ایشان از طیبه بیگم قاضی عسگر (از سادات قاضی عسگر مدفون در تکیه بروجردی) انجام می شود و ثمره ی آن چهار فرزند پسر و دو فرزند دختر است.

همسر سوم ایشان نیز از فامیلی تبریز چیان به این دلیل بود که مرحوم شیخ احمد

ص: ۷۸

مسئول و وصی امورات مرحوم تبریزچی بوده است و چون باید به امورات آنها رسیدگی می کردند، ایشان را به همسری در آورد و از او صاحب یک فرزند می شود.

فرزندان مرحوم شیخ احمد از همسر دومشان: ۱- حاج مرتضی سیفی ۲- حاج آقا کمال سیفی ۳- حاج آقا حسن سیفی زاده ۴- حاج آقا جمال روزبه نیا و فرزند دختر نیز: ۱- رفعت آغا سیفی ۲- عفت آغا سیفی. و دامادها: ۱- آقا قوام قاضی زاده ۲- آقای غایی.

از دامادها مرحوم میرزا عبدالکریم غایی، با اهل علم و علما مراوده داشته اند و در درس مرحوم بید آبادی و مرحوم سید علی نجف آبادی و مرحوم سید محمدباقر در چهای حضور می یافته است.

از فرزندان آقا، حاج آقا مرتضی، معمم بود و به جای مرحوم پدرش اقامهی جماعت می کرد و بقیهی فرزندان ایشان نیز معمم بودند اما در زمان رضاخان اجازهی عمامه به ایشان داده نشد. حاج آقا مرتضی مدّتی در اصفهان بود و بعد به تهران رفتند. از فرزندان حاج آقا جمال روزبه نیا دو نفر به خیل شهدا پیوستند مجاهد شهید محمود روزبه نیا که در روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ش. مصادف با پیروزی انقلاب اسلامی و پاسدار شهید حاج احمد روزبه نیا معاون ارشاد اسلامی اصفهان که در تاریخ ۶ خرداد سال ۱۳۶۱ش. در جبهه ی جنگ به شهادت رسیدند. و هردو برادر در ابتدای ورودی گلستان شهدا آرمیده اند.

### **اجازه ی علامه صاحب روضات به آیت الله شیخ احمد بیدآبادی**

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی لا یستجیز من غیره ابداء، و لا یستجیر فی امره احدا، و لن یجیرنا منه احد و لن نجد من دونه ملتحدا.

ص: ۷۹

والصلاه والسلام على اعلم من كان في دين الله مجتهدا و اعرف من صار من دون الله منجردا محمد المحمود الذى قد كان اعلى المرسلين سندا و اقوى المقبلين مستندا.و على اهل بيته الطَّيِّبين الطَّاهرين الذين اراد بهم ربهم رشدا، و اجادلهم شيخهم رغدا من قبل أن يرصد و اسيبهم رصدا و هم كلمات الله الذى أحاط بكل شى علما و احصى كل شى عددا و لو كان البحر مدادا لكلمات ربي لنفد البحر قبل أن تنفذ كلمات ربي و لو جئنا بمثله مددا.

اما بعد، فلما كان من الامر البين عنداهل الحق من الانام آن مقدار منازل الرجال على حسب روايتهم المعارف و الاحكام و مسائل الحلال و الحرام عن اهل البيت العصمه و الطهاره عليهم الصلاه والسلام و هذه.... مزيه لا تحصل الا بتحقيق النقل المعتد به لهذه المراتب المرضيه و المراسم الاسلاميه عن اولئك السادات السنيه والهداه المهديه و لا يصدق ذلك الا بعد تحقق التحمل للروايه باحد من الوجوه السبعه او الستة المضبوطه فى فن الدرايه و ملاك كل اولئك حصول الرخصه و الاجازه من السلف المجاز من جانب سلفه فى اسناد الروايه المأثوره اليه من خلفه فان بها تجوز نسبه التحديث الى المجيز و هلمَّ جَرَا الى أن ينتهى الأمر الى الراوى الأول للنص الحرير والاصل الحمير بخلاف سائر الوجوه المضبوطه لو خلت عن الاجازه من الشيخ للراوى لعدم اقترانها بهذه المثابه من التجويز السديد.

ولهذا استقر دأب السلف و يدن الخلف على كل العباء بالاجازات و بذل الهمم فى الاستجازات بحيث قد نقل انهم كانوا يطوون مسيره شهرين بل اكثر فى طلب الإجازة فى الروايه من الشيخ الأكبر والكبير الاشهر.

و قد كان من جمله من تفتن بهذه الدقيقه و تعمق لهذه الوثيقه و اراد الدخول فى سلسله اجازات الشيعة و النزول فى... خدام الشريعه هو الفاضل الأوحد والوحيد الامجد نخبه العلماء الراسخين و زبده النبلاء الباذخين صاحب الذهن الوقاد والفهم

النقاد و تمام الاستعداد لبلوغ المراد بل البالغ درجه الاستنباط والاجتهاد والصاعد على الشاهق من الأطواد بحيث قد جاز لجنابه الرجوع الى فتاوى نفسه و رجوع الغير اليه فيما ادخره لغده فى امسه هو قره عيننا الاسعد الشيخ احمد ابن البارح العلامه والفقيه الفهمه الاميرزا محمّد الجواد زادهما الله تعالى ما كاد ان يكون من قبيل هذه الأزواد الى واد المعاد.

فلما طال من جنابه الطلب لنيل هذا المطلب و ضاق على العبد من جهه الحاحه فى هذه المسأله عليه جوانب المهرب استخرت الله جل جلاله و اجزت لجنابه دام اقباله و عظم بره و افضا له أن يروى عنى كتب روايات اصحابنا الاثبات وزير افاضات اسلافنا المعتمره الاسناد الى اساتيد الاسماء والاساطين.. الرتب و السمات بحق روايتى ايع باجازه كابرين من مشايخ ايامى.....

.. و كتب هذه الكلمات الجائيه مع كمال التعجيل لكمال عجله الطالب المثل هذا القبيل بلغه الله غايه مراده و اذاقه حلاوه سعيد و اجتهاد فى عصيره يوم الاثنين الثانى عشر من محرم الحرام احد شهور سنه أربع و ثلاثمائه بعد الف تام مضى فى هجره سيدالانام عليه و آله آلاف التحيه والسلام الى يوم القيام مؤلفه المحتاج إلى رحمه ربه الغنى القوى محمداقرب بن زين العابدين الموسوى.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الحمد لله الذي لا يستجز من عباده ولا يستجز  
 امره احدا البتة ولا هذا احدا صا حجة ولا  
 لا ولدا ولين بجزا من احد ولن تجد من دونه ملقدا الصلوة  
 والسلام على علم من كان في دين الله محمدا وآخرون  
 صان من دون الله فخره محمد المهدى الذي قد كان اعلى  
 المرسلين سندا واقوى المقبلين مستندا وعلى اهل بيته  
 الطيبين الطاهرين الذين اراد بهم ربهم رشدا واجادا  
 لهم يشقهم وهذا من قبل ان يرصدوا انبيهم رصدا  
 وهم كلمات الله الذي احاط بكل شئ علما وحصى كل شئ  
 ولو كان البور مداد الكلمات ربي لنفذ البحر قبل ان تنفذ  
 كلمات ربي ولو حشنا مثلهم مدادا ما عد فلما كان  
 النبي عند اول الخلق ان من قدر من نزل الرجال على حسب  
 بروايتهم المعارف والاحكام ومسائل الحلال والحرام  
 عمر اهل بيت العصمة والطهارة عليهم الصلوة والسلام  
 وهذه القيمة فريضة لا تحصل الا بتحقيق العقل واحتد برهانه

تصوير صفحه اول از اجازه علامه صاحب روضات  
 به شيخ احمد بيدآبادى

تصوير صفحه اول از اجازه علامه صاحب روضات به شيخ احمد بيد آبادى

ص ٤

وكتب هذا الكتاب المجتهد مع كمال التحمل كمال عظمة  
الطالب لئلا يزل هذا القيل بلغة الصفاية مراده واذا  
حلا وتسعبه واجتهاده في محبة يوم الاثنين  
العاشر من محرم الحرام حده سنة اربع وثلثمائة  
بعد الفاتح من سنة من سنة بعد اللام عليه واله  
آلاف احسن واسلم الى يوم العلم  
مؤلفه الحاج الى رحمة  
ربه العتيق القوي



تصوير صفحه آخر از اجازه علامه صاحب روضات به شيخ احمد بيدآبادى

تصوير صفحه آخر از اجازه علامه صاحب روضات به شيخ احمد بيدآبادى



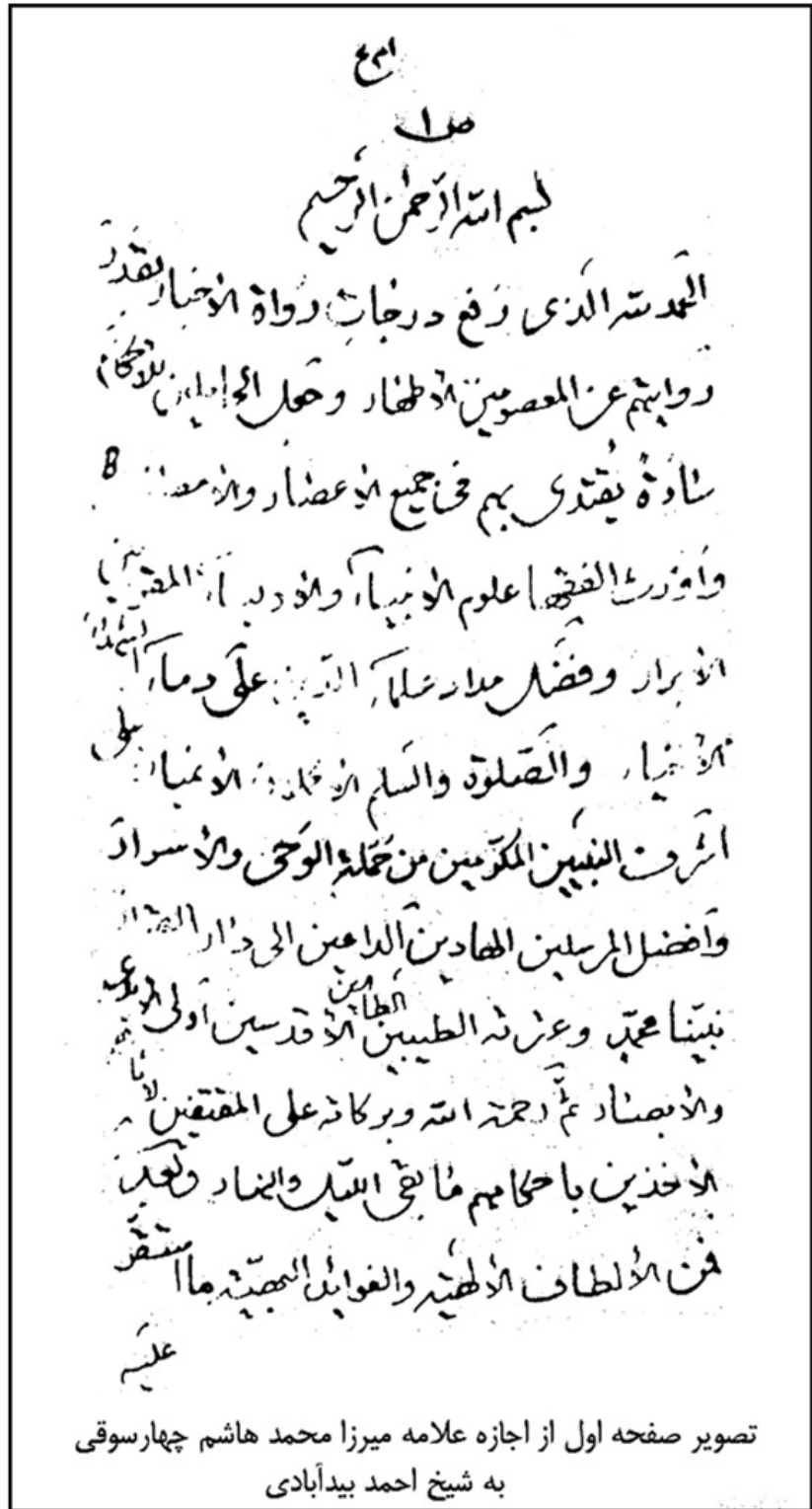
بسم اللہ الرحمن الرحیم الحمد الذی رفع درجات رواہ الاخبار بقدر روایتہم عن المعصومین الأطہار و جعل الحاملین للاحکام سادہ یقتدی بہم فی جمیع الاعصار و الامصار و اورث الفقہاء علوم الانبیاء و الاولیاء المقربین الابرار و فضل مداد علماء الدین علی دماء الشهداء الاخبار والصلاہ والسلام علی اشرف النبیین المکرمین من حملہ الوحی و الاسرار و افضل المرسلین الہادین الداعین إلی دار القرار نبینا محمد و عترتہ الطیبین الطاہرین الأقدسین اولی الایدی و الابصار.

ثمّ رحمہ اللہ و برکاتہ علی المقتفین لآثارہم الآخذین باحکامہم ما بقی اللیل و النهار. و بعد، فمن الألطاف الإلہیہ و الفوائد البہیہ ما استقر علیہ دیدن السلف و الخلف من العلماء العاملین و الفقہاء الکاملین و الافاضل المحدثین من التمسک بسلسلہ الاجازات و الاهتمام فی حفظ الأخبار و مصنفات العلماء الکبار بالروایہ عن المشایخ الاخبار و عدم الاكتفاء بما یجدونہ من سواد علی بیاض و نقوش مثبتہ حاکیہ للاغراض بل الاستفادة من غیر احد من اعظم المحدثین السابقین انہم کانوا لا یستحلون الاخذ بالاخبار الواصلہ الیہم الا بالاذن فی الروایہ و ما کانوا یکتفون بمحض النظر فی الکتب و الدرایہ و لما وصل الأمر إلی کثیر فی اصحابنا المتأخرین من اهل النظر و الجتہاد و اشتغلوا باجالہ افکارہم فی تشخیص المدلول و المراد و جعلوا اکثرہمہم فی الایراد و دفع الایراد خفی علیہم طریقہ السلف و ظنوا أن النقوش کافیہ فی حفظ الاخبار عن التلف بل شاع فی ہذہ الاعصار التی اندرست فیہا آثار الأخبار حصر الاجازات فی تصدیق المشایخ و الاساتید الاخبار لمن یدعی مرتبہ الاستنباط و استخراج الأحکام من القواعد و الآثار.

و لعمري أن طريقه السابقين أولى بالحفظ و الرعايه و اقتفاء و آثارهم احق بحفظ الاحكم الواصله اليهم بالروايه.

ثم ممن رام سلوك هذا السبيل و قصد التصدي لذات المنصب الجليل جناب العالم العامل الفاضل الكامل المحقق المدقق البارع اللوذعي الالمعي الواصل إلى مرتبه الاجتهاد تلميذنا التقى النقى السالك الصلاح و السداد سليل مولانا الاجل الافخم النقيه النبيه علامه الميرزا محمّدجواد ادام الله ايام افاداته و افاضاته المولى الجليل النبيل الأوحد الشيخ احمد دام فضله وعلاه فانه بعد حضوره مجالس مباحثات ذات العبد برهه من الزمان و اتقانه لاكثر القواعد المهمه الشرعيه احسن الاتقان و اشتغاله بكثير من المطالب الأصوليه و استنباطه لجمله و افره من المقاصد الفقيهه و ايداعه كثيراً منها فى بعض مؤلفاته الرشيقه استجازنى و اراد منى ان اجيز له روايه كتب الاخبار و مصنفات أصحابنا الاخير فاستخرت الله سبحانه و اجزت لجنابه أن يروى عنى جميع مروياته التى رويتها باسانيدى عن مشايخى و اساتيدى لاسيما كتب الاخبار المرويه عن اهل بيت العصمه و الائمه الاطهار عليهم السلام الله الملك القهار خصوصاً الكتب الأربعة المعروفه فى الاعصار و الامصار الكافى و الفقيه و التهذيب و الاستبصار و الكتب الثلاثه المتأخره المشتهره اشتهاه الشمس فى رابعه النهار الوافى و الوسائل و بحار الانوار.

.. قد اذنت لجنابه دام فضله أن يروى عن جميع هذه الطرق و أن يروى عنى جميع مصنفاتى و رسائلى و ان يأخذ بمجامع الاحتياط فى أمور دينه و دنياه و يحتاط فى الافتاء و القضاء فانه وان كان اهلاً لهما و اخلافى اهل الاجتهاد و الاستنباط الا أن طريق الأمن هو الاخذ بالورع و التقوى و سلوك مسالك الاحتياط و وصيتى اليه ان يواظب على العبادات و الطاعات و المباحثات العلميه المجاهدات الرياضات الشرعيه البهيه فانها غايه المأمول نهايه الوصول و المأمول من الله تبارك و تعالى أن يوفق الجميع لصالح الاعمال و الحمد لله بجميع محامده على كل حال...



قد تم الغدير وعمل محمد بن ابي طالب وادبهم في ايامهم  
 قدس الله ترابهم عز وجل وانه في الميرور والعلامة لسنة اشد  
 بعض اساندي وللعبد اساندي في غير هذه الطرق قد  
 فاهة كتابي اذ بعين وكتاب المسمى بصورته في  
 في العوائد الرجاله وكتابها في فضل ان زودي  
 بجمع هذه الطرق وان ياخذ بجمع الاحتياط في امور دينه  
 ودينه واحتياط في اودنه والقضاء فانته وان كان  
 لها وداخل في اهل الاجتهاد والاستنباط اذ ان طريق  
 الامن هو اخذ ما يورد في النور في سلور مسائل الاحتياط  
 ووصلي اليه ان يواظب على العبادات والطاعات وال  
 الحليمه والمجاهدات وترياضات الشريفة اليه فانها  
 غارة الماور وبهاية اوصيه والمأمور من الله تبارك وتعالى  
 ان يوفق الجميع لعمارة اعمالهم بجمع حاشية على كل حال  
 ونسب العبد الفقير العجز  
 في النور السار في  
 او تروى في نور الوعد في  
 انما اساندي في  
 علمه في

بن زودي  
 مستفاد  
 ۷۶

تصوير صفحه آخر از اجازه علامه ميرزا محمد هاشم چهارسوقى به شيخ احمد بيدآبادى

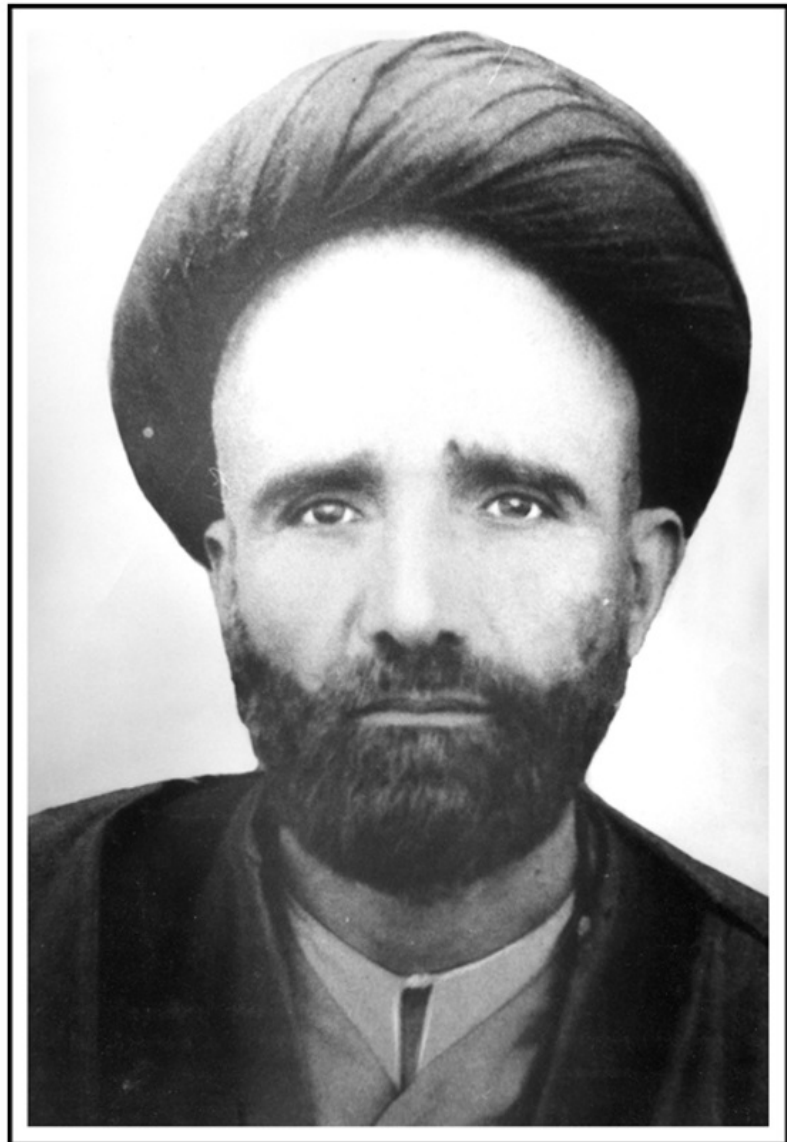
تصوير آخر از اجازه علامه ميرزا محمد هاشم چهار سوقى به شيخ احمد بيد آبادى

حاج سید صدرالدین هاطلی کوپایی حاج سید صدرالدین فرزند سید حسن طباطبایی هاطلی کوپایی در شب جمعه بیستم ماه صفر (اربعین) سال ۱۳۰۱ ه.ق. برابر با ۲۹ آذر سال ۱۲۶۲ ه.ق. در اصفهان متولد شد. پدرش مرحوم حاج سید حسن فرزند سید جعفر حسینی از فضایل نامی و از اطرافیان مرحوم آقا نجفی بود و آقا نجفی نظر خاص به وی داشته

(۱)

ص: ۸۸

۱- \* - در شرح حال حاج آقا صدر کوپایی بیشترین استفاده از کتاب علوم و عقاید، استاد ابراهیم جواهری از شاگردان مرحوم حاج آقا صدر شده است. استاد محمد ابراهیم جواهری به سال ۱۳۰۲ ه.ش. برابر با ۱۳۴۲ ه.ق. در محله پامنار در دشت متولد شده، پدرش حاج محمد اسماعیل اصلاً اهل کوهپایه اصفهان بود. آقای جواهری از هفت سالگی به مکتب رفت. سپس در دبستان قدسیه دوره ی ابتدایی را طی نمود و دوران تحصیلات متوسطه را در دبیرستان سعدی سپری نمود. بعد از آن در سال ۱۳۲۱ ش. وارد حوزه ی علمیهی اصفهان گردید و نزد اساتید ارجمندی مانند حضرات آیات: شیخ عباسعلی ادیب، سید صدرالدین کوپایی، شیخ محمدعلی حبیب آبادی، سید عبدالحسین طیب، شیخ محمود مفید، میر سید علی ابطحی، شیخ علی فقیه فریدنی، سید محمد باقر ابطحی، و سید محمد حسین ادیب بجنوردی دروس مختلف اعم از ادبیات، فقه، فلسفه، کلام، اصول و اخلاق را طی نمود. وی از دوران نوجوانی در کتابخانه های اصفهان به جهت مطالعه و تحقیق حضور مستمر داشته است. از سال ۱۳۶۳ ش. وارد آموزش و پرورش شد و در دبستانها و دبیرستانهای اصفهان به تدریس پرداخت و پس از بیست و پنج سال تلاش در آموزش و پرورش به سال ۱۳۹۷ ش. بازنشسته شد. استاد جواهری از سال ۱۳۲۷ ش. نویسندگی را آغاز نمود و تاکنون دهها اثر به وسیله ی ایشان تدوین و تألیف شده که عمدتاً طبع نگردیده است. از جمله آثار وی عبارتند از: ترجمه جلد ششم اسفار صدرالمآلهین در باب توحید، بیست جلد کتاب در مورد رجال ایران در قرن چهاردهم هجری، تاریخ تجدید حیات ایران در چهار جلد، دو جلد کتاب تشیع، جواهر العلوم در پنج جلد در مسائل مختلف و کتاب علوم و عقاید که به سال ۱۳۳۱ ش. چاپ گردیده است .



آیه الله سید صدرالدین کوپایی حاج سید صدرالدین فرزند سید حسن طباطبایی هاطلی کوپایی در شب جمعه بیستم ماه صفر (اربعین سال ۱۳۰۱ ه.ق. برابر با ۲۹ آذر سال ۱۲۹۲ ه.ق. در اصفهان متولد شد. پدرش مرحوم حاج سید حسن فرزند سید جعفر حسینی از فضلالی نامی و از اطرافیان مرحوم آقا نجفی بود و آقا نجفی نظر خاص به وی داشته

#### تحصیلات و اساتید

آیت الله حاج سید صدرالدین کوپایی در اصفهان و نجف نزد علما معروف

ص: ۸۹

۱- جواهری، ابراهیم: علوم و عقاید، ص ۲۶ (با تشکر فراوان از محقق فرزانه جناب آقای مجتبی ایمانیه که عکس مرحوم حاج آقا صدر را در اختیار نگارنده قرار دادند و تشکر از اینکه اطلاعات خود را در زمینه های مختلف از بنده دریغ نفرمودند).

تحصیل علم نموده است. در اصفهان از محضر آخوند کاشی، جهانگیر خان قشقائی (۱) و آقا نجفی (۲) و در تحصیل علم معقول در نجف در حوزه‌ی درس حکیم الهی مرحوم شیخ عبد الصمد سبزواری و حکیم فقیه مرحوم شیخ احمد شانه ساز شیرازی حضور یافته و منظومه‌ی حکمت سبزواری و اسفار ملاًصدرا را فرا گرفته است. در تحصیل فقه و اصول ابتدا فرائد را نزد مرحوم شیخ ابراهیم اردبیلی و سپس دیگر دروس حوزه را نزد آیات عظام: سید محمد فیروز آبادی یزدی و سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی و حکیم نامی سید حسین بادکوبه ای (۳) فرا گرفته است.

او بیانات آخوند خراسانی در شرح مطالب کفایه را در درس خارج اصول نوشته و جزوهای ترتیب داده که به عنوان شرح کفایه جمع آوری و هنگام تدریس برای شاگردان از آن جزوه‌ها مشکلات عبارات کفایه را تشریح می کرده است. مرحوم آیت الله شیخ محمدعلی شاه آبادی که در آن زمان در نجف بوده و به درس آخوند خراسانی حاضر می شده با مرحوم حاج آقا صدر کوپایی هم مباحثه و با هم رفاقت بسیار داشته اند، این رفاقت و دوستی صمیمانه تا آخر عمر وی ادامه داشت و هر وقت حاج آقا صدر به تهران می رفت منزل آیت الله شاه آبادی اقامت می نمود. (۴)

حاج آقا صدر پس از مراجعت از نجف به حوزه‌ی درس آقا نجفی رفت و مورد اعتماد و احترام ایشان قرار گرفت. پس از وفات آقا نجفی در حوزه‌ی درس آقا جلال مسجدشاهی پسر آقا نجفی و پس از فوت آقا جلال در حوزه‌ی درس میرزا

ص: ۹۰

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۱.

۲- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد اول، ص ۳۶۳.

۳- تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۴۳۷.

۴- جواهری، ابراهیم: صص ۲۷ و ۲۸.

عبدالحسین مسجدشاهی پسر آقا جلال حاضر می شد. (۱) از دیگر اساتید ایشان مرحوم آیت الله سید حسن مدرس مجاهد شهید است که مرحوم حاج میرزا علی آقا شیرازی از وی به نام شاگرد شهید مدرس نام می برد. (۲)

### حوزه‌ی تدریس

حاج آقا صدر پس از پایان تحصیلات از نجف به اصفهان مراجعت نمود و از ابتدای ورود به اصفهان حوزه‌ی درسی در مدرسه‌ی صدر تشکیل داد و شروع به تدریس کفایه و فرائد و اسفار، منظومه منطق و حکمت نمود و شرح تجرید و تفسیر صدرالمتلهین را نیز تدریس می نمود و با بیان شیوایی که داشت مطالب علمی را به شاگردان خوب می فهمانید، و در مدت چهل سال تدریس، متجاوز از پانصد طلبه در محضر او حضور یافته و از علوم و کمالات و فضایل اخلاقی وی استفاده برده اند. متجاوز از بیست مرتبه منظومه‌ی منطق و بیست مرتبه بیان مطّول را درس گفت، شرح تجرید علامه را دوبار تدریس کرد. نکته‌ی دیگر اینکه تفسیر سوره نور و سوره بقره و سوره واقعه ملاصدرا را فقط او در اصفهان تدریس می نمود. (۳)

شبهای پنج شنبه و جمعه در حجره‌ی خود در مدرسه صدر درس تفسیر داشت و مدت یک سال منزل حاج آقا محمد فیض - که از تجار اصفهان بود - هفته‌ای یک شب برای مردم تفسیر می گفت، مدتی نیز در منزل آقای محمد محزون پسر مرحوم میرزا عبدالمحمود محزون شاعر، روزهای جمعه به تفسیر سوره والنازعات می پرداخت. (۴) شبانه روز کتب تفاسیر شیعه و سنی را مطالعه می کرد، دوره‌ی تفسیر

ص: ۹۱

۱- همان، ص ۲۹.

۲- باقی، عبد العلی: مدرّس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۳۰.

۳- جواهری: ص ۲۹.

۴- جواهری: صص ۳۳ و ۳۴.



شیخ طنطاوی و تفسیر شیخ محمد عبده و تفسیر روح البیان شیخ اسماعیل حقی را در حجره‌ی مدرسه داشت و در آنها سیر می‌کرد. در ماه‌های مبارک رمضان صبح و عصر قرائت قرآن می‌کرد و عصرها برای طلاب تفسیر می‌گفت. (۱)

### شیوه‌ی تدریس

وی در تدریس شرح صدر داشت و در بین درس حکایات و امثله و لطایفی را مناسب با موضوع برای شاگردان بیان می‌کرد بطوری که هر چه درس طول می‌کشید شاگردان خسته و ملول نمی‌شدند و از بیانات شیرین و نمکین او لذت می‌بردند هر مطلب علمی و مشکلی را با مثالی به شاگردان می‌فهماند و معقولات را تشبیه به محسوسات می‌کرد. هر روز عصر تقریباً یک ساعت به غروب به مدرسه‌ی صدر می‌آمد و در حجره‌ی خود مشغول مطالعه می‌شد و تا دو ساعت از شب رفته در حجره بود و متن کتب درسی را مطالعه می‌کرد و روز بعد برای شاگردان درس می‌گفت. (۲)

### شاگردان

چنانکه گفته شد بیان شیوای او موجب تفهیم مطالب به شاگردان می‌شد و شاگردان پروانه وار دور شمع او حلقه می‌زدند. در طی چهل سال تدریس بزرگان بسیاری از علوم و معارف او بهره‌مند گردیدند که از جمله می‌توان به حضرات آیات و حجج اسلام زیر اشاره نمود:

۱- شیخ ابراهیم امینی (متولد ۱۳۰۴ ه. ش.).

۲- ابراهیم جواهری (متولد ۱۳۰۲ ه. ش.).

ص: ۹۲

---

۱- همان: ص ۳۴.

۲- همان، ص ۳۵.

- ۳- سید ابوالحسن رضوی شیرازی
- ۴- شیخ ابوطالب مصطفایی (متولد ۱۳۰۳ ه.ش.).
- ۵- سید ابو الحسن بدری (متولد ۱۳۰۲ ه.ش.).
- ۶- ابوالقاسم پاینده نجف آبادی (۱۲۸۷ - ۱۳۶۳ ه.ش.).
- ۷- شیخ احمد فیاض (۱۳۲۴ - ۱۴۰۸ ه.ق.).
- ۸- شیخ احمد روحانی (شیخ الاسلام) (تولد ۱۳۱۲ ه.ش.).
- ۹- احمد غفاریان
- ۱۰- شیخ اسدالله جوادی (تولد ۱۳۰۵ ه.ش.).
- ۱۱- شیخ اسماعیل کلباسی (۱۳۲۲ - ۱۳۹۷ ه.ق.).
- ۱۲- سید بحر العلوم میردامادی (۱۳۵۵ - ۱۴۱۱ ه.ق.).
- ۱۳- سید بهاء الدین رضوی خوانساری (جهدی) (۱۳۲۸ - ۱۳۶۳ ه.ق.).
- ۱۴- سید بهاء الدین مهدوی نحوی (تولد ۱۳۰۲ - ۱۳۸۲ ه.ش.).
- ۱۵- شیخ جعفر الهی نجف آبادی (متولد ۱۳۰۹ ه.ش.).
- ۱۶- سید جعفر کاشانی
- ۱۷- سید جواد افضل هرنندی
- ۱۸- دکتر سید جعفر سجادی (تولد ۱۳۰۳ ه.ش.).
- ۱۹- جلال الدین محلاتی
- ۲۰- حسین شفیعی (۱۳۰۲ - ۱۳۷۹ ه.ش.).
- ۲۲- شیخ حیدر علی صلواتی (۱۳۲۱ - ۱۳۹۲ ه.ق.).
- ۲۳- حسین عمادزاده (۱۲۸۶ - ۱۳۶۹ ه.ش.).
- ۲۴- حسن صدر اصفهانی
- ۲۵- سید حسن مدرّس هاشمی (۱۳۲۹ - ۱۴۱۹ ه.ق.).



۲۶- سید علی طباطبائی خوار سگانی

۲۷- سید حسن مهاجر

۲۸- رضا عمادزاده

۲۹- سید رضا بهشتی نژاد (وفات ۱۳۹۹ ه.ق.)

۳۰- سید رضا ابوالبرکات (۱۳۰۹ - ۱۳۶۵ ه.ش.)

۳۱- آقا ضیاء کجانی

۳۲- شیخ علی حیدری کاشانی

۳۳- شیخ عبدالرحیم ملکیان قمشه ای (ناصر) (متولد ۱۳۰۲ ه.ق.)

۳۴- سید علی هدایتی خواجهئی

۳۵- میر سید علی ابطحی (۱۳۲۹ - ۱۴۱۰ ه.ق.)

۳۶- میرزا عبدالحسین صدر المحدثین اصفهانی

۳۷- عباس اسلامی (تولد ۱۳۱۰ ه.ش.)

۳۸- علویه عفت الزمان الحاجیه افتخار آمین (۱۳۳۱ - ۱۳۹۷ ه.ق.)

۳۹- سید علی خلدی نسب (وفات ۱۳۶۵ ه.ش.)

۴۰- میرزا عنایت الله نجفی جزن آبادی

۴۱- سید عطاء الله درب امامی (وفات ۱۳۸۷ ه.ق.)

۴۲- دکتر غلامحسین آهنی (رواقی) (تولد ۱۳۰۸ ه.ش.)

۴۳- سید فخرالدین صدر عاملی

۴۴- فضل الله ضیاء نور (۱۳۶۴ - ۱۲۹۹ ه.ش.)

۴۵- قاسم زارعی چمگردانی

۴۶- شیخ فخرالدین کلباسی (۱۳۴۲ - ۱۴۰۷ ه.ش.)

۴۷- سید محمد میردامادی

٤٨- شيخ محمود كفعمي (وفات ١٣٨٤هـ. ش.)

ص: ٩٤

۴۹- سید مصطفی مهدوی هرستانی (۱۲۷۷-۱۳۶۷ ه.ش.).

۵۰- سید مهدی حجازی قمشه ای (تولد ۱۳۴۳ ه.ق.).

۵۱- شیخ محمد کلباسی (۱۳۰۴-۱۳۸۲ ه.ش.).

۵۲- سید مصطفی بهشتی نژاد (۱۲۹۰-۱۳۵۶ ه.ش.).

۵۳- شیخ محمدباقر صدیقین (فوت ۱۴۱۴ ه.ش.).

۵۴- دکتر محمدباقر کتابی

۵۵- سید محمد تقی مدنی (تولد ۱۳۰۸ ه.ش.).

۵۶- سید محمد قهدریجانی

۵۷- سید مجتبی میر محمد صادقی (۱۳۷۸ ه.ش.).

۵۸- شیخ مصطفی ارسطویی نجف آبادی (فوت ۱۴۰۱ ه.ق.).

۵۹- سید محمد ابطحی سدهی (فوت ۱۳۹۸ ه.ق.).

۶۰- محمد محزون

۶۱- سید محمد حسین قهدریجانی

۶۲- سید مهدی امامی قمشه ایی

۶۳- سید مرتضی ظهیر الاسلام (۱۳۱۷-۱۴۰۱ ه.ق.).

۶۴- مظفر فرزانه قمشه ای

۶۵- شهید مظلوم دکتر سید محمد بهشتی (۱۳۰۷-۱۳۶۰ ه.ش.).

۶۶- سید محمد خادمی

۶۷- شیخ محمدباقر هرندی (داماد آیت الله طیب)

۶۸- شیخ محمد علی فشارکی

۶۹- سید محمد علامه فانی

۷۰- سید مصطفی ابطحی سدهی

۷۱ سید محمد علی صادقی (وفات ۱۳۷۵ ه.ش.)

ص: ۹۵

۷۲ □ شیخ مرتضیٰ تیان (تولد ۱۳۳۶ه.ق.)

۷۳- دکتر محمدجواد شریعت

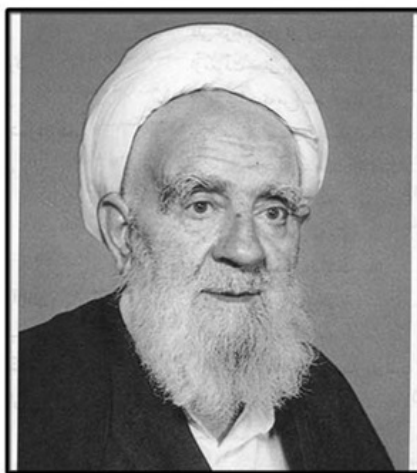
۷۴ □ حاجیه خانم همایونی

۷۵- شیخ یدالله رحیمیان (تولد ۱۳۰۰ه.ش)

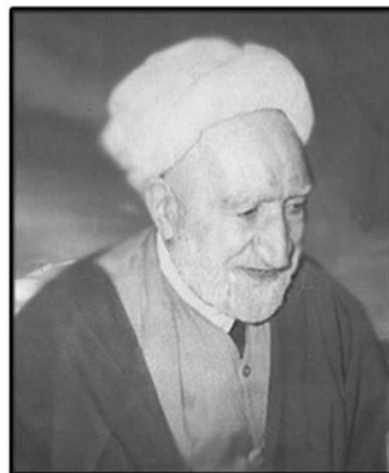
ص: ۹۶



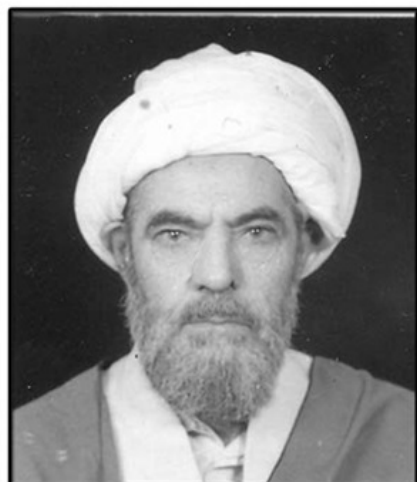
جمعی از شاگردان حاج آقا صدر کوپایی



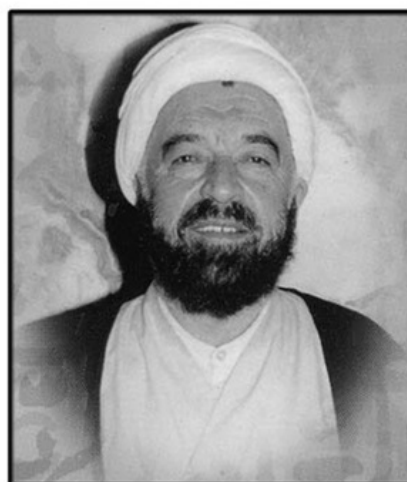
شیخ عبدالرحیم ملکیان قمشه ای



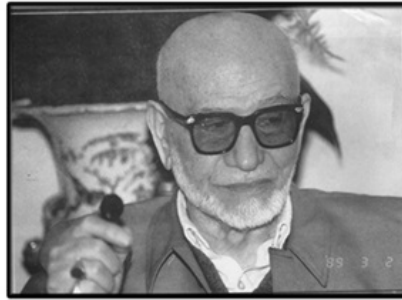
شیخ محمود کفعمی



شیخ احمد روحانی (شیخ الاسلام)



شیخ عنایت الله نجفی



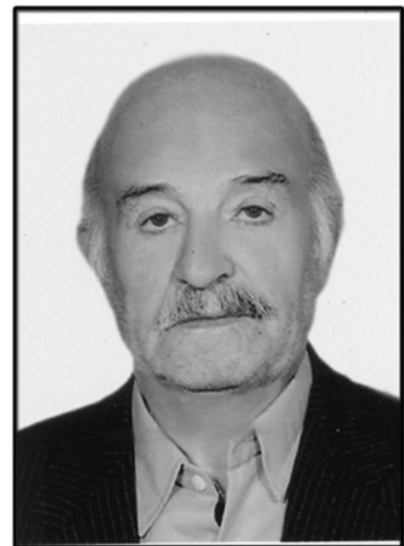
حسین عمادزاده



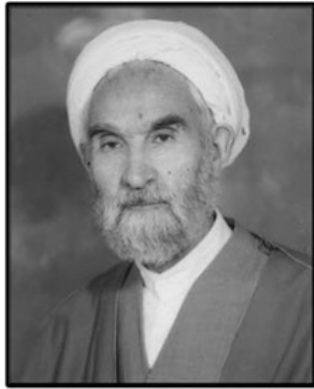
آیت الله شهید دکتر بهشتی



سید جواد افضل هرندی



محمد ابراهیم جواهری



شیخ اسدالله جوادی



آیت الله امینی



سید محمد تقی مدنی



سید ابوالحسن بدری



سید بهاءالدین رضوی

استاد ابراهیم جواهری در کتاب علوم و عقاید خود که به سال ۱۳۳۱ ه.ش. به چاپ رسیده برای اولین بار نام مبارک «حضرت امام خمینی» را به عنوان یکی از حکما و فقهای ساکن قم مطرح می کند استاد جواهری دلیل خود را اینگونه بیان می کند: اول کسی که در دهه ی بیست ( ۱۳۲۰ شمسی) امام خمینی را معرفی کرد استاد ما حکیم توانا آخوند آیت الله سید صدرالدین هاطلی کوپایی بود زمانی از آقای هاطلی درباره ی آیت الله خمینی سؤال کردم در حالی که خود مرحوم هاطلی از استوانه های بسیار والای حوزه ی غنی و با قدمت اصفهان بود، وی چنین جواب داد:

ایشان (امام خمینی) مجمع البحرین هستند. هم جامع معقول و هم جامع منقول و هم در عرفان و هم در اخلاق صاحب نظرند. در حقیقت یک حکیم به تمام معناست.

حاج آقا صدر با حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه رابطه ی عمیق داشت، گویی در سال ۱۳۲۲ شمسی که حضرت امام به اصفهان تشریف فرما شدند نزد آقای هاطلی بودند. طلاب و علاقمندان بسیاری به محضر ایشان شرفیاب می شوند و هر بار هم که مرحوم حکیم هاطلی به قم می رفت در منزل آیت الله خمینی اقامت می نمود. همین تبلیغات و تلاشهای هاطلی کوپایی مشوقی برای اهل علم و طلاب اصفهان بود تا در قم به حضور امام خمینی برسند.

با اینکه حاج آقا صدر نزدیک به بیست سال از امام خمینی بزرگتر بود ولی ارادت خاص و عجیبی نسبت به ایشان داشت همین عشق و علاقه مرحوم کوپایی بود که باعث شد نزدیک به پنجاه سال پیش استاد جواهری از شاگردان خاص و نزدیک حاج آقا صدر کوپایی در اولین تألیف خود از امام خمینی تحت عنوان حکیمی

## احوال معنوی و فضایل اخلاقی

حاج آقا صدر، علاوه بر مقام والا در علوم اسلامی و تدریس و تألیف در زهد و تقوی، فضایل انسانی و مکارم اخلاقی، نیز مدارج بالایی را پیموده بود. از این رو تمام شاگردان و کسانی که شرح زندگانی او را نگاهشته اند، او را در علم و عمل، ورع، پرهیزگاری، قناعت، حسن خلق، و دیگر ویژگیهای برجسته ستوده اند.

دوران تحصیل او در نجف در نهایت فقر و تنگدستی گذشت؛ او که در سن هفده سالگی، برای تحصیل به نجف اشرف رفته بود پس از یکی دو سال اقامت در نجف، با وفات پدرش در اصفهان با شرایط سخت معیشتی دست و پنجه نرم کرد، هر چند یکبار مادرش پولی تهیه می کرد و به نجف می فرستاد ولی این مبالغ اندک کفایت مخارج او را نمی کردند زیرا در آن زمان پرداخته شهریه به طلاب از سوی علما و مراجع تقلید مرسوم نبود فقط مرحوم آخوند خراسانی به چند نفر از طلاب برجسته از قبیل سید ابوالحسن مدیسه ای و آقا ضیاء عراقی و چند نفر دیگر حواله می داد که از نانوایان نجف نان بگیرند ولی پولی در کار نبود از این جهت مرحوم صدر کویایی در تمام مدت تحصیل به سختی امرار معاش می کرد چنانکه وقتی بوی پختنی به مشامش می رسید بدنش از ضعف و تحریک اشتها میلرزید، غالباً ماست و خرما می خورد و کمتر به گوشت و روغن دسترسی پیدا می کرد. (۲)

با این حال، در عین فقر و تهیدستی نسبت به متمولین و اغنیاء بی اعتنا بود و فقط

ص: ۱۰۱

۱- ریاحی، محمد حسین: مقاله (اولین تذکره درباره شخصیت امام خمینی)، مجله حضور، ص ۲۵۱.

۲- جواهری، ابراهیم: علوم و عقاید، ص ۲۷.

توجه به عنایت حضرت حق داشت. (۱) او عارفی حقیقی بود که در نهایت وارستگی و بی علاقه گی به دنیا می زیست و حقیقت عرفان را درک کرده بود و در ضمن کلماتش سخنانی نغز بیان می کرد از جمله می فرمود: عرفان فوق حکمت است. (۲)

در اصفهان با مرحوم حاج ملا حسین علی صدیقین و مرحوم میرزا ابوالهدی کلباسی نماز می گذارد و به مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی و مرحوم میرزا ابوالهدی ارادت خاصی داشت. (۳)

مرحوم حاج آقا صدر شخصیتی متواضع، درویش مسلک، وارسته، راستگو، درستکار، رقیق القلب، دلسوز، غیور در امور مذهبی و ناموسی، لطیفه گو، شیرین بیان و خوش خلق بود، بسیار مزاح می کرد و می خندید. در نهایت قناعت و عزت نفس زندگی می کرد و با اینکه عمری گرفتار اختلال امر معاش بود هرگز قدمی بر خلاف حق و دیانت برداشت و از جاده ی راستی و درستی و دینداری منحرف نشد. (۴)

از شاگردان ایشان حاج شیخ محمدعلی فشارکی در مورد استاد چنین می گوید:

مرحوم حاج آقا صدر کوپایی استاد ما بود که در قسمت مطول، منظومه ی منطوق و شرح تجرید نزد ایشان می رفتیم، واقعاً وارسته و عارف به تمام معنا بود. ایشان

حتی حاضر نمی شدند برای طلاب امام جماعت باشد و اگر احساس می کرد شخصی می خواهد به او اقتدا کند از آن شخص تمنا می کردند و می گفتند من خودم را قابل این جهت نمی دانم. یک وقت یادم هست ایشان در حجره مشغول نماز

ص: ۱۰۲

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۱.

۲- جواهری: ص ۳۱.

۳- همان، ص ۳۳.

۴- همان، ص ۳۳.

بودند یکی از طلاب به طوری که ایشان متوجه نشود به او اقتدا کرد.<sup>(۱)</sup>

در بین حکمای معاصر به حکیم محقق آقا میرزا مهدی آشتیانی اعتقاد داشت و او را بزرگترین حکیم معاصر می دانست و به احاطه او در حکمت و عرفان و تسلط او در معقول و منقول معترف بود. در بین و غاظ و مبلغین معاصر به آقای راشد علاقه داشت و او را مردی دانشمند و روشن فکر می دانست. در زمان رضاخان موقعی که آقای راشد را به جرم حق گویی در زندان شهربانی اصفهان حبس کرده بودند به دیدن وی رفته و از این واقعه اظهار تأسف می نمود.<sup>(۲)</sup>

جذابیت خاصی داشت، در جلسات انس دوستان شرکت می نمود و برای خود تعیینی از علم و مقام قائل نبوده. معمولاً روزها در مدرسه ی صدر فلسفه و کلام و معانی و بیان تدریس می کرد. درس خود را با اشعار مناسب می آراست و به راستی ادیبی بود که درسش زمزمه ی محبت بود و شاگردان از روی عشق و صفا پیرامونش گرد می آمدند.<sup>(۳)</sup>

### در محضر درس نهج البلاغه آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی

استاد مهدی میرخلف زاده می گوید: میرزا علی شیرازی از مصادیق این حدیث امام صادق علیه السلام بود که فرمودند: «کونوا دعاه الناس با اعمالکم بغیر السننکم»: مردم را به غیر زبانتان و با اعمالتان بسوی اسلام بخوانید، در مدرسه ی صدر در بازار توفیق زیارت ایشان را داشتم بخصوص اینکه شاید از سال ۱۳۲۴ شمسی بود که در درس نهج البلاغه حاج میرزا علی آقا شرکت می کردم و از سال ۱۳۲۴ شمسی نیز هم حجره بودیم. در مباحث درسی ایشان همه صنفی از جمله علمای بزرگ

ص: ۱۰۳

---

۱- زاهد نجفی، محمد: مصاحبه با شیخ محمد علی فشارکی در تاریخ ۷۵/۷/۹.

۲- علوم و عقاید: ص ۳۵.

۳- کتابی، محمد باقر: رجال اصفهان، ص ۴۳۱.

می آمدند، لکن پیش از اینکه قال باشد حال بود و به شنوندگان و حاضران حالی عرفانی میبخشیدند، حاج آقا صدرالدین کوهپایی هم می آمدند، همین طور مرحوم آیت الله شهید سید ابوالحسن شمس آبادی نیز جلسه ی ایشان را غنیمت می شمردند، گاهی اوقات نیز آیت الله حاج شیخ احمد فیاض و حاج شیخ علی مشکوه سدهی هم می آمدند، حالت ایشان در موقع گفتن نهج البلاغه حالت خاصی داشت و معنویت خاصی به همه دست میداد. (۱)

### آیت الله حاج سید صدرالدین کوهپایی از نگاه دیگران

۱- حاج میرزا حسن خان جابری انصاری (۱۲۸۷-۱۳۷۶ه.ق.).

حاج سید صدرالدین هاطلی الشّهری به کوهپایی، فقیهی رشید و حکیمی مفید بوده، سالها به تدریس حکمت و فقه و ادبیات در مدرسه صدر تا پایان زندگی مشغول بود. (۲)

۲- سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴-۱۴۱۶ه.ق.).

(او) عالم زاهد فقیه حکیم مفسّر، مردی وارسته و جامع جمیع ملکات و فضایل انسانی بود و الحق ملکی بود بصورت بشر، در عین فقر و تهیدستی نسبت به متمولین و اغنیاء بی اعتناء و فقط متوجه حضرت باری تعالی بود. (۳)

۳- میر سید حسن مدرس هاشمی (۱۳۲۹-۱۴۱۹ه.ق.).

مرحوم حکیم مدرّس اصفهانی از شاگردان حاج آقا صدر صفات حسنه و فضایل

ص: ۱۰۴

---

۱- ریاحی، محمد حسین طیب جسم و جان، ص ۸۰.

۲- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۴۸.

۳- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۱.



اخلاقی و مراتب علمی استادش را ستوده و از روابط دوستی و انس و الفتی که با آن حکیم فقیه داشت یاد کرده و فرموده است:

آقا صدرالدین کوپایی (ره) همیشه مرا تشویق و تحسین می نمود و محبت و عنایت زیادی به من داشت و استعداد و نبوغ خدادادی مرا می ستود و چندین بار که - برای مثال - در متن شرح لمعه یا کفایه اشکالاتی را مطرح می نمود و من به دقت پاسخ می دادم، مرا تعریف و تمجید می نمود<sup>(۱)</sup>.

۴- دکتر سید محمدباقر کتابی

مرحوم سید صدرالدین هاطلی، مردی وارسته و دارای ملکات و فضایل انسانی بود. نسبت به مال و ریاست های دنیا کمال بی اعتنایی را داشت. دانش و تقوی و وارستگی را بهم آمیخته بود. متواضع و قانع زندگی می نمود و در عین حال جذابیت خاصی داشت، در جلسه ی انس دوستان شرکت می نمود و ابداً برای خود تعیینی از علم و مقام قایل نبود. نگارنده به خاطر دارم در جلسه ی دوستانه ی که صبح های جمعه با عدّه ای از دوستان داشتیم گاهی مرحوم سید صدرالدین کوپایی با کمال بزرگواری شرکت می فرمود و آیاتی از قرآن را تفسیر می نمود<sup>(۲)</sup>.

### آثار و تألیفات

حاصل عمر پربرکت و تلاش مستمر حاج آقا صدر، علاوه بر تربیت شاگردان مبرز و محقق، به جای گذاشتن آثاری از جمله: کتاب «شروق الحکمه» در حل معضلات اسفار و منظومه که آن را در دوره ی تحصیل خود در نجف وقتی اسفار را نزد مرحوم شیخ عبد الصمد سبزواری می خوانده، نوشته است، این کتاب شامل ۴۵

ص: ۱۰۵

۱- کرباسی زاده، علی؛ نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، صص ۸۸ و ۸۹.

۲- کتابی، محمد باقر: رجال اصفهان، ص ۴۳۱.

جزء است. (۱) و کتاب بزرگ دیگر او در شرح کفایه الاصول است که حاوی بیانات آخوند خراسانی، استاد او، در شرح مطالب کفایه است و تدریس شاگردان از روی آن جزوات نگاشته شده در محضر آخوند خراسانی بوده که مشکلات عبارات کفایه را بر اساس آن تشریح می نموده است. (۲)

تصویر شماره ۲۰۶

## وفات

مرحوم آیت الله حاج آقا صدر در سه سال آخر عمر شریفش به دلیل ابتلا به فشار خون، قادر به امر تدریس نبود، و سرانجام در شب چهارشنبه پنجم

جمادی الاولی سال ۱۳۷۲ ه.ق. برابر با اول بهمن ماه ۱۳۳۱ ه.ش. در منزل خود بر اثر سکته درگذشت.

قابل توجه اینکه گویند روز آن شبی که آن بزرگوار در آن شب از دار غرور به

ص: ۱۰۶

---

۱- جواهری: ص ۳۱.

۲- همان: ص ۲۸.

سرای سرور ارتحال فرمود در مجلس فاتحه علامه فقیه مرحوم آقا سید محمد

کوه کمره ای در مدرسه صدر در حضور جمعی فرموده بود که فردا نوبت من است و به همان کیفیت فردا وفات یافت و در همان محل مجلس ختم جهت او گرفتند. (۱)

حجت الاسلام حاج سید محمد تقی مدنی نقل می کرد: همراه با مرحوم حاج آقا صدر در تشییع مرحوم ملا اسدالله فهامی حرکت می کردیم که ایشان به من فرمود: آقای مدنی فردا نوبت من است. و فردای آن روز ایشان به رحمت الهی پیوست. (۲)

پیکر مطهر وی را پس از بردن به مدرسه صدر با حضور طلاب و بزرگان اصفهان از جمله آیت الله شیخ محمدباقر زند کرمانی از ارادتمندان وی، آیت الله شیخ احمد فیاض، آیت الله سید عبدالحسین طیب، آیت الله سید محمدباقر تویسرکانی به تخت فولاد تشییع کردند و در حین تشییع این شعر را می خواندند:

«ابکی ابکی لفقده فقیهنا

ابکی ابکی لغربه دیننا» (۳) پس از آن پیکر پاک این عالم بزرگوار را در بقعه این تکیه به خاک سپردند.

### خبر فوت آن مرحوم در روزنامه جهلستون

خلد مقام مرحوم آقا سید صدرالدین هاطلی کوپایی از اجله علما و دانشمندان حوزه علمیه اصفهان و یکی از مدرسین عالی مقام مدرسه صدر اصفهان بود. مرحوم هاطلی پس از چند سال تحصیل در اصفهان مدتی نیز در نجف اشرف فقه و اصول را در محضر مرحومین آیتین ملاً محمّد کاظم خراسانی و سید محمّد کاظم یزدی تلمذ و حکمت و عرفان را از اساتید دیگر استفاده نمود و بعداً باصفهان مراجعت نمود. شادروان در حدود سی و پنج سال در مدرسه صدر اصفهان اشتغال بتدریس

ص: ۱۰۷

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۳۳.

۲- همان: ص ۷۳۲.

۳- جواهری: ص ۲۶.

فنون متفرقه از فقه و معانی و بیان و تفسیر و عرفان داشت به قسمی که مطالب و الطایف دقیقه علمی را با بیان واضح و شیرین ادا می نمود و متعلمین را با طول مجلس درس او ملالی دست نمی داد. در شب چهارشنبه اول بهمن ماه ۱۳۳۱ به مرض سکتہ در سنین ۷۱ سالگی بر حمت ایزدی پیوست و جنازه او با تجلیل تمام در تخت فولاد بخاک سپرده شد و مجالس ترحیم متعددی در مدارس علوم دینیہ و مساجد جهت آن مرحوم برقرار گردید» (۱)

### شعر شاعران در فوت حاج آقا صدر

ادیب شاعر عبدالمحمود محزون در فوت حاج آقا صدر چنین سروده:

رفت میرجلیل صدرالدین

از دیار فنا به خلدبرین

رخت بر بست زین رباط خراب

منتظر چونکه دید حورالعین

ارجعی تا شنید از محبوب

گفت لبیک را به صدق و یقین

داعی حق چو او اجابت کرد

ثلمهای افتاد در شرایع دین

گوهری ناپدید شد ز نظر

که نظیرش نبود در آیین

فلک دانش فکند پس لنگر

که تلامیذ او شوند حزین

داغ بردل ن هاد از احباب

ابدالدهر از کھین و مھین

برد با خویش گنج حکمت را

بود بر حفظ و پاس او چو امین

ملکوت ک لام او بقلوب

جلوه گر بود از یسار و یمین

مجلس انس و محفل قدسش

تازه می کرد روح رابر تن

همچو صدرا و ابن سینایی

بایدش در جهان کند تحسین

ص: ۱۰۸

---

۱- روزنامه چهلستون: سال دوم، ۲ شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۷۲ برابر با ۹ بهمن ۱۳۳۱، شماره ۶۴، ص ۴.

همچو لاهوتیان به سیر و سلوک

بود ناسوت را اگرچه مکین

زو پراکنده کرد باد اجل

خرمن عمر و خوشه ی پروین

گشت مصباح عمر او خاموش

بود مشکوه جسم را چو رهین

در حیاتست همچو او بممات

آل طه و عترت یاسین

لیک افسرده کرد ما را بس

موت آن سید جلیل امین

از جمادی چو پنج یوم گذشت

شد قضا باقدر بموت قرین

کلک محزون چو خواست تاریخش

بتهجی همی بلیغ و متین

گفت پس با دو چشم تر بجنان

همنشین بانبی است صدرالدین(۱)

(۱۳۷۲ = ۲ + ۱۳۷۰)

همچنین ادیب فاضل شاعر مرحوم میرزا حبیب الله نیر در ماده تاریخ فوت وی چنین سروده است:

ایا دهر دعنا قد ملئت من الغدر

فکم عالم افیت بالترو الجهر

ذهبت بصدر الدین والسید السند

ادیب حکیم فاضل حائر الفخر

و كان سحاباً ممطراً وهو هاطل

ومن صار في نشر الافاضه كالبحر

مروّج دين الله طائف بيته

مدرس علم الفقه في ذلك العصر

فيا «نير» اكتب في الجواب بسؤال من

دعاك هنا عن عام فقد لذا الحبر

ثلاثاً اذا نقصت من ذاتورّحه

فخلد جنان منزل السيد الصدر»(۲)

ص: ۱۰۹

- 
- ۱- اديب شاعر مرحوم ميرزا عبدالمحمود محزون از شعرای برجسته معاصر فرزند آقا حيدر علی اصفهانی متولد در سال ۱۳۰۱ه.ق. در اصفهان و از اعضای انجمن ادبی شیدا بود. وی علاوه بر کسب و کار در بازار اوقات فراغت خود را به مطالعه و تصنیف کتاب می گذراند. از تألیفات وی منظومه فضائح الافعال فی قبائح الاعمال، مطبوع و گنج العیش، نصایح الزمان، عروج النبی، کنز المثل، جنگل مشتمل بر حکایات و قصائد، بدیع البیان در توصیف اصفهان، منظومه نفت، وی در جمعه پنجم محرم سال ۱۳۷۷ه.ق. فوت و در تکیه خلیلیان مدفون گردید.
- ۲- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۴۸.

سنگ مزار این عالم بزرگوار به دلیل خوردگی و قابل خواندن نبودن تعویض و توسط مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت فولاد با متن زیر بر روی مزار وی نصب گردید.

متن سنگ مزار وی چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

مرقد مطهر عالم ربّانی و حکیم صمدانی آیه الله سید صدرالدین کوپایی از علما و مدرّسین اصفهان و جامع کمالات و فضایل انسانی که در شب شنبه پنجم جمادی الاولی ۱۳۷۲ ه. ق. طبق پیشگویی قبلی خود وفات یافت.



وصدق الله ما وعده  
للمؤمنين  
الذين آمنوا  
وعملوا الصالحات  
لهم أجران  
كثيران

مقدمه

عالم ربانی و حکیم صمدانی

آیة اللہ سید صدر الدین کوپایی

از علماء و مدرسین اصفهان

و جامع کمالیه و فاضل انسانی

که در شب شنبه ۵

جمادی الاولی ۱۳۷۲ هـ ق

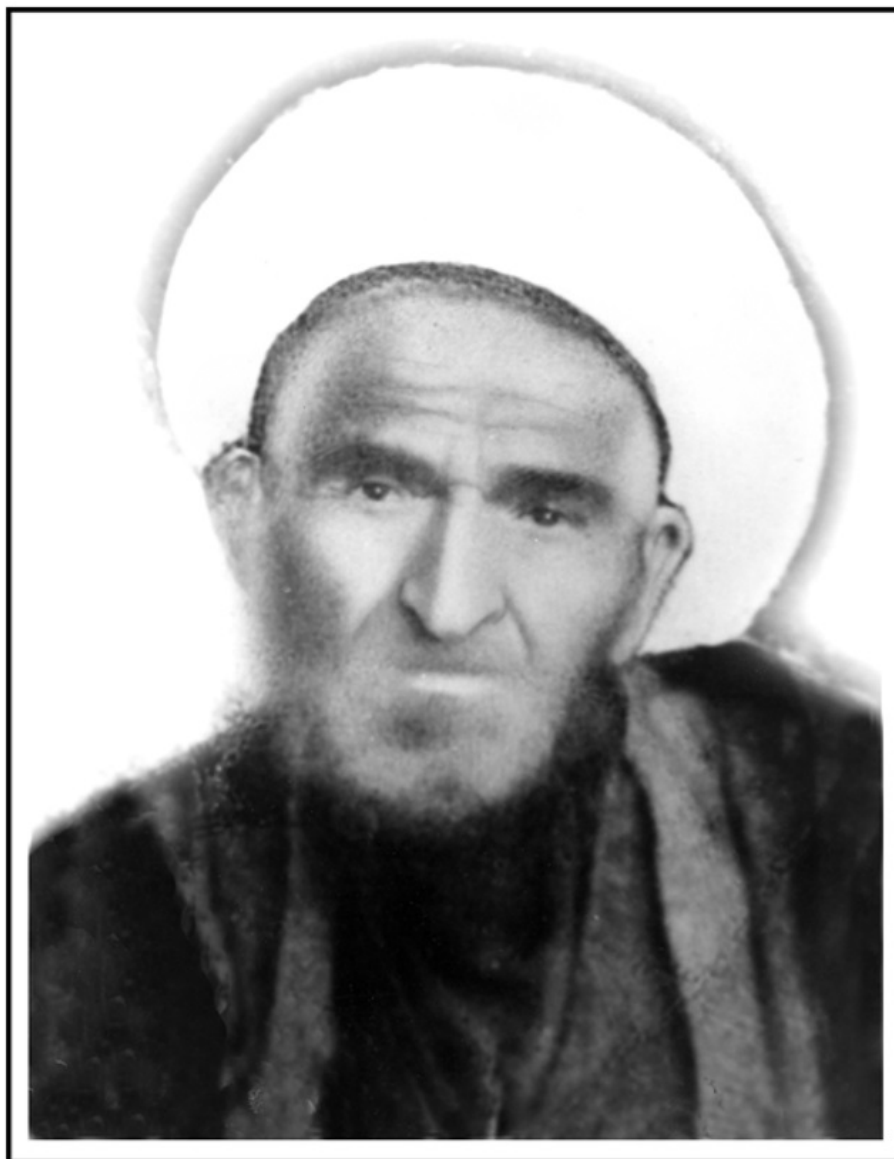
طبع و نشر کوپایی

وفات یافت

سنگ مزار آیه الله سید صدر الدین کوپایی



عالم فاضل و واعظ ادیب شیخ ابوالقاسم زفره‌ای معروف به حاج آخوند از مدرسین سطوح در اصفهان فرزند مرحوم ملا محمدعلی (ملا علی) عرب زفره‌ای، متولد حدود ۱۲۶۰هـ. ق. (۱) است.



شیخ ابوالقاسم زفره‌ای

شیخ ابوالقاسم زفره ای

ص: ۱۱۱

مرحوم ملا علی عرب پنج فرزند پسر و پنج دختر داشت که فرزندان پسر عبارت بودند از:

۱- مرحوم ملا ابو تراب عالم فاضل، ساکن قریه برزان و از شاگردان شیخ مرتضی ریزی و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی که در رمضان سال ۱۳۳۴ ه. ق. فوت (۱) و در صحن تکیه ریزی سمت جنوب بیرون بقعه مدفون گردید.

۲- مرحوم ملا محمد حسین زفره ای، عالم فاضل عارف خطاط، که خط نستعلیق را در کمال استادی می نوشت. وی در ذی الحجه ۱۳۲۴ ه. ق. فوت کرد و قبرش نزدیک مقبره تکیه فیض قرار دارد. (۲)

۳- مرحوم شیخ موسی زفره ای، فوت ۱۸ رمضان ۱۳۳۱ ه. ق. (۳) مدفون در تکیه ریزی سمت جنوبی

۴- مرحوم ملا محمد هاشم مشکوه واعظ فاضل صالح متوفی ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۹ ه. ق. (۴) مدفون در تکیه بروجردی روی سکوی اطراف بقعه

۵- مرحوم میرزا ابوالقاسم زفره ای صاحب عنوان، عالم فاضل و ادیب واعظ و زاهد متقی که از مدرسین سطوح در اصفهان و نیز از محدثین و واعظین بود. (۵)

ص: ۱۱۲

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲- همان، ص ۱۰۱. مرحوم ملا محمد حسین زفره ای پدر مرحوم نور علی استی، عالم عارف و خطاط متوفی مدفون در تکیه ایزدگشسب می باشد.

۳- مهدوی: سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۲۷. فرزند ایشان مرحوم شیخ یوسف نجفی از بزرگان مدفون در تکیه بروجردی می باشد که شرح وی خواهد آمد.

۴- همان: ص ۸۸ مرحوم ملا هاشم پدر مرحوم ملا احمد مشکوه در تکیه بروجردی می باشد که شرح وی خواهد آمد.

۵- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۸.

وی تألیفات متعددی دارد که از آن جمله است:

۱- رساله در اصول دین

۲- کتابی در قاعده ی دایره هندی

۳- کتابی در مکروهات موجب فقر

۴- کتابی در علوم غریبه (۱)

۵- رساله در قبله (۲)

## تدریس

مرحوم حاج آخوند در تدریس، روش مخصوصی داشت. در مقدمات بیشتر فضلالی معاصر از شاگردان وی بودند. معروف بود که حاج آخوند به علوم غریبه آشناست و در جبر و اعداد و طلسمات زحمتی کشیده و در این موارد کارهایی به او منسوب است. در این مورد مرحوم آیت الله آقا سید حسن مدرس هاشمی (۳) که از شاگردان مرحوم زفره ای بوده، راجع به استاد خود می گوید:

آخوندزفرهای استاد ادب ما بود جامع و صاحب علوم غریبه و ریاضت کشیده

ص: ۱۱۳

۱- همان، ص ۱۰۰.

۲- یادداشت های مرحوم مهدوی: مخطوط

۳- آقا میر سید حسن مدرس هاشمی فرزند مرحوم سید محمد مدرس در سال ۱۳۲۹ه.ق. در اصفهان به دنیا آمد. وی از شاگردان شیخ علی مدرس یزدی، جلال الدین همایی، سید کاظم مرتضوی، حاج آقا رحیم ارباب، سید علی نجف آبادی، میر سید محمد صادق خاتون آبادی و ... بود. وی که از مدرسان بزرگ بود مباحث فقهی و اصولی، کلامی، فلسفی و ادبی را به دقت تبیین می نمود، دقیق می اندیشید و با فصاحت تمام، مطالب را القا می کرد. وی در شنبه ۲ ربیع الاول ۱۴۱۹ه.ق. فوت و پیکرش را ابتدای درب ورودی مقبره‌ی علامه مجلسی به خاک سپردند. ر. ک: کرباسی زاده اصفهانی، علی: نگاهی به آراء و احوال حکیم مدرس اصفهانی.

بود. ایشان در بین شاگردانش به من عنایت خاصی داشت. روزی به من فرمود: من هر چه فکر کردم در بین شاگردانم کدامیک استعداد ظرفیت و تحمل این علوم غریبه را دارند، تنها تو را شایسته دیدم و بنابراین روزی به دیدن پدر ما مرحوم آیت الله آقا میر سید محمد آمدند و جریان را با ایشان در میان گذاشتند. مرحوم پدر مراخواستند و فرمودند: حال که آخوند چنین عنایتی به شما دارند، شما هم خوب است بپذیرید. ولی من به هیچ وجه قبول نکردم و هر چه آخوند اصرار کرد که این علوم را به من تعلیم دهد، زیر بار نرفتم که بعد خیلی از افراد سرزنشم کردند که با این همه اصراری که آخوند داشت چرا نپذیرفتی؟! (۱)

## شاگردان

مرحوم شیخ ابوالقاسم زفرهای همان طور که گفته شد از مدرسین سطوح در حوزه اصفهان در مدرسه میرزا مهدی (مسجد المهدی) بود و در تدریس سلیقه‌ی مخصوص داشت و در مقدمات تبحر خاصی داشته است از این رو بیشتر فضلاء اصفهان از شاگردان وی بودند. از جمله شاگردان معظم له، حجج اسلام و آیات عظام:

۱- شیخ ابوالقاسم اصفهانی (۱۳۰۴-۱۳۸۴ ه.ق.)

۲- دکتر ابراهیم انواری (۱۳۰۹-۱۳۷۷ ه.ق.)

۳- شهید سید ابو الحسن شمس آبادی (۱۲۸۶-۱۳۵۵ ه.ش.)

۴- سید اسدالله صدر الاسلام میردامادی

۵- ابوالقاسم پاینده نجف آبادی (۱۲۸۷-۱۳۶۳ ه.ش.)

۶- سید ابراهیم سرّی (۱۳۱۰-۱۳۶۹ ه.ق.)

ص: ۱۱۴

---

۱- کرباسی زاده اصفهانی، علی: نگاهی به آراء و احوال حکیم مدرس اصفهانی، ص ۲۷.

- ۷- سید ابوتراب در چه ای (۱۳۲۴-۱۴۱۱ ه.ق.).
- ۸- ملا احمد بیان الواعظین (۱۳۱۴-۱۳۷۱ ه.ق.).
- ۹- میر سید حسن مدرّس هاشمی (۱۳۲۹-۱۴۱۹ ه.ق.).
- ۱۰- حسن صدر اصفهانی
- ۱۱ □ سید ریحان الدین مهدوی (۱۳۱۳-۱۳۹۹ ه.ق.).
- ۱۲- سید شهاب الدین بهشتی (۱۳۱۶-۱۳۵۱ ه.ق.).
- ۱۳- سید علی مدرّس هاشمی (۱۳۲۰-۱۴۰۰ ه.ق.).
- ۱۴- سید عبدالحسین طیب (۱۳۱۹-۱۴۱۲ ه.ق.).
- ۱۵- شیخ علی مشکوه (۱۳۱۹-۱۴۱۰ ه.ق.).
- ۱۶- سید قوام الدین بهشتی (خلدی نسب) (فوت ۱۳۷۶ ه.ق.).
- ۱۷ □ سید محمدرضا شفقی (حدود ۱۳۲۰-۱۳۹۶ ه.ق.).
- ۱۸ □ سید محمّد صدرهاشمی (۱۳۲۳-۱۳۸۴ ه. ش.).
- ۱۹- سید مرتضی ظهیر الاسلام (حدود ۱۳۱۷-۱۴۰۱ ه.ق.).
- ۲۰- میرزا محمّدحسین ملاذ روضاتی (۱۳۰۲-۱۳۸۲ ه.ق.).
- ۲۱- سید محمّدباقر آسیاب پری (فوت ۱۴۰۹ ه.ق.).
- ۲۲- شیخ مرتضی رشتی (۱۳۳۱-۱۳۸۶ ه.ق.).
- ۲۳- سید محمدرضا آل رسول شمس آبادی (فوت ۱۴۰۹ ه.ق.).
- ۲۴- سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴-۱۴۱۶ ه.ق.).
- ۲۵- سید محمّد آل رسول شمس آبادی (۱۳۳۶-۱۳۹۲ ه.ق.).
- ۲۶- سید نورالله قاضی عسگر (متوفی ۱۳۸۸ ه.ق.).
- ۲۷- علویه مجتهده بانو نصرت امین (۱۳۰۸-۱۴۰۳ ه.ق.).

سر انجام عالم فاضل و واعظ ادیب مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زفره ای در روز دوشنبه ۲۸ رمضان سال ۱۳۵۲ ه. ق. در حدود نود سالگی در اصفهان وفات یافت. (۱) و پیکرش در بقعه، پایین پای مرحوم سید ابوالحسن بروجردی به خاک سپرده شد. بر سنگ مزار این عالم که دچار ساییدگی نیز شده چنین نگاشته شده است:

هو الحی الذی لا یموت

...خلد آشیان جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول حاج ملا ابوالقاسم زفره طاب ثراه فی شهر رمضان ۱۳۵۲

ص: ۱۱۶

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۲۰۸.



عالم ربانی شیخ علی یزدی معروف به شیخ علی مدرّس یزدی که به شیخ علی مسگر یزدی نیز مشهور بوده است.

فرزند مرحوم آقامحمد مسگر یزدی، در ۱۲۷۸ ه.ق. در دارالعباد یزد متولّد شد. از هفت سالگی مشغول فراگیری قرآن مجید و علوم متداول شد و از دوازده سالگی شروع به تحصیل علوم عربی از صرف و نحو، منطق و معانی بیان نمود. وی حدود سن بلوغ که وارد در تدریس اصول فقه می شود. از اساتید وی در یزد مرحوم سید علی مدرّس می باشد. در سال ۱۳۱۰ ه.ق. از یزد به اصفهان مهاجرت نمود و در حوزه‌ی درس آیت الله مرحوم شیخ مرتضی ریزی حاضر و درس خارج را طی چهار سال در خدمت این عالم بزرگوار فراگرفت. (۱)

### تدریس

وی پس از فراغت از تحصیل به امر تدریس روی آورد و در مدرسه‌ی صدر به تدریس سطوح از مغنی و مطّول و حاشیه ملاً عبدالله و معالم و شرح لمعه و قوانین، پرداخت.

وی علّت اشتغال به تدریس را خود در شرح حالی که برای مرحوم سید علی عیال و اختلال امر مؤونه موجب تشویش خاطر گردیده و انصراف از امر تحصیل

ص: ۱۱۷

---

۱- جناب، میر سید علی: الاصفهان (رجال و مشاهیر اصفهان)، نسخه مخطوط؛ مدرّس یزدی: النجوم السرد، ص ۱۰۲.

قهرآ حاصل شده، ولی برای صارف از هجوم خیالات موحشه فی الجملة اشتغالی به تدریس می شود»<sup>(۱)</sup>.

### شیوه ی تدریس استاد به روایت شاگردان

مرحوم شیخ علی یزدی تمام سطوح فقه و ادبیات عرب را تدریس می کرد و در دوران تدریس خود شاگردان زیادی را تربیت نمود. شیوهی تدریس وی به گونه ای بسیار عالی و با تسلط کامل بود و از شاگردان وی خاطرات بسیار جالبی در این زمینه بیان گردیده است. برخی از آنها را بیان می کنیم

۱- آیت الله عباسعلی ادیب حبیب آبادی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۲ ه.ق.).

«جناب شیخ علی یزدی که ما خدمت ایشان شرح لمعه می خواندیم در مدرسه ی صدر درس می فرمود کل درس را ایشان با آهنگ بیان می کرد، صدای بسیار خوب و رسایی داشت. و صدای خوب ایشان هنگام درس گفتن در تمام صحن حیات مدرسه طنین انداز می شد. به همین جهت یک فرد برای ایشان شعری هم گفته بود:

واقعاً مدرسه ی صدر صفایی دارد

بلبلی شیخ علی نام نوایی دارد

مرحوم شیخ استادی کامل در شرح لمعه بود و بسیار خوب و متین درس می گفت وی از آخر محله ی بیدآباد با پای پیاده برای گفتن درس به مدرسه ی صدر می آمد. در عین کمال علمی، از نظر مالی بسیار فقیر و تهی دست بود هر چند بعضی از فقها با او همراهی داشتند ولی استاد کاملاً تنگدست و در زحمت بود»<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۱۸

۱- جناب میر سید علی: الأصفهان، مخطوط.

۲- مجله حوزه، آئینه داران حقیقت، جلد اول، ص ۳۶۴.

۲ آیت الله سید عبدالحسین طه ب (۱۳۱۱ - ۱۴۱۲ ه.ق.).

«مرحوم آقا شیخ علی یزدی بسیار در ادبیات مسلط بود و در مدرسه ی صدر شرح لمعه می فرمودند این درس بسیار خوب و متین و با آهنگی بلند گفته می شد. صدای خوب آن مرحوم در تمام مدرسه به گوش می رسید. شرح لمعه را من نزد ایشان خواندم» (۱).

۳ - آیت الله سید مرتضی موحد ابطحی

معنی را خدمت مرحوم حاج شیخ علی یزدی فراگرفتم. ایشان خیلی پشتکار داشت. مسلط بر درس بود. از صبح تا ظهر بدون استراحت چندین درس را بدون استفاده از کتاب تدریس می کرد» (۲).

۴ - آیت الله حاج سید مرتضی پسندیده (۱۳۱۳ - ۱۴۱۷ ه.ق.).

«من مجموعاً در اصفهان هفت یا هشت سال اقامت داشتم که در آن مدت درس شرایع را نزد دامادمان حاج رضا نجفی، و درس مطول و شرح لمعه را نزد آقا میرزا علی یزدی که از اساتید بسیار بسیار عجیب بود خواندم. قوی بودن حافظه ی آقا میرزا علی یزدی از تصور ما خارج بود» (۳).

۵ - حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی (۱۲۸۳ - ۱۳۶۸ ه.ش.).

«شرح لمعه را خدمت آقا میرزا احمد مدرّس و آقا شیخ علی یزدی خواندم. مرحوم آقا شیخ علی یزدی، آن قدر در ادبیات مسلط بود که درس خود را به حالت

ص: ۱۱۹

---

۱- مجله حوزه، شماره ۳۳، مرداد و شهریور ۱۳۶۸ ش، ص ۳۴.

۲- همان : شماره ۵۸، ص ۲۱.

۳- مرادنیاء، محمد جواد خاطرات آیت الله پسندیده، ص ۵۴.

رجز و ادیبانه بیان می کرد، یعنی با عبارات مسجع و مقفی» (۱).

۶- سید جواد مدرسی یزدی (تولد ۱۳۴۴ ه.ق.)

شیخ علی مدرّس فرزند آقامحمد مسگر در یزد خدمت آقامیرزا سید علی مدرس تحصیل کرده و به اصفهان رفته، خدمت اساتید آنجا استفاده کرده، خیلی فاضل و مقدّس بوده، و سطوح را از حفظ تدریس می کرده، و به نماز استیجاری و روزه و تصحیح غالباً امرار معاش می کرده است» (۲).

۷- سید مرتضی ظهیر الاسلام (۱۳۲۷ - ۱۴۰۱ ه.ق.)

استاد معروف به آقا شیخ علی که الحق استادی بود یگانه و ناطقی بود فرزانه که اول آفتاب تا اول ظهر دروس عدیده را بدون درنگ تدریس می کرد» (۳).

### شاگردان

چنانکه گفتیم مرحوم مدرّس یزدی پس از فراغت از تحصیل به امر تدریس روی آورد و در تمام عمر مشغول تدریس و تربیت شاگردان بود و با توجه به روش تدریس و بیان خوبی که داشت شاگردان زیادی را تربیت نمود که برخی از شاگردان ایشان از حضرت آیات عظام و حجج اسلام، عبارتند از: ۱- ۱- شیخ اسماعیل کلباسی (۱۳۲۲- ۱۳۷۹ ه.ق.)

۲- شیخ احمد فیاض فروشانی (۱۳۲۴ - ۱۴۰۸ ه.ق.)

۳- شیخ ابوالقاسم اصفهانی (۱۳۰۴ - ۱۳۸۴ ه.ق.)

ص: ۱۲۰

---

۱- مجله حوزه: آینه داران حقیقت، جلد اول، ص ۱۱۶.

۲- مدرسی یزدی، سید جواد: النجوم السرد، صص ۴۲۵ - ۶۲۶.

۳- مهدوی: شرح حال خودنوشت مرحوم ظهیر الاسلام، مخطوط.

۴- سید ابوطالب مرعشی شهرستانی (۱۳۰۰-۱۳۹۱ ه.ق.).

۵- شیخ ابوالفضل نجفی اصفهانی (قدسی) (۱۳۲۲-۱۴۰۲ ه.ق.).

۶- ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی (۱۲۸۴-۱۳۶۶ ه.ق.).

۷- سید ابوالحسن مرتضوی کرونی موسوی

۸- سید جمال الدین میردامادی (فوت ۱۳۷۵ ه.ش.).

۹- جمال الدین قدسی (فوت ۱۳۹۴ ه.ق.).

۱۰- جلال الدین همایی (۱۳۱۷-۱۴۰۰ ه.ق.).

۱۱- سید جمال الدین صهری (۱۲۸۲-۱۳۴۷ ه.ش.).

۱۲- حسین عمادزاده (۱۲۸۴-۱۳۶۹ ه.ش.).

۱۳- شیخ حیدر علی خان برومند گزی (۱۲۹۳-۱۳۷۹ ه.ق.).

۱۴- سید حسین دهکردی (فوت ۱۳۷۷ ه.ش.).

۱۵- سید حسن ملا باشی (فوت ۱۳۹۸ ه.ق.).

۱۶- میر سید حسن مدرس هاشمی (۱۳۲۹-۱۴۱۹ ه.ق.).

۱۷- شیخ حیدر علی محقق (۱۲۹۳-۱۳۷۹ ه.ق.).

۱۸- میرزا حبیب الله روضاتی (۱۳۰۸-۱۳۷۹ ه.ق.).

۱۹- سید حسین خادمی اصفهانی (۱۲۸۰-۱۳۶۳ ه.ق.).

۲۰- سید حسین میردامادی (۱۳۰۳-۱۳۸۰ ه.ق.).

۲۱- سید حسن احمدی علون آبادی (فوت ۱۳۵۷ ه.ش.).

۲۲- سید روح الله کشفی (فوت ۱۳۸۲ ه.ق.).

۲۳- سید محمدرضا حسینی هرنندی (فوت ۱۴۰۲ ه.ق.).

۲۴- میرزا سراج الدین هدایت

۲۵- سید شمس الدین خادمی (۱۳۱۶-۱۳۹۹ ه.ق.).

۲۶- سید طه بهشتی (۱۳۲ - ۱۴۰۳.ق.)

ص: ۱۲۱

- ۲۷ - سید علی اکبر یزدی (متولد ۱۲۸۸ ه.ق.)
- ۲۸ - عبدالمجید اوحدی (یکتا) (فوت ۱۳۹۵ ه.ق.)
- ۲۹ - شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی (۱۳۱۵ - ۱۴۱۲ ه.ق.)
- ۳۰ - سید علی اکبر هاشمی (وفات ۱۳۸۸ ه.ق.)
- ۳۱ - شیخ عبدالرسول قائمی (فوت ۱۳۷۲ ه.ق.)
- ۳۲ - شیخ عبد الجواد جبل عاملی (۱۲۸۳ - ۱۳۷۸ ه.ش.)
- ۳۳ - میر سید علی مدرّس هاشمی (۱۳۲۰ - ۱۴۰۰ ه.ق.)
- ۳۴ - شیخ غلامحسین تسلیمی (وفات ۱۴۰۹ ه.ق.)
- ۳۵ - سید فضل الله حجازی (۱۳۱۸ - ۱۳۸۷ ه.ق.)
- ۳۶ - سید فضل الله روضاتی (۱۳۱۴ - ۱۴۱۲ ه.ق.)
- ۳۷ - سید کمال الدین نوربخش دهکردی (۱۳۲۰ - ۱۴۰۱ ه.ق.)
- ۳۸ - سید کاظم موسوی گلپایگانی (۱۳۲۴ - ۱۳۹۶ ه.ق.)
- ۳۹ - سید محمود روضاتی (۱۳۱۵ - ۱۳۹۶ ه.ق.)
- ۴۰ - سید مصطفی موحد محمدی (۱۳۱۶ ه.ق.)
- ۴۱ - سید مصطفی امام دهکردی (فوت ۱۳۵۸ ه.ش.)
- ۴۲ - سید محمدرضا شفتی (۱۳۲۰ - ۱۳۹۶ ه.ق.)
- ۴۳ - سید محمّدباقر نحوی (۱۳۰۴ - ۱۳۵۰ ه.ق.)
- ۴۴ - سید مرتضی ظهیرالاسلام (حدود ۱۳۲۷ - ۱۴۰۱ ه.ق.)
- ۴۵ - شیخ محمّدعلی مجد العلماء (۱۳۲۵ - ۱۶۰۳ ه.ق.)
- ۴۶ - شیخ مرتضی حجّت نجفی (فوت ۱۳۸۶ ه.ق.)
- ۴۷ - سید مرتضی ملّا باشی (وفات ۱۳۸۷ ه.ق.)
- ۴۸ - سید مهدی حجازی فروشانی (۱۳۱۴ - ۱۳۹۸ ه.ق.)





- ۵۰ - سید مرتضی پسندیده (۱۳۱۳-۱۶۱۷ ه.ق.)
- ۵۱ - شیخ مرتضی اردکانی (۱۳۲۹-۱۶۱۷ ه.ق.)
- ۵۲ - سید محمدحسین مهدوی اردکانی (۱۳۲۵-۱۶۰۷ ه.ق.)
- ۵۳ - محمود خان شیدا (۱۲۸۳-۱۳۵۲ ه.ق.)
- ۵۴ - میرزا محمدعلی فرهنگ (متولد ۱۲۹۸ ه.ق.)
- ۵۵ - میرزا محمدحاشم روضاتی (تولد ۱۳۱۹ ه.ق.)
- ۵۶ - شیخ محمد علی عالم حبیب آبادی (فوت ۱۳۹۹ ه.ق.)
- ۵۷ - شیخ محمد دهاقانی (فوت ۱۳۸۹ ه.ق.)
- ۵۸ - میرزا محمد طیب زاده (۱۳۰۹-۱۳۹۰ ه.ق.)
- ۵۹ - سید مهدی میرعمادی (فوت ۱۴۰۴ ه.ق.)
- ۶۰ - محمود خان انصاری (امیر اقتدار)
- ۶۱ - میرزا محمدرضا شریف روحانی (۱۳۰۳-۱۳۹۹ ه.ق.)
- ۶۲ - شیخ محمود شریعت ریزی (۱۲۹۲-۱۳۷۹ ه.ق.)
- ۶۳ - سید مرتضی دهکردی (۱۳۵۹-۱۳۱۳ ه.ق.)
- ۶۴ - سید محمد باقر (معزالدین) مهدوی (متولد ۱۳۲۳ ه.ق.)
- ۶۵ - سید مرتضی موحد ابطحی اصفهانی
- ۶۶ - سید نورالله قاضی عسگر (فوت ۱۳۸۸ ه.ق.)
- ۶۷ - سید هدایت الله امامی سمیرمی (۱۲۹۲-۱۳۵۱ ه.ق.)
- ۶۸ - سید عبدالحسین طیب (۱۳۱۱-۱۶۱۲ ه.ق.)

### احوال معنوی و فضایل اخلاقی

مرحوم مدرس یزدی دانشمندی بزرگ، مدرسی مشهور، زاهد، پارسا و قناعت پیشه بود. وی هیچگاه از وجوه شرعی استفاده نکرد و غالباً از راه نماز و روزه

استیجاری و تصحیح کتب گذران زندگی می کرد، و خود در این زمینه چنین می گوید:

.... به همین حالت به هر قسمی بوده در نهایت بی بضاعتی به قناعت گذرانیده، و بحمدالله این نوع شرک را که تملق این رؤسا باشد شاید که نفعی از پرتو آنها عاید شود اختیار نکرده، و امیدوارم از برکت صاحب شریعت مطهره که چنانچه عمری باشد مرتکب نشوم» (۱).

در حالات این بزرگوار گفته شده که، میانه ی خوبی با فلاسفه نداشت و از معاشرت و دوستی با آنها دوری می کرد از جمله با فیلسوف نامدار اصفهان آخوند ملاً محمد کاشانی که در مدرسه صدر ساکن بود، رابطه خوبی نداشت اما با دیدن و شنیدن کرامتی از آخوند به شمار علاقه مندان او پیوست. نقل می کنند زمانی وی آنقدر از نظر مالی در تنگنا بود که فرزندان در منزل چند روزی غذایی برای خوردن نداشتند. روزی در مدرسه ی صدر با مرحوم آخوند کاشی برخورد می کند و مرحوم کاشی کیسه ای پول را به وی می دهد ولی مرحوم مدرس یزدی قبول نمی کند و می گوید: «احتیاجی ندارم». مرحوم آخوند کاشی به او می گوید که بگیر و برای اهل منزل غذایی تهیه کن، باز قبول نمی کند و می گوید: «در منزل همه چیز هست» ولی مرحوم آخوند می گوید: «می دانم که چند روزی است که در منزل غذایی ندارید بگیر»، با این سخن، مرحوم شیخ علی مدرس پول را می گیرد و تعجب می کند که با وجودی که این مسئله را با هیچ کس در میان نگذاشته چطور آخوند از این مورد آگاهی پیدا کرده است و از آن روز رابطه ی آنها صمیمی

می شود. (۲)

ص: ۱۲۴

---

۱- جناب میر سید علی: الاصفهان، مخطوط

۲- نصرالهی، غلامرضا: هفته نامه یزد، شماره ۵۲۵، مهرماه ۱۳۷۵، ص ۳

از جمله فعالیت های مرحوم شیخ علی یزدی تصحیح کتب دینی بوده که از آن جمله تصحیح برخی از مجلات کتاب بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی که به سعی و دقت او انجام یافته است.<sup>(۱)</sup> همچنین با توجه به اسامی برخی از علمای مهاجر به قم از اصفهان در اعتراض به قانون نظام اجباری و برخی از قوانین موضوعه دیگر و در اساس مخالفت با سلطنت رضاشاه، نام مرحوم مدرس یزدی نیز اشاره شد که نشان از فعالیت سیاسی وی در همراهی با علمای اصفهان بوده است.<sup>(۲)</sup>

### وفات

این عالم گرانقدر و مدرس بزرگ هنگام غروب آفتاب روز جمعه نیمه ی شعبان سال ۱۳۵۳ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و در سمت شمالی این تکیه دفن گردید.

### ماده تاریخ وفات

مرحوم علامه میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی در ماده تاریخ فوت این مدرّس مشهور چنین می سراید:<sup>(۳)</sup> پا از ادب نهاد معلم درون و گفت رفت از جهان مدرس یزدی بسا فسوس

همچنین مرحوم عبد الجواد خطیب در ماده تاریخ وی می سراید:<sup>(۴)</sup> علی مدرس یزدی بخلد ماوا کرد

روی نیاز بدرگاه حی یکتا کرد

هزار و سیصد و پنجاه و سه مه شعبان

شمول رحمت جانان بجان تمنا ردپ

ص: ۱۲۵

---

۱- مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۷

۲- مهدوی: تاریخی علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۱۵۴

۳- خاتون آبادی، (آزاد) سید محمدحسین: مخطوط، ص ۸۰.

۴- یادداشت های خطی مهدوی: مخطوط .

نوشت از پی تاریخ آن لسان الدین «علی مدرس بخلد ماوا کرد»

متن سنگ مزار وی چنین است:

وفات مرحوم مغفور خلد آشیان عمده العلما العظام العالم الفاضل الكامل حجه الاسلام آقا شیخ علی مدرس یزدی طاب ثراه یوم جمعه ۱۵ شعبان المعظم سنه ۱۳۵۳.

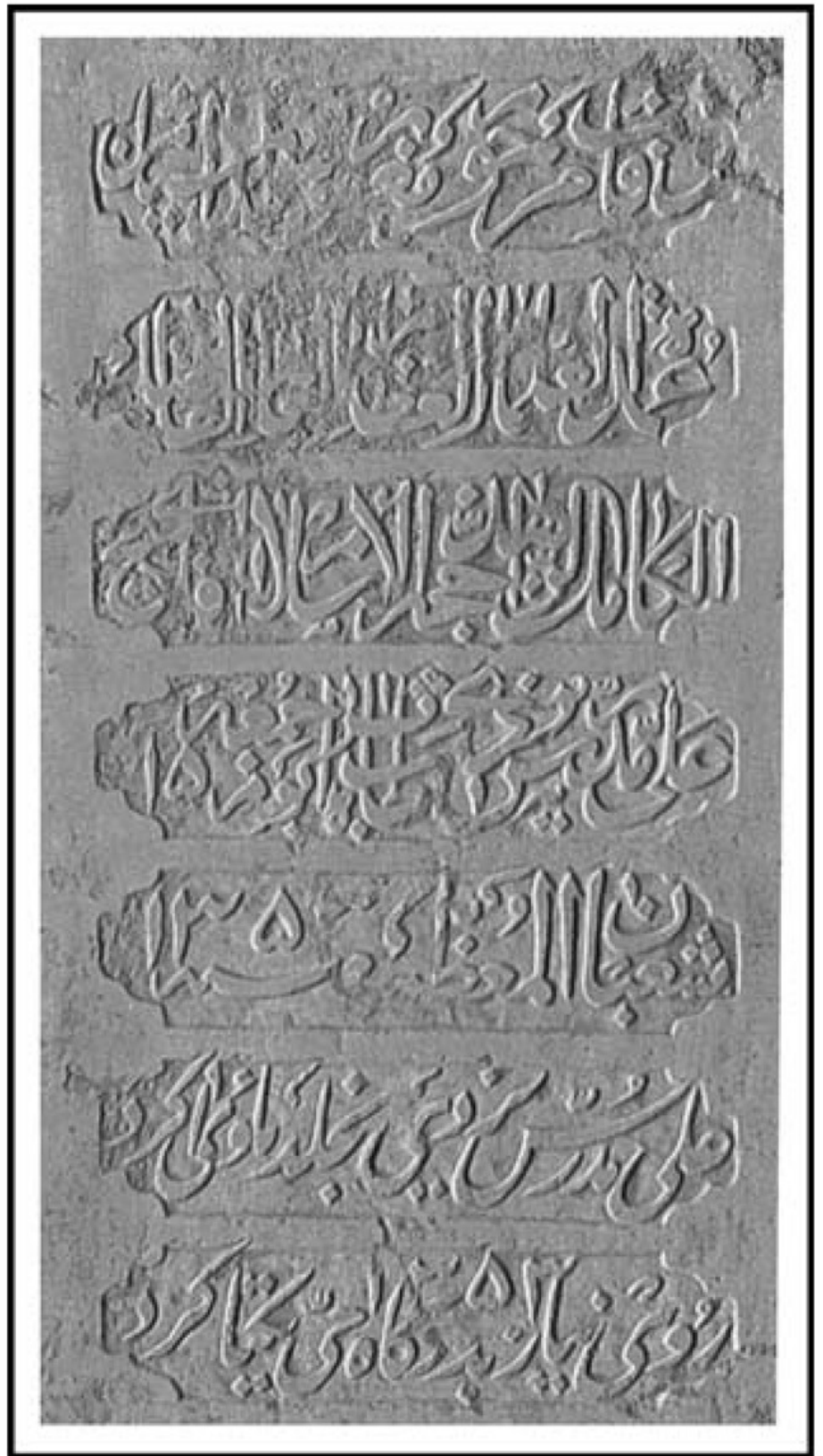
علی مدرس یزدی بخلد ماوا کرد

روی نیاز به درگاه حی یکتا کرد

### خاندان

در مورد فرزندان وی، از سه پسر و یک دختر را اطلاع داریم که دو فرزند پسرش از فضلا و دانشوران بودند. یکی مرحوم میرزا محمد علی از فرهنگیان دانشمند بود که خط خوبی هم داشت و از نمونه خط وی تابلوی خوشنویسی در امامزاده اسماعیل (خیابان هاتف) است وی در دوم صفر ۱۶۰۱ ه. ق. فوت نمود و فرزند دیگرش میرزا آقا در شانزدهم ربیع الثانی

۱۳۸۱ ه. ق. فوت کرد و در کنار برادرش در تکیه گلزار در جوار خواهر و مادرش دفن گردید. (۱)



سنگ مزار شیخ علی مدرس یزدی

ص: ۱۲۶

فرزند سوم مرحوم مدرّس یزدی، مرحوم محمّد رضا مدرّس زاده از بنیانگذاران مؤسسه ی گلپهار در یزد به سال ۱۳۰۵ ه. ش. است، وی به همراه مرحوم عبد المولی مولوی اصفهانی (۱) که با مدرّس زاده نیز پیوند سببی داشت تجهیزات چاپخانه ای را خریداری کرد و روزنامه ی گلپهار را از سال ۱۳۱۲ ه. ش. در یزد به چاپ رساند.

کتابفروشی گلپهار نخستین کتابفروشی امروزی یزد بود که در تاریخ فرهنگ و کتاب یزد نقش عمده ای داشت و این نقش چنان پر رنگ بود که تا سالیان درازی نام «گلپهار» بر زبان مردم کوچه و بازار بود. علاوه بر چاپ نشریات متعدّدی همچون: شیرکوه، گلپهار و نمکدان در مؤسسه ی گلپهار، از دیگر فعالیت های مهم در خور ذکر آن، چاپ سالنامه ی فرهنگ یزد، چاپ و انتشار کتابهایی چون تاریخ یزد، دیوان قوامی، کشکول منتظری، دیوان بیدل، و غیره است. (۲)

ص: ۱۲۷

---

۱- مرحوم عبد المولی فرزند شیخ محمّد حسین کتابفروش خوانساری، در ۲۲ رمضان ۱۳۷۴ ه. ق. در اصفهان فوت و در بقعه ملاّ محمّد خوانساری کتابفروش در تخت فولاد تکیه خواجهایی به خاک سپرده شد.

۲- افشار، ایرج: کتابفروشی، جلد اول، صص ۳۴۴-۳۴۷؛ نجوم السرد، ص ۴۲۶.

عالم فاضل و حکیم ادیب میرزا محمد باقر امامی فرزند سید احمد از سلسله‌ی جلیله‌ی سادات حسینی درب امامی اصفهان، در سال ۱۲۵۳ ه.ش. در اصفهان متولد شد. (۱)



میرزا محمد باقر امامی

ص: ۱۲۸

وی پس از فراگیری علوم مقدماتی، در حوزه ی علمی اصفهان از محضر اساتید بزرگوار آن استفاده برد که در زیر به نام آنها اشاره می شود:

۱- آقا سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴-۱۳۴۲.ق.).

۲- آخوند کاشی (وفات ۱۳۳۳.ق.).

۳- جهانگیر خان قشقایی (۱) (وفات ۱۳۲۸.ق.).

همچنین در حوزه ی علمیه تهران همراه مرحوم شیخ محمود مفید نزد فقیه شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۵۹ - ۱۳۲۷.ق.) و حکیم متأله میرزا حسن کرمانشاهی (۲) شاگردی نمود.

تحصیلات آن مرحوم در قسمت ادبیات، منطق، نحو و صرف، معانی بیان و فلسفه بود مخصوصاً در قسمت ادبیات تخصص کامل داشت و از بعضی علمای معروف اجازه اجتهاد داشت. (۳)

مرحوم حاج میرزا محمدباقر امامی از سال ۱۳۰۰ ه.ش. وارد خدمت فرهنگ شد و مدت نه سال در دبیرستان صارمیه و سپس در دبیرستان های فرهنگ، ارمنه، دانشسرای دختران و دبیرستان معقول و منقول در اصفهان تدریس نموده است. (۴)

محقق ارجمند و مورخ شهیر سید مصلح الدین مهدوی که از شاگردان مرحوم امامی بوده در مورد وی می نویسد:

«وی از اجله ی ادبا و شعرا و حکما و متکلمین بوده» (۵) و همچنین او را به عنوان

ص: ۱۲۹

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- کرباسی زاده اصفهانی، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص ۴۵.

۳- نشریه اداره فرهنگ استان دهم اصفهان، شماره ۱۵، سال دوم، ص ۴۰.

۴- همان، ص ۴۰.

۵- مهدوی: رجال اصفهان، ص ۸۲.



عالم حکیم، ادیب فاضل زاهد» معرفی می نماید. (۱)

حاج میرزا محمدباقر امامی در بین فرهنگیان محبوبیت و احترام خاصی داشت و از کلاس درسش شاگردان زیادی استفاده کامل کردند که از جمله شاگردان وی و مرحوم سید مصلح الدین مهدوی و ادیب شاعر عبدالمجید اوحدی (یکتا) می باشند. (۲) آیت الله سید حسن مدرس هاشمی نیز کتاب شرح منظومه و الهیات شفا را نزد ایشان تحصیل نموده است. (۳)

## آثار

مرحوم امامی علاوه بر تدریس و تعلیم، دارای تألیفات متعدد است که از آن جمله می توان به کتابی در حکمت که در آن به شرح حال حکما و فیلسوفان پیش از سقراط تا صدرالمألهین شیرازی و شاگردان او پرداخته است، اشاره نمود. وی رساله ای نیز در نسب نامه خود (سادات درب امامی) دارد. (۴)

## وفات

وی در سن هفتاد سالگی در ظهر چهارشنبه از ماه صفر سال ۱۳۶۴ ه. ق. برابر با چهاردهم فروردین سال ۱۳۲۴ ش. وفات یافت و در سمت شرقی این تکیه مدفون گردید.

از آن مرحوم سه فرزند، دو پسر و یک دختر باقی ماند که متأسفانه دو فرزند پسر در جوانی در مدت یک سال یکی پس از دیگری فوت نمودند.

ص: ۱۳۰

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.

۳- کرباسی زاده اصفهانی، علی: نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص ۴۵.

۴- همان، ص ۴۶.

در این مورد مرحوم مهدوی چنین می نویسد:

آقای حاجی میرزا باقر پیر مردی است روشن ضمیر، قریب هفتاد سال از سن ایشان می گذرد و نتیجه عمرش دو فرزند بنام کمال و جمال بود که تندباد اجل وزیدن گرفته در مدت کمتر از یک سال هر دو آنها را برد. فوت این دو جوان در تمام شئون پدر تأثیر نمود. قیافه بسی رقت انگیز بدین مرد عزیز داده است»<sup>(۱)</sup>.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه

جنت مکان آقای حاجی محمدباقر امامی ولد مرحوم سید احمد امامی ۱۴ فروردین ۱۳۲۴. رسم ترنج است در این روزگار

پیش دهد میوه پس آید بهار





سنگ مزار میرزا محمد باقر امامی

ص: ۱۳۱

---

۱- مهدوی: یادداشت های خطی .

عالم فاضل و واعظ کامل، ملاً محمد حسن ادهم، معروف به ملاً حسن واعظ، و مشهور به ملاً حسن چوب شکن از فضلاء اهل منبر اصفهان، فرزند محمد جواد بن محمد هادی بن احمد بن ادهم بن آقا محمد رضی قزوینی است. (۱) از مشهورترین نیاکان وی آقا محمد رضی قزوینی، از علمای عصر صفوی و از شاگردان ملاً خلیل قزوینی و صاحب تألیفات متعدّد از جمله: ابطال الرمل، رساله ی نوروزی، رساله‌ی شیر و شکر، ضیافه الاخوان، قبله الافاق، کحل الابصار، لسان الخواص و هدایه الخلائ، می باشد، این عالم بزرگوار در سال ۱۰۹۶ ه.ق. وفات (۲)

مولی ادهم فرزند آقا رضی قزوینی نیز فاضلی محقق بود که به مناسبت نام او نواده گانش از جمله مرحوم ملا حسن واعظ، معروف به ملاً حسن ادهم، فامیل ادهم را برای خود بر می گزیند. مرحوم مولی ادهم از قزوین به اصفهان مهاجرت نمود و در زمان فتنه ی افغان در اصفهان فوت و در قبرستان آبخشان دفن گردید. (۳)

مرحوم ملا حسن واعظ، عالمی فاضل و سر آمد اهل منبر و صاحب ذوق و استعداد در ادبیات و شعر بود و سالها در اصفهان نزد علما اعلام از جمله فقیه اصولی آیت الله شیخ مرتضی ریزی تحصیل کرد. (۴) و به وعظ و خطابه و ترویج دین

ص: ۱۳۲

---

۱- بیان اصفهانی : خلد برین، ص ۲۳۰.

۲- یافت. مدرس، میرزا محمدعلی: ریحانه الادب، جلد اول، ص ۵۵

۳- آقابزرگ تهرانی: نقباء البشر، جلد اول، ص ۳۶۴.

۴- مجله معارف: ۱۳۴۶، شماره چهارم، سال اول، ص ۴۳.

از طریق مجالس روضه و منبر پرداخت. (۱)

سر انجام وی در شب ۲۷ رمضان ۱۳۵۱ ه.ق. در حدود هشتاد سالگی وفات نمود و پیکر او را در سمت جنوبی صحن این تکیه دفن نمودند.

عبارات سنگ قبر وی که شعری از فرزندش مرحوم شیخ احمد بیان الواعظین می باشد چنین است:

قد ارتحل إلى دار البقاء العالم العامل الواعظ الكامل صاحب النفس القدسی المنیره من کل درن حاج مولی محمّد حسن الواعظ البید آبادی  
ابن محمّد جواد فی لیلہ ۲۷ شهر الله الاعظم سنه ۱۳۵۱.

آه که جور فلک پر محن

وای که بیداد سپهر کهن

ریخت مرا خاک مصیبت به سر

بیخت مرا گرد کدورت به تن

باب من دلشده ی ناتوان

واعظ خوش لهجه ی شیرین سخن

دار ب قا را زفنا بر گزید

رفت سوی خلد به وجه حسن

روان او گشت به جنت روان

گرفت چون به شاخ طوبی وطن

گفت بیان از پی تاریخ او

«روانی جنت شده روح حسن»

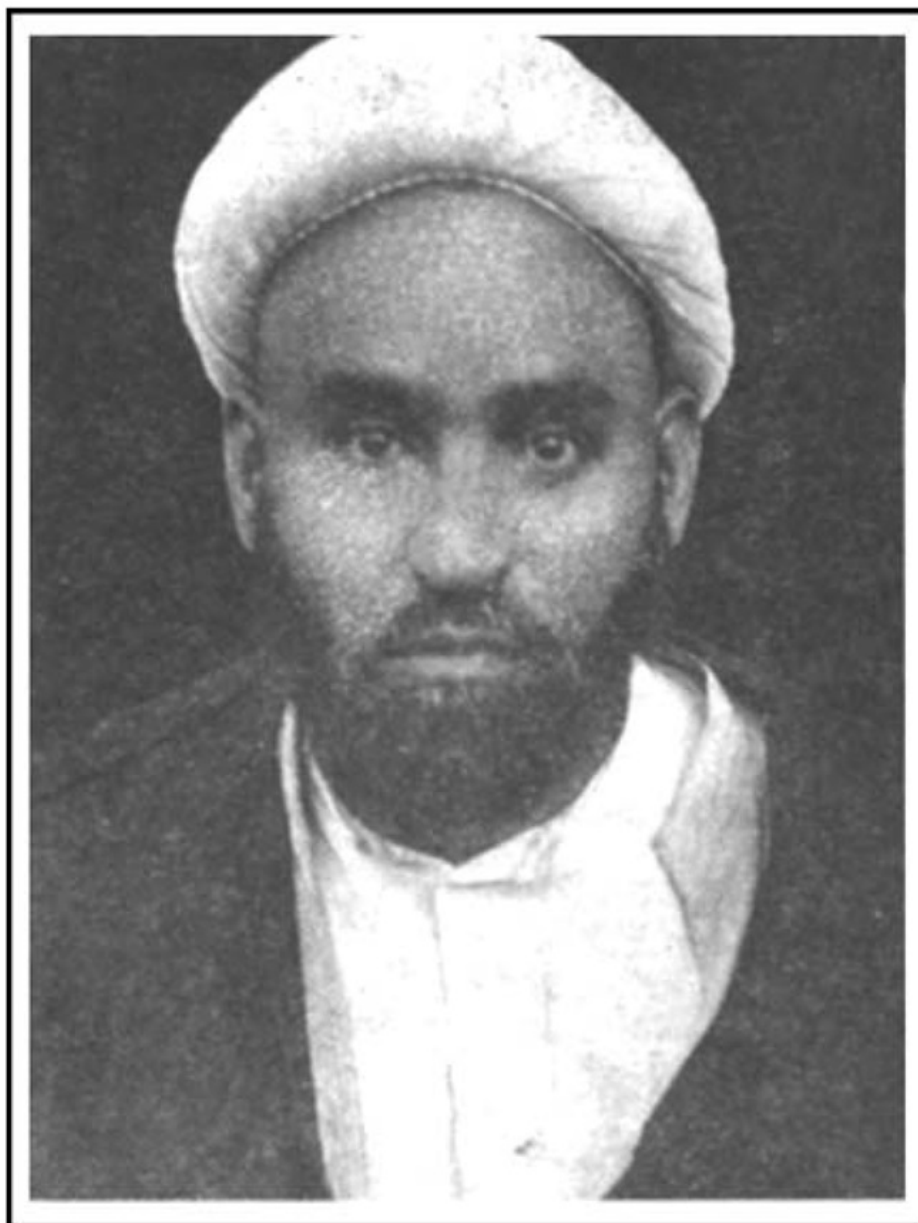
۱۳۵۱

ص: ۱۳۳



سنگ مزار ملا محمد حسن ادھم

عالم فاضل و واعظ کامل ملا احمد بيدآبادی معروف به بیان الواعظین، فرزند ملا حسن ادهم، سوم صفر ۱۳۱۴ ه.ق. در اصفهان تولد یافت. (۱)  
اجداد وی از خاندان علمی و بزرگان قزوین و اصفهان بودند که در شرح حال پدرش مرحوم حاج ملا حسن ادهم آورده شد.



ملا احمد بیان الواعظین

ص: ۱۳۵

مرحوم ملا احمد بیدآبادی از ابتدای کودکی با توجه به استعداد قابل توجه و نیز کوششهای بی دریغ پدرش توانست در فراگیری و تحصیل علم قدم بردارد.

۱- وی تحت سرپرستی و راهنمایی های پدرش تا سن چهارده سالگی به فراگیری علوم فارسی و عربی پرداخت و علوم مقدماتی از جمله علم تجوید را به خوبی فراگرفت.

۲- از سن چهارده سالگی از محضر عالم فاضل و واعظ ادیب مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم زفرهای معروف به حاج آخوند از مدرسین معروف حوزه علمیه اصفهان رفته و صرف و نحو و منطق را مدت شش سال بهره مند گردید. (۱)

۳- استاد دیگر وی از دانشمندان وارستهی اصفهان عالم ربانی و فقیه زاهد مرحوم آیت الله شیخ احمد بیدآبادی بود که بخشی از سطح فقه را خدمت آن مرحوم فراگرفت و روز ۱۴ رجب ۱۳۴۷ ه. ق. موفق به کسب اجازهی روایت از آن بزرگوار می گردد. (۲)

۴- استاد دیگر مرحوم میرزا یحیی مدرس بیدآبادی. فرزند میرزا اسماعیل مدرس، معروف به کاشی یز، عالم فاضل ادیب شاعر، مدرس سطوح فقه و ادبیات عرب در مدرسه میرزا حسین در محله بیدآباد. متولد در حدود ۱۲۵۶ و متوفی در شب چهارشنبه پنجم ذی القعدة ۱۳۶۹ ه. ق. صاحب دیوان اشعار مطبوع و آثار دیگر، مدفون در تکیه میرزا رفیعا نایینی در تخت فولاد که آثار قبر از بین رفته است. (۳)

ص: ۱۳۶

۱- همان ص ۲۳۰ .

۲- همان: ص ۱۳۶ .

۳- همان، ص ۱۸۸؛ نگاهی به احوال و آراء حکیم مدرس اصفهانی، ص ۵۹.



۵- عالم فاضل مرحوم سید آقاجان نوربخش (۱) که مقداری از مطول را خدمت او تحصیل نموده است.

۶- در سن نوزده سالگی به تحصیل فقه و اصول و معانی بیان پرداخت و چون در آن زمان حوزه ی علمیه ی مسجدشاه اصفهان اهمیت بسیاری داشت وارد آن حوزه شد و در مدت شش سال غالب سطوح فقه و اصول را نزد آیت الله مرحوم شیخ محمد تقی نجفی (آقا نجفی) به خوبی فراگرفت. (۲)

### کتابخانه

حاج احمد بیان اصفهانی از اوان جوانی به مطالعه و تحقیق عشق می ورزید و در آن ایام نیز اوقات زیادی را به خواندن کتاب و رسائل اختصاص می داد و این باعث جمع آوری کتاب و ایجاد کتابخانه ی ارزشمند شخصی وی شد. نفاست کتابخانه ی او بیشتر بدلیل آشنایی او با کتابهای ارزشمند و منابع بود که سبب گردید از بهترین و نفیس ترین کتابخانه های شخصی محسوب گردد.

متأسفانه بعد از فوت وی این کتابخانه دچار غارت گردید و به طور کلی از بین رفت که در زیر جهت آگاهی به نام برخی از کتب بسیار ارزشمند کتابخانه ی وی که از آنها در مقدمه ی کتاب خلد برین نام برده اشاره می کنیم: ۱- کتاب امثال و حکم تألیف اقصی القضاة علی بن محمد البصری البغدادی الشافعی معروف بما وردی متوفی سال ۴۵۰ هـ. خطیب بغداد علم حدیث را از او اخذ کرده و نسخه موجوده نزد نگارنده خط شیخ محمد بن شیخ محمود مناشیری

ص: ۱۳۷

---

۱- همان، ص ۲۸۰. مرحوم سید آقاجان ( سید محمد نوربخش، عالم فاضل ادیب واعظ، از مدرسین ادبیات عرب در مدرسه ی نیم آورد، تولد ۱۲۸۵ هـ. ق. فوت غره محرم ۱۳۶۴ هـ. ق. مدفون در تکیه سید العراقرین .

۲- بیان اصفهانی : خلد برین، ص ۲۳۰.

شافعی است که در تاریخ ۱۸ ذی‌قعدة سال ۱۰۳۱هـ. آن را به اتمام رسانیده.

۲- کتاب انجمن خاقان تألیف ادیب فاضل محمد معروف به فاضل خان کروسکی متوفی ۱۲۵۲هـ. و ظن قوی آن است که نسخه‌ی موجوده نزد این بنده نسخه اصل است.

۳- کتاب بهجه المباحج تألیف واعظ فرید محدث وحید ابوسعید مولی حسن بن الحسین الشیعی السبزواری وفات این واعظ کامل معلوم نیست بلی در مطاوی همین کتاب گاهی به یک واسطه گاهی به دو واسطه از شیخ طوسی طاب ثراه روایت می‌کند و نسخه‌ی کهنه از این کتاب نزد نگارنده موجود است که تاریخ آن از بین رفته.

۴- کتاب جوامع الکلم عربی است - اثر قریحه سرشار سید اختیار فرزند غیاث الدین حسینی و این کتاب بسیار نفیس است و مرغوب و در عالم ادبیت فوق العاده عزیز و محبوب - سید اختیار مشار الیه سال ۸۹۷ هجری شروع در تألیف نموده و کلمه افتتاح را برای تاریخ شروع اختیار فرموده چنانچه گوید:

زینت افتتاح کتابی بمدح من

مفتاح کلشی اری فی امتداحه

من بعد فتح عینک آن شئت یافتی

تاریخ الافتتاح فخذ بافتتاحه

عجب آن است که در همان سال آن کتاب را تمام کرده و کلمه تمیم را برای تاریخ اتمام اختیار فرموده چنانکه فرماید:

تم یا الخیر جامع نافع

فارتقب یافتی بتعلیمه

حین تممته بعون الله

بنت تاریخه بتتمیمه

سید مؤلف منتها درجه فصاحت و بلاغت را در این کتاب نشان داده و در ایجاز مطالب اعجاز کرده - بیان نگارنده از وصف این کتاب قاصر، و نسخه آن در کتابخانه این بنده موجود است و حاضر، و الشکر لله الملك القادر.

۵- کتاب دمعہ الساکبه تألیف شیخ جلیل و حبر نبیل مولی محمدباقر دهدشتی

ص: ۱۳۸

بهبهانی طاب ثراه و علاوه بر نسخه چاپی جلد پنجم که در رجعت است نیز نگارنده موجود است و الحمدلله.

۶- رساله ابن غضائری معروف و این رساله را سید جلیل صاحب روضات الجنات طاب ثراه بخط خود مرقوم داشته و برای کتابخانه سید حجت الاسلام اعلی الله مقامه فرستاده و امروز آن رساله در کتابخانه ی محقر این عبد عدیم موجود است و الحمدلله.

۷- رساله محاکمه بین مجتهدین و اخباریین از تحقیقات عالم عامل و مجتهد کامل شیخ محمد بن احمد بن زین الدین احسائی است و شیخ محمد مذکور آن رساله را در جواب عالم فاضل کامل شیخ عبد الله بن شیخ محمدعلی قطیفی فرموده و بالاخره حق را به مجتهدین داده و طریقه ی پدر خود را انتقاد نموده و آن رساله قریب ۱۵ ورق بخط آن مرحوم در کتابخانه این احقر موجود است.

۸- کتاب شرح عقاید ابن بابویه از تصنیفات شیخ مشایخ شیعه و ذخر شریعه محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید متوفی ۴۱۳ هجری و این نسخه بخط مولی احمد میسی عاملی عامله الله بلطفه نزد این بنده موجود است.

۹- کتاب شرح قصیده لامیه العجم طغرای معروف، گر چه شارح شناخته نشده و لیکن شرح غیر از شرح صلاح الدین صفدی و شروح دیگر است و نسخه قدیمی که تاریخ آن معلوم نیست در کتابخانه این بنده موجود است.

۱۰ □ کتاب شرح مشیخه تهذیب الحدیث تالیف سید جلیل و عالم متبع بصیر محمد اشرف ابن عبد الحسیب بن احمد اصفهانی تلمیذ علامه مجلسی صاحب فضائل السادات و کتب دیگر است و نسخه اصل شرح مذکور بخط شریف محمد اشرف نزد بنده موجود است و الحمدلله.

۱۱ - کتاب صافی شرح فارسی اصول و فروع کافی از تصنیفات شریفه عالم فاضل جلیل و محدث محقق نبیل ملا خلیل بن غازی قزوینی معاصر مجلسی

متوفی سال ۱۰۸۹ هجری است این کتاب بیست جلد است در شرح همه کتاب کافی و نه جلد آن که شرح تمام اصول و کتاب طهارت باشد در کتابخانه این حقیر فقیر موجود است والحمدلواهب العطیات.

۱۲- کتاب غیبت تألیف شیخ الطائفه المحققه رافع اعلام الشریعه الحقه محمد بن الحسن الطوسی قدس الله روح القدوسی متوفی سال ۴۶۰ هجری و نسخه ی این کتاب نزد بنده موجود است. بتصحیح چند نفر از اولاد مرحوم مجلسی مزین است والحمدلله.

۱۳ - کتاب کشکول تألیف عارف فاضل و صوفی کامل قاضی حسین بن معین الدین میبدی و در کتابخانه ی بنده موجود است والحمدلله

۱۴- کتاب فوائد در رجال و در آیه تألیف عالم عامل و عابد زاهد فاضل شیخ اجل اکمل ازهد المعاصرین مرحوم حاج میرزا هدی ابن علام فهام مرحوم آمیرزا ابوالمعالی کرباسی متوفی سال ۱۳۵۶ هجری و این کتاب مشتمل است بر سی فائده مفصل در رجال و در آیه و بخط مؤلف مرحوم در کتابخانه این بنده مضبوط است.

۱۵ - کتاب کنز الملوک این کتاب فارسی و تألیف سید جلیل و عالم عامل نبیل آقای سید عبدالله جزائری است و آن مرحوم معاصر فتحلیشاه قاجار و از نواده های مرحوم سید نعمه الله جزائری معروف بوده. فوائد و نوادر این کتاب بسیار شیرین و نسخه آن نزد این احقر موجود والحمد لله رب العالمین.

۱۶ - کتاب مجالس از تصنیفات رشیده رئیس المحدثین و صدوق العلماء الراشدین ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی متوفی سال ۳۸۱ هجری مدفون در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می باشد جزاه الله عن الاسلام والمسلمین خیر الجزاء و چون این کتاب مشتمل بر یکهزار و سی و هشت حدیث است که در نود و هفت مجلس مرحوم ابن بابویه آن را به اصحاب خود املا

می فرموده و تاریخ هر مجلسی معین است فلذا به کتاب امالی صدوق معروف گردیده و نسخه صحیح آن که به تصحیح بعضی علماء مزین است در کتابخانه این بنده موجود است و الحمدلله.

۱۷- کتاب مصائب النواصب تألیف قاضی سعید شهید نورالله شوشتری نورالله مرقد و نسخه خطی که در زمان خود قاضی نوشته شده نزد احقر موجود است و الحمدلله.

۱۸- کتاب مصباح المنیر تألیف شیخ فاضل ادیب احمد بن محمد مصری معروف به فیومی متوفی سال ۷۷۰ هجری و نسخه خطی صحیحی از این کتاب که در سنه ۱۰۸۸ هجری در حیدرآباد نوشته شده در کتابخانه این فقیر موجود است و الحمدلله.

۱۹- کتاب مناقب تالیفات شیخ عالم فقیه و فاضل نبیه محمد بن شاذان قمی، این شیخ خواهرزاده ابن قولویه قمی و شیخ کر اچکی معروف است و اگر چه نسخه مناقب او خیلی کمیاب و عزیز الوجود است ولی در کتابخانه این بنده موجود است و الحمدلله.

۲۰- کتاب معاهد التنصیص تألیف ادیب فاضل لیب عبدالرحیم بن عبد الرحمن عباسی است؛ این کتاب که در عالم ادبیات کم نظیر و مؤلف در سال ۹۳۴ از نوشتن آن فارغ گردیده و در سال ۱۳۱۶ هجری در قاهره مصر طبع و نسخه مطبوعه نزد این بنده موجود است و الحمدلله.

#### **منبر و موعظه**

مرحوم بیان الواعظین که از صدایی رسا و قدرت بیان فوق العاده بهره مند بود، و بیانی ملیح داشت به ملیحی بیان نیز معروف بود، ضمن اینکه منبرش جالب، متقن

ص: ۱۴۱

و همراه با مستندات تاریخی بود. (۱) خود می نویسد که «بهر حال از سال ۱۳۳۷ ه. ق. تا حال (۱۳۶۷ ه. ق.) سی سال تمام است این بنده منبر می روم و لله الحمد و له الشکر که در عرض این مدت متمادی مورد تنقید احدی نبوده بلکه از بزرگان علما اصفهان و بعضی شهرستانهای دیگر برای تحدیث احادیث و روایت اخبار آل اطهار

علیهم صلوات الله مجاز گردیده». (۲) با توجه به مطالب بالا- می توان نتیجه گرفت مرحوم بیان الواعظین از علمای بزرگ اصفهان و شهرستانهای دیگر اجازه ی روایت داشته است، که ما فقط از اجازه ی مرحوم شیخ احمد بیدآبادی اطلاع داریم.

با فوت پدرش به سال ۱۳۵۱ ه. ق. و با توجه به برخی ناملازمات که به ویژه نسبت به اهل علم می دید از وعظ و خطابه دست کشیده و بیشتر در منزل به مطالعه، تحقیق و تالیف پرداخت که در همین رابطه می نویسد: «رشته ی علاقه را از خلق گسیخته و با کتاب و مطالعه مأنوس گردیده و افسردگی های خاطر را بسیر سیر، و تواریخ زدوده». (۳)

### آثار و تألیفات

۱- اصل الکلام: رساله ای مختصر در اصول و مسائل کلامی به زبان عربی است.

۲- ضیاء النحو: در امهات مسایل علم نحو که از تقریرات درس استادش مرحوم حاج آخوندزفرهای به زبان فارسی است.

۳- ران ملخ: در دو جلد، این کتاب در تاریخ احوال خمسه ی طیبه صلوات الله علیهم اجمعین و مشتمل بر سیصد مجلس مفصل است.

۴- جوهر مقصود: این کتاب در اثبات رجعت موعود که در سال ۱۳۵۴ ه. ق.

ص: ۱۴۲

---

۱- ریاحی: شرح حال احمد بن حسن ادهمی (بیان الواعظین) مخطوط، ص ۳.

۲- بیان اصفهانی: خلد برین، صص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۳- همان: ص ۲۳۲.

تألیف و به سؤالات منکرین رجعت به صورت مفصل پاسخ داده شده است.

۵- دیوان اشعار

۶- النوادر المتفرقات

۷- خُلد برین یا تاریخ گویندگان اسلام از خطباء و واعظین که به ضمیمه در دو جلد پایانی در کنیه و القاب ده جلد است. (۱)

از بین کتابها و رسائل نامبرده تنها جلد اول کتاب خلد برین (تاریخ گویندگان اسلام) در سال ۱۳۶۷ ه. ق. چاپ شده که از حیث محتوا و نگارش ارزشمند است. این اثر علاوه بر این که تذکره ای محققانه برای شناخت وعاظ جهان اسلام چه شیعه یا سنی از قرون اولیه هجری تا دوره‌ی معاصر است در اهمیت سخن و خطابه و تاثیرات آن مطالبی نگاشته است.

همچنین مرحوم بیان الواعظین دارای طبع شعری بوده و در اشعارش تخلص بیان می کرده و در این زمینه دیوان شعری داشته است و از نمونه اشعارش، شعری است که در وفات پدرش سروده و بر روی سنگ مزار پدرش حک شده است.

مرحوم بیان الواعظین از لحاظ رفتار اجتماعی مردم دار و در بین مردم و نیز در خانواده خوش اخلاق بوده و رفتار مطلوب و پسندیده ای داشت. (۲)

## وفات

سرانجام عالم فاضل و واعظ ادیب حاج ملا احمد بیان الواعظین در شب یکشنبه ۲۳ ربیع الاول ۱۳۷۱ ه. ق. وفات یافت و پیکرش در کنار پدرش در سمت جنوبی این تکیه به خاک سپردند.

عبارت سنگ قبر آن مرحوم که نشان دهنده محسنات و فضایل وی است چنین

ص: ۱۴۳

---

۱- بیان اصفهانی: خلد برین، ص ۲۳۲؛ مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۲۴۲.

۲- ریاحی: شرح حال احمد بن حسن ادهمی (بیان الواعظین) مخطوط، ص ۴.

می باشد:

هو الحی الذی لا یموت

قد ارتحل من دار المحنه و الغرور الی دار البهجه و السرور صاحب الکمالات و الامانی جامع البیانات و المعانی استاد الفضلاء و الادباء افتخار الوعاظ و الخطباء الواصل الی جوار رحمہ اللہ الاحد الحاج شیخ احمد الشہیر بیان الواعظین ابن المرحوم المبرور الحاج ملاً حسن طاب ثراهما و جعل الجنه متواهما فی الثالث و العشرین من شهر ربیع المولود عام احدی و سبعین و ثلثمائه بعد الالف.

آه کز جور و جفای چرخ دون

شد دل اهل صفاهان غرق خون

رفت از کف واعظی شیرین سخن

هم خطیبی اوستادی ذوفنون

حاج شیخ احمد بیان الواعظین

آن که کاخ فضل را بودی ستون

کرد دربر خلعت الطاف حق

جامه تن چون نمود از جان برون

در بیان خطبه و تاریخ و وعظ

چون جناب او نیامد تاکنون

در غمش بشکست پشت دوستان

زین مصیبت رفت از دلها سکون

سال فوتش را برای دوستان

گشت چون طبع صفایی رهنمون

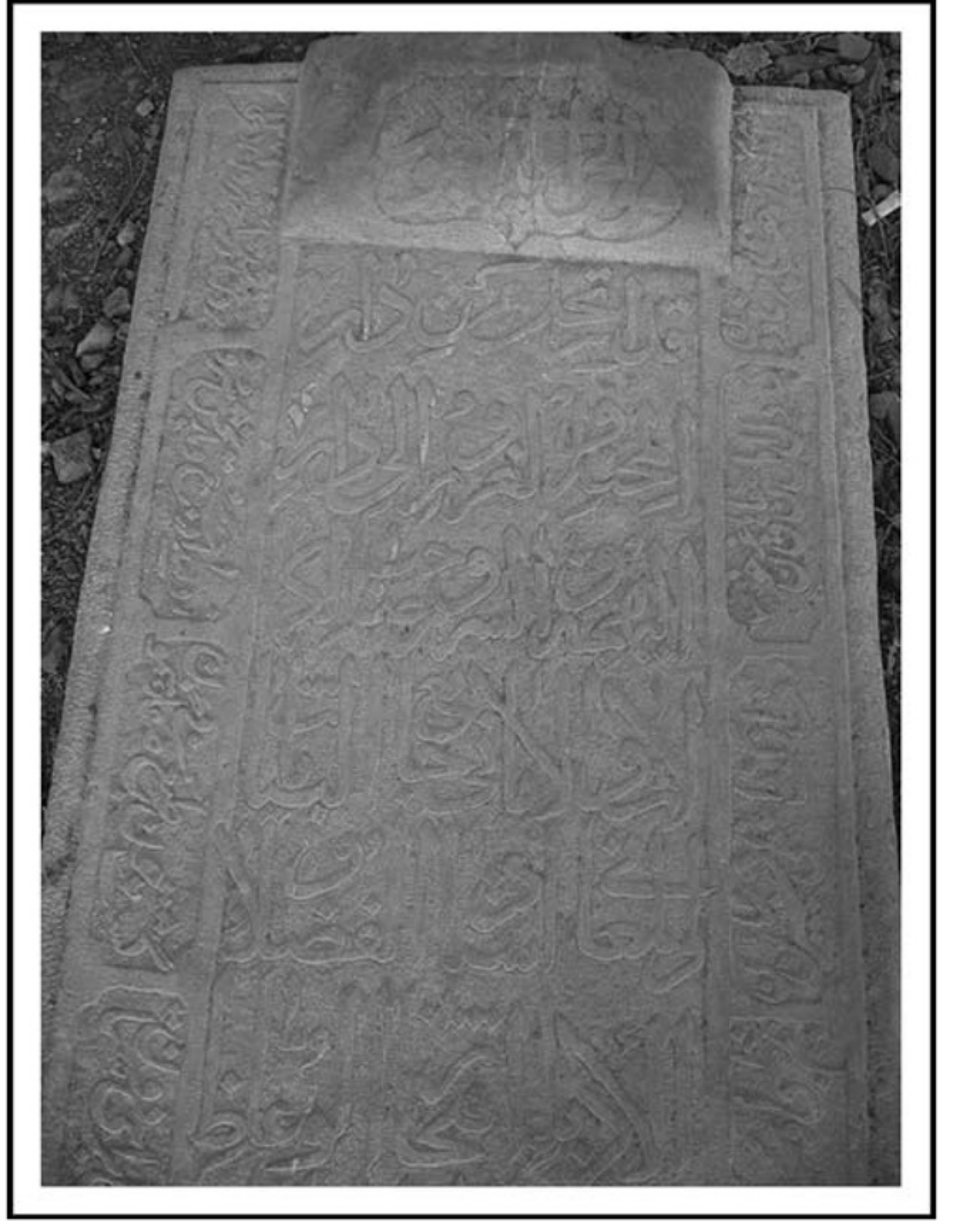
زد صدا در جمع و تاریخش سرود

«نزد حق شد رتبه احمد فزون»

۱۳۷۱

ص: ۱۴۴





سنگ مزار ملا احمد بیان الواعظین

عالم فاضل ادیب کامل ملا محمد همامی معروف به فاضل همامی، فرزند مرحوم آخوند ملا محمد حسن، در جمادی الاول ۱۲۸۲ ه. ق. (۱) مطابق با ۱۲۴۲ ه. ش. در قریه همام از بلوک لنجان متولد گردیده و مقدمات علوم را در زادگاهش فراگرفت. (۲) پدرش مرحوم ملا محمد حسن همامی از معلمین و مکتب داران لنجان بود و از بزرگترین شاگردان وی می توان به مرحوم حاج آقا رحیم ارباب اشاره کرد که معلم خصوصی وی در علوم مقدماتی بوده است. (۳)

### تحصیلات

ملا محمد همامی علوم مقدماتی را نزد پدر فاضل خود فراگرفت. و از اساتید بزرگوار زیر نیز بهره مند گردید:

۱- عالم کامل مرحوم سید مهدی نحوی (۱۲۴۸ - ۱۳۰۷ ه. ق.).

۲- ادیب کامل سید محمود کلشادی (حدود ۱۲۶۰ - ۱۳۲۴ ه. ق.).

۳- علامه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی (فوت ۱۳۱۸ ه. ق.).

۴- آیت الله آقا نجفی (۱۲۶۳ - ۱۳۳۲ ه. ق.).

۵- آیت الله شیخ مرتضی ریزی (فوت ۱۳۲۹ ه. ق.).

ص: ۱۴۶

---

۱- مرحوم معلم حبیب آبادی، تاریخ تولد وی را ۱۲۸۸ ه. ق. نوشته است. مکارم الآثار، جلد هشتم، ص ۲۹۴۱.

۲- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳- نشریه سپاسگزاری از مردم: اوقاف اصفهان، جلد اول، ۱۳۴۶ ش، ص ۳۹.

۶ علامه آقا سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق.) پانزده سال فقه و اصول

۷ علامه آخوند ملا محمد کاشانی (فوت ۱۳۳۳ ه.ق.)

۸- حکیم بزرگوار جهانگیر خان قشقایی (فوت ۱۳۲۸ ه.ق.)

۹- در علوم و معارف تا آنجا پیش رفت که خود ادیبی فاضل و فقیهی کامل و حکیمی جامع و محقق بارع گردید (۱) و از مرحوم آخوند ملا محمد حسین فشارکی و شیخ محمدرضا نجفی اجازه اجتهاد دریافت نمود (۲) می گویند چنان درس را به دانش آموزان دلسوزانه می آموخت که شاگردانش او را آقاچون خطاب می کردند.

### دوران خدمتگزاری

مرحوم فاضل همای از اوایل تأسیس مدارس جدید در اصفهان در سال ۱۲۸۳ ه. ش. وارد خدمت فرهنگ شده و در دبیرستانهای علیه، کالج و سعدی تدریس می نمود. وی در ادبیات عرب و فارسی ید طولایی داشت. در زمینه شعر اشعار عربی و فارسی گفته است که هنوز به طبع نرسیده است. اغلب اوقات در کلاس درس بالبداهه اشعاری می گفت که دانش آموزان آن را یادداشت و حفظ می نمودند و در بعضی از مسابقه های ادبی شرکت می کرد خط نسخ و شکسته را خوب می نوشت و ماده تاریخها، و اشعاری ملیح از آن مرحوم به یادگار مانده

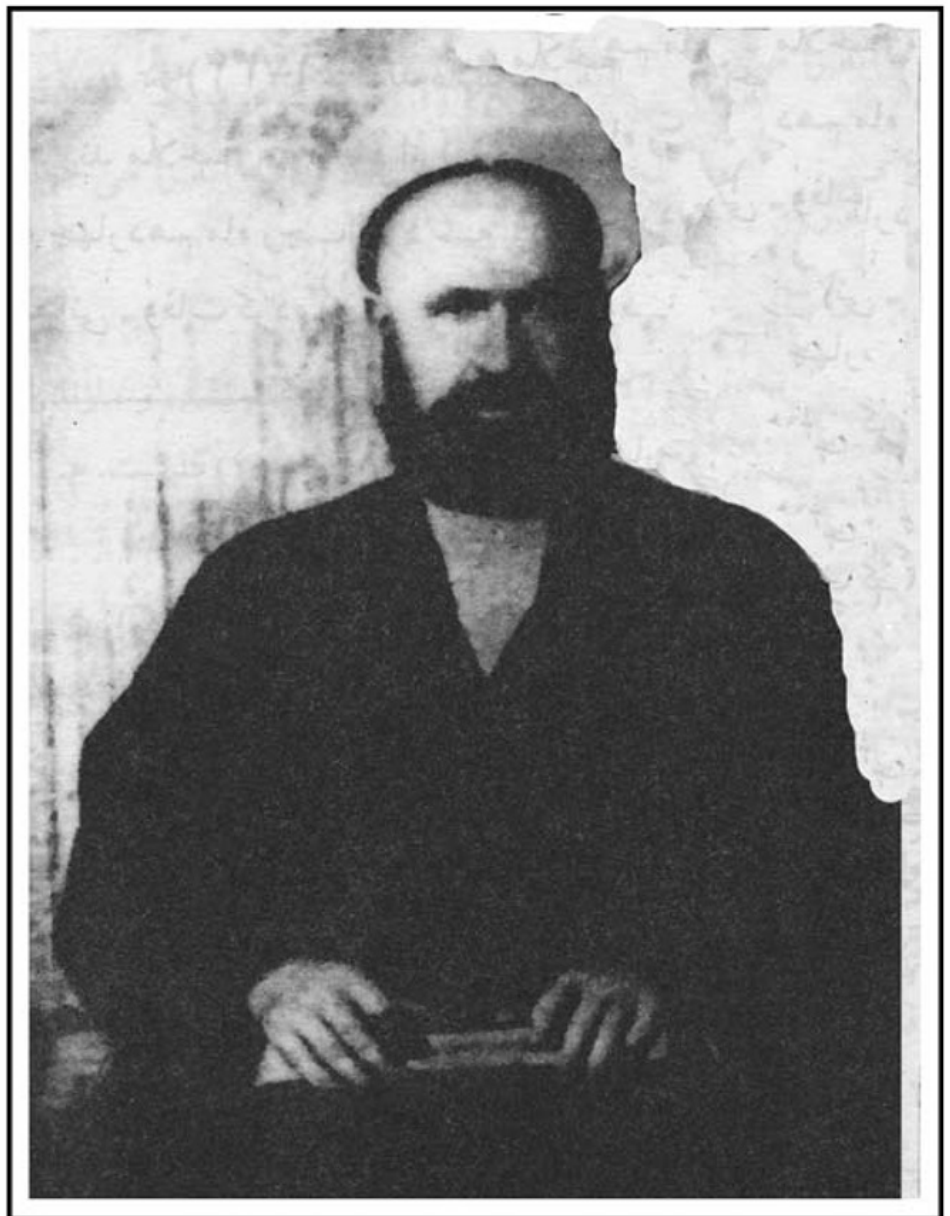
است. همان: ص ۲۲.

ص: ۱۴۷

---

۱- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳۳.

۲- نشریه اداره فرهنگ استان دهم اصفهان: شماره ۱۳، سال دوم، بهمن ماه ۱۳۳۵ ش، ص ۲۲



ملاً محمّد همامی

از نمونه اشعار وی:

شنیدم پادشاهی را که از خشم

را به قتل بی گناهی کرد اشارت

چو مسکین شد ز جان خویش نومید

بسلطان کرد آغاز جسارت

به لفظ خویش شه را داد دشنام

م لک پر سید معنای عبارت

ص: ۱۴۸

که این مسکین چه می گوید در این حال

که قتل آورده بر حالش خسارت

وزیر خیرخواه نیک سیرت

کزو می یافت ملک شه عمارت

پی تعظیم رو بر خاک مالید

که ای شه باد جاویدت امارت

همی الکاظمین الغیظ گوید

بعافین داده حق جت بشارت

شه از این حرف روی رحمت آورد

رهایبی دادش از قید اسارت

وزیر دیگرش از کین دیرین

ب تفتین ک رد اطفاء حرارت

که غیر از راستی در محضر شاه

نباشد لایق شأن وزارت

مر این مجرم ملک را داد دشنام

بشه قول دروغ آردمرارت

ملک درهم کشید از این سخن روی

جوابش گفت با چشم حقارت

مرا آن کذب خوشتر بود از این راست

که آن برخیر بود و این شرارت

خرمندان با فرهنگ و دانش

چنین گفتند از روی بصارت



به از صدیقی که باشد پر ضرارت (۱).

### شاگردان

از شاگردان او می توان به سید مصلح الدین مهدوی، سید محمدرضا آل رسول شمس آبادی و حاج آقا محمد آل رسول شمس آبادی اشاره کرد.

مرحوم مهدوی در مورد استاد خود چنین می نویسد: «وی از دبیران مجرب و کار آزموده و مؤمن به شغل خود بود نگارنده مدت چهار سال در دبیرستان سعدی افتخار شاگردی وی را داشت و الحق ایشان را انسانی کامل یافت». (۲)

همچنین علامه حاج سید محمدعلی روضاتی می نویسد: وی از دوستان بسیار گرامی و قدیمی مرحوم آیت الله حاج میرزا سید حسن چهارسوقی نیای بزرگوار مادری من و از مصاحبان عزیز ایشان بود و او را مکرر در خدمت ایشان می دیدم. (۳)

سید مصلح الدین مهدوی در جایی دیگر در مورد استادش چنین می گوید: مرحوم ملا محمد همای از هم دوره ای ها و همدرسان آیت الله ارباب بود. من در طول سالهای معلمی و شاگردی خودم معلمی جامع تر و کامل تر از مرحوم ملا محمد همای ندیدم. این مرد، جامع تمام صفات یک انسان کامل بود. مردی ادیب، فقیه و شاعر و کلاس او کلاس انس بود. اگر محصلی به او می گفت «آقای همای» ذات ناراحت می شد همه به او می گفتند «آقاجون» چون واقعاً برای ما مثل پدر بود؛

پدر بود. (۴)

ص: ۱۵۰

---

۱- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۵۳۴

۲- همان، ص ۵۳۴.

۳- معلم حبیب آبادی، میرزا محمد علی: مکارم الآثار، جلد هشتم، ص ۲۹۴۲.

۴- محقق، جواد: یاد ماندگار، ص ۱۵۵.

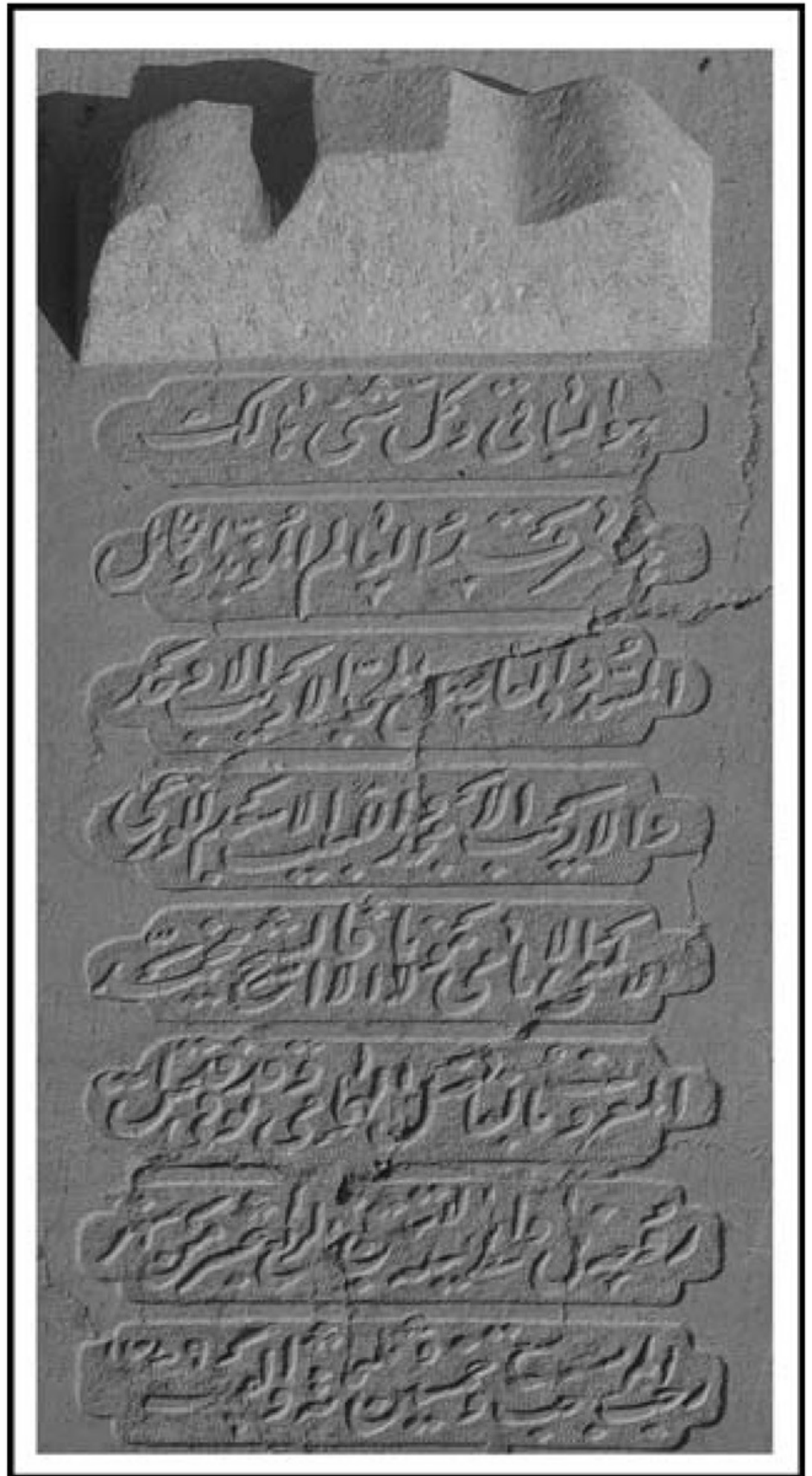


مرحوم همامی پس از عمری افتخار خدمت به مردم، در شب دوشنبه ۱۴ رجب ۱۳۵۹هـ. ق. مطابق ۲۸ مرداد ۱۳۱۹هـ. ش. در اصفهان بدرود حیات گفت و در سمت شرقی این تکیه مدفون گردید.

متن سنگ مزار مرحوم همامی چنین است:

هو الباقی و کل شی هالك

«هذا مرقد العالم المّوید و الكامل، المّسیدد و الفاضل المّمجّد الادیب الایح و الایب الامجد و اللیب الایسعد اللورعی الایمعی الامامی مولانا الاقا الشیخ محمّد المعروف بالفاضل الهمامی و قد توفی قدس الله روحه فی اواسط لیله الاثنین الرابع عشر من شهر رجب المرجب سنه سبع و خمسین و الف ۱۳۵۹هـ.»



سنگ مزار ملا محمد همامی

وی دو فرزند پسر داشت که یکی آقای علی همامی (رئیس اداره اطلاعات بانک

ص: ۱۵۱

و دیگری مرحوم میرزا حسین همای زاده از فضلاى گرانمایه که از دبیران ممتاز اصفهان به شمار می رفت.

از خصوصیات استاد حسین همای زاده آنچه بیش از همه جلب توجه می کرد سادگی و بی آلايشی، در ظرافت و بذله گویی بود که نمونه ی بارزی از مرحوم پدر خود بود، در هر جمعی با طبع شوخ و ظریف خود دلها را به وجد و سرور می آورد و با اشعار زیبای عربی و فارسی که در گنجینه ی حافظه پنهان داشت دردها را تسکین می داد، بیشتر مشاهده می شد که این مرد همان طور که در حلقه ی دوستان نشسته و همه را مشغول می ساخت به طور پنهانی از مجلس بیرون می رفت و در حالی که اهل مجلس هنوز آخرین کلمات ظریف و دلپسند را مزمزه می کردند خود متوجه جای دیگر می شد و زیر لب با خالق خود راز و نیازها می کند. همیشه پیش از موقع مقرر در محل کار خود حاضر می شد و پیوسته قبل از شاگردانش وارد کلاس می شد با اینکه فارغ التحصیل رشته ی فیزیک و شیمی از دانشکده علوم بود، عربی تدریس می کرد و هنگام تدریس فوق العاده دلسوز و مهربان بود. (۲)

سر انجام این معلم مهربان و دانشمند در ماه صفر ۱۴۰۰. ق. فوت و در کنار پدر بزرگوار و دانشمندش مدفون گردید.

ص: ۱۵۲

---

۱- معلم حبیب آبادی : مکارم الآثار، جلد هشتم، ص ۲۹۴۲ .

۲- نشریه اداره فرهنگ استادان دهم اصفهان، شماره ۱۳، سال دوم، بهمن ۱۳۳۵ش، ص ۲۲؛ مهدوی سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۸ سالنامه دبیرستان شاهدخت اصفهان، سال تحصیلی ۱۳۳۴ - ۱۳۳۵ش. چاپ راه نجات، ص ۵۲ و ۵۳ .

عالم فاضل ادیب میرزا علی اصغر شریف فرزند مرحوم حاج محمدباقر، در حدود سال ۱۳۰۰ه.ق. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش منشی و محرر بوده است و گفته می شود در آن روزها که رفتن به خانه ی خدا ماهها به طول می انجامید، موفق شد سه بار به بیت الله الحرام و زیارت مدینه النبی مشرف شود.

حاج محمدباقر دارای سه پسر به ترتیب به نام های: علی اصغر، حسین و علی اکبر (۲) که نخستین و آخرین پسر او، هر دو از علما و فضیلابی اصفهان به شمار می روند. (۳)

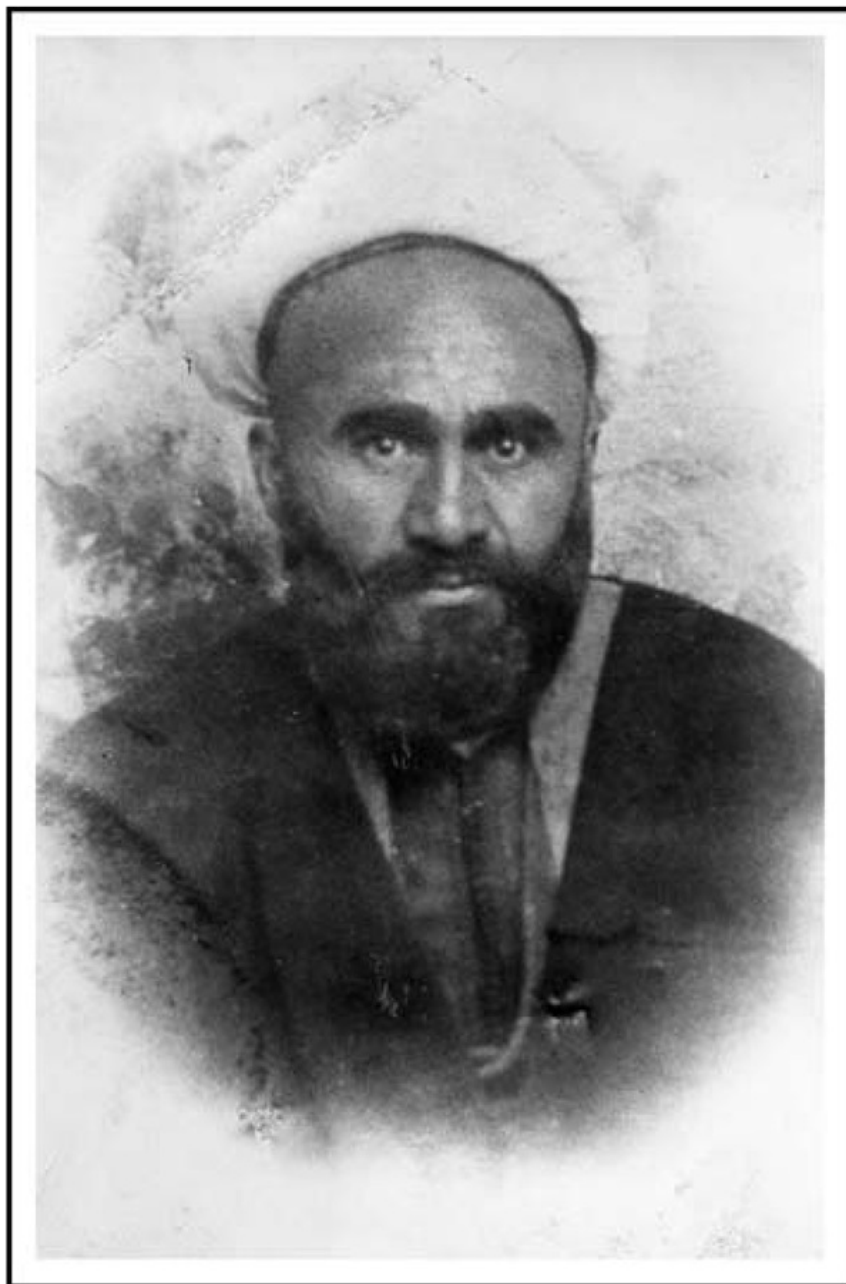
همسر حاج محمدباقر از خاندان سادات جلیل القدر جزایری و از نوادگان محدث نامی سید نعمت الله جزایری (فوت ۲۲ شوال ۱۱۱۲ه.ق.) از علمای بزرگ قرن یازدهم هجری و از شاگردان مبرز علامه مجلسی، بوده است. همچنین پدر مادر میرزا علی اصغر نیز از سلسله ی سادات بوده است. (۴)

میرزا علی اصغر تحت تربیت والدین متدین و دلسوز، مراحل طفولیت و کودکی

ص: ۱۵۳

- 
- ۱- \* با تشکر از جناب دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی که رساله ی شریفیه در شرح حال مرحوم شریف رادر اختیار نگارنده قرار دادند.
  - ۲- مرحوم حاج میرزا علی اکبر فرومند، فاضل ادیب و از معلمین اصفهان، مؤلف: الوان الریاحین، نخبه الاشعار در دو مجلد، مجموعه ای از برگزیده اشعار برخی از شاعران در مدایح و مرثیاتی حضرات معصومین، وی در پنجم جمادی الاول ۱۳۹۶ه.ق. برابر با پانزدهم اردیبهشت ۱۳۵۵ ه. ش. فوت و در تکیه سید العراقرین مدفون گردید.
  - ۳- کرباسی زاده اصفهانی: علی: رساله شریفیه، مخطوط، ص ۱.
  - ۴- همان

را پشت سر گذاشت. و از همان کودکی و نوجوانی به فراگیری علوم و معارف اسلامی پرداخت بطوری که از سن ده سالگی ملتس به لباس روحانیت شد و در اثر هوش و ذکاوت خوبی که داشت، از سن سیزده سالگی خطبه‌ی عقد اجرا می کرد.



#### اساتید

- ۱- عالم کامل سید مهدی نحوی (۱۲۴۸ - ۱۳۰۷ ه.ق.)
- ۲- ادیب کامل آقا سید محمود کلشادی (حدود ۱۲۶۰ - ۱۳۲۴ ه.ق.)
- ۳- آیت الله حاج میرزا بدیع درب امامی (فوت ۱۳۱۸ ه.ق.)

۴- آیت الله العظمی سید محمدباقر در چهای (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق.) (۱)

۵- آیت الله مرحوم حاج آقا نورالله نجفی (۱۲۷۸-۱۳۶۹ ه.ق.) (۲)

### فعالیت های علمی، آموزشی و دینی

ابعاد علمی و اجتماعی حیات مرحوم شریف را می توان در زمینه های زیر اشاره کرد: ۱- تدریس و تربیت طلاب ۲- ارشاد، امامت جماعت، وعظ و خطابه ۳- همکاری و فعالیت در دفتر ثبت اسناد.

### تدریس

معظم له سالیان متمادی (حدود نیم قرن در حوزهی اصفهان به تدریس علوم ادبی، منطق، فقه و اصول و تربیت طلاب و فضلا اشتغال داشت و تمام عمر پر برکتش را وقف تعلیم دانش های اسلامی و ترویج آیین و احکام دینی نمود.

محل تدریس وی سالیان دراز، در مدرسه ی میرزا مهدی (مسجد المهدی (عج) کنونی) در حجره ی شخصی اش بود، و در این اواخر در مدرسه در کوشک ساکن و تدریس می فرمود. (۳)

مقام علمی و تسلط بالای او بر متون فقهی و اصولی تا بدانجا بود که برخی از علمای اصفهان معتقد بودند کسی مانند او توانایی تدریس رسایل و مکاسب شیخ انصاری (ره) را ندارد. از امثله و مقدمات گرفته تا مطول و رسائل و مکاسب را تدریس می فرمود.

مرحوم معزالدین مهدوی از شاگردان وی می نویسد: «در محله بیدآباد محل

ص: ۱۵۵

۱- مهدوی: رساله دار العلم شرق، مخطوط .

۲- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۲۱.

۳- کرباسی زاده اصفهانی، علی: رساله شریفیه، مخطوط، ص ۳.

مسکونی ما سر جوی باباحسن مدرسه ای موسوم به مدرسه ی میرزا مهدی است که در حجرات آن طلاب سکونت دارند. در این مدرسه طلبه ای فاضل قریب الاجتهاد موسوم به میرزا علی اصغر بود که بعداً فامیلی شریف برای خود انتخاب کرد. این شخص صبح های زود طبق دستور پدرم به ما درس می داد و قبل از ظهرها خود به محضر علمای بزرگ حاضر می شد و تحصیلات خود را تکمیل می نمود. ما صبحها در حجره ای او درس می خواندیم و سپس به منزل مراجعت می کردیم. نزد این شخص محترم در مدت سه سال سیوطی و شرح جامی (در نحو) شرح نظام (در صرف) حاشیه ملاً عبدالله و شرح شمسیه (در منطق) و قسمتی از قوانین (در صرف) و تمام شرایع و قسمتی از شرح لمعه (در فقه) را آموختم و بعد از آن با مشورت همین استاد که الحمدلله حیات دارد و خداوند عمرش را زیاد کند به درس مرحوم آقا شیخ علی مدرس یزدی که در مدرسه صدر تدریس می نمود رفتم»<sup>(۱)</sup>.

تقدیر مرحوم شریف به مطالعه و مباحثه و تدریس، به اندازه ای بود که در اواخر عمر - که بینایی یکی از چشم های خود را نیز از دست داده بود - تدریس و مباحثه را رها نکرد و یکی از شاگردانش، آقا میر سید حسین مدرس، عبارات متن را می خواند و ایشان به شرح و تفسیر عبارات مبادرت می ورزیدند. نقل می کنند در

ص: ۱۵۶

---

۱- مهدوی، معزالدین: آخرین مأموریت، ص ۹۸. سید محمد باقر معروف به معزالدین فرزند سید محمد تقی مشهور به سید شهاب الدین نحوی موسوی اصفهانی، تولد وی شعبان ۱۳۲۳ه.ق. در اصفهان بوده است از اساتید وی آخوند ملاً ابو القاسم زفره ای، شیخ علی مدرس یزدی، شیخ اسدالله ایزد گشسب، شیخ محمد حکیم خراسانی و سید آقا جان نوریخس ریزی را می توان نام برد. در زمینه نقاشی و مینیاتور از شاگردان حاج میرزا آقا امامی و در خط شاگرد اسدالله رجالی و میر محمد مهدی خلیقی پور و میر سید محمد شهشهانی بوده است. بعد از تحصیلات اصفهان به تهران رفته و در دانشسرای عالی سال ۱۳۱۱ه. ش. در رشته فیزیک و شیمی لیسانس گرفت. از آثار وی، همدان نامه، رساله در زیج و رصد، رساله در آثار تاریخی اصفهان، آخرین مأموریت و دیوان شعر با تخلص «نوبد» می باشد. سرانجام وی در روز جمعه دوم ربیع الاول ۱۳۹۹ه.ق. در تهران فوت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



سفری که به قم می روند و با زعیم اعظم آیت الله بروجردی دیدار می کنند، آیت الله بروجردی از ایشان می پرسند چه دروسی را تدریس می کنید؟ هنگامی که مرحوم شریف پاسخ می دهد، مرحوم بروجردی به توانایی و تسلط خوب وی پی می برند، و مبلغ قابل توجهی به شهریه ی او اضافه می کنند. (۱)

## شاگردان

علما و فضلاى زیادی از محضر درس میرزا علی اصغر شریف در زمینه ی سطوح ادبی و فقه و اصول بهره برده اند.

از جمله شاگردان وی می توان حضرات آیات و حجج اسلام را نام برد:

۱- شیخ رضا مظاهری کرونى (فوت ۱۴۱۰.ق.)

۲- شیخ حسین مظاهری (تولد ۱۳۱۲.ه.ش.)

۳- آقا شریعت زفره ای (رئیس مکتب زینبیه)

۴- سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶.ق.)

۵- سید حسین مدرس هاشمی (۱۲۹۷-۱۳۷۸ ه.ش.)

۶- مرتضی الهی دوست

۷- دکتر مرتضی حکمی (فوت ۱۴۰۱.ق.)

۸- آقا رشتی

۹- مهدی امین

۱۰- بانو مجتهده امین اصفهانی (۱۳۰۸ - ۱۴۰۳.ق.)

۱۱- بانو عفت الزمان امین (۱۳۳۱-۱۳۹۷.ق.)

۱۲- آقا جمال روزبه نیا.

ص: ۱۵۷

---

۱- کرباسی زاده اصفهانی، علی: رساله شریفیه، مخطوط، ص ۳.

وی ظهرها و شب‌ها برای اقامه‌ی نماز به مسجد کوچه‌ی باروت کوب‌ها واقع در محله‌ی درب کوشک می‌رفت (۱) و گاهی نیز در مسجد ترکها اقامه‌ی نماز جماعت می‌نمود. همچنین در ماه‌های محرم و صفر جهت تبلیغ و وعظ و خطابه به شهرها و بخش‌هایی مانند: تیران و کرون، خیر آباد، شن و علویجه می‌رفت. (۲) در بعدازظهر برخی روزها، کارهای دفتری نیز انجام می‌داد. مرحوم حاج آقا رشتی که صاحب دفتر ازدواج و طلاق بود و از شاگردان وی، در مشکلات شرعی و دینی به معظم له مراجعه و در امور دفتری خود از ایشان کمک می‌گرفت. (۳)

### دوستان و معاشران

از میان بزرگان و عالمانی که با مرحوم شریف، رابطه‌ی صمیمانه داشته‌اند می‌توان به حضرات آیات مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی، مرحوم حاج ملا حسین علی صدیقین و عالم شهید حاجی میرزا ابوالحسن شمس آبادی و مرحوم حاج شیخ نورالدین اشنی اشاره نمود. (۴)

### اوصاف شخصی و فضایل اخلاقی

میرزا علی اصغر از نوجوانی در جرگه‌ی روحانیت وارد شد و از جنبه‌ی اخلاق و آراستگی‌های معنوی یک روحانی به تمام معنا بود. با خانواده و آشنایانش اخلاق نیکو و برخوردی پسندیده داشت، به همسر و فرزندان‌ش عشق می‌ورزید. بارها به

ص: ۱۵۸

---

۱- مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۷.

۲- کرباسی زاده اصفهانی، علی: رساله شریفیه، مخطوط، ص ۴.

۳- همان: ص ۴.

۴- همان: ص ۵.

همسر گرامی خود می فرمود: رضایت ندارم کارهایی را که توانایی انجام آن را ندارید، انجام دهید و از این رو خانمی به کمک همسرشان می آمد و در شستن لباس ها و ظروف به ایشان کمک می کرد. زندگی او ساده و زاهدانه و از تظاهر و ریاکاری، بیزار بود. بسیار خوش رو و خوش برخورد بود. فرزندان و عزیزانش را در رویدادهای تلخ و مشکلات زندگی دلداری می داد و می فرمود: خدا صابران را دوست می دارد و یا می فرمود: ناراحت نباشید شاید خیری در این حادثه ناگوار بوده که بعداً معلوم می شود. (۱)

## خاندان و فرزندان

وی با خانم تهرانی ترمه فروش ازدواج کرد و از ایشان، صاحب چهار دختر و دو پسر شد. از جمله دامادهای وی، عالم فاضل و خطیب جلیل مرحوم حجت الاسلام آقا میر سید حسین مدرس هاشمی بود که علاوه بر دامادی، شاگرد مرحوم شریف نیز بود. (۲)

## وفات و مدفن

آیت الله میرزا علی اصغر شریف که عمر خود را صرف اعلائی کلمه حق و ترویج فرهنگ دینی نمود، سرانجام در حدود هشتاد سالگی در تاریخ ۲۴ ربیع الاول سال ۱۳۸۴ ه.ق. برابر با دوازدهم مرداد ۱۳۴۳ ه.ش. در گذشت و بنابر وصیتش و ارادتی که به میرزا ابوالحسن بروجردی داشت، در سمت غربی تکیه ی بروجردی مدفون گردید.

ص: ۱۵۹

---

۱- همان، صص ۱ و ۲.

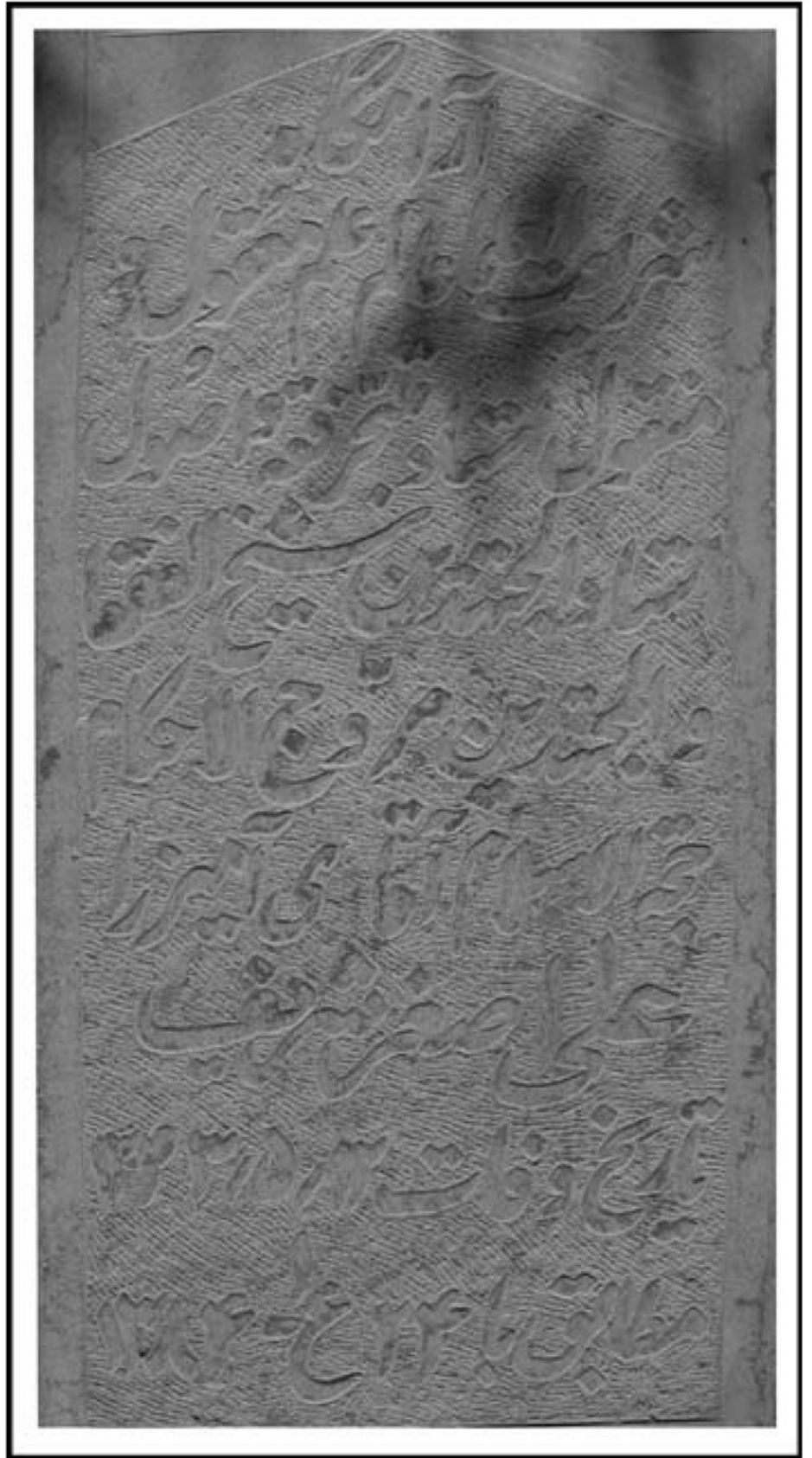
۲- همان: ص ۵.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه

شریعت العلماء عالم علم معقول و منقول استاد متبحر فقه و اصول استاد المجتهدین شیخ الفقها والمجتهدین مروج الاحکام حجه الاسلام آقای  
آمیرزا علی اصغر شریف تاریخ وفات

۱۲ / ۵ / ۱۳۴۳ مطابق با ۲۴ ربیع الاول ۱۳۸۴.



سنگ مزار میرزا علی اصغر شریف

## اشاره

سید احمد مقدّس بیدآبادی فرزند سید ابراهیم حسینی اصفهانی فرزند سید علی فرزند سید ابراهیم ساوجی، حدود سال ۱۳۲۰ ه. ق. در اصفهان به دنیا آمد.

## خاندان

جدّش مرحوم سید ابراهیم از علمای معاصر با مرحوم سید حجت الاسلام و از فضیلتی محترم در محضر ایشان بوده است که از ساوه به اصفهان مهاجرت نمود و به مناسبت مقام زهد و تقوی و قدس، وی را مقدّس می خواندند.

مرحوم آقا سید ابراهیم بعد از سال ۱۲۶۰ ه. ق. وفات یافت و در قبرستان قبله دعاء مدفون گردید، فرزندش مرحوم سید علی از شاگردان سید حجت الاسلام حاج سید اسدالله بیدآبادی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی و دیگران بوده است. حدود سال ۱۳۰۰ ه. ق. وفات یافت و در جنب پدر مدفون گردید.

فرزند مرحوم آقا سید علی به نام سید ابراهیم، همچون پدر و جدّ خود زاهد و عابد و معروف به مقدّس بوده و بعد از پدر به جای او در مسجد پاچنار الرها (محلّه ی بیدآباد) اقامه ی جماعت داشت. وی پس از وفات، در جنب پدر و جد خود مدفون گردید. (۱)

مرحوم آقا سید ابراهیم دارای سه فرزند پسر به نام های آقا سید علی، آقا سید احمد و آقا سید نورالدین مقدّس بود. و هر سه بزرگوار از علما و مدفونین در تکیه

ص: ۱۶۱

بروجردی می باشند که به نام و شرح حال آنها می پردازیم.

مرحوم مهدوی در مورد سید احمد مقدس چنین می نویسد: «احمد آقا بن آسید ابراهیم الحسینی اصفهانی معروف به مقدس سیدی جلیل و فاضلی بی بدیل است و حدود سال ۱۳۲۰ قمری متولد و تحصیلات خویش را در اصفهان خدمت اساتید این سامان به پایان رسانید و خصوصاً در ادبیات عرب از صرف و نحو و منطق و کلام و معانی و بیان زحمتهای کشیده و از مدرسین معروف در مقدمات و سطح می باشد. از معاصرین و از حیث زهد و تقوا و عدم توجه او به امور دنیا معروف

است»<sup>(۱)</sup>.

### اساتید

۱- عالم فاضل و ادیب واعظ میرزا ابوالقاسم زفره ای (حدود ۱۲۶۰ - ۱۳۵۲ ه.ق).

۲- آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی (فوت ۱۳۴۸ ه.ق).

۳- آیت الله سید محمد نجف آبادی (۱۲۹۴ - ۱۳۵۸ ه.ق).

۴- آیت الله سید علی مدرس نجف آبادی (فوت ۱۳۶۲ ه.ق).

۵- آیت الله العظمی شیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ ه.ق).

۶- آیت الله العظمی سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ه.ق).

۷- آیت الله العظمی سید مهدی در چه ای (فوت ۱۳۶۳ ه.ق).

۸- آیت الله العظمی سید ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲ - ۱۳۵۳ ه.ق)<sup>(۲)</sup>.

ص: ۱۶۲

---

۱- مهدوی: یادداشت های خطی .

۲- همان.

مرحوم مقدّس که سالها در ادبیات عرب زحمتهای کشیده بود در زمینه‌ی تدریس مقدمات و سطح از مدرّسان معروف حوزه‌ی علمیه اصفهان بوده و بزرگان‌ی چند از محضر او استفاده بردند که به نام برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- آیت الله العظمی شیخ ابوالفضل نجفی جوانساری (۱۲۹۶-۱۳۸۰ ه.ش)

۲- آیت الله العظمی شیخ محمد حسین مظاهری (تولد ۱۳۱۲ ه.ش)

۳- عالم عارف آیت الله سید بحر العلوم میردامادی (۱۴۱۱-۱۳۴۵ ه.ق)

۴- هنرمند فاضل استاد حبیب الله فضایی (۱۳۰۱-۱۳۷۶ ه.ش)

۵- حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد تویسرکانی

۶- حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید علی میرلوحی (تولد ۱۳۶۰ ه.ق)

۷- واعظ ارجمند شیخ مهدی مظاهری (متولد ۱۳۱۰ ه.ش)

۸- عالم خدوم شیخ محمد حسین رشتی (متوفی ۱۴۱۴ ه.ق)

۹- شیخ غلامعلی رهنما فلاورجانی

۱۰- عالم فاضل سید جمال الدین امامی کرونلی (۱۳۱۲-۱۳۶۴ ه.ش)

۱۱- دانشمند بزرگوار دکتر تقی طیب

۱۲- دبیر واعظ و توانا سید محمدرضا جزائری (متوفی ۱۴۱۱ ه.ق)

۱۳- سید حسین مظلوم

۱۶- شیخ محمد وثیق (متوفی ۱۳۷۰ ه.ش)

۱۵- عالم فاضل سید جواد مقدّس (تولد ۱۳۱۵ ه.ش)

۱۶- سید مرتضی سیادت موسوی (تولد ۱۳۰۸ ه.ش)

### استاد از نگاه شاگردان

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید علی میرلوحی از شاگردان مقدّس



می گوید: «مرحوم مقدّس در سالهای ۳۸ - ۱۳۳۵ که این جانب در حوزه ی علمیه اصفهان به تحصیل اشتغال داشتم فاضلی بنام و استادی والامقام و زبازد خاص و عام در ادبیات و منطق بودند و مخصوصاً در تدریس حاشیه ملاً عبدالله در منطق و در کتاب المطول در معانی و بیان، همتا و مانندی نداشتند و مغفورله در ایوان پشت ساختمان ضلع شرقی مسجد سیّد ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ مطّول را تدریس می کردند و تعداد زیادی از حوزه‌ی بازار بزرگ اصفهان در درس ایشان حاضر می شدند و ایشان مدّت دو ساعت در هر جلسه تدریس می کردند و اکثر حواشی مطّول را با بیانی رسا و فصیح بیان می کردند و طلاب از محضر درس ایشان استفاده می بردند.

فردی متقی و زاهد و پارسا بود و به طهارت و احتیاط در مسایل بسیار دقیق و حساس بود از این رو همیشه دستکش در دستانشان بود. همت و سعی و جدیتشان در امر تدریس و نظم و ترتیب در کارشان سرمشق و اسوه برای همه بود.» (۱)

از دیگر شاگردان ایشان حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری در مورد استادش می گوید:

« آقای احمد آقای مقدّس از اساتید بزرگ و ارزشمند ادبیات بود و مغنی البیب و ادبیات تدریس می نمود. وی انسانی محتاط و منزوی بود و اهل جماعت و منبر نبود و فقط تدریس می کرد و بیشتر مغنی و معالم را تدریس می نمود.» (۲)

## وفات

این عالم زاهد در سوم ربیع الاول ۱۳۹۷ ه.ق. به ملکوت اعلی پیوست و پیکر پاکش در سمت جنوب تکیه در جوار برادرش به خاک سپرده شد.

ص: ۱۶۴

---

۱- دست نوشته حجت الاسلام والمسلمین دکتر میرلوحی در تاریخ ۸۵/۴/۲۱.

۲- مصاحبه با شیخ مهدی مظاهری در تاریخ ۸۵/۵/۷.

متن سنگ مزار وی چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

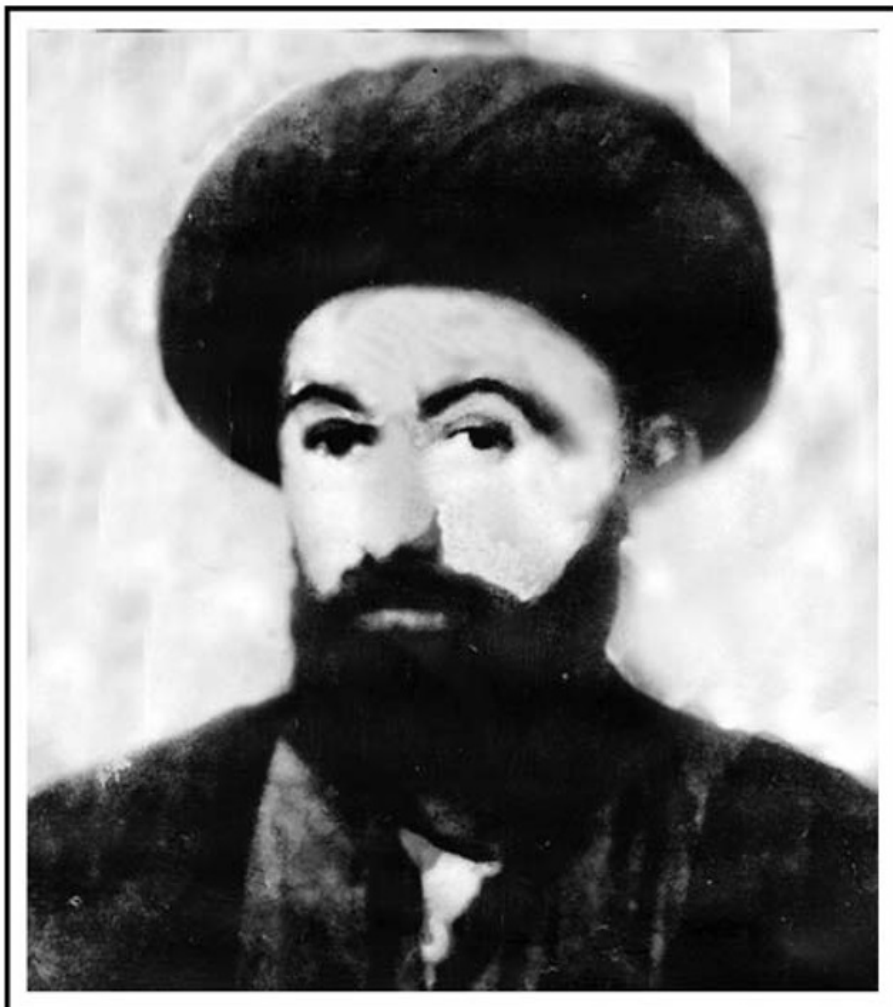
وفات مرحوم حجت الاسلام سید احمد مقدّس ولد مرحوم حجت الاسلام آقای میرزا محمد ابراهیم مقدس که در تاریخ سوم ربیع الاول ۱۳۹۷ قمری بر حمت ایزدی پیوست.



سنگ مزار سید احمد مقدّس

ص: ۱۶۵

عالم فاضل سید علی مقدّس فرزند سید ابراهیم حسینی از علما و ائمه‌ی جماعت اصفهان بوده و برادر بزرگتر مرحوم سید احمد و سید نورالدین مقدّس می باشد وی در دوران تحصیل از محضر علمای اصفهان از جمله آقانورالله نجفی استفاده نمود. (۱)



عالم فاضل سید علی مقدّس

وی از علما و مدرسین حوزه‌ی اصفهان بود که متأسفانه از شرح حال وی

ص: ۱۶۶

---

۱- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۲۰.

اطلاعات بیشتری بدست نیامد.

از دامادهای ایشان ادیب فاضل مرحوم سید مهدی مکینیان می باشد. (۱)

این عالم فاضل در ذی الحجه ۱۳۶۱ ه. ق. برحمت ایزدی پیوست و در سمت جنوبی این تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

وفات مرحوم حجت الاسلام آقای امیر سید علی مقدس ولد مرحوم حجت الاسلام آقای آمیرزا محمد ابراهیم مقدس که در تاریخ ذی حجه ۱۳۶۱ قمری برحمت ایزدی پیوست.

خامه ی آزاد زد بسال فوتش رقم

«مقدس آرامگه جست بر قدسیان»

سنه ۱۳۶۱



---

۱- مرحوم سید مهدی مکینیان ادیب فاضل و صاحب روزنامه مکین، مدفون در همین تکیه است.

عالم فاضل زاهد سید نورالدین مقدس فرزند سید ابراهیم حسینی امام جماعت مسجد مقدس ها محله ی بیدآباد بود و سید نورالدین داماد مرحوم سید صدرالدین خادمی فرزند علامه آقا سید ابوجعفر خادم الشریعه است (۱) وی سه فرزند به نام آقا مرتضی، آقا مصطفی و آقا جواد مقدس (۲) داشت.

از فعالتهای این عالم فاضل تدریس ادبیات در حوزهی علمیه اصفهان بوده و از شاگردان ایشان آیت الله شیخ احمد زاهد نجفی (تولد ۱۳۰۴ ه.ش.) می باشد.

وفاتش در شب ۲۱ رمضان ۱۴۰۰ ه.ق. برابر با ۱۲ مرداد ۱۳۵۹ ه.ش. روی داد و پیکرش را در کنار برادرانش به خاک سپردند. متن سنگ مزار وی چنین است:

الناس موتی و اهل العلم احياء

آرامگاه مرحوم مغفور حجت الاسلام آقای حاج سید نورالدین مقدس بیدآبادی وفات بیست و یکم ماه مبارک رمضان یکهزار و چهارصد مطابق با دوازدهم مردادماه ۱۳۵۹.

ص: ۱۶۸

---

۱- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد سوم، ص ۹۷

۲- عالم فاضل ادیب متعهد سید جواد مقدس متولد ۱۳۱۵ ه.ش. در اصفهان می باشد. وی از شاگردان مدرسه اقدسیه به مدیریت مرحوم شیخ محمد حسین مشکوه بود. او بعد از دوران دبیرستان وارد حوزه ی علمیه در مسجدسید گردید. از اساتید وی مرحوم سید احمد مقدس، مرحوم حاج آقا جمال الدین خوانساری، مرحوم شیخ نورالدین اشنی و آیت الله شیخ حسین مظاهری را می توان نام برد.



سنگ مزار سید نورالدین مقدس

آقا میرزا عباسعلی سهیلیان شمس آبادی فقیه عارف، ادیب شاعر متخلص به فایض اصفهانی فرزند محمدعلی به سال ۱۳۰۸ ه.ق. در محله ی شمس آباد تیران و آهنگران اصفهان چشم به جهان گشود. (۱) پدر وی مرحوم محمدعلی سهیلی خود شاعری خوش ذوق و گمنام بود و به شغل تجارت اشتغال داشت از اشعار او ترجیع بندی در زمینه شخصیت مولی علی (علیه السلام) بوده که متأسفانه در دسترس نیست. (۲)

### تحصیلات

وی پس از گذراندن دوره کودکی وارد حوزه ی علمیه اصفهان شد و در مدارس چهارباغ، ملا عبدالله و جده اصفهان از محضر اساتیدی چون:

۱- علامه حکیم میرزا جهانگیر خان قشقایی (فوت ۱۳۲۸ ه.ق.)

۲- آیت الله میر سید علی نجف آبادی (فوت ۱۳۶۲ ه.ق.)

۳- علامه حاج آقا رحیم ارباب (۱۲۹۷-۱۳۹۶ ه.ق.)

۴- آیت الله العظمی آقا سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه.ق.)

۵- آقا سید مهدی در چه ای (فوت ۱۳۶۴ ه.ق.) (۳)

کسب فیض نموده و به درجه ی اجتهاد نائل گردید. و در اکثر علوم حوزوی مانند ادبیات عرب و عجم، فقه، اصول، فلسفه، رجال، ریاضیات، منطق، عرفان و تاریخ

ص: ۱۷۰

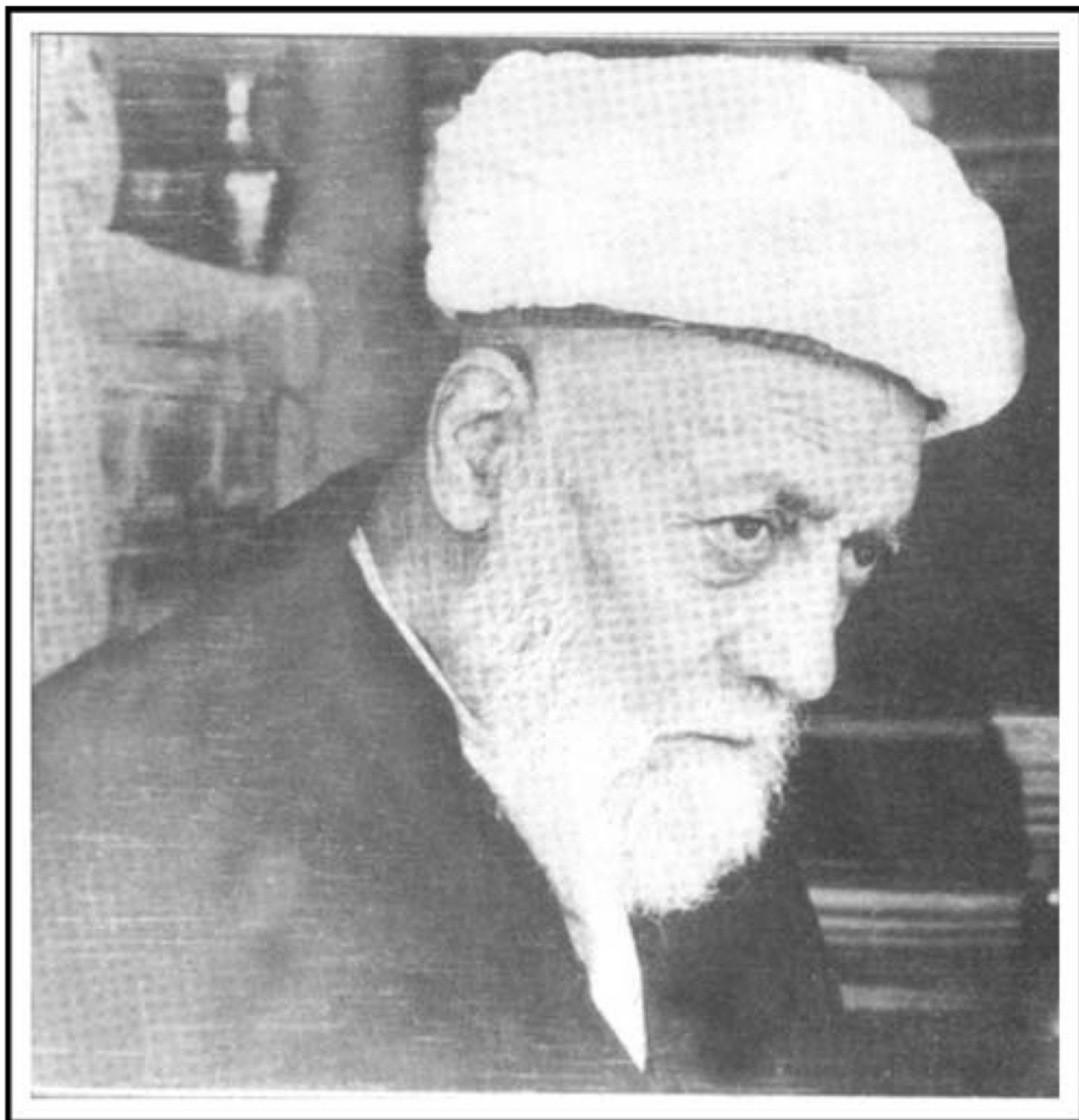
---

۱- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۴۱.

۲- فایض اصفهانی: دیوان اشعار، مقدمه.

۳- عارفچه، میرزا محمد علی: تذکره الشعراء، چاپ سنگی، ص ۱۹۰.





آیه الله میرزا عباسعلی سهیلیان

در زمینه ی ادبیات و شعر بیشتر با بزرگانی همچون میرزا حبیب الله نیر و استاد جلال الدین همایی هم‌نشین و مأنوس بود و با علما و دانشمندانی چون علامه حاج آقا رحیم ارباب، سید حسن میر جهانی، شیخ حیدر علی محقق، استاد همایی، استاد میرزا علی مشفق، محمدحسین صغیر اصفهانی و میرزا حسن آتش ارتباط نزدیک داشته است.<sup>(۱)</sup>

مرحوم فائض در دو مسجد صاحب الزمان بابلدشت و ام البنین شمس آباد تیران

۱- شرح حال فايز اصفهانی: مخطوط، ص ۱.

## تدریس

آیت الله فایض مدتی به امر تدریس در مسجد محل جماعت شان پرداختند که از جمله شاگردانشان مرحومه بانو حاجیه خانم صدیقه بیگم زارعی بوده است. (۲)

## صفات اخلاقی

مرحوم سهیلیان مردی بود وارسته از دنیا گسسته و با خلوت دل در ملک استغنا نشسته، مردی بزرگ در خانه کوچک و در نهایت سادگی زندگی می کرد به طوری که در اتاق نشیمن وی حتی یک فرش هم وجود نداشت. کمتر با مردم معاشرت داشت. بسیار کم حرف و اهل تقوی و دور از مادیات و ذخائر دنیوی بود او که اهل انفاق بود تمام زندگی خود را به رفق و فتق امور مردم می پرداخت. از خصوصیات

ص: ۱۷۲

۱- مهدوی: تذکره شرعی معاصر اصفهان، ص ۳۴۱.

۲- بانو حاجیه خانم صدیقه بیگم زارعی شمس آبادی، همسر یگانه فرزند آیت الله فایض به سال ۱۳۱۳ ه.ش. در محله ی شمس آباد تیران و آهنگران چشم به عالم هستی گشود و از سن پنج سالگی با تشویق مادر بزرگشان جهت آشنایی با علوم و احکام اسلامی در محضر بانو حاجیه خانم خدیجه فشار کی، علوم پایه را آموخت و پس از آن در مدرسه ی بید آباد نزد خانم رهبر تلمذ نمود. سپس طی چند سال در منزل پدر شان نزد آیت الله مدرّس صادقی به تحصیل علوم دینی پرداخت. مدت سه سال افتخار شاگردی بانو مجتهده امین را داشت و تفسیر قرآن و علم حدیث را به خوبی فراگرفت. علم فقه و اصول را نزد عالم و ادیب دانشمند آیت الله شیخ عباسعلی سهیلیان آموخت. او در حین تحصیل به امر تدریس در منزل پدر شوهرشان (آیت الله فایض) مکتب خانه ای دایر کرد و سال های سال به امر تدریس کودکان و نوجوانان پرداخت. سرانجام این سلاله ی پاک پیامبر اعظم (ص) و مروج قرآن و احکام اسلامی در شب جمعه سوم شعبان ۱۴۲۶ ه.ق. برابر با ۱۷ شهریور ۱۳۸۴ ه.ش. فوت و پیکرش را در باغ رضوان قطعه به خاک سپردند (بنگرید به: زراعی شمس آبادی، گنج پنهان، صص ۵۱ - ۵۲).

بارز این عالم فرزانه این بود که بر روی منبر رژیم ستمشاهی را مورد خطاب قرار می داد و به افشاگری این رژیم می پرداخت به طوری که حتی از طرف حکومت ممنوع المنبر گردیده بود. (۱)

### شیخ عباسعلی سهیلیان از نگاه دیگران

سید مصلح الدین مهدوی (۱۳۳۴ - ۱۴۱۶ ه.ق.).

«مردی فاضل و ادیب و سخن شناس می باشد در اغلب انجمن های ادبی اصفهان خصوصاً انجمن مرحوم شیدا عضویت داشته و اکنون گاهی به انجمن ادبی کمال می آید و از محترمین و اساتید شعرا انجمن است در مسجد محله شمس آباد امامت و هم در آنجا مکتب داری می نماید. غزل را به سبک قدما نیکو می سراید از حالات شعرا و ادباء قدیم و جدید اصفهان اطلاعات زیاد دارد، بین شعرا معاصر اصفهان به استادی و تتبع درباره شعرا و دانشمندان معروف است.» (۲)

مصطفی هادوی «شهیر اصفهانی» (تولد ۱۳۱۹ ه. ش.).

«مرحوم فیاض از شعرای عارف و در عالم عشق و شیدایی سخنش زیبا و دارای محتوای علمی و ادبی و عرفانی است. در کلامش یک نوع پختگی و روح وارستگی متجلی است وی در یک ارتفاع معنوی جهان مادی ما را بسیار کوچک دیده و از خیابانهای تجربی تاریخ عبور کرده است.» (۳)

مرتضی اشتری فرد «اشتری اصفهانی» (تولد ۱۳۱۲ ه. ش.).

«آن مرحوم شاعری توانا و هم فاضلی درس خوانده و ادیب بود، بدون بخل در اصلاح اشعار من از هیچ کوششی مضایقه نمی کرد، خدایش پیامرزد که شاعری

ص: ۱۷۳

---

۱- شرح حال فیاض اصفهانی: مخطوط، ص ۲.

۲- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۴۱.

۳- فیاض اصفهانی: دیوان اشعار، مقدمه.

پاک طینت و عالمی بی ادعا و محضرش شیرین و گنجینه ای از نکات و لطایف و ظرایف ادبی بود.»(۱)

آیت الله سید حسن فقیه امامی (تولد ۱۳۱۳ ه. ش.)

از میان شعرا آنانکه احساس مسؤولیت کرده و می کنند با استفاده از هنر متعالی شعری خود، با بهترین شیوه به تربیت جامعه ی خویش پرداخته اند و به مصداق «ان من الشعر لحکمه»، اندیشه ها و نکته سنجی های خود را برای اعتلای کلمه ی اسلام و مدح و ثنای شخصیت های بزرگ الهی به کار گرفته اند و دین خود را به اسلام و مسلمین ادا کرده اند از آن جمله عالم بزرگوار و شاعر توانا و دانشمند وارسته مرحوم آیت الله حاج شیخ عباسعلی متخلص به فایض اصفهانی قدس سره است که بنده سالهای سال افتخار آشنایی با ایشان را داشته ام، آن مرحوم به قدری وارسته و بی ریا و بی ادعا بود که نمی دانستم ایشان جزو مفاخر ادبی و شعری شهرمان هستند.»(۲)

## تألیفات

از این عالم گرانقدر و شاعر ادیب کتابی به نام «لمعات الحسینی»(۳) و دیوان شعری به جا مانده که دیوان اشعار او در سال ۱۳۸۴ ه. ش. به اهتمام استاد مصطفی هادوی، شامل غزلیات، مراثی، قصاید و غیره به چاپ رسیده است. همچنین اشعاری از وی در کتاب تذکره الشعرا، مرحوم میرزا محمد علی عارفچه(۴) و در کتاب

ص: ۱۷۴

۱- اشتری فرد، مرتضی: دیوان اشتری اصفهانی، ص ۷. استاد اشتری اصفهانی از شاگردان و ارادتمندان مرحوم فایض اصفهانی بوده که بیشترین استفاده را از محضر این استاد نموده است.

۲- فایض اصفهانی: دیوان اشعار، تقریظ بر دیوان اشعار فایض اصفهانی به قلم حضرت آیت الله حاج آقا سید حسن فقیه امامی .

۳- همان، مقدمه.

۴- میرزا محمد علی عارفچه، واعظ فاضل صالح و ادیب شاعر، از فضلالی اهل منبر و از مرثیه خوانان و مداحان خاندان نبوت بود. عمری به زهد و قناعت گذرانید و در شب جمعه ۱۹ ذی القعدة سال ۱۳۸۰ه.ق. به سن متجاوز از هشتاد وفات یافته و در کنار پدرش مرحوم ملا محمد حسین عارفچه که خود از علما و خطبا و واعظین و از شاگردان ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی و صاحب تألیفات چندی بوده، در تکیه آقا سید رضی مدفون گردید. کتب زیر را از مرحوم میرزا محمدعلی عارفچه می توان نام برد ۱- تحفه المعصومین ۲ - دیوان اشعار ۳- زبده القصاید ۴- صد قصیده و زیارات ۵- منتخب کبیر در ادعیه و زیارات ۶- هدیه المعصومین مطبوع ۷- تذکره الشعرا مطبوع و غیره. ر. ک: مهدوی، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۸۴

محرمانه (نشریه انجمن ادبی شیدا) به چاپ رسیده است.

مرحوم فیض از محترمین و اعضای انجمن های ادبی اصفهان از جمله انجمن ادبی شیدا، انجمن ادبی کمال، انجمن ادبی تبریز بوده و از شیوخ شعرای اصفهان به شمار می آمد. (۱)

از نمونه اشعار مرحوم فیض اصفهانی در کتاب محرمانه که قصیده ای است پیرامون قیام امام حسین (ع) از مرگ معاویه تا حرکت کاروان کربلا به شام و بازگشت آنها به مدینه می باشد که قسمتی از آن آورده می شود.

دوباره مطرب آهنگ دگر کرد

اساس هستیم زیر و زبر کرد

جهان را از نوا کرده است پرشور

دهد شورش نشان از نفخه ی صور

زسوز غم دلی دارم مشوش

بیا ساقی بزن آبی بر آتش

دماغ جانم از یک جام تر کن

مرا از هستی خود بی خبر کن

برون کن از صف ناسوتیانم

نشان در حلقهی لاهوتیانم

مرا باید گذر کردن بر افلاک

چه جویم از هوسناکی در این خاک

نشاید باتوما گویم هستیم

اگر بیهوده میلایم هستیم

همه ما و من من بسوزان

که دورم کرده این از قرب جانان

ص: ۱۷۵

مرا از سوز عشقی ساز بی غش  
که زر خالص نگردد جز به آتش  
جهان را سفله پندارد گلستان  
بمن چون این گلستان گشته زندان  
تو مطرب تا شود در پرده زن ساز  
مباد از پرده بیرون افتد این راز  
کجا رو آورم دیوانه ام من  
به عالم جغد بی ویرانه ام من  
نباشد چاره از زنجیر و از سنگ  
جهان بهر جنون من بود تنگ  
نباشد چاره از پند و فسونم  
مگر سازند از این عالم برونم  
بود درمانم آن زلف گر گیر  
که باشد چاره دیوانه زنجیر  
مرا در سوختن خاطر بود خوش  
سمندر را گلستانست آتش  
مرا شهر صفاهان گرچه مأواست  
خودم اینجا دل و جانم به بطحاست  
چنین گفت آن خبیر نکته پرور  
که بُدغَوَاص بحر پُر دُر راز  
که در دور مویه سیه کار  
که چون شب بود روز اهل دین نار

سوی دوزخ در آخر رهسپر شد  
شب تاریک اهل دین سحر شد  
به زور پنجه □ مرگ زبردست  
به صد خواری به دوزخ رخت بر بست  
چو با اسلاف دون خود قرین شد  
یزید کافر او را جانشین شد  
خلیفه ملحدی شد کافری شوم  
که هر ویرانه ناچار است از بوم  
پس آنکه بهر استحکام دولت  
به یک سو هشت رسم دین و ملت  
بهر شهری ز سویش رفت منشور  
نبودش جز مدینه هیچ مسطور  
به مروان نامه ای داد آن سیه روی  
که رو سوی ولید از من بدو گوی  
که ما را از سه تن دل بیمناک است  
که از اندوه هریک سینه چاکست  
حسین بن علی سلطان بطحاست  
که سویش جمله روی اهل دنیا است  
بهر چیزی ست در خوبی مسلم  
چو کعبه قبله گاه اهل عالم... (۱)

ص: ۱۷۶



سلام و هدیه مرجع بزرگ شیعه

در زمان قدیم تعدادی از اهالی شمس آباد، به عتبات عالیات مشرف می شوند و در نجف به خدمت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی می رسند، و چند سؤال فقهی از معظّم له می پرسند. بعد ایشان سؤال می کنند. شما از کدام محله های اصفهان آمده اید؟ می گویند: از محله ی شمس آباد. آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی می فرماید: شما که آقا میرزا عباس فایض را دارید. و از ایشان تعریف و تمجید می کنند و کتابی به عنوان هدیه برای آیت الله فائض می فرستند و می گویند: سلام مرا خدمت ایشان برسانید. (۱)

امام حسین (ع) نمک خاصی به اشعارش زده

مرحوم آیت الله شیخ حیدر علی محقق در مورد ایشان می فرماید: هرگاه مرحوم فایض یکی از اشعاری که سروده بودند برای من قرائت می کردند، چنان اشک می ریختند که هر کس آنجا بود از حالت ایشان به گریه می افتاد. و به جرأت می توان گفت که اشعار ایشان از دل بر آمده و امام حسین (ع) نمک خاصی به اشعار این مرد بزرگ زده است. (۲) همان: ص ۲۱ (۳)

احترام به سادات

حاجیه خانم زارعی، یکی از شاگردان مجتهد سیده علویه حاجیه خانم امین نقل می کنند که: هرگاه من خدمت آیت الله فائض می رسیدم، مشغول مطالعه یا خواندن قرآن بودند و می فرمودند: بیا بشین و یا برو، زیرا شما از سادات هستید و

ص: ۱۷۷

۱- گنج پنهان: ص ۱۰ و ۱۱.

۲-

۳-.

بی احترامی است که من نشسته و شما ایستاده باشید و بلند می شدند و به جابه جایی کتابها می پرداختند. (۱)

## وفات

سر انجام آیت الله شیخ عباسعلی سهیلیان در ۲۳ ذی‌عقده ۱۳۸۹ه. ق. برابر با ۱۱ بهمن ۱۳۴۸ ه. ش. به دیدار حق تعالی شتافت و پیکر پاکش را با تجلیل فراوان در سمت غربی این تکیه به خاک سپردند.

## شعر شاعران در وفات فایض اصفهانی

در وفات این عالم ربانی شعرای اصفهان اشعاری سروده اند که از آن جمله:

استاد مرتضی اشتری فرد متخلص به اشتری اصفهانی از شاگردان مرحوم فایض اصفهانی چنین سراید:

لاله آسا داغ مرگ فایض روشن ضمیر

سوخت جان اهل دل از صغیر و از کبیر

آنکه بی شک در فنون شاعری ممتاز بود

هم بفضل و علم و دانش بی قرین و کم نظیر

مستمع را روح می بخشید هنگام سخن

بود از بس گفته هایش دلپسند و دلپذیر

تا که در تن داشت جان با نیروی ایمان پاک

بود حق را یار و یاور شرع احمد را ظهیر

ص: ۱۷۸

کرد مرغ روح او پرواز در باغ جنان  
و چون ندای ارجعی بشنید از حی قدیر  
شمع بزم علم و دانش بود آن عالی مقام  
از روان پاک و قلب روشن و روی منیر  
سال شمسی یکهزار و سیصد و چل بود و هشت  
کز جهان شد در جنان از امر یزدان جایگیر  
از غم مرگش نه تنها اشتری باشد غمین  
بلکه زین ماتم پریشانند هر برنا و پیر(۱)

همچنین استاد فضل الله اعتمادی متخلص به برنا در وفات ایشان چنین می سراید:

کلک برنا سال فوتش را نوشت

«جای فایض جنت جاوید باد»؟(۲)

۱۳۸۹

ماده تاریخ فوت آیت الله سهیلیان سروده ی سید مرتضی مرتضوی (ناظر):

شب تا سحر آن مرد حق از بهر نماز

بنشسته همی بود سر سجاده

مست می حبّ احمد و آتش بود

از جام ولا بودنصیبش باده

آن عارف وارسته ی والا می زیست

با آن همه علم و عز و شوکت ساده

دل بسته نشد سهیلیان بر دنیا

بر ترک جهان بود همی آماده

هم مرشد و هم رهرو راه حق بود

هرگز نهاد پا برون زین جاده

حق داد ندای سال شمسی «ناظر»

(برفایض اصفهانی آزاده) (۳)

بر سنگ مزار این عالم فقیه ادیب چنین نگاشته شده است:

ص: ۱۷۹

---

۱- اشتری فرد، مرتضی، دیوان اشتری اصفهانی، چاپخانه نشاط اصفهان، ۱۳۵۳ش. صص ۱۷۸ و ۱۷۹

۲- مهدوی، سید مصلح الدین: مخطوط

۳- فایض اصفهانی: دیوان اشعار، ص ۱۶۱.

آرامگاه عالم ربانی و ادیب دانشمند شاعر گرانمایه مرحوم شیخ عباسعلی سهیلیان متخلص به فایض اصفهانی، تاریخ ۲۳ ذیقعدہ ۱۳۸۹ برابر ۱۱ بهمن ماه ۱۳۴۸ شمسی.

عمر اگر مرحله پیمای هوی و هوس است  
تا بدین حد که به بازیچه تلف گشت بس است  
سینه صد چاک شد و دل به نشاط است آری  
شادی مرغ گرفتار شکست قفس است  
شادی از مردن دشمن مکن ای دوست که مرگ  
چند روزی بمیان تو و او پیش و پس است  
مرگ از همت اگر پا نگذارد بمیان  
بر اسیران کمند تو که فریادرس است  
من که رسوای جهانم بگرفتاری او  
او هنوز از دگران پرسد فایض چه کس است (۱)

\*\*\*\*\*

عالم تقوی شعار آن رهنورد راه دین  
حق طلب حق آشنا حق گوی از حق یقین  
فایض آن فیض آشنای حق که در دور حیات  
بوده کارش حمد حق و مدح خیر المرسلین  
چون شنید از پیشگاه رب صلاهی ارجعی  
مرغ روح او به فردوس برین شد جاگزین  
ص: ۱۸۰

خواست چون سازد رقم سال وفات او «سروره»

تا که جاویدان بماند تا به روز واپسین

هاتف غیث به امداد آمد و گفت از لطف

سال فوت او بجوی از «خادم شرع مبین»

۱۳۴۸





اشاره

عالم جلیل زاهد ادیب شاعر آخوند ملا محمد کاظم مروّج بیدآبادی فرزند مشهدی نصرالله بزاز اصفهانی، حدود سال ۱۲۹۸ ه.ق. در اصفهان به دنیا آمد و نزد

جمعی از علمای اصفهان از جمله مرحوم آقا نجفی (۱) و برادرش مرحوم حاج آقا نورالله نجفی (۲) تحصیل نمود.

وی از علما و فضلا و ائمه ی جماعت محله بیدآباد بود و در مسجد ملا کاظم در محله بیدآباد که در احداث خیابان آیت الله طیب تخریب گردید اقامهی جماعت می نمود.

مرحوم مروّج بیدآبادی متجاوز از هفتاد سال عمر نمود و سراسر عمرش صرف تعلیم و تعلم و نشر و ترویج احکام شد. از شاگردان او حجج اسلام آقایان:

۱- شیخ عباس مصباح دستگردی (حدود ۱۳۲۸ - ۱۴۰۸ ه.ق.)

۲- شیخ مهدی مظاهری (تولد ۱۳۱۰ ه.ش.)

۳- حاج آقا مهدی معتمدی (تولد ۱۳۰۱ ه.ش.)

۴- آیت الله العظمی شیخ حسین مظاهری (تولد ۱۳۱۲ ه.ش.)

اوصاف

مرحوم آخوند ملا کاظم در بین ائمه جماعت اصفهان دارای صفات ممتاز و خاصی بود از آن جمله خود هیچ گاه غیبت نمی کرد و حاضر به شنیدن آن نبود. (۳)

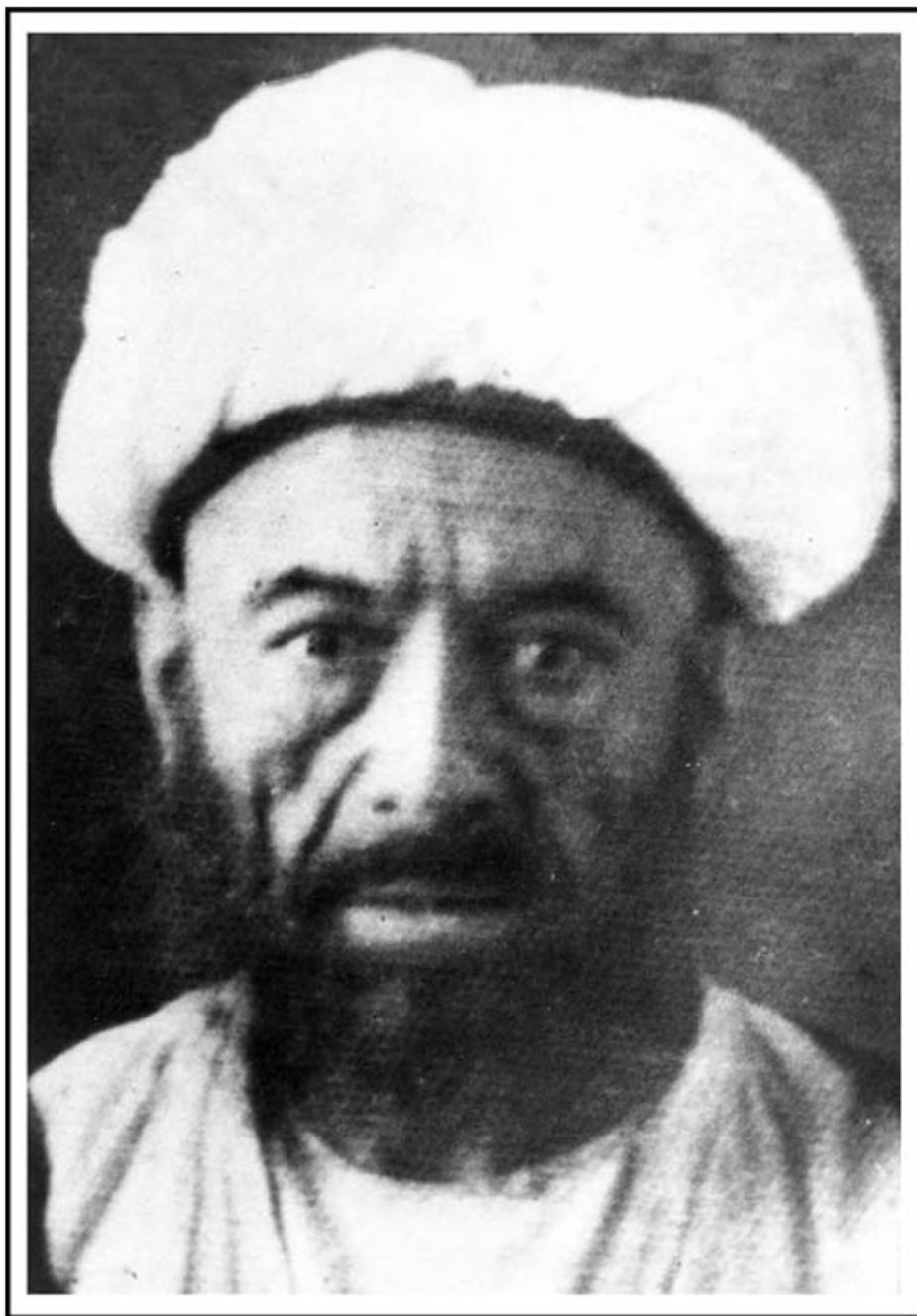
ص: ۱۸۲

۱- مهدوی، سید مصلح الدین: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد اول، ص ۳۶۵.

۲- مهدوی، سید مصلح الدین: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد اول، ص ۳۶۵.

۳- مهدوی، سید مصلح الدین: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۸۴.





آخوند ملا محمد کاظم مروّج بیدآبادی

جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی معتمدی امام جماعت مسجد ذکر الله از شاگردان معظّم له در مورد استادش می فرماید:  
«ایشان مقید بودند علاوه بر بیان احکام، مسائل اصول دین را نیز به طور اختصار و استدلالی بیان فرمایند. همیشه بعد از سلام نماز بر امام حسین (علیه السلام) و اجداد کبارش و اولاد طیبین و طاهرین سلام می داد. در وفات چهارده

معصوم (علیه السلام) مجلس عزاداری برقرار می کرد. هر چند تنگدست بود راضی بود چیزی گرو بگذارد و روضه برای ائمه ی معصومین را بر پا کند. راضی نمی شد کسانی که با ایشان در راه حرکتند پشت سر او راه بروند. زمانی برای زیارت حضرت معصومه (سلام الله علیها) مشرف شده بودند بعضی افراد ناشناس به ایشان در نماز اقتدا کرده بودند که ایشان فرموده بودند شما که مرا نمی شناسید چرا اقتدا کردید. می فرمودند اگر کسی در وسط شب احتیاج به جواب مسئله داشته باشد من حاضرم بیایم دم مهتابی مسجد بنشینم و جواب بگویم. همچنین می فرمودند هر وقت قرضهای من زیاد شود به زیارت حضرت رضا (علیه السلام) می روم تا قرضهایم ادا

شود» (۱).

## تألیفات

۱- اربعین (چهل حدیث در فضیلت حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام))

۲- دیوان اشعار (حدود سه هزار بیت در مدح حضرت معصومین (علیه السلام))

۳- ذخیره المحشر در شرح باب حادی عشر و غیره (۲).

از اشعار اوست در فراق و انتظار ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف:

کی شود ظاهر کنی یا رب تو از لطف عمیم

سید ما را که دل شد از فراق او دو نیم

آنکه باشد سید لولاک جد اطهرش

ختم خیل انبیا و آن صاحب خلق عظیم

ص: ۱۸۴

---

۱- با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی معتمدی که خاطراتی از استادش را در خدمت نگارنده قرار دادند.

۲- مهدوی، سید مصلح الدین، تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۸۴.

آنکه جد دیگرش باشد امیر مؤمنان  
آنکه از ضرب یدش بگرفت پا شرع قویم  
آنکه باشد آفتاب ملک عصمت جده اش  
آنکه در زندهای عالم مثل او باشد عدیم  
تا به کی در انتظارش شیعیان و دوستان  
تا به کی از دوری آن شاه قلب ما الیم  
تا به کی آن ماه یثرب در عقیب ابر غیب  
تا به کی آن یوسف بطحا به چه باشد مقیم  
تا به کی اصل شقا و کفر ظاهر بر ادیم  
تا به کسی آن پادشاه معدلت اندر خفا  
تا به کی در سلطنت اتباع شیطان رجیم  
تا به کی باشند اصل ظلم و عدوان در جهان  
تا به کی از شرّ اعدا دوستش در خوف و بیم  
آنکه از یمن وجودش کعبه را باشد قرار  
هم از او جاریست زمزم هم از او ثابت حطیم  
آنکه از ذکر ثنای او بودی عاجز زبان  
آنکه از کُنه؛ مدیحش در قصور عقل سلیم  
آنکه از او برطرف گردد جمیع ظلم و جور  
آنکه از او اعوجاج شرع گردد مستقیم

آنکه گر بر کوه بنماید نظر از خشم و غیظ

منقطع گردد زهم بل ذره ذره کالرمیم(۱)

از مرحوم مروج سه فرزند پسر و سه دختر به یادگار ماند، از دامادهای وی یکی عالم ربانی و فقیه زاهد مرحوم آیت الله سید علی اصغر مدرس برزانی از مدرسین برجسته ی حوزه ی علمیهی اصفهان، متوفی ۱۳۹۵ ه. ق. مدفون در تکیه آقا سید رضی در تخت فولاد می باشد.

## وفات

این عالم فاضل در شب ۲۱ محرم سال ۱۳۶۷ ه. ق. وفات یافت و سمت شمال تکیه نزدیک بقعه مدفون گردید.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه مرحوم حجت الاسلام والمسلمین محمد کاظم مروج الاحکامی که در تاریخ ۱۳۲۸ شمسی برحمت ایزدی پیوست.



ص: ۱۸۶

---

۱- مهدوی: تذکره الشعراء معاصر اصفهان، صص ۳۸۴ و ۳۸۵.

واعظ زاهد و ارسته حاج میرزا علی فرزند ملا قاسم قمشه ای شمس آبادی، از اعقاب دختری عالم فاضل و فقیه زاهد مرحوم میرزا حیدر علی مجلسی (۱) و معروف به میرزا علی ملا قاسم می باشد. وی تحصیلات دینی خود را در خدمت علمای اصفهان از جمله مرحوم آقا نجفی (۲) به پایان برد و پس از آن به امر تبلیغ و ترویج دین مشغول شد.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد تقی مدنی در خاطرات خود از مرحوم میرزا علی ملا قاسم این چنین یاد می کند:

«واعظی داشتیم به نام آقا میرزا علی ملا قاسم، بسیار با حقیقت، صریح، حق گو و بذله گو بود. از آن جمله روزی بالای منبر گفتند مردم می گویند آقا میرزا علی ملا قاسم فحش می دهد من به کدام پدر سوخته‌های فحش دادم.

روزی شنیدم رفته بودند منزل آقای شهیدان گز فروش و گویا ایشان از مکه مراجعت کرده بودند گفته بودند آقای شهیدان پس شهد شما کجاست چون شهد به معنای شیرینی می باشد گفته بودند شما باید این حوض منزل را پر از شربت کنی و این خلق بی غیرت زهرمارشان کنند و از این قبیل کلمات، بسیار داشتند.

روزی بالای منبر بودند، گویا من هم حاضر بودم گفتند ای پیر زن که گریه می کنی پایین منبر من، میدانی برای چه جهت گریه می کنی؟! گریه می کنی و حسرت می خوری که چرا من این زمان جوان نیستم که مانند سایر دخترها مانند فرنگیها به خیابان بیایم و گفته بود بله خدا شما را بیمارزد که تا حدی از حال من واقف شدی.

ص: ۱۸۷

۱- مهدوی: زندگینامه علامه مجلسی، جلد اول، ص ۳۶۹.

۲- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد اول، ص ۳۶۴.

بر منبر می گفت، ربا می خورید دزدی می کنید ستم بر این و آن می کنید ترک نماز می کنید و سایر گناهان، اما برای اینکه یکی از دو شب ماه رمضان نوزدهم و بیست و یکم مسجد می آید العفو العفو می کنید توقع دارید خدا شما را بیامزد و با چهارده معصوم محشورتان کند بخورید تا برایتان بیاورند.

منزل ایشان خیابان طالقانی کوی ناروند معروف به محله ی شمس آباد بود. در آن محل جوی آبی هست، نقل کردند دنبال جوی می رفتند و می گفتند فلانی که سال گذشته مرا دعوت نموده امسال وعده نگرفت، ناگهان در جوی آب می افتند می گویند وای بر حال تو خدا روزی رسان است می خواهم صد سال این بانی زنده نباشد و از این قبیل کلمات. [\(۱\)](#)

## وفات

وی در روز ج معه ۱۸ ذی الحجه ۱۳۷۰ه.ق. به سن متجاوز از هشتاد سالگی به ملکوت اعلی پیوست و پیکرش را داخل بقعه پایین پای آیت الله میرزا ابوالحسن بروجردی به خاک سپردند. متن سنگ مزارش چنین است:

هوالباقی

آرامگاه واعظ شهیر مرحوم آقا آمیرزای لا علی واعظ شمس آبادی غفرله جمعه ۱۸ ذی الحجه سنه ۱۳۷۰.



سنگ مزار میرزا علی قمشهای

ص: ۱۸۸

۱- خاطرات حجه الاسلام والمسلمین سید محمد تقی مدنی: مخطوط.



عالم فاضل واعظ صالح میرزا علی بروجردی فرزند مرحوم شیخ ابوتراب بروجردی، در اصفهان متولد گردید.

### خاندان

پدرش عالم فاضل فقیه شیخ ابوتراب بروجردی شمس آبادی ساکن در محله شمس آباد و امامت جماعت آن محل بود و در نشر احکام و ترویج و بیان مسائل حلال و حرام کوشا بوده است. میرزا ابوتراب داماد مرحوم سید عبدالله شمس آبادی بود. وی در شب یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۲۸ ه. ق. وفات یافت و در صحن تکیه شیخ محمدتقی رازی (مادر شاهزاده) به خاک سپرد شد. (۱)

از فرزندان مرحوم میرزا ابوتراب، دو پسر به نامهای میرزا علی و میرزا محمد حسن که هر دو از علمای اصفهان و اهل منبر بودند را می شناسیم که هر دو در تکیه بروجردی مدفونند.

### تحصیلات

واعظ صالح مرحوم میرزا علی بروجردی، معروف به میرزا علی ابوتراب از واعظ خوش بیان و برجسته اصفهان بود. (۲) وی نزد بزرگان این شهر از جمله مرحوم آقا نورالله نجفی تلمذ نموده. (۳)

ص: ۱۸۹

---

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲- جواهری، ابراهیم: میرزا علی بروجردی، مخطوط.

۳- جواهری، ابراهیم: میرزا علی بروجردی، مخطوط.

مرحوم مهدوی او را چنین معرفی می کند: «او واعظی بلیغ و گوینده ای راست گفتار و مورد اعتماد بود. در بیان فضائل و مناقب و تفسیر و حدیث و تواریخ معصومین علیهم السلام اقوالش عموماً مستند و خود در نزد عموم طبقات محترم بود»<sup>(۱)(۲)</sup> مرحوم میرزا علی نیز مانند پدر در مسجد محله ی شمس آباد اقامه ی جماعت داشت.<sup>(۳)</sup>

## وفات

این واعظ و محدث خبیر در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۸ ه. ق. وفات یافت و پیکرش در جانب شرق این تکیه به خاک سپرده شد.

بر مزار وی چنین نگاشته شده است:

المحافل فخر الاشراف والامثال محب اهل البيت و مادحهم و ناشر مناقبهم و محامدهم سمی الوصین و الامام المتقین المیرزا علی حشره الله اهل البيت ابن الفقیه المجتهد بلا- ارتیاب و الوجیه النبیه عند اولی الباب المیرزا ابوتراب البروجردی طاب ثراهما و جعل الجنه مثواه فی یوم الا الخامس و العشرین من شهر ربیع الاول سنه ۱۳۵۸ هجری.

ص: ۱۹۰

---

۱- مهدوی: یادداشتهای خطی . به دلیل خوب دانست و بسیار دانستن احادیث او را محدث می نامیدند.

۲- جواهری، ابراهیم: میرزا علی بروجردی، مخطوط

۳- همان : مخطوط .





عالم فاضل میرزا محمد حسن بروجردی فرزند عالم جلیل مرحوم میرزا ابوتراب بروجردی، در سال ۱۲۶۰ ه.ش. در اصفهان متولد شد.

#### اساتید

در تحصیلات علوم دینی از شاگردان سید ابوالحسن بروجردی و شیخ احمد مجتهد بیدآبادی در اصفهان (۲) و در شهر مقدس قم از شاگردان مرحوم آیت الله العظمی سید حسین بروجردی بوده است.

پدرش عالم فقیه زاهد ساکن محله ی شمس آباد و در مسجد آنجا امامت می نمود و در نشر احکام و ترویج و بیان مسائل حلال و حرام کوشا بوده است و در شب یکشنبه ۱۵ شوال سال ۱۳۲۸ ه.ق. در اصفهان وفات یافته و در تکیه مادر شاهزاده بیرون بقعه کنار دیوار غربی آن مدفون گردید. (۳)

#### امامت جماعت

مرحوم تفضلی، در مسجد جعفر طیار (کوچه سرتیب خیابان شیخ بهایی) امامت جماعت می نمود، پدر و پسر هر دو از علمای اصفهان و از خدمتگزاران به شرع مطهر بودند. ایشان دو فرزند پسر به نامهای ابوالفضل و ابوالقاسم و یک دختر

ص: ۱۹۲

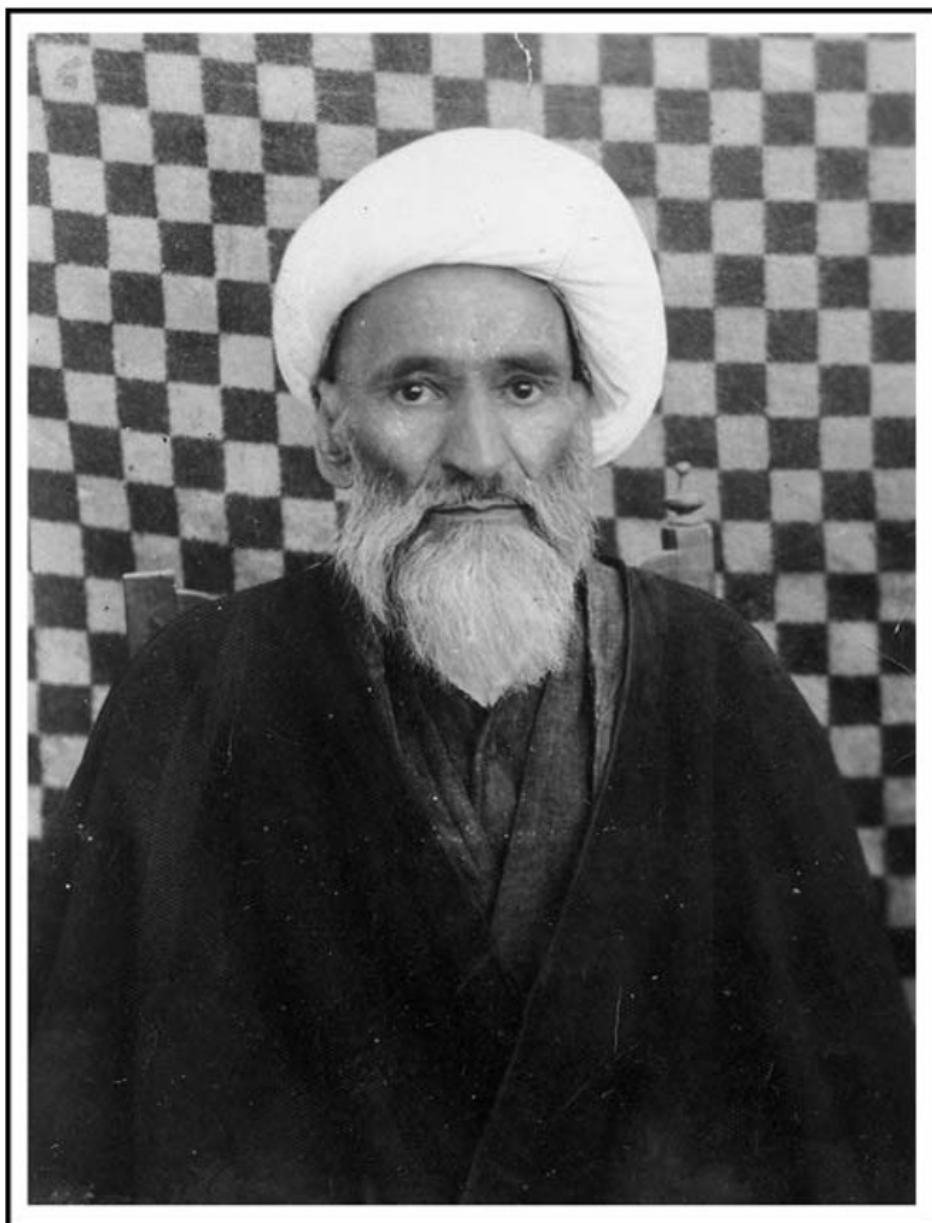
---

۱- \* . با تشکر از جناب دکتر حسن تفضلی نوادهی مرحوم تفضلی که در تهیه شرح حال مرحوم بروجردی نگارنده را یاری نمودند

۲- شفتی، سید محمد باقر: تحفه الأبرار، جلد دوم، ص ۵۲۷.

۳- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، جلد اول، ص ۱۴۲.

داشت. از فرزندانش مرحوم ابوالقاسم تفضّلی از معلمان و فرهنگیان اصفهان بود که در ۱۴ تیر ماه ۱۳۶۲ ه. ش. وفات یافت و در همین تکیه مدفون گردید.



عالم فاضل میرزا محمّد حسن تفضّلی بروجردی

#### تالیفات

از آثار و تالیفات مرحوم میرزا محمدحسن بروجردی رساله‌ی مختصر در اصول دین به فارسی، (۱) و کتابی در مجالس و خطابه (۲) را می‌توان نام برد.

ص: ۱۹۳

۱- همان، ص ۵۲۷.

۲- رساله‌ی مجالس و خطبه به صورت مخطوط در کتابخانه تخصصی تخت فولاد موجود می‌باشد.

فوت و جلاد و در شند و طقتشما حروفش شما جمع هر کوزه با خدا شناختن میگردند التبر شها جمع منور و دعا و عمل در صورت  
امیر المؤمنین علیه السلام که با خدا بود این چو کلمات جا نمیزد دارد و هر کوزه با خدا شناختن میکند این سخن معروف است که هر چه  
چرا بر شها جمع سایر اوقات هست شناختن همه از طالع بود حتی طریعی میزد انو حکم در کوه دال شکله به کله با خدا  
مقول شناختن بعد و عرض میگردانند و خست عمده برکت خلق طریقی حیوانا و خست اعیان یکی از اراکله  
الا لعمرة الله مع الطالمین

اعوذ بالله من الهبوطان الرحم بالله الهی الذین امنوک علیکم الصام الامرا خداوند عالم در صورت منور با عمل کل ابن آدم  
الا الصوم فانتهی وانا اجزی به اعمال جزه از مردم صادر میزد همه آنها از بر خود اوست که مردم از بر است و فرمود  
میبرد اوده اگر کسی سگوال کند و اعمال صالحه و جمال حسنه کل آنها از بر است چه همه دارد و حرف حق صوم و شخصی  
بخود داده چند عظم و حقیقت دارد و هر کوزه مردم چون لازم دارد ترک سواست و همک از لذات و لذت و خست و لذت  
عظیم و سب سزا است او میزد بر سر عمارت همه دیگر که صوم باعث صفا عقل و فکر میگرد و بسبب تقوا است  
ناخست میزد در جمع و چون صفا عقل و فکر بسبب میزد از جهت حصول معرفت ربانیه و مومل با یکدیگر است الهی  
باعث تخصصی ان شده بر سر اعمال همه دیگر چون در مردم تحصیل نموده همه از است چنانچه در چهار دوازده است سلطان  
برگها بر شاخه دارد پس سگت کیده آنها را و دیگر سگت و شیخ و چون مردم باعث کف نفس است از لذات و شهاست  
و عیبت که فخر عدا و دیگر در بهار او در معصفا قان عبادی لیس لک علیه سلطان و چهل میزد باعث تخصص  
سه حبه دیگر از همه حجاب بهتر و نهدیده تر است از است چون مردم از لذت و لذت و لذت و لذت علی الا الملل  
المنان مخفیان باعث بر شرف و تحقیق شده و لذت همه است و حضرت منور منور منور منور منور منور منور منور منور منور منور  
من سید حضرت اوست در بر این دوره دارد در نزد حضرت از کار بهتر و خوشتر است از نورش کلام دارد و نیرن باج  
رحمت الهی بر سر است از عیبت ارباب و ملک از فر بهتر خواهد بود و در چهار است از تمام عبادت و کوشش و کوشش و کوشش معقول  
و دوی از سنی است و حضرت منور منور الصوم حقیقت من التناد دوره سپه است از بر این همه چو خوب فرموده است  
و لولم یکن فی الصوم الا الای تقا من حصن حفظ النفس البرهمنه الی ذنوه النفس بالمالک  
لکنی بد فضلا و منقبة ای شرت و شهاست با کله سواست بهتر است یا شرت با با هم و عوامات نیزه از طعم  
با هم و حیران است و بغیر از شکم پرست است بر امر میزد از بر شرف لیل و میل لطام باعث لبع شتره ام و حواله دارد

جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است  
جمع از عیبت در این است

تصویری از کتاب مجالس و عظم و خطابه به دستخط مرحوم تفضلی

**وفات**

وی در ربیع الثانی سال ۱۳۶۸ ه. ق. وفات یافت و پیکرش را داخل بقعه مابین قبر دو استادش مرحوم بروجردی و مرحوم آقا شیخ احمد بیدآبادی به خاک سپردند.

متن سنگ مزار ایشان متأسفانه به دلیل ساییدگی و فرسایش قابل خواندن به طور کامل نیست.

واعظ فاضل صالح آقاسید محمدرضا داماد فرزند سید حسن از فضلای اهل منبر و شهرت ایشان به داماد به دلیل آنست که پدرش داماد مرحوم حاج میرزا محمود کلباسی بوده است. (۱)

میرزا حسن خان جابری انصاری وی را واعظ و محدث و عالم معرفی کرده است. (۲) این عالم بزرگوار در ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۳۷۴ ه. ق. از دنیا رفت و داخل بقعه سمت پایین پای مرحوم بروجردی به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزارش چنین است:

بسمه تعالی

وفات خلد آشیان سیدالعلما الوعظ آقای آقاسید محمدرضا واعظ طاب ثراه ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۷۴.

شجانا الدهر وانقلب الزمان

توفی واعظینا حیث کانوا

مضی بالسید السند الادیب

له فی زمره العلما شأن

لعام وفاته یاتیر اکتب

ففی القدس استقر له مکان

فقدت «ادیباً» انقصه وارخ

«رضا الداماد مسکنه الجنان»

۱۳۷۴ = ۱۸ - ۱۳۹۲

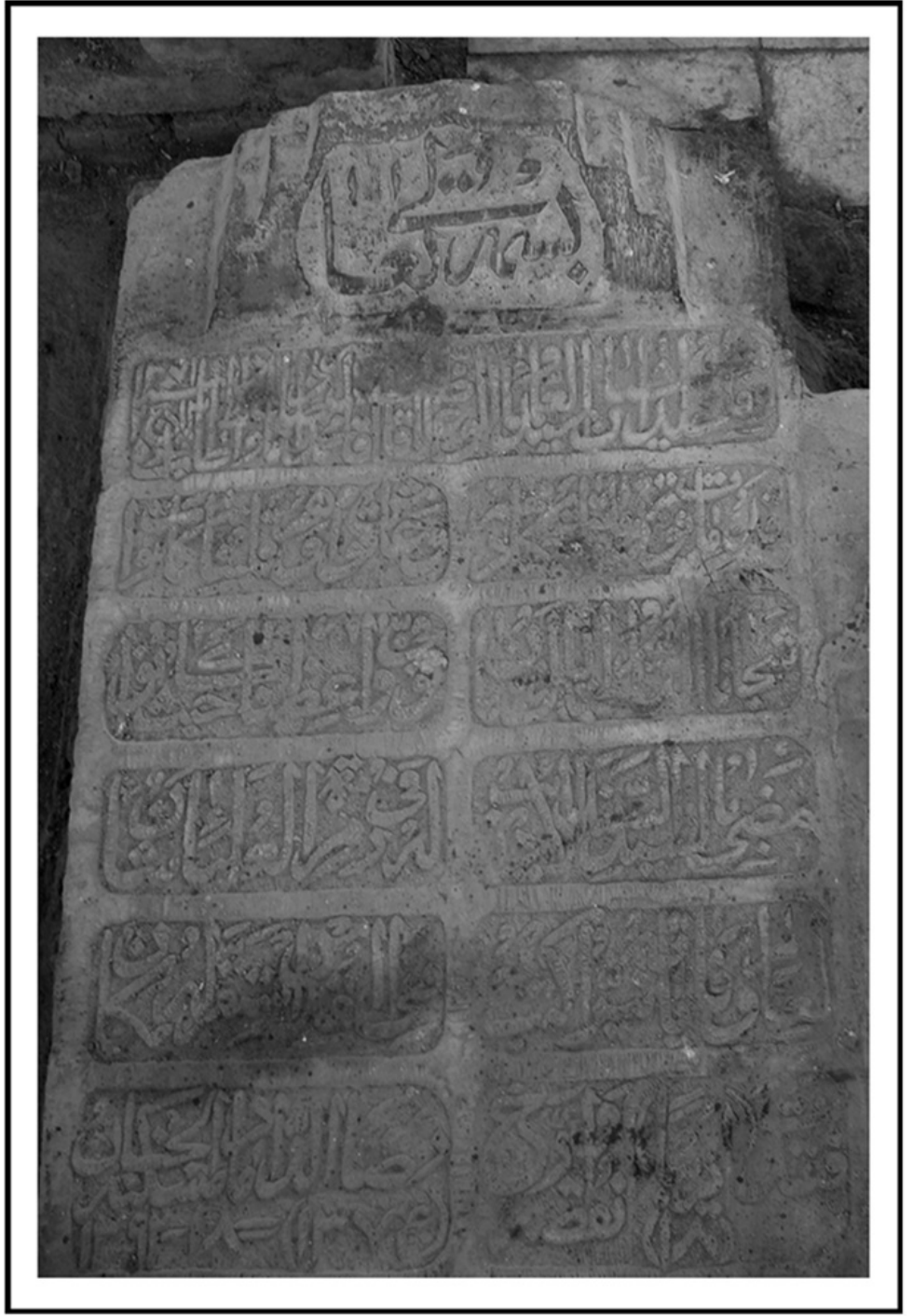
همچنین در قسمت شمال تکیه، مزار سیدالعلماء مرحوم آقا محمّد ابراهیم دامادی فرزند آقا سید محمد حسن، متوفی ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۷۵ ه. ق. است که احتمال داده می شود برادر مرحوم آقا سید محمدرضا داماد باشد.

ص: ۱۹۵

۱- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- جابری انصاری: تاریخ اصفهان، ص ۳۴۰.





سنگ مزار واعظ فاضل صالح آقا سید محمد رضا داماد

عالم فاضل زاهد آقا میرزا محمدرضا الهی فرزند ملا طاهر فرزند عبدالله شهرکی شهر کردی، در سال ۱۲۹۹ ه.ق. متولد گردید. (۱) وی از شاگردان سید محمود کلشادی، آقا سید محمدباقر در چه ای، (۲) مرحوم آقا نجفی (۳) و حاج آقا نورالله نجفی (۴) بود. وی عالمی وارسته و زاهد بوده، و سالها در ترویج آیین شیعه زحمتهای کشید.

وی در سن قریب به ۷۵ سالگی در شب شنبه ۱۵ ربیع الثانی سال ۱۳۶۱ ه.ق. برابر با ۱۳۲۱ ه.ش. وفات یافت و در سمت شمال تکیه نزدیک بقعه مدفون گردید.

مرحوم آزاد در ماده تاریخ فوت ایشان چنین سروده است:

سلیل طاهر الهی که داشت نام رضا

محبّ عترت یاسین و پیر و طه

شنید نفسش چون بانگ ارجعی از غیب

بداد جان به رضا و نهاد تن به قضا

به روز پانزدهم از مه ربیع دوم

کشید رخت ز دار فنا به دار بقا

سؤال کردم از «آزاد» سال فوتش گفت

«روان شد الهی به پیشگاه خدا» (۵)

ص: ۱۹۷

---

۱- مهدوی: یادداشتهای خطی .

۲- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۳- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد اول، ص ۳۶۳.

۴- همان، جلد دوم، ص ۲۰.

۵- مهدوی: یادداشتهای خطی .

همچنین مرحوم حبیب الله نیر در ماده تاریخ فوت وی چنین می سراید:

چونکه محمدرضای عالم طاهر

فوت شد آن رضای الهی

هیجده بود از ربیع دو پی سالش

آن تن خود داده بر قضای الهی

نیر افزود «مژده باد و» چنین گفت

سوی جنان آمده رضای الهی

بر سنگ مزار وی چنین نوشته شده:

آرامگاه مرحوم ثقه الاسلام مروج الاحکام آقای میرزا محمدرضای الهی به سال ۱۳۲۱ شمسی.



سنگ مزار میرزا محمد رضا الهی

عالمه فاضله، معلم قرآن و اخلاق بانو ربابه الهی فرزند عالم فاضل زاهد مرحوم آقا میرزا محمدرضا الهی فرزند حاج ملا طاهر شهرکی شهرکردی در سال ۱۲۹۴ ه.ش. (۱) دیده به جهان گشود.

### تحصیلات

خانم الهی از همان ابتدای کودکی تحت تربیت پدر عالم و فاضل خود قرار گرفت و علوم دینی را نزد پدر فرا گرفت و در ادامه از محضر درس مرحومه مجتهده امین و آیت الله شیخ مرتضی اردکانی (۱۳۲۹ - ۱۳۶۷ ه.ق.) استفاده کرد. (۲)

بانو الهی زنی پارسا، متقی و عابده و صالحه بود، که فقه و اصول را به خوبی آموخته بود و به تحقیق و پژوهش در معارف اسلامی علاقه فراوان داشت.

### تألیفات

از مرحومه خانم الهی چندین اثر مکتوب باقی مانده است که بیشتر محتوای اخلاقی و معنوی دارند و مشتمل بر توضیح آیات و روایات است. از جمله کتاب های وی که به طبع رسیده است می توان از الجنه والرضوان، توحید، چهل

ص: ۱۹۹

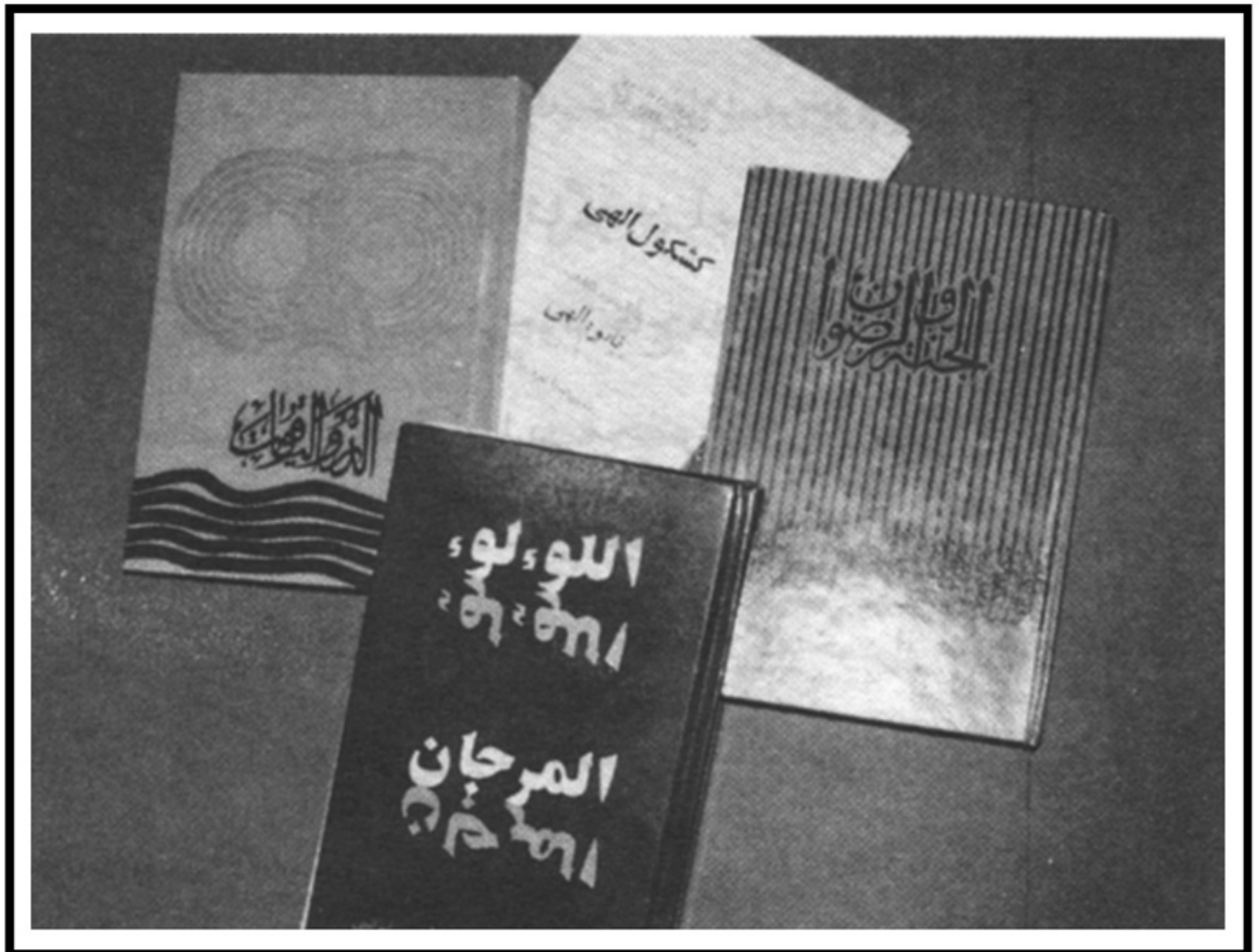
---

۱- هفته نامه ی اولیاء، سری مقالات (زنان نامدار اصفهان): بانو الهی، شماره ۲۲۱۹، نوزدهم تیر ۱۳۷۶، ص ۳.

۲- مشاهیر زنان اصفهان: ص ۶۷.

حدیث، کشکول الهی، لؤلؤ و مرجان، الدر والیاقوت نام برد.

وی همچنین دو بار قرآن کریم را با دست خط خود به رشته ی تحریر در آورده است. (۱)



آثار عالمه فاضله بانو الهی

#### وفات

این عالمه ی فاضله ازدواج ننموده و در اواخر عمر به مرض سرطان مبتلا شد و سرانجام در سن ۶۵ سالگی در غروب روز شنبه ۲۳ رجب سال ۱۴۰۰.ق. برابر با ۱۷ خرداد ۱۳۵۹.ه.ش. دار فانی را وداع نمود و در جوار پدرش، سمت شمالی نزدیک بقعه به خاک سپردند.

متن سنگ مزار وی چنین است.

ص: ۲۰۰

مرحومه عالمه فاضله تفتیه، خانم الهی فرزند حجت الاسلام آمیرزا محمد رضا الهی که در تاریخ ۱۷ خردادماه ۱۳۵۹ برابر با ۲۳ رجب ۱۴۰۰  
برحمت ایزدی پیوست.



عالم فاضل زاهد آخوند ملا محمد حسین مظاهری کرونئی فرزند مرحوم حجت الاسلام میرزا محمد فرزند ملا میرزا، قبل از سال ۱۲۹۵ ه.ق. در تیران کرون به دنیا آمد. (۱)



شیخ مهدی مظاهری - ملا محمد حسین مظاهری - شیخ رضا مظاهری

ص: ۲۰۲



خاندان مظاهری ساکن تیران و کرون بوده اند و خویشان را از اعقاب جناب حبيب بن مظاهر (مظهر، اسدی از اصحاب بزرگوار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و شهید در کربلا در رکاب حضرت سید الشهداء علیه السلام) می دانند. (۱)

### مهاجرت به اصفهان

ملاً محمّد حسین همراه پدر و برادرش مرحوم حاج میرزا حسن برای تحصیل راهی اصفهان شد و در کنار بازار چه ی بید آباد، جنب مسجد میرزا باقر ساکن شدند.

مرحوم مهدوی در مورد برادر ملاً محمّد حسین مظاهری می نویسد:

«برادرش حاج میرزا حسن از علما و مجتهدین و از شاگردان مبرز میرزا محمّد هاشم چهارسوقی و از مجازین ایشان بود و در سال ۱۳۷۰ه.ق. در تیران و کرون اصفهان به سن قریب به ۹۵ سالگی وفات یافت» (۲)

### تحصیلات

مرحوم ملاً- حسین مظاهری تحصیلات علوم دینی را در خدمت اساتید بزرگوار حوزه ی علمیه اصفهان شروع نمود و توانست از محضر بزرگانی چون اساتید ذیل بهره ی کامل برد:

۱- عالم کامل سید مهدی نحوی (۱۲۴۸ - ۱۳۰۷ه.ق.)

۲- عالم فاضل ادیب ملاً محمّد همای (۱۲۸۲ - ۱۳۵۹ه.ق.)

۳- آیت الله محمّد حسن نجفی هزار جریبی (حدود ۱۲۳۷ - ۱۳۱۷ه.ق.)

ص: ۲۰۳

---

۱- مهدوی: مزارات اصفهان، ص ۱۲۷.

۲- مهدوی: یادداشت های خطی .

۴- علامه آخوند کاشی (متوفی ۱۳۳۳ ه.ق.).

۵- حکیم جهانگیر خان قشقایی (متوفی ۱۳۲۸ ه.ق.).

۶- میرزا احمد مدرس (۱۲۸۱ - ۱۳۴۸ ه.ق.).

۷- آیت الله سید مهدی در چه ای (۱) (متوفی ۱۳۶۴ ه.ق.).

۸- آیت الله العظمی سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ه.ق.).

۹- علامه آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی (۱۲۳۵ - ۱۳۱۸ ه.ق.).

۱۰ □ علامه آخوند ملا محمد کاظم خراسانی در نجف اشرف (۲) (متوفی ۱۳۲۹ ه.ق.).

### امامت جماعت

مرحوم ملا محمد حسین مظاهری پس از تحصیل معارف دینی به ارشاد مردم اقامه ی جماعت در مسجد محلّه ی لره های بید آباد خیابان جامی) و مدتی نیز در مسجد مورنان در خیابان فروغی پرداخت. (۳)

### احوال معنوی پدر از زبان فرزندش

«من یادم نمی آید منبر رفتن پدرم را و آنچه به یاد دارم این است که بعد از نماز پشت به محراب و رو به مردم برای گفتن مسائل و احکام می نشست و قبل از آن شاید منبر هم می رفتند.

تدریس هم برای طلاب در زمینه فقه و ادبیات داشتند و در همان مسجد سید و مدرسه میرزا حسین تدریس می کردند.

ص: ۲۰۴

۱- مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری: مورخ ۸۵/۵/۷.

۲- مهدوی: یادداشت های خطی.

۳- مصاحبه با شیخ مهدی مظاهری: مورخ ۸۵/۵/۷.

خیلی محتاط بودند و به قول معروف یک حالت شبه وسواس داشتند. اما در اخلاق و جهات دینی بسیار مرد مهذب و بزرگوار و متدین بودند به صورتی که اگر کلمه ای و حرفی می زدند و از ایشان کسی ناراحت می شد، تا آن شخص را راضی نمی کردند راحت نبودند. مقید به عبادت و نماز اول وقت و جماعت و کارهای خیر بودند.

عموم افرادی هم که ایشان را می شناختند به خوبی و صلاحیت و ثواب می شناختند همچنین با علمای بزرگوار اصفهان مانند آقای حاج شیخ اسدالله فاضل بیدآبادی، ملا محمد کاظم مروج و آقای حاج محمد حسین جعفری امامت جماعت مسجدسید، حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام، رفیق و هم بحث بودند.

از اساتید ایشان مرحوم آیت الله سید محمدباقر در چه ای و آقا سید مهدی در چه ای بودند و مجاز به اخذ سهم امام و امور حسبه از علما و بزرگان بودند»<sup>(۱)</sup>.

مرحوم مهدوی از ایشان به عنوان «عالم فاضل زاهد ورع از فضلالی گوشه نشین»<sup>(۲)</sup> یاد می کند و می نویسد که در یکی از مساجد محله پاچنار امامت می نمود.

همچنین مرحوم مهدوی می افزاید: «از علما و فضلالی ساکن اصفهان و امام جماعت مسجد مورنان است. شخص ساده مقدس خوبی است از غایت احتیاط بمرض وسواس گرفتار است»<sup>(۳)</sup>.

ص: ۲۰۵

---

۱- همان .

۲- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۴.۳

۳- مهدوی: یادداشتهای خطی

سر انجام این عالم فاضل در شب ۲۹ جمادی الثانی سال ۱۳۶۸ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و پیکرش را در سمت شمالی بیرون بقعه به خاک سپردند.

مرحوم حبیب الله نیر در وفات وی چنین می سراید:

هر که در دار فنا خواست گیرد مسکنی

شد جلو گیر از حیاتش مرگ بنیان افکنی

برد این چرخ ستمگر عالمی از عالمی

ز آسمان زهد نجمی، گوهری از مخزنی

خوشه چینی بود ماهر از علوم اهل بیت

شهری شهر از ورع از قدس و تقوی خرمی

داشت از نسل حبیب بن مظاهر چون نژاد

زین سبب اهل سعادت شد بفکر روشنی

نیمه شب بیست و نه بود از جمادی الثانیه

هشتم اردیبهشت او یافت از دار ایمنی

کلک نیر از برای سال تاریخش نگاشت

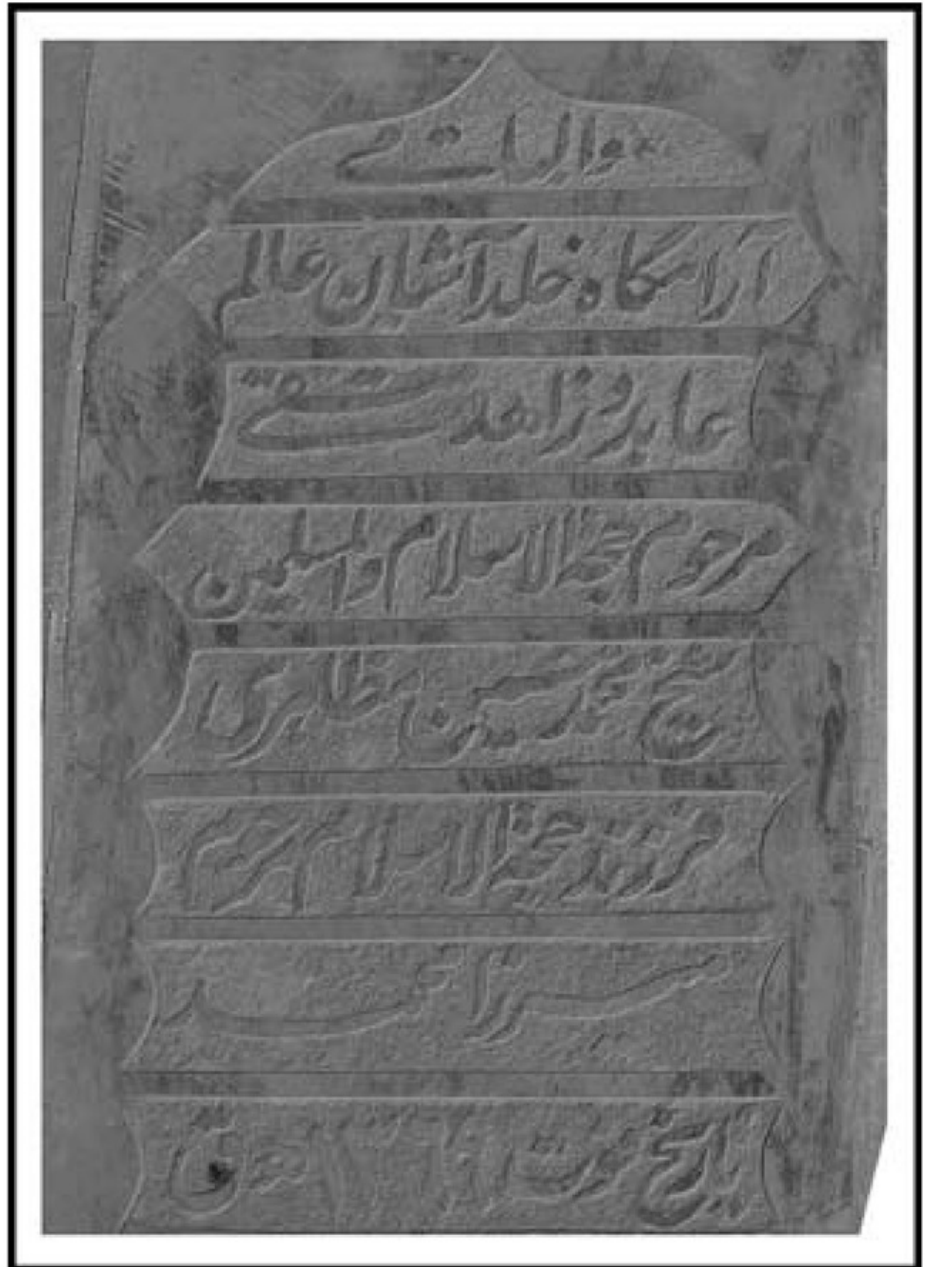
سوی جنت شد چو آقای حسین کرون [\(۱\)](#)

ص: ۲۰۶

متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

آرامگاه خلد آشیان عالم عابد و زاهد متقی مرحوم حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد حسین مظاہری فرزند حجت الاسلام مرحوم میرزا محمد فوت ۱۳۶۹ ه. ق.



سنگ مزار آخوند ملا محمد حسین مظاہری

### فرزندان

مرحوم ملا محمد حسین مظاہری دارای چهار فرزند پسر و سه دختر می باشد.

از فرزندان پسر یکی حاج آقا مرتضی فرزند اول، حاج آقا محمد فرزند دوم که هر دو مکلا بودند، حاج آقا رضا فرزند سوم که واعظی صالح

و از محترمین اهل منبر اصفهان و امام جماعت مسجد امام حسین (ع) در محله ی لیلان بود وی سوم صفر ۱۴۱۰ه.ق. وفات یافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد. (۱) و بعد از آن سه دختر و فرزند پسر چهارم هم حجت الاسلام والمسلمین شیخ مهدی مظاهری است، که تولدش در سال ۱۳۱۰ه. ش. در اصفهان رخ داده است. تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اقدسیه به مدیریت شیخ محمد حسین مشکوه گذراند و سپس وارد حوزه ی

ص: ۲۰۷

---

۱- جهت آشنایی با شرح حال وی، ر. ک: مهدوی، سید مصلح الدین: مزارات اصفهان، ص ۱۲۷.

علمیه اصفهان گردید و از محضر علمای اصفهان استفاده نمود که در زیر به نام این بزرگواران اشاره می شود:

۱- حجت الاسلام والمسلمین سید احمد مقدّس (حدود ۱۳۲۰ - ۱۳۹۷ ه.ق.)

۲- آخوند ملا علی مارینی (متوفی ۱۴۰۲ ه.ق.)

۳- آیت الله شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی (۱۲۸۵ - ۱۳۸۴ ه.ق.)

۴- آیت الله شیخ علی مشکوه (متوفی ۱۴۱۰ ه.ق.)

۵- آیت الله شیخ عباسعلی ادیب حبیب آبادی (متوفی ۱۳۷۱ ه.ش.)

۶- آیت الله آقا سید حسن مدرّس

۷ آخوند ملا کاظم مروج بیدآبادی

حجت الاسلام والمسلمین مظاهری بعد از تحصیل در حوزهی اصفهان جهت تکمیل دروس خود به شهر مقدّس قم عزیمت نموده و از علمای بزرگ حوزهی پر برکت آن شهر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله سلطانی استفاده نمود.

بعد از حوزهی علمیه قم وی جهت دروس خارج فقه در اصفهان از محضر پر برکت حضرت آیت الله شهید سید ابوالحسن شمس آبادی (شهادت ۱۳۵۵ ه.ش.) کسب فیض نمود.

حجت الاسلام والمسلمین مظاهری پس از اتمام دروس خود به امر وعظ و ارشاد و امامت جماعت مشغول و همچنان یکی از وعاظ صالح و خطباء و محدثین و خیرین معاصر اصفهان محسوب می شوند.

عالم جلیل حجت الاسلام والمسلمین شیخ اسدالله معروف به حاج فاضل بید آبادی فرزند مرحوم ملا محمدباقر فرزند ملا محمدرضا می باشد. (۱)

### تحصیلات

مرحوم حاج فاضل بید آبادی از علمای فاضل و زاهد و از شاگردان:

۱- آیت الله مرحوم میرزا بدیع درب امامی (فوت ۱۳۱۸ ه. ق.)

۲- آیت الله العظمی مرحوم آقا سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه. ق.)

۳- آیت الله مرحوم آقا نجفی (۲) (۱۲۶۲-۱۳۳۲ ه. ق.)

۴- آیت الله مرحوم حاج آقا نورالله نجفی (۳) (۱۲۷۸-۱۳۴۶ ه. ق.)

۵- عارف ربانی حاج شیخ محمد جواد بیدآبادی (فوت ۱۳۴۴ ه. ق.)

۶- عالم کامل سید مهدی نحوی (۴) (متوفی ۱۳۰۷ ه. ق.)

وی که در خدمت آقایان مسجدشاهی و از مخصوصین مرحوم حاج میرزا عبدالحسین مسجدشاهی و پس از فوت ایشان به خدمت آخوند شیخ محمدحسین فشارکی پیوسته (۵) و به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم می پرداخت.

ص: ۲۰۹

---

۱- مهدوی: بیان المفاخر، جلد دوم، ص ۲۳۲ .

۲- همان.

۳- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۱۹ .

۴- مهدوی: تذکره المعاصرین، مخطوط.

۵- مهدوی، سید مصلح الدین دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۳.



مرحوم مهدوی در مورد وی چنین می نویسد:

«با وجودی که تمام معاصرینش به مقام احاطه و اجتهاد او اعتقاد داشتند وی خود را داخل در اجتماعات آنها نکرد و تا آخر عمر که قریب هفتاد و پنج سال بود گوشه ی انزوا را از دست نداد و پس از وفات آقا شیخ احمد حسین آبادی (بیدآبادی) امامت مدرسه میرزا مهدی به عهده ی ایشان نهاد.»<sup>(۱)</sup>

این عالم زاهد در مدرسه ی میرزا مهدی (مسجد المهدی کنونی) در محله بیدآباد امامت جماعت می نمود. همچنین وی از جمله علمای مهاجر به قم به سال ۱۳۴۶ه.ق. بود که در اعتراض به قانون نظام اجباری و برخی از قوانین دیگر و در اصل مخالفت با اساس سلطنت رضاشاه انجام گرفت.<sup>(۲)</sup>

مرحوم ملا اسدالله فاضل بیدآبادی همچنین در کنار عالم فاضل شیخ عبدالحسین نجفی (حدود ۱۳۱۲ - ۱۳۴۸ه.ق.) به فصل خصومات و رسیدگی به اختلافات مردمی می پرداخت.<sup>(۳)</sup>

## وفات

وی در شب جمعه ۲۰ ذی القعدة سال ۱۳۶۰ ه.ق. <sup>(۴)</sup> وفات یافت و در سمت

شمال بیرون بقعه دفن گردید.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرمگاه مرحوم مغفور عالم جلیل القدر خلد آشیان حضرت حجت الاسلام

ص: ۲۱۰

---

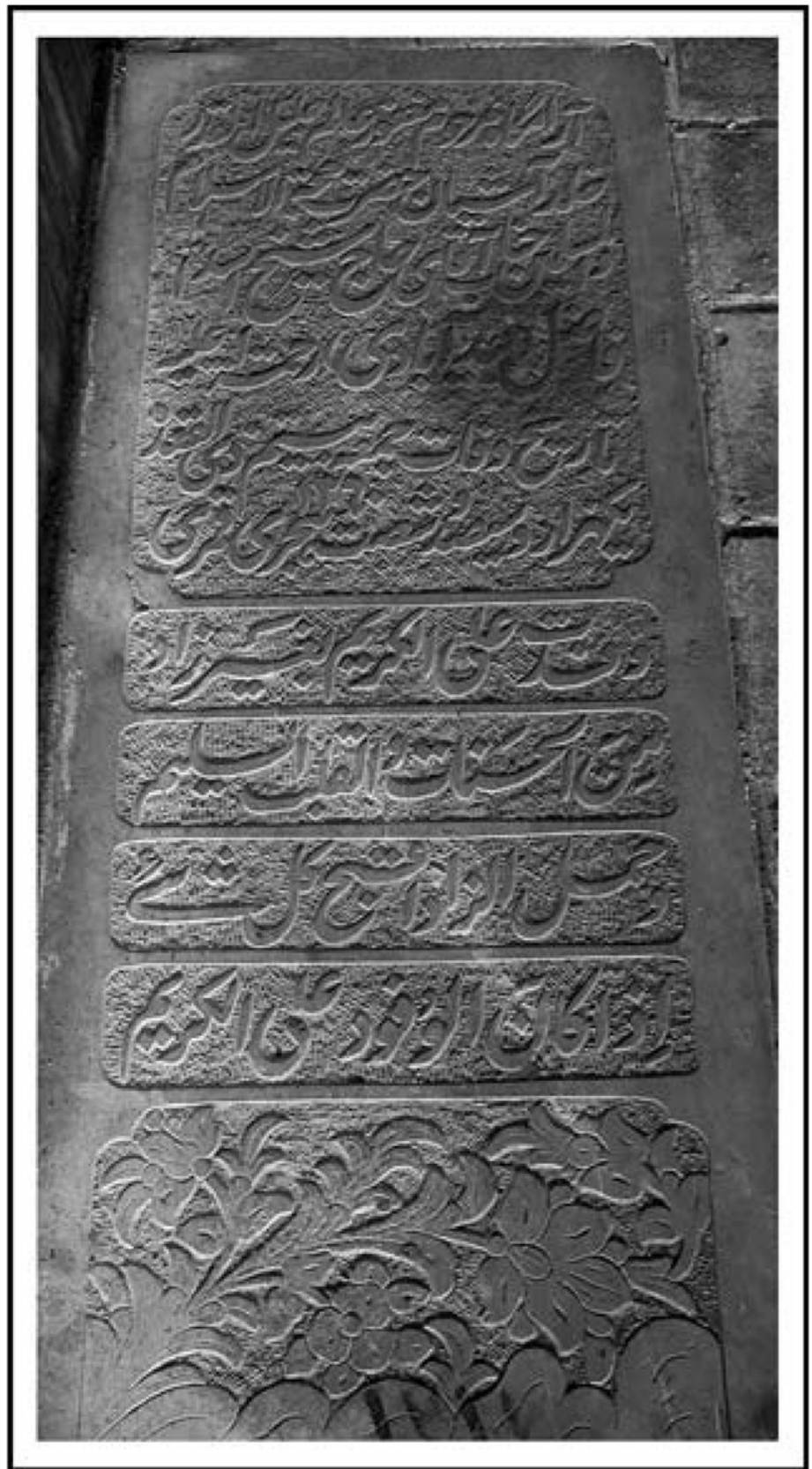
۱- مهدوی: یادداشت های خطی

۲- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۱۵۳.

۳- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۱۰۷.

۴- \* - تذکر: مرحوم مهدوی در یک جا فوت ایشان را هشتم ذی القعدة ۱۳۶۰ ه.ق. و در جای دیگر ۲۱ ذی القعدة ۱۳۶۳ ه.ق. می نویسد. اما تاریخ فوت ایشان بر روی مزارش جمعه بیستم ذی قعدة ۱۳۶۰ ه.ق. می باشد.

والمسلمين جناب آقاي حاج شيخ اسدالله فاضل بيد آبادي رحمت الله عليه، تاريخ وفات جمعه بيستم ذي القعدة ١٣٦٠ هجري قمرى.



سنگ مزار شيخ اسدالله فاضل بيد آبادي

عالم فاضل زاهد شیخ ابوتراب فرزند شیخ علی محمد مازندرانی زاهدی، از سلسله مشایخ بید آباد است.

### خاندان

سلسله مشایخ بید آباد عموماً از اعقاب عارف مشهور شیخ زاهد گیلانی اول (شیخ ابراهیم بن روشن امیر) و شیخ زاهد گیلانی دوم که هر دو از بزرگان مشایخ و اقطاب عرفا و صوفیه بوده اند. (۱)

اعقاب این دو که در اصفهان و گیلان ساکن بوده اند عموماً از اهل فضل و ادب و شعر و از فقها و حکما محسوب می شوند و جمعی از آنان در علم و زهد و تقوی به مقامات عالیه رسیده اند. (۲)

شیخ ابوتراب پدر زن مرحوم شیخ احمد واعظ خوانساری، صاحب کتاب لسان الصدق پدر آیت الله شیخ ابوالفضل خوانساری است. (۳)

### وفات

این عالم فاضل در روز چهارشنبه ۲۹ ذی القعدة ۱۳۶۳ ه.ق. دار دنیا را وداع گفت و پیکرش در سمت شرقی بیرون بقعه بر روی سکو دفن گردید.

ص: ۲۱۲

---

۱- مهدوی: بیان المفاخر، جلد دوم، ص ۲۳۳.

۲- همان.

۳- با تشکر از محقق فاضل جناب آقای رحیم قاسمی که نگارنده را در جای جای این کتاب راهنمایی و اطلاعات با ارزش خود را در اختیار بنده قرار دادند.

متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

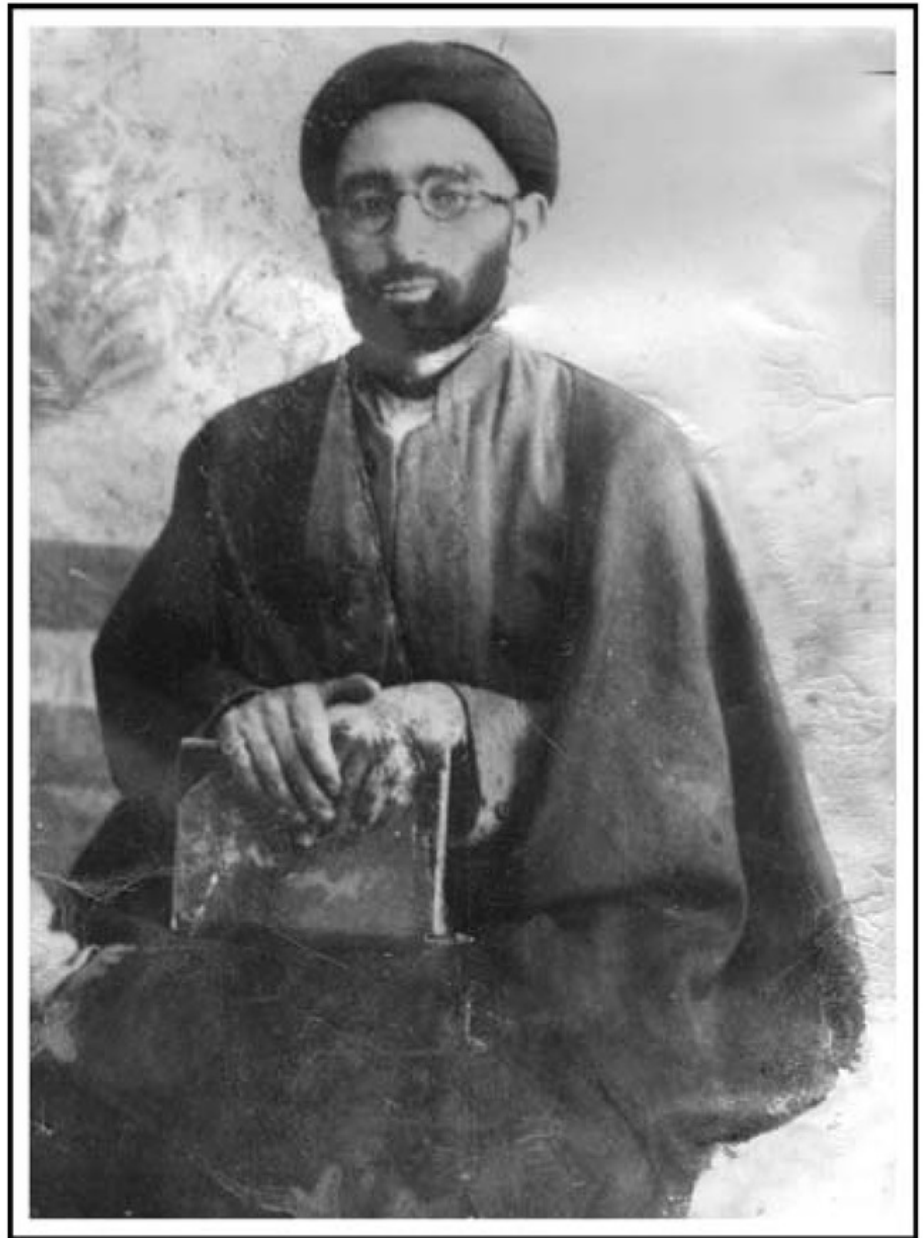
الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولاهم یحزنون

وفات مرحوم مغفور خلد مقام جنت و رضوان پناه العالم العامل و الفاضل الكامل الصالح التقی عمده العلماء المکرمین آقای حاج شیخ ابو تراب ابن فخر الفقهاء و المجتهدین آقای آقا شیخ علی محمد مازندرانی فی يوم الأربعاء عشرين و تسع من شهر ذی قعدة الحرام... ثلثمائه بعد الألف هجرى ۱۳۶۳.

ص: ۲۱۳

## سید محمد علی فصیح الواعظین

آقا سید محمد علی مارنانی معروف به فصیح الواعظین فرزند مرحوم سید احمد واعظ مارنانی فرزند حاجی سید حسین از واعظ و منبریان اصفهان بوده است. (۱) پدرش سید احمد نیز از واعظان اصفهان بود. مرحوم سید احمد واعظ در ۱۴ صفر ۱۳۷۴ ه. ق. وفات یافته و در همین تکیه در سمت شرقی مدفون شده است.



عالم واعظ سید محمد علی فصیح الواعظین

ص: ۲۱۴

مرحوم فصیح الواعظین مورد احترام بیشتر اهالی این شهر و سیدی شریف و بافضل بود که تقریباً چهل و پنج سال عمر نمود و در زمان حیات پدرش در چهارم ربیع الاول سال ۱۳۵۵ ه. ق. برابر با ششم خرداد سال ۱۳۱۵ ه. ش. دار فانی را وداع گفت و پیکرش در سمت جنوب تکیه دفن گردید.

وی دارای طبع شعر نیز بوده و گهگاهی اشعاری می سروده است.

یا رب بر من نیامد آن مه دیشب

فریاد زدم چو کودک مهدی (۱) شب

تا سر نزده از افق آن ماه منیر

هر روز بود زغیب آن مهدی شب (۲)

متن سنگ مزار وی چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

وفات مرحوم مغفور سید علی فصیح الواعظین ولد ارجمند آقاسید احمد واعظ فی ششم خرداد مطابق چهارم ربیع الاول ۱۳۱۵.



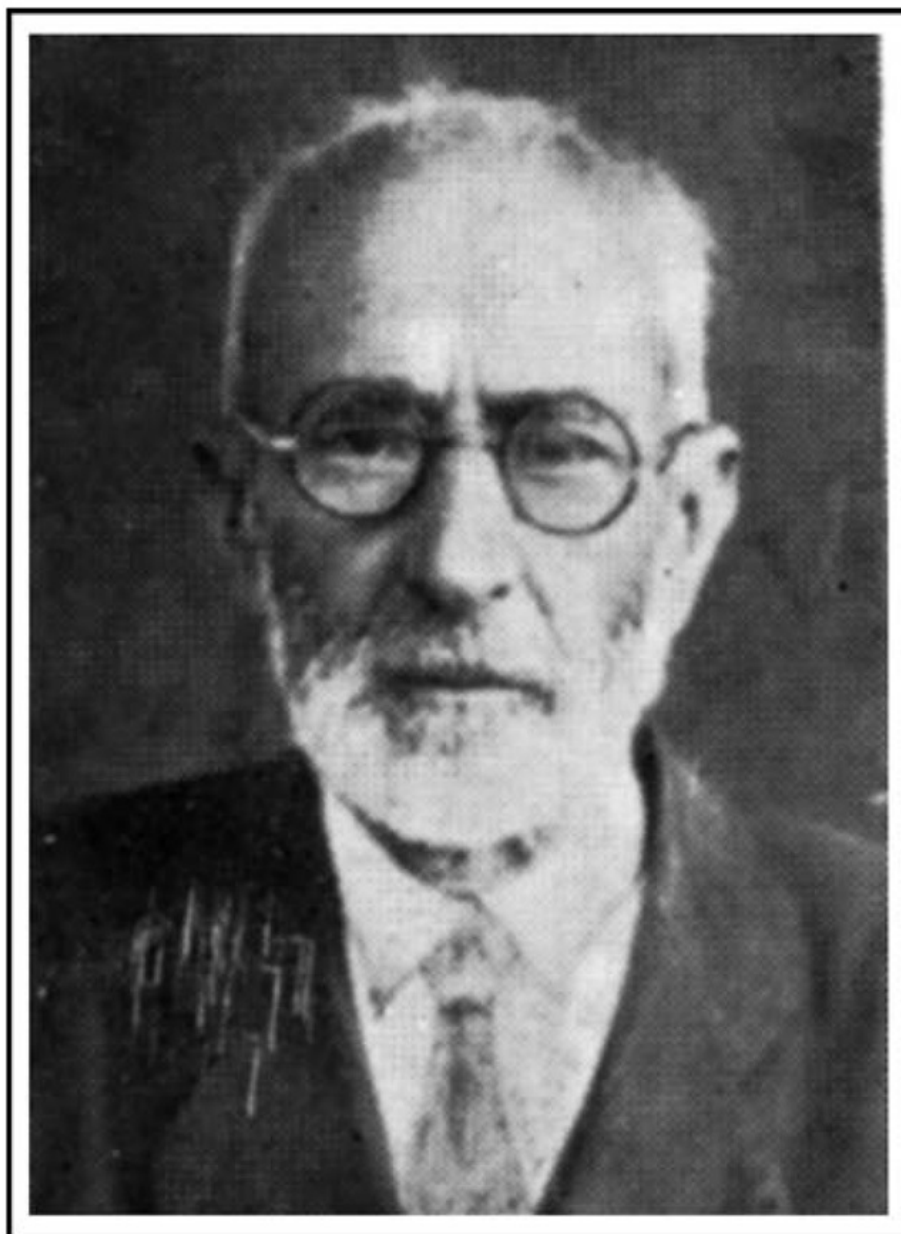


سنگ مزار سید محمد علی فصیح الواعظین

ص: ۲۱۵

- 
- ۱- مهدی، مصرع دوم یعنی گهواره ای، مهدی-ی
  - ۲- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۳۶۷.

محمدحسین مشکوه فرزند مرحوم ملا محمدابراهیم زفره ای، از فضلاء اصفهان و از بنیانگذاران فرهنگ جدید در اصفهان است وی که از پیشقدمان تأسیس مدارس جدید و از فرهنگ دوستان اصفهان بود بیش از نیم قرن به فرهنگ و آموزش و پرورش اصفهان خدمت کرد.



عالم فاضل خدمتگزار شیخ محمد حسین مشکوه



شیخ محمد حسین مشکوه که خود دارای تحصیلات قدیمه تا درجه عالی بود. با شروع و ایجاد مدارس جدید در اصفهان ابتدا مدرسه ای بنام مشکوه را تأسیس (۱) و سپس در سال ۱۳۲۸ ه. ق. مدرسه نیر اعظم را به کمک و همراهی آسید خلیل خلیفه سلطانی و دکتر ابراهیم انواری در محل چهارسو درب شیخ ابواسحق باز کرد که با فوت مرحوم خلیفه سلطانی و کناره گیری دکتر انواری به دلیل فعالیت های پزشکی چندان دوام نیافت و بقایبی نداشت. (۲)

سپس در سال ۱۲۸۸ ه. ش. نزدیکی باغ همایون در محله ی شیش بیدآباد مدرسه ایی دیگر به نام مدرسه ی اقدسیه را افتتاح کرد و به کار خویش ادامه داد. و این مدرسه در دوره ی دبستان و دبیرستان فعالیت می نمود.

این مدرسه از جمله مدارسسی بود که در زمان حیات مرحوم مشکوه با فداکاری و از خود گذشتگی وی دایر و پس از فوت ایشان نیز به مدیریت پسر ایشان به تعلیم و تربیت کودکان پرداخت. (۳)

## اوصاف

وی عاشق درس و بحث و آموزش و پرورش بود، و در سالهای آخر عمر با وجود ناتوانی و کسالت به مدرسه می رفت و حتی تا دو ماه قبل از وفات هم در مدرسه حاضر می شد و به امور بچه ها رسیدگی می کرد. (۴)

وی مؤسس مدرسه ی نیر اعظم، مدرسه مشکوه و مدرسه اقدسیه و یکی از

ص: ۲۱۷

---

۱- رجایی زفره ای، محمد حسن: مقاله (دبیرستان و دبستان اقدسیه اصفهان)، مجله وحید، شماره سوم، دوره دوازدهم، ص ۲۳۸.

۲- سودایی دستگردی، عبد الکریم: انوار سهیلی، ص ۷۹۹.

۳- ایمانیه، مجتبی: تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۱۷۷.

۴- رجایی زفره ای: مقاله (دبیرستان و دبستان اقدسیه اصفهان)، ص ۲۳۹.

بنیانگذاران مدارس جدید اصفهان به شمار می رود که با کمال جدّیت و پشتکار در موقعی که همه ی مدارس تعطیل می شد مدرسه ی اقدسیه را دایر و به آموزش علوم جدید پرداخت. (۱)

مرحوم شیخ محمّد حسین مشکوه در میان فرهنگیان اصفهان به خوش نامی معروف و مشهور بود. وی داماد عالم فاضل و مدرّس معروف حوزه علمیه اصفهان حاج شیخ ابوالقاسم زفرهای معروف به حاج آخوند بود.

### مدرسه ی اقدسیه

از معلمان مدرسه اقدسیه می توان به نام بزرگان زیر اشاره کرد:

۱- مهدی و ابراهیم مشکوه از فرزندان مرحوم مشکوه

۲- حجت الاسلام شیخ جعفر زاهدی

۳- شیخ محمّد حسین ادیب

۴- شیخ محمّد حسین مهاجر ناظم مدرسه، داماد مرحوم حاج آخوند زفرهای

۵- محمّد حسن رجایی زفرهای

۶- حاج آقا مهدی شکوهنده

۷- میرزا نورعلی باستی، ناظم مدرسه

سید علی جناب در اصفهان در قسمت آمار مدارس و ظاهراً مربوط به سال تحصیلی ۱۳۰۲ - ۱۳۰۳ می نویسد:

نام: مدرسه اقدسیه؛ کلاس: ۷. مؤسس: شیخ محمّد حسین مشکوه؛ تأسیس: ۱۲۹۳ ه.ش.؛ مدیر: شیخ محمّد حسین مشکوه؛ نوع: ملی؛ محل: سینه پایینی؛ شاگرد: ۱۴۱ (۲)

ص: ۲۱۸

---

۱- ایمانیه، مجتبی: تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۱۷۷.

۲- جناب، میر سید علی: الأصفهان، ص ۱۱۱.



مرحوم مشکوه در میان معلمان و دانش آموزان مدرسه اقدسیه

### شاگردان

از شاگردان و محصلان این مدرسه که بعدها از بزرگان و مشاهیر اصفهان شدند می توان به نام بزرگان زیر اشاره کرد:

سید قوام الدین نحوی، سید مصلح الدین مهدوی، عبدالجواد فلاطوری، رضا

شجاعت (مینو)، محمّد دهدشتیان، سید جواد مقدّس، شیخ محمّدباقر صدیقین، رمضان آقابابائی (رها)، محمّدعلی اولیاء، مسیح الله جمالی، محمدرضا بخردی، شیخ مهدی مظاهری و غیره.

## وفات

سر انجام این ادیب فاضل و خدمتگزار فرهنگ اصفهان در روز دوشنبه سوم فروردین ۱۳۴۹ ه.ش. (۱) برابر با پانزدهم محرم ۱۳۹۰ دار فانی را وداع گفت و پیکرش در سمت شرقی نزدیک بقعه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه مرحوم محمد حسین مشکوه فرزند محمد ابراهیم تاریخ فوت دوشنبه سوم فروردین ۱۳۶۹ مطابق ۱۵ محرم ۱۳۹۰ معلم چو شمعی است  
افروخته

که تا چشم برهم زنی سوخته

بسوزد بلرزد بکاهد روان

که روشن کند محفل دیگران



سنگ مزار شیخ محمد حسین مشکوه



واعظ صالح ملا احمد مشکوه فرزند ملا محمد هاشم فرزند ملا علی عرب زفرهای در خانواده ای روحانی در اصفهان به دنیا آمد. وی پس از تحصیل علوم دینی به امر وعظ و ارشاد پرداخت و مانند پدر بزرگوارش مرحوم ملا- هاشم روضه خوان (متوفی ۲۵ ذی القعدة ۱۳۵۹ ه. ق. مدفون در سکوی شرقی بیرون تکیه بروجردی) در امر تبلیغ و منبر و موعظه بسیار موفق بود.



واعظ صالح ملا محمد مشکوه

۱- \* . با تشکر از فرزند گرامی مرحوم مشکوه که شرح حال پدرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.



واعظ معروف و فاضل ادیب مرحوم سید مرتضی ظهیر الاسلام (متوفی ۱۴۰۳ ه. ق. مدفون در تکیه گلزار) نقل کرده اند: «مرحوم حاج ملا هاشم و حاج ملا احمد و فرزند ایشان حاج ملا جلال مشکوتی روضه های صحیحه را با دقت کامل و شور و نوایی در مجالس عزاداری حسینی می خواندند».

## اوصاف

در روایات و اخلاق ملا احمد مشکوه گفته شده است که انس و علاقه ی زیادی به قرآن و تلاوت آن داشت. در کمک کردن به افراد بی بضاعت بسیار کوشا بود و در این مورد مجالس مشترکی با علمای اصفهان از جمله حاج ملا حسینعلی صدیقین باجناق خود و حاج آقا محمد مقدس داشتند و از کمک مادی تجار و متدینین جهت رسیدگی به حال مردم استفاده می کردند. همچنین مرحوم مشکوه به صله ی رحم و تفقد و تکریم نزدیکان بسیار اهمیت می دادند.

در دوران مبارزات انقلاب اسلامی با بزرگان علمای اصفهان از آن جمله مرحوم آیت الله خادمی همکاری تنگاتنگی داشت و برای رهایی دستگیر شدگان توسط رژیم پهلوی از هیچ کوششی دریغ نمی کرد.

## وفات

این عالم فرزانه در روز یکشنبه ۱۶ ذی القعدة ۱۴۰۲ ه. ق. برابر با ۱۴ شهریور ۱۳۶۱ ه. ش. وفات یافت و پیکرش در جانب غربی بیرون بقعه روی سکوی اطراف بقعه به خاک سپرده شد.

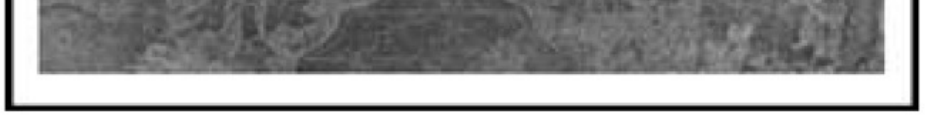
متن سنگ مزار وی چنین است:

وفات مرحوم مغفور خلد آشیان حاج ملا احمد مشکوتی واعظ فرزند مرحوم ملا هاشم روضه خوان یک شنبه ۱۶ ذیقعده ۱۴۰۲ هجری برابر

۱۳۶۱/۶/۱۴

ص: ۲۲۲

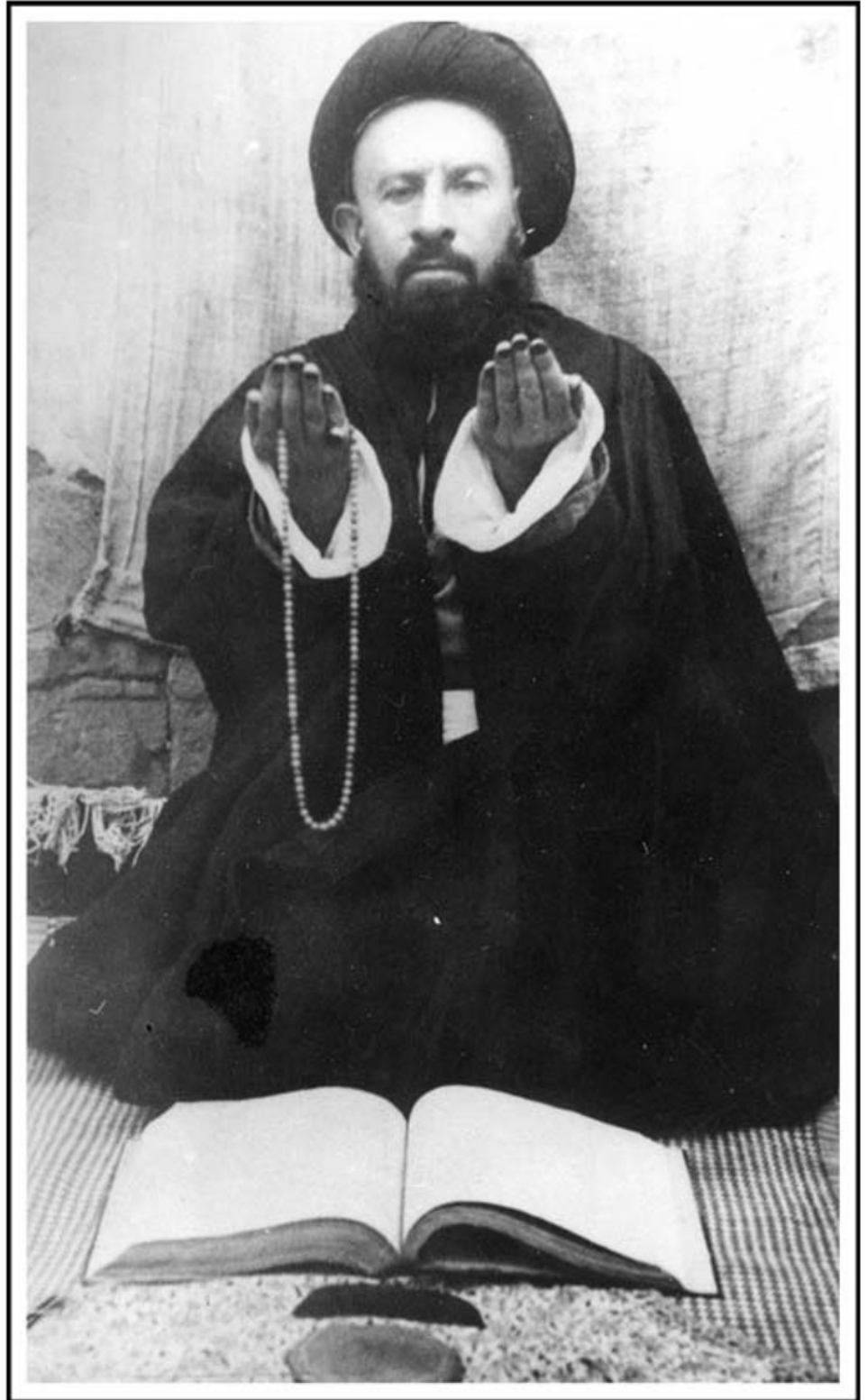




سنگ مزار ملا محمد مشکوه

ص: ۲۲۳

عالم فاضل سید محمدحسین موسوی رشتی بیدآبادی معروف به پدرجان فرزند آقاسید ابوالقاسم فرزند حاج سید محمدعلی فرزند مرحوم علامه سید محمدباقر حجت الاسلام شفتی بیدآبادی است که قبل از سال ۱۳۰۰ه.ق. در اصفهان متولد گردید.





پدرش مرحوم آقاسید ابوالقاسم از فضلا و علمای اصفهان است و ظاهراً در خدمت پدر بزرگوار و عمومی عالی قدر خود مرحوم حاج سید اسدالله و دیگر بزرگان اصفهان تلمذ نموده و پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجت الاسلام مدفون گردیده است. (۱)

## اساتید

وی پس از طی دوران کودکی مشغول تحصیل علوم دینی گردید و از اساتید ذیل بهره مند گردید:

۱- آیت الله العظمی آقا سید ابوالقاسم دهکردی (۱۲۷۲-۱۳۵۳ ه. ق.).

۲- آیت الله العظمی آقا سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴-۱۳۴۲ ه. ق.).

۳- آیت الله العظمی آقا شیخ محمدرضا نجفی مسجدشاهی (۲) (۱۲۸۷-۱۳۶۲ ه. ق.).

۴- آیت الله العظمی آقا سید مهدی در چه ای (۳) (فوت ۱۳۶۴ ه. ق.).

## تألیفات

از آثار علمی ایشان رساله ای مختصر در اصول و شرحی بر دعای کمیل را می توان نام برد (۴) که هنوز به چاپ نرسیده است.

ص: ۲۲۵

۱- مهدوی: بیان المفاخر، ج ۲، ص ۱۸۴ .

۲- همان: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۳۰۹.

۳- برگرفته از اجازه اقامه جماعت و احیاء شب های جمعه در مسجدسید آقا سید مهدی درجهای به مرحوم سید محمد حسین رشتی.

۴- مصاحبه با سید محمد تقی شفتی فرزند مرحوم سید محمد حسین موسوی در تاریخ ۸۵/۴/۲.

مرحوم حاج آقا محمد حسین نماز ظهر و عصر را در مسجدسد و نماز صبح، مغرب و عشاء را در مسجد حاج جمال در محله ی لرها اقامه می نمود وی مورد احترام و وثوق عموم اهل محل بود. وی با وجود همه ی سختی های دوره‌ی رضاخانی برای روحانیون، ترک مسجد و محراب نفرمود و در شب های نوزدهم ماه مبارک رمضان در مسجدسید مراسم احیا پیا می داشت (۱)؛ فرزند ایشان

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد تقی شفتی امام جماعت مسجدسید نقل می کند: مرحوم آیت الله شیخ علی مشکوتی می فرمودند: «من از برکت مراسم دعای کمیل آن مرحوم به این مقامات علمی رسیده ام و یک شبی که در دعای کمیل ایشان بودم از خدا خواستم که توفیق رسیدن به مقامات علمی را پیدا کنم و به آن هم رسیدم».

فرزند ایشان می گوید: در زمان رضاشاه و جریان کشف حجاب و سختگیریهای حکومت در این مورد آخرین شبی که پدرم مراسم دعای کمیل داشتند مأموران حکومتی به قسمت خانم ها برای برداشتن چادر آنها حمله کردند و از سر و صدای ایجاد شده در آن شب پدرم بیمار شدند که همین بیماری منجر به فوت ایشان شد. از همان شب به حالت بیهوشی در آمدند و طی ۱۵ شبانه روزی که در این حالت بودند تنها کاری که می کردند پشت سر هم دعای کمیل را از اول تا آخر بدون غلط می خواندند و وقتی تمام می شد دوباره از اول شروع به خواندن دعای کمیل

می کردند. (۲)

ص: ۲۲۶

۱- مهدوی: بیان المفآخر، جلد دوم، ص ۱۸۵ .

۲- مصاحبه با سید محمد تقی شفتی در تاریخ ۸۵/۴/۲۲.

سرانجام این عالم فاضل در روز دوشنبه سیزدهم ربیع الاول ۱۳۵۶ه.ق. وفات یافت و روی سکوی جنوبی بیرون بقعه مدفون گردید.

متن سنگ مزار وی چنین است:

هذا مرقد العالم العلام والبدر التمام و سید العلماء الاعلام و سند الفقهاء الفخام و امام المسجد السید بلاکلام و حفیر الحجج الاسلام علی الاطلاق  
بانی مسجد المشهور الاقا سید محمد حسین موسوی الرشتی سلیل حجه الاسلام سید محمدباقر الموسوی الرشتی طلاب تراهما و رفع مقامیها  
دوشنبه سیزدهم شهر ربیع الاول ۱۳۵۶.

ص: ۲۲۷



واعظ صالح سید علی فرزند سید آقا جان بن سید حسن بن محمدرضا بن محمدمهدی از سادات موسوی و معروف به «قلم زن» است (۱) که تقریباً حدود صد سال عمر نمود.



ص: ۲۲۸

۱- مصاحبه با سید مرتضی سیادت موسوی: مورخ ۸۴/۳/۷. استاد سید مرتضی سیادت موسوی فرزند ثقه المحدثین سید مصطفی فرزند سید علی موسوی در ۱۳۰۸ ه. ش. متولد شده در مدرسه قدسیه تحصیلات خود را آغاز نمود و سپس در مدرسه صدر اصفهان در خدمت علمای اصفهان تحصیل نمود. و در حوزهی اصفهان از بزرگانی همچون آیت الله شیخ محمّد حسین فاضل کوهانی، سید احمد مقدّس، سید مرتضی ظهیرالاسلام استفاده نمود. وی سپس به خدمت آموزش و پرورش در آمده و سالها به پرورش و تعلیم دانش آموزان پرداخت.

مرحوم مهدوی در مورد وی می نویسد:

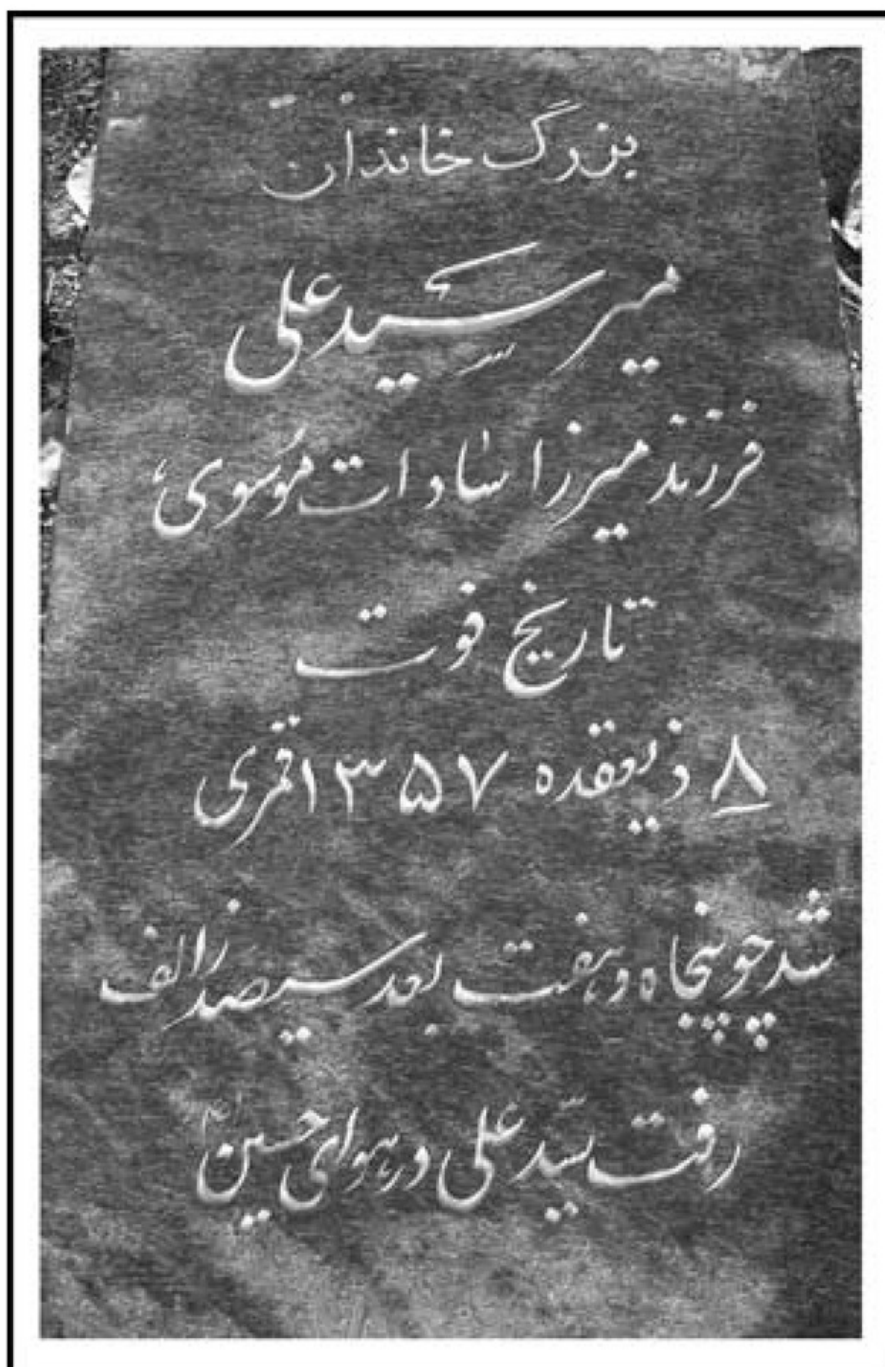
در نهایت وثاقت و حفظ بود اغلب از احادیث صحیحه و اخبار مرویه از حضرات معصومین را با ذکر مدرک نقل می فرمود» (۱).

وی در هشتم ذی القعدة ۱۳۵۷ ه. ق. وفات یافت و پیکرش در سمت شرق این تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

بزرگ خاندان میر سید علی فرزند میرزا سادات موسوی، تاریخ فوت هشتم ذیقعدة ۱۳۵۷.

شد چو پنجاه و هفت بعد سیصد ز الف

رفت سید علی در هوای حسین



---

۱- مهدوی: تذکره المعاصرین، مخطوط.

## سید مصطفی سیادت موسوی

ثقه المحدثین و عمده الذاکرین سید مصطفی سیادت موسوی فرزند حجه الاسلام سید علی فرزند سید آقا جان موسوی. وی در سال ۱۲۷۸ ه. ش. در اصفهان در خانواده‌ی اهل علم و دوستدار اهل بیت (ع) به دنیا آمد.

وی تحصیلات خود را نزد پدر و دیگر علمای اصفهان فراگرفت و سپس مانند

پدر به وعظ و خطابه پرداخت.



همسر ایشان دختر مرحوم میرزا محمد علی خوشنویس (متوفی ۲۶ دی ۱۳۱۲ ه. ش. مدفون در تکیه بروجردی) می باشد که نتیجه این ازدواج

دو پسر و

ص: ۲۳۰

چهار دختر می باشد. (۱)۱

سید مصطفی سیادت موسوی در ۱۵ صفر ۱۳۹۰ه. ق. فوت و پیکرش را در سمت شرقی این تکیه به خاک سپردند.

متن سنگ مزار وی که به خط مرحوم استاد حبیب الله فضائلی می باشد، چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

آرامگاه شادروان ثقه المحدثین و عمده الذاکرین سید مصطفی سیادت موسوی فرزند مرحوم عمادالاعلام و حجه الاسلام سید علی که در پانزدهم ماه صفر سال هزار و سیصد و نود هجری قمری برحمت ایزدی پیوست.

همچنین ماده تاریخ فوت ایشان که اطراف سنگ مزار او حک شده است در زیر با خط مرحوم فضائلی آورده می شود.

ای دریغا عمر میآید به سر\*\*\*هرکسی آید، رود آخر بدر

جز خداوند کریم دادگر\*\*\*کس نمیماند در این دنیا دگر

زاده زهرا سیادت موسوی\*\*\*مصطفی هم نام با خیر البشر

زینت منبر بُد آن سید مدام\*\*\*روز و شب، صبح، مساء همچون پدر

حسن خلق وزهد و لطفش کم نظیر\*\*\*پر محبت بود با هر گذر

بر ندای ارجعی لیبیک گفت\*\*\*بست در ماه صفر بار صفر

سال فوتش از... کردم سؤال\*\*\*آه سردی بر کشید او از جگر

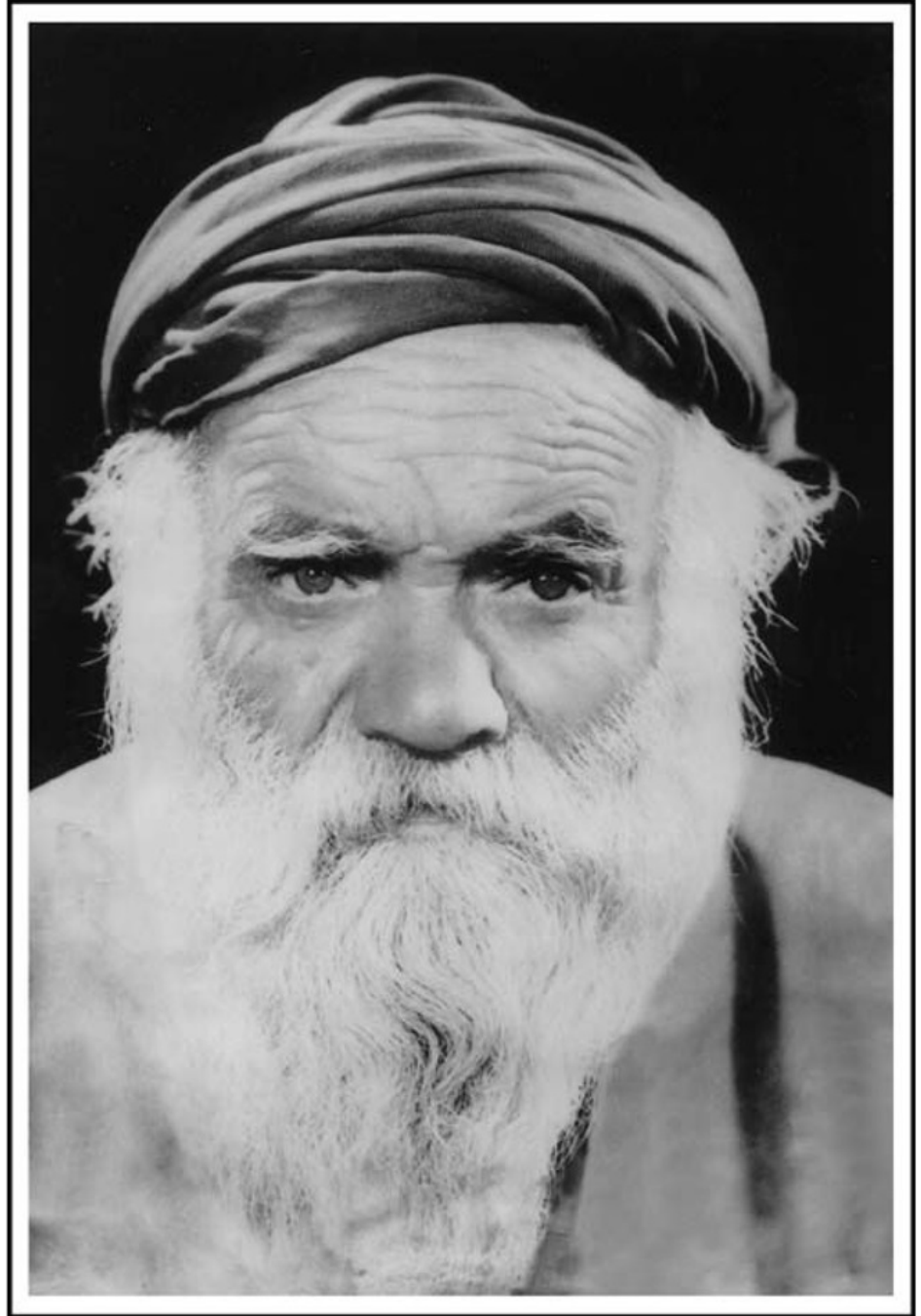
سر درون جمع راوی کرد و گفت\*\*\*سوی جدش مصطفی شد نوحه گر

ص: ۲۳۱

---

۱- مصاحبه با سید مرتضی سیادت موسوی فرزند ایشان در تاریخ ۸۴/۳/۷.

نام او سید محمد فرزند مرحوم سید جعفر فرزند سید آقا جان از سادات جلیل القدر موسوی قلم زن اصفهان می باشد.



خطیب پاکدل سید محمد مصمصام

سید محمد در سال ۱۲۹۰ ش. در خاندانی روحانی و مبلغ دین در محله صراف های اصفهان به دنیا آمد. وی دوران کودکی را در این خانواده روحانی پشت سر گذاشت، و مانند اسلاف گذشته اش راهی حوزه علمی شد. مقدمات و سطح را نزد اساتید زمان فراگرفت و بنا به نقل دوستانش از استعدادی وافر برخوردار بود، از اوان تحصیل ضمن کسب فقه و اصول به عرفان اسلامی امعان نظر داشت و همراه با دیگر علوم مقدمات و مبادی، فلسفه و عرفان را نیز آموخت تا اینکه علاقه مخصوصی نسبت به عرفای بزرگ اسلامی پیدا کرد در بین آنها مخصوصاً اُنسی با آثار معنوی مولوی داشت. مثنوی را خوب می خواند و خوب می فهمید، تا اینکه این ذوق عرفانی در اعماق روح او اثر کرد و همه ی زندگی و وجود او را تحت تاثیر قرار داد، و همانند عرفای بزرگ آثار این عرفان به صورت بی اعتنایی به دنیا، بی توجهی به مال و منال دنیوی، با روحیه ی اجتناب از زراندوزی و بی اعتنایی به صاحبان زر و زور و انس و مهربانی با محرومان در او متجلی شد. وی با شرکت در مجالس و بیان کلمات طنز آمیز و بهلول گونه حقایق و انتقادات زمان خود را بیان می نمود.

در تهذیب نفس تا آنجا پیش رفت که پرده ها و حجاب ها از مقابل چشمانش دریده و گاه و بیگاه کر امت هایی از او بروز می کرد و خبرهایی می گفت اما خود را بی خبر از همه جا می نمود. (۱)

ص: ۲۳۳





تصویر منزل مرحوم صمصام

### اوصاف

وی که تاب تحمّل دوران ستم شاهی زمان رضاشاه و فرزندش را نداشت برای مقابله با هارون زمان، راه بهلول را در پیش گرفت و مصلحت را در پاره کردن آداب و رسوم جامعه‌ی زمان خود دید و تمام اصول و قوانین و سنت‌های اجتماعی را زیر پانهاد و شروع به اظهار جنون نمود و قلندروار به تمام ارکان سلطنت و ایادی آن تاخت و تا آن حد بر نفس خود مسلط شد که تا در معرض سؤال بر آمد و حاصل آن را خمیر مایه نجات محرومینی قرار داد که توانای اظهار فقر در آن جامعه‌ی مسخ شده را نداشتند و در این راه اموالی را از صاحبان زر و زور می گرفت و صرف زندگی



تهیدستان می نمود. (۱) بسیار دیده شده بود که آن مرد الهی و آن درویش واقعی چه بخشندگی ها داشت حتی وقتی تصادف کرد و به بیمارستان انتقال یافت آنجا با

صدای لرزان گفت: آن مرد که با ماشین به من زده آزادش کنید برود. (۲)

### استجاب دعا

زندگی بسیار ساده اش نمونه ای از بی توجهی او به دنیا بود. در طول عمر خود از هیچکس جز خدا نترسید، از این رو بر فراز منبر در شلوغ ترین جلسات روضه به شخص شاه می تاخت و با کلمات طنز آمیز به طاغوت و دربار شاه و اطرافیانش حمله می کرد.

در مشکلات و گرفتاریها، مردم نذر می کردند برای آقا و حاجتشان روا می شد و به هر کجا می رفت و هر جا می رسید مردم به آقا پیشکش و هدیه می دادند چون اعتقاد داشتند قدم آقا بابرکت است. (۳)

در منزل خود با کمال سادگی زندگی می کرد، در منزلش چند میش و بز و مادیون و پرندۀ داشت که از آنها مراقبت می کرد.

از آنجا که اهل ادعا نبود مردم به وی اعتقاد داشتند که به تبرک جستن به ایشان خیلی از مشکلات شان حل می شود و هر کس گرفتاری و پریشانی داشت خدمت آقا می آمد و ایشان دعا می کرد و حاجت روا بر می گشت.

### عبادت و بندگی

هر اصفهانی داستانی، حکایتی و خاطره ای از او در سینه دارد، که حاکی از

ص: ۲۳۵

---

۱- همان: مقدمه اول، ص ۴.

۲- همان: مقدمه اول، ص ۸.

۳- مصاحبه با سید مرتضی سیادت موسوی، در تاریخ ۸۴/۳/۷.

حاضر جوابی، انتقاد، فهم و درک او نسبت به اوضاع زمان بود، اما از همه مهمتر حال خوش او در عبادت و بندگی خدا بود.

در این مورد حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مصطفی هرنندی می گوید:

«در یک سفری که به مشهد مقدس مشرف شده بودم روزی دیدم وسط مسجد گوهرشاد صمصام ایستاده و نگاه می کرد، نگاهش کردم، به من گفت جایی نرو بمان، نمازش را خواند و در ایوان مقصوره منبر رفت و شروع کرد به شوخی کردن، و گفت ما دو تا آلمان داریم یکی آلمان شرقی و یکی هم آلمان غربی، آلمان شرقی سه چیز نداشت، یکی روزه خوان یکی مرده شور و یکی هم امام جماعت حالا من امام جماعت آلمان شرقی هستم و کرایه می خواهم که بروم آلمان شرقی. مردم که ایشان را نمی شناختند باورشون آمده بود، از منبر پایین آمد و روی پله ی دوم نشست و مردم شروع به پول دادن کردند و مرحوم صمصام هم شروع به جمع آوری پولها کرد. بعد به من گفت من سفر اولم است که به مشهد مقدس می آیم و راه را نمی دانم و بیا باهم حرم برویم. وقتی خواستیم وارد حرم شویم گفتم باید کفشهایمان را به کفشداری بدهیم. او گفت من کفشهایم را نمی دهم چون این کفشدار را نمی شناسم نمی دانم اسمش چیست؟ پدرش کیست؟ خانه اش کجاست؟ و اگر رفتیم و آمدیم و نبود شماره را بیوشیم و بالاخره کفشهایش را نداد و با آن همه پول وارد حرم شد داخل حرم که شد فقط یک سلام داد و گفت آقای هرنندی بیا برویم، گفتم بمان تا زیارت بخوانیم گفت نه، بیا برویم تو فکر کردی من آمده ام سر امام رضا (علیه السلام) را درد بیاورم.

رفتیم حسینیة اصفهانی ها که تازه ساخته شده بود و استراحت کردیم، شب از او پرسیدم که چه مدتی می مانی گفت نمی دانم تا زمانی که امام رضا (علیه السلام) حاجتم را بدهد. هر وقت به حرم می آمد هر چه در اتاق داشت همراه خود به حرم

می آورد، می گفت می خواهم هر موقع که حاجتم را گرفتم از همان جا برگردم اصفهان، به او گفتم از کجا می فهمی که حاجتت را امام رضا(علیه السلام) داده است. گفت: هر وقت که آمدم حرم و گریه افتادم میفهمم. حرم که می آمد زیارت جامعه را می خواند روز سوم یا چهارم بود که رفته بودیم حرم، سلام داد و افتاد به گریه، گریه های زیادی که شانه هایش تکان می خورد، زیارت را خواندیم و بیرون آمدیم و گفت: آقای هرنندی خداحافظ من دارم می روم به طرف اصفهان و حرکت کرد.(۱)

### توجه مردم به صمصام

مرحوم صمصام از چهره های محبوب اصفهان بود، کسی در اصفهان نیست که صمصام را نشناسد و به او علاقه نداشته باشد زندگی او سبک و شیوه ای خاص داشت، مثلاً هیچ وقت سوار ماشین نمی شد. سوار قاطر یا الاغی که داشت می شد و در تمام محافل و جلسات مذهبی اصفهان و جاهایی که روضه و منبر بود، می رفت. حضور او در محافل بر اساس دعوت قبلی نبود. یک حالت بهلول گونه ای داشت، حالتی که به نظر می آمد مقداری شاید سطحی یا به اصطلاح آدم خلی باشد ولی با این حال تمام افعالش از روی درایتی خاص بود. بسیار فرزانه و حکیم و حتی باسواد بود. در جلسات منبرهایی که می رفت، چه با دعوت یا بدون دعوت، پول می گرفت، و پول را نقداً دریافت می کرد، چه اجازهی منبر به او بدهند و چه ندهند، زیرا بعضاً هم نمی گذاشتند منبر برود. معروف بود که افراد زیادی از ایتم و فقرای اصفهان را او اداره می کند. در زندگی شخصی خودش چیزی جز سادگی و ساده زیستی نداشت.(۲) وقتی از خیابان و حتی از بازار اصفهان عبور می کرد راهها بند

ص: ۲۳۷

۱- زاهد نجفی، محمد: مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مصطفی هرنندی، ۱۲/۱۹/۸۳/

۲- رحیمیان: مقاله کوتاه و خواندنی از خاطرات صمصام بهلول اصفهانی، فصلنامه پانزده خرداد، سال پنجم، شماره ۲۲، ص ۱۷۰.

می آمد و همه می ریختند دور و برش سلام می کردند و بچه ها اطرف او را می گرفتند.

او هم گاهی یک چیزی می گفت، اگر چه بعضی وقت ها هم عصبانی میشد،

همه از سبک و سیاق صمصام خوششان می آمد. (۱)

با این که پیر بودر استقامت و سرزنده می نمود و هر چند قیافه ای جدی داشت و آهنگین و رجز گونه سخن می گفت اما محتوای حرکات و معنی کلماتش عمدتاً طنز بود و شوخی هایش ظریف و جهت دار بود.

عموم مردم اصفهان او را می شناختند و از دیدن او منبسط می شدند. سوار بر الاغ در خیابانها و بازار اصفهان حرکت می کرد و بر روی اسب سینه اش را جلو می داد و رجز گونه سخن می گفت. مجموعه ی این خصوصیات باعث می شد صمصام در هر مسیری عبور می کرد انبوهی از مردم مخصوصاً بچه ها به دنبالش او را همراهی کنند.

با همه ی سادگی و سیادت و محبوبیت و کهولت سن، زبان برنده ای در برخورد با مسایل اجتماعی داشت، از این رو تأثیری عمیق در نفوس مردم می گذاشت. ایشان معمولاً بزرگترین و پرجمعیت ترین جلسات اصفهان را برای سخنرانی خود انتخاب می کرد، و بی دعوت در ابتدای مجلس مترصد می ایستاد، و در حد فاصل منبر قبل و بعد به منبر می رفت، سخنران بعدی که قصد رفتن بالای منبر را داشت و می دید صمصام بالای منبر سبز شده است، ناچار بود کنار بنشیند و صبر کند تا صمصام منبرش تمام شود، (۲) و حتی اگر فرد یا افرادی در حال بیرون رفتن بودند آنها را می نشاند

در مجلسی که آیت الله بهبهانی نیز برای روضه شرکت کرده بود و عصازنان در

ص: ۲۳۸

---

۱- رحیمیان، محمد حسن: ماجرای صمصام، نشریه سالهای غربت، شماره ۱۱.

۲- همان، ص ۱۷۱.

حال خارج شدن از مجلس بود، صمصام به مجرد استقرار روی منبر قبل از هر کلامی با صدای بلند گفت: حلال زاده ها بمانند، حرامزاده ها بروند! مرحوم بهبهانی به همان نقطه ای که رسیده بود نشست و بالطبع بقیه نیز! (۱) این شیوهی او برای در دست گرفتن منبر بود. این حرفها با آن لحن و سبک خاص و شیرینی که صمصام داشت موجب خنده فراوان مردم می شد. او دارای آهنگ و لحنی خاص بود که معمولا با تکیه به صوت حرف می زد. و خیلی شیرین و زیبا و ادیبانه صحبت می نمود در حالی که سیلهایش را به طرز خاصی می کشید و گاهی ریش هایش را مثل رستم دو شقه می کرد و یک شال سبز به سر و شالی دیگر به کمرش می بست قبای کوتاهی هم می پوشید و قیافه ای منحصر به فرد به خود می داد.

#### موضع گیری در مقابل حکومت پهلوی

موضع گیری های و سخنان طنز آلود او علیه رژیم پهلوی و در جهت دفاع از امام خمینی (ره) و نهضت او تداعی کننده ی بهلول، صحابی معروف امام کاظم (علیه السلام) بود و سالهای سال است داستان های صمصام در رابطه با امام و رژیم نقل محافل و مجالس عام و خاص است. (۲)

او مردی بسیار عاقل و نکته سنج و در عین حال شوخ طبع بود. اکثر منبرها و کارهای وی دارای ظاهری فکاهی ولی باطنی انتقادی داشت. گاهی پایش را از شوخی های عامیانه فراتر می نهاد و با پادشاهان و مردان سیاسی قدرتمند وقت نیز شوخی می کرد. در بین معمرین اصفهانی کمتر کسی را می توان یافت که او را ندیده و حکایت و لطیفه ای از این مرد استثنائی به خاطر نداشته باشد. (۳)

ص: ۲۳۹

---

۱- همان: ص ۱۷۲.

۲- محمد حسن، رحیمیان: ماجرای صمصام، نشریه سالهای غربت، شماره ۱۱.

۳- نوربخش، حسین: اصفهانی های شوخ و حاضر جواب، ص ۹.



نمای مزار صمصام

### وفات

این مرد بزرگ در ششم محرم سال ۱۴۰۱ ق. برابر با بیست و چهارم آبان سال ۱۳۵۹ ه. ش. در حالی که طبق معمول با اسب خود به مراسم سوگواری خامس آل عبا حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) می رفت در اثر تصادف با اتومبیل به لقاءالله پیوست و روح پاکش قرین روضه ی رضوان شد و پیکر وی در جوار

خاندانش در سمت جنوب شرقی این تکیه دفن گردید.

### شعر شاعران در فوت صمصام

صمصام که در سینه جهانی زصفا داشت

بر چهره ی نورانی خود نور خدا داشت

می خواند چو با صوت جلی مدح علی (علیه السلام) را

در سینه بی کینه بسی شور و نوا داشت

هر درد زفیض نفسش گشت مداوا

چون در نفس پاک مسیحاش شفا داشت

از مال جهان هرچه بُدش داد به سائل

بُد ساده به دنیا و عصایی و ردا داشت

در خانه او کاسه سفالی و حصیری

امازشرف سایه ی اقبال هما هرگاه دعا کرد اثر داشت

هر گاه دعا کرد اثر داشت دعایش

از بسکه بدرگاه خدا حال دعا داست

در وصت تو ای سید صمصام «حسامی»

شعری به شبی گفت و به لب یاد تو را داشت

ماده تاریخ وفات صمصام سروده ی حسن احمدی کافشانی (شایق)

سید والاگهر صمصام قطب العارفین

اهل عرفان، اهل دل، اهل صفا، اهل یقین

س بز پوش و باوقار و سیدی والاتبار  
رادمردی پاکدل از نسل خیر المرسلین  
چون به منبر جاگزین می گشت جمعی می شدند  
عاشق و مجذوبش از گفتار گرم و دلنشین  
سینه اش گنجینه راز و دلش لبریز عشق  
بود بر سر الهی همچو اجدادش امین  
محفل او بود بزم شوق و اهل معرفت  
ریزه خوار خوان لطفش از یسار و از یمین  
شادمان می شد دل آشفته ی اهل نیاز  
چون برون می گشت دست مهر او از آستین  
سالک راه علی بود و به عمر خویشتن  
بود یار مستمندان چون امیر المؤمنین  
در تمام زندگانی راه استغناگرفت  
عارف حق باور و آزاده باشد این چنین  
گوئیا بودش سر پیکار با اهل ستم  
هر زمان مرانه می شد جاگزین بر صد رزین  
گر چه چشم از زندگی بریست و جسم اطهرش  
همچو گنج شایگان گردید پنهان در زمین  
لیک دست م انشد کوتاه از دامان او  
و مهر او داریم بر دل تا به روز واپسین  
روز و شب در حلقه ی مهرش بسان مهر و ماه  
عاشقان ساینند بر خاک مزار او جبین



مرقد او هم زیارتگاه و هم دار الشفاست

دردمندان را طیب است و فقیران را معین

در محرم کرد با عشق حسین ابن علی

جان خود را با رضا تسلیم بر جان آفرین

ص: ۲۴۲

ماه آبان هزار و سیصد و پنجاه و نه

کرد مرغ روح او پرواز در خلدبرین

عارفی گفت از مه و سال عرب هم زن قلم

زد رقم ش «فائق» بتاریخ وفاتش این چنین

در محرم شد سوی خلد برین با یاعلی»

سید والاگهر صمصام قطب العارفین

بر مزار وی چنین نوشته است:

هو الحی الذی لا یموت

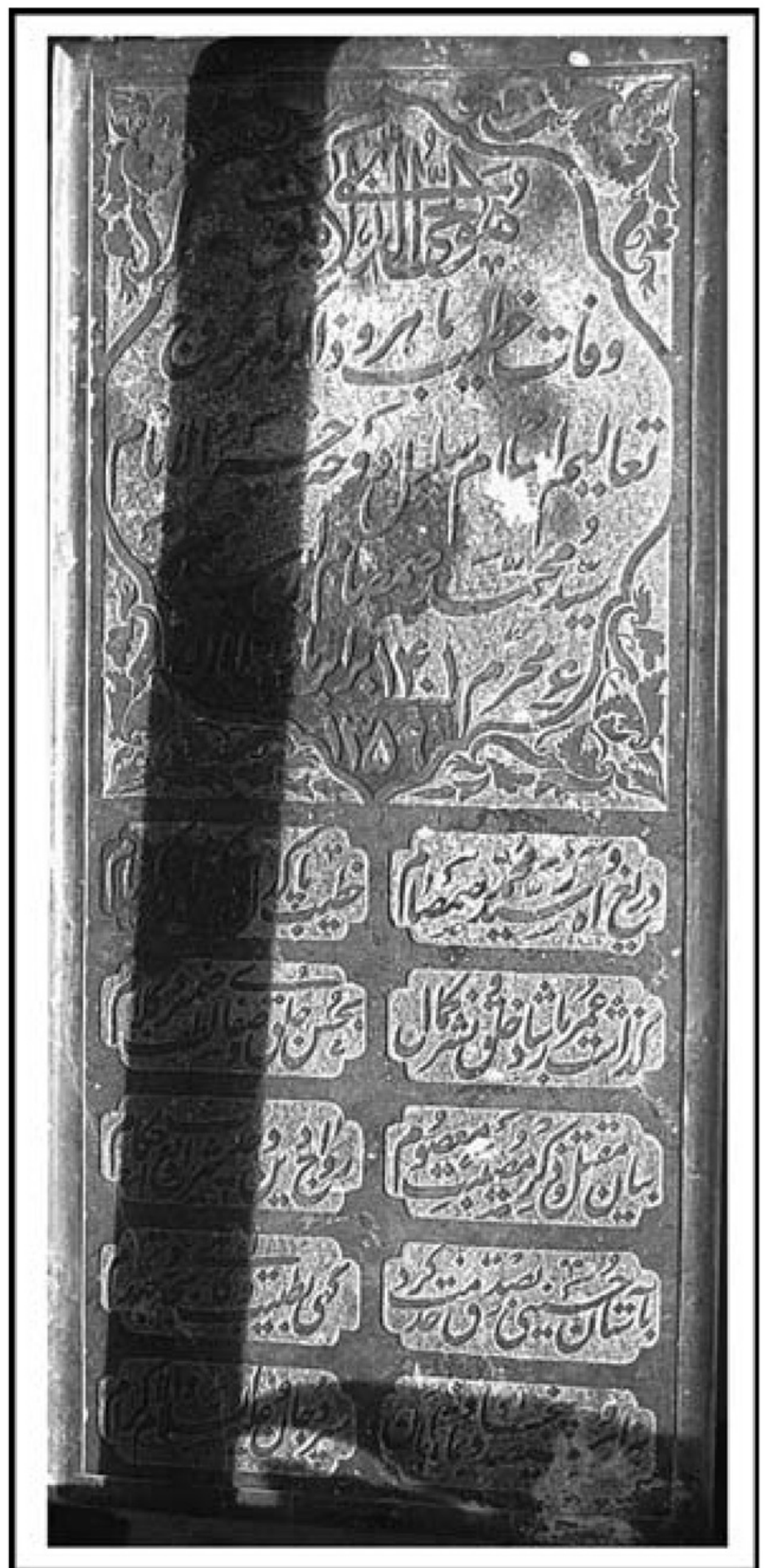
وفات خطیب ماهر و ذاکر باهر مروج تعالیم اسلام سلیل دوحه خیر الأنام، سید محمد صمصام ابن سید جعفر ۶ محرم ۱۴۰۱ برابر با ۲۴ آبان ۱۳۵۹.

دریغ و آه زسید محمد صمصام خطیب پاکدل و نیکخواه و نیکونام گذاشت عمر به ارشاد خلق و نشر کمال بحسن خلق و صفای ضمیر و لطف کلام بیان مقتل و ذکر مصیبت معصوم

رواج دین و حدیث شرایع و احکام به آستان حسینی بصدق خدمت کرد

گللی بطیب و گاهی بجد و جهد تمام هزار و سیصد و پنجاه و نه مه آبان

سپرد جان و علیه السلام والا کرام



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

وفات خلیف مابرو و ذوال

تعالیم امام سلیمان و ح

و محبت حضرت

و محبت امام سلیمان و ح

در رخ آه سرد خیمه مصفا

خلیف مابرو

کز آفت بر آستان شکر

بجز جان صفای

بیان سزاگر مصیبت مصوم

روح پرور

باستان بی بی و احد

گهی بطریق

و بی بی و احد

و بی بی و احد

سنگ مزار سيد محمد صمصام

ص: ۲۴۳

در این جا تعدادی از حکایت ها، لطیفه گویی ها، و نکته سنجی های مرحوم صمصام را ذکر می کنیم:

#### صمصام و کارت دعوت

یک وقت صمصام می گفت من آرزو به دلم ماند که یکبار برای منبر دعوتم کنند تا اینکه روزی دیدم پاکتی برای من آمده و خوشحال شدیم که بالاخره این آرزو به دلمان نماند، وقتی که پاکت را باز کردم، دیدم در نامه نوشته اند آقای بهلول لطفاً به روضه ی ما تشریف نیاورید، این پنجاه تومان را هم پیش پیش بگیرید که مطمئن باشید و آنجا نیاید. (۱)

#### تهیه علوفه برای الاغ

یک شب علوفه برای الاغم نداشتم هر چه گشتم توی طویله و این طرف و آن طرف چیزی پیدا نکردم، بالاخره بلند شدم، دیدم حیوان گرسنه است و نمی شود گرسنه بخوابد، رفتم بیرون، آخر شب بود، دیدم دکانها همه بسته است. رفتم خیابان شیخ بهائی، چهارسو، پل فلزی، آن طرف چهارراه حکیم نظامی، همه بسته بودند، اما دیدم جایی چند تا دکان باز است، آنجا جلفا و محله ی ارمنی ها بود. رفتم دیدم چیزهایی آنجا هست، شیشه های گذاشته اند و دارند چیزهایی می فروشند به دکاندار گفت: نه، جو نداریم ولی آب جو داریم. بعد متوجه شدم اینجا مشروب فروشی است، مال ارمنی هاست. با خود فکر کردم که این الاغ ما اگر چه جو گیرش نیامده امشب آب جو بخورد. مثل کسی که پرتقال گیرش نمی آید آب پرتقال

ص: ۲۴۴

---

۱- رحیمیان، محمد حسن: مقاله کوتاه و خواندنی از خاطرات صمصام بهلول اصفهانی)، ص ۱۷۰ .

می خورد. گفتم قدری از این آب جوها بده گرفتم آوردیم جلوی الاغمان گذاشتیم. یک بویی کرد و سرش را بلند کرد. می خواست بگوید نمی خواهم. هر چه گفتم بخور دیدم نخورد. این جریان را صمصام ظاهراً در یکی از جلسات منزل بنکدار، نقل می کند و بسیاری از مسؤولان شهر و طاغوتی ها و عدّه ای هم معمم و مردم عادی حضور داشتند و استاندار شهر و رئیس شهربانی و ساواک و فرماندار هم آنجا بوده اند. خلاصه، صمصام زیر چشمی به یک یک اینها نگاه می کرده و می گفته: به الاغ گفتم الاغ عزیز بخور این آبجو است، این همان چیزی است که استاندار می خورد، رئیس شهربانی می خورد. به این ترتیب یکی یکی اسم مسؤولین شهر را که در آن جلسه بوده اند می برد و اینها را عملاً و مخصوصاً از الاغ خودش پست تر و پایین تر می آورد. این حرفها را صمصام زمانی می گفت که کسی جرأت نگاه کردن به یک پاسبان را نداشت و بسیار قابل تأمل بود که سیدی در جلسه ی مهمی، این چنین استاندار را پایین تر از الاغ خود بشمارد و موجب شکستن ابهت آنها شود. (۱).

صمصام و ارتباط با امام (ره) و انقلاب

ماجرای دیگر این که بعد از دستگیری حضرت امام (ره) بعد از پانزده خرداد در یکی از همین جلسات بسیار مهم و پر جمعیت با همان آهنگ و لحن خاص خود داشت، می گوید: هر چه به این سید (خمینی) گفتم پایت را روی دم سگ نگذار سگ می گیرد تو را، حرف صمصام را نشنید و بالاخره پا روی دم سگ گذاشت و سگ گرفتش این جملات را با همان لحن خاص خودش، شیرین و زیبا و ادیبانه و با نثر مسجع، در شرایط خفقانی بیان کرده بود که آن زمان کسی جرأت بردن نام امام را نداشت. با این سخنان افراد ساواک بلافاصله می آیند و مرحوم صمصام را دستگیر

ص: ۲۴۵

می کنند. سعی و اصرار ساواک برای سوار پیکان نمودن ایشان به نتیجه نمی رسد و می گوید من با الاغم می آیم. بالاخره افراد ساواک مجبور می شوند صمصام و الاغش را همراهی کند تا به مقر ساواک برسند. در بین راه تمام مردمی که در مسیر ایشان عبور می کردند متوجه صمصام شدند و اطرافش شلوغ می شود و در حمایت او، تا ساواک او را بدرقه می کنند. خبر دستگیری و رفتن صمصام به طرف ساواک در پی سخنرانی به حمایت حضرت امام در شهر می پیچد که ادامه ی این ماجرا از قول خود صمصام و یا شاید بعضی افراد ساواک به بیرون درز پیدا کرده بود که ساواکیها به خاطر همان خلق و خوی خاص و دوست داشتنی او دور او جمع می شوند. رئیس ساواک هم می آید و وقتی محبت مردم حتی برخی افراد ساواک را به صمصام می بیند و به شخصیت او پی می برد بنا را بر ترساندن او می گذارد و با قیافه ای خیلی خشنی فریاد می زند: توی دیوانه را من باید سر جای بنشانم، کاری با تو می کنم که دیگر نفس نکشی، و این مزخرفها را نگویی، پدرت را در می آورم، و شروع به هتاک و فحاشی می کند. سپس دستور می دهد صد ضربه شلاق به او بزنند تا از این به بعد خفه خون بگیرد. شلاق را می آورند و خوب صحنه سازی می کنند تا او را مرعوب کنند. صمصام با همان ابهتی که داشت می گوید، دست نگهدارید من یک جمله بگویم، بعد هر چه می خواهید مرا بزنید. می گوید: من صد ضربه شلاق را قبول دارم اما چون ما از خاندان عصمت و بذل و کرم و بخشش هستیم به تاسی از جدم پیغمبر که بخشنده و اهل سخاوت بود پنجاه تا از آن را به خود این آقای رئیس بخشیدم که به او بزنید و سپس اشاره به یکی از سران ساواک می کند و می گوید: بیست تایش را هم به ایشان بزنید، ده ضربه هم به فلانی، پنج ضربه را هم به دیگری، و سه تایش را هم به فلانی تا به نود و هشتمین می رسد، بعد می گوید حالا برای اینکه این الاغ من هم دلش نشکند دو ضربه شلاق هم به این الاغم بزنید. با این شگرد رئیس ساواک و اطرافیانش را در ردیف الاغش به حساب می آورد. رئیس

ساواک عصبانی تر می شود و می گوید یاالله بخوابانیدش مثل اینکه رویش کم نمی شود. خلاصه شلاق را بالا می برند تا او را بزنند، می گوید: صبر کنید، من یک جمله دیگر هم بگویم و بعد بزنید که من حقم است و صد تا هم کم است دویست تا باید بزنید بعد با کمی تأمل می گوید والله من خودم، عالم بی عمل هستم عالم بی عمل باید بخورد دو بار هم باید بخورد. می گویند چطور؟ می گوید: یک روز خودم به سید خمینی گفتم پایت را روی دم سگ نگذار، سگ تو را می گیرد، ولی الان خودم پایم را گذاشته ام روی دم سگ با اینکه می دانستم این طور است، در عین حال خودم هم همان کاری را انجام دادم و حقم است بزنید.

رئیس ساواک وقتی می بینند که نمی شود با این آدم طرف شد با عصبانیت تمام سید را با برخی تهدید و داد و فریاد از ساواک بیرون می کند. (۱)

#### صمصام و ترور حسنعلی منصور

در پی ترور حسنعلی منصور توسط فدائیان اسلام در سال ۱۳۴۳ ش. وقتی یکی از منبری های خبیث درباری در اصفهان بر منبر برای شاه و پسرش و بعد هم برای سلامتی و شفای منصور دعا کرده بود؛ در حالیکه علی الظاهر منصور همان شب به درک واصل شده بود ولی برای تیره نشدن جشن ششم بهمن از اعلام آن جلوگیری می کردند و هنوز ادعا می کردند مجروح در بیمارستان است و دستور داده بود برای شفای او دعا کنند. اتفاقاً صمصام در همان مجلس حاضر بوده است، وقتی منبری درباری شروع به نام بردن شاه و خاندان او می برد و برای شفای حسنعلی منصور، دعا می کند، صمصام یکدفعه از کنار منبر بلند می شود و می گوید: آی فلانی به خر من دعا نکردی، یکباره همه ی جمعیت می خندند و به این صورت صمصام در آن

ص: ۲۴۷



خیلی خوبی را در ارتباط با حمایت از امام و انقلاب ایفا می کند. (۱)

### صمصام و نفت

در دوران طاقت روزی صمصام از مقابل ورزشگاهی عبور می کرد وقتی عده ای از جوانان را مشغول بازی فوتبال می بیند لحظه ای مرکب خود را از حرکت باز می دارد و بازی بچه ها را تماشا می کند. سپس با دست به سوی بچه ها اشاره می کند و با صدای بلند می گوید: این قدر دنبال توپ نروید که توپ کجا می رود، بروید بپرسید نفت کجا می رود؟! (۲)

### صمصام و جهان پهلوان تختی

در ایام مرگ جهان پهلوان تختی که با تأثر و تأسف عموم همراه بود، صمصام قصد داشت با اسب خود از پله های شهرداری بالا رود که پاسبانها جلوی راهش را گرفتند و نگذاشتند سواره وارد شهرداری شود. از صمصام اصرار و از مأموران انکار، بالاخره بعد از چند دقیقه کلنجار رفتن یکی از نگهبانان شهرداری جلو آمد افسار اسب را در دست گرفت، حال با شوخی و یا جدی خطاب به صمصام گفت: اگر نفس بکشی تو را هم مثل تختی میکشند! صمصام از حرف پاسبان ناراحت شد و دستش را بلند کرد و سیلی محکمی به گوش پاسبان نواخت و گفت: اگر تو هم می فهمیدی مثل تختی کشته بودنت! (۳)

ص: ۲۴۸

---

۱- همان، ص ۱۷۴ .

۲- نوربخش، حسین: اصفهانی های شوخ و حاضر جواب، ص ۱۶۳ .

۳- همان، ص ۱۷۳ .

حاج آقا ضیاء نقل کرده اند که روزی در تکیه «حسن خاکی» واقع در محلهی خواجو، روضه خوانی بود و من به اتفاق مرحوم صمصام وارد آن محفل شدیم. حاج آقا ظهیر و حاج آقا مشکوه از روضه خوانان آن محفل بودند. پس از پایان سخنرانی حاج آقا مشکوه آقای صمصام بلافاصله به منبر رفت و روضه ی بسیار جان سوزی خواند، و بعد از پایان روضه ی خود در خواست پانصد ریال پول نمود.

یکی از کارگردانان تکیه به او گفت بیایید پایین من به شما خواهم داد، صمصام گفت: من نقدا بالای منبر می خواهم. هر چه اصرار کردند نیامد، عاقبت شخصی جلو رفت و ایشان را از منبر پایین آورد. حاج آقا ضیاء می گوید من شاهد این قضیه بودم ناراحت شدم و از تکیه بیرون رفتم، در خارج تکیه دیدم بچه ها اطراف صمصام را گرفته اند و او را اذیت می کنند، بچه ها را با داد و بیداد عقب زدم و صمصام را از دست آنها رهایی دادم و برگشتم به طرف منزل، شب در عالم خواب دیدم که وارد خانهی صمصام شده ام، مرحوم صمصام به استقبال من آمد و پس از سلام و احوالپرسی گرمی که از من کرد گفت: پسرم چرا از جریان تکیه ناراحت شدی، به اجداد طاهرین ما خیلی بیش از این ها توهین کردند شما نباید برای این چیزهای کوچک ناراحت شوی، ولی حالا- که شما برای من غصه خوردی و از من دفاع کردی، یکی از حیواناتم را به شما می دهم تا با خود ببری.

من دیدم انواع حیوانات در اطراف صمصام بودند، در بین آنها یک اسب سفید چاق نظرم را جلب کرد و همان را انتخاب کردم و صمصام گفت: بدون زین برگ که برای شما فایده ای ندارد بیا زین و برگ آن را هم به تو بدهم. بعد زینی آورد و به پشت اسب گذاشت و لجام به دهان حیوان بست و زیر بغل و سپس پای راست مرا گرفت و سوار بر اسب کرد و دهانه ی اسب را به دست من داد و گفت برو. من از خواب بیدار شدم، فردای آن روز ساعت دو نیم بعد از ظهر از خیابان آمادگاه وارد

خیابان چهارباغ می شدم، ناگهان صدایی به گوشم رسید که می گفت: آهای با تو هستم، برگشتم نگاه کردم دیدم آقای صمصام است که سوار بر اسب می باشد، صمصام به من گفت: اسبی را که دیشب به تو دادم داری یا نه؟! و بعد در میان بهت و حیرت من پا به رکاب فشرده و اسب را به جلو راند و از آنجا دور شد!<sup>(۱)</sup>

#### صمصام و کفن رضا خان

بعد از مرگ رضاخان از مشهد به اصفهان آمده بودم و در مسجد بابا توتا که در خیابان کمال بود منبر رفته بودم، در حین سخنرانی، صمصام آمد و صمصام که می آمد دیگر کسی نباید منبر می رفت صمصام آن روز عمامه بر سر نداشت، رفت منبر و ما هم نشستیم گوش بدهیم اول دو تا سرفه کرد و گفت نمی پرسید عمامهات کجاست، سپس گفت وقتی پهلوی مرد، هر کجا بردند خاکش کنند خاک بیرونش انداخت، گفتند ببریدش ایران (این قضیه مربوط به یک ماه بعد از خاک کردن رضاخان بود)، این جاهم که آوردند خاک بالایش انداخت گفتند باید عمامه حضرت آقای صمصام را کفنش کنند که خاک قبولش کند، عمامه را بردند کفن پهلوی کردند تا خاک قبولش کرد، بعد سرفه ای کرد و گفت خواهید گفت که کفن نباید مشکی یا سبز باشد، خوب آخر رضاخان چه چیزش به مسلمانها می خورد که کفنش بخورد.<sup>(۲)</sup>

#### صمصام و تعهدنامه

در مسجد امام، مجلس فاتحه‌ی کسی بود و در این فاتحه دولتی ها هم بودند، نمی دانم روی منبر چه گفت که وقتی پایین آمد ایشان را گرفتند و به شهربانی بردند،

ص: ۲۵۰

---

۱- همان: صص ۱۸۰ و ۱۸۲.

۲- زاهد نجفی، محمد: حجت الاسلام سید محمود میر هندی .

ما نیز همراه او رفتیم از مقامات بالا دستور داده بودند از او تعهدی بگیرند که دیگر

حرف نزنند، ماجرا را به صمصام گفتند، گفت کاغذ و قلم بیاورید، گفتند: بنویس اینجانب، و صمصام، یک این بسیار بزرگ روی کاغذ نوشت، مأموران دیدند اگر بخواهند با این حروف بزرگ تعهد از او بگیرند باید بیش از صد تا کاغذ برایش بیاورند، بنابراین گفتند رهایش کنید برود. (۱)

صمصام و بانی روضه

روزی سید صمصام وارد محفل روضه ایی شد که بانی روضه منبع درآمدش در کسب حرام و ربا بود. صمصام یک راست بر منبر رفت و سخنان دُربار و طنز آمیز خود را بطور مفصل ادامه داد. از آنجا که واعظ بعدی معطل بود تا منبر برود، صاحب خانه رفت و بیخ گوش او گفت از منبر پایین بیاید آقا می خواهند منبر بروند، ناگهان سید صمصام فریاد زد: فهمیدید این آقا چه گفتند؟ مردم که همه متوجه شدند؛ صمصام گفت: ایشان می گوید به مردم بگو من ورشکست شده ام دم در هر کس می تواند به من کمک کند. (۲)

صمصام و صارم الدوله

روزی صارم الدوله از استانداری بیرون آمد و سید صمصام به او خطاب کرد: «آی صارم الدوله صد هزار تومان بده خاکه ذغال برای فقرا بخیریم». صارم الدوله گفت ندارم. صمصام پاسخ داد: فکر کردی غیرت خواستم که می گویی ندارم، صارم الدوله لبخند زد و بیست هزار تومان به صمصام داد. (۳)

ص: ۲۵۱

---

۱- زاهد نجفی، محمد: مصاحبه با حجه الاسلام سید محمود میر هندی .

۲- یادنامه سید صمصام بهلول زمان: ص ۱۸.

۳- همان: ص ۱۹.

شبی صمصام در حسینیه خورد از اد(خیابان شریف واقفی) بر فراز منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی و توسّل به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام گفت: دیشب خواب جدّم را دیدم فرمودند فرزندم فردا شب در حسینیه ( ۵۰۰۰ تومان) از محمدهاشم خورد آزاد دریافت می کنی، دست اندر کارهای روضه گفتند حاج آقا تشریف بیاورید پایین تا تقدیم کنیم، سید بعد از مکث کوتاهی گفت نه! جدم فرمودند: روی منبر بگیر! (۲)

ص: ۲۵۲

---

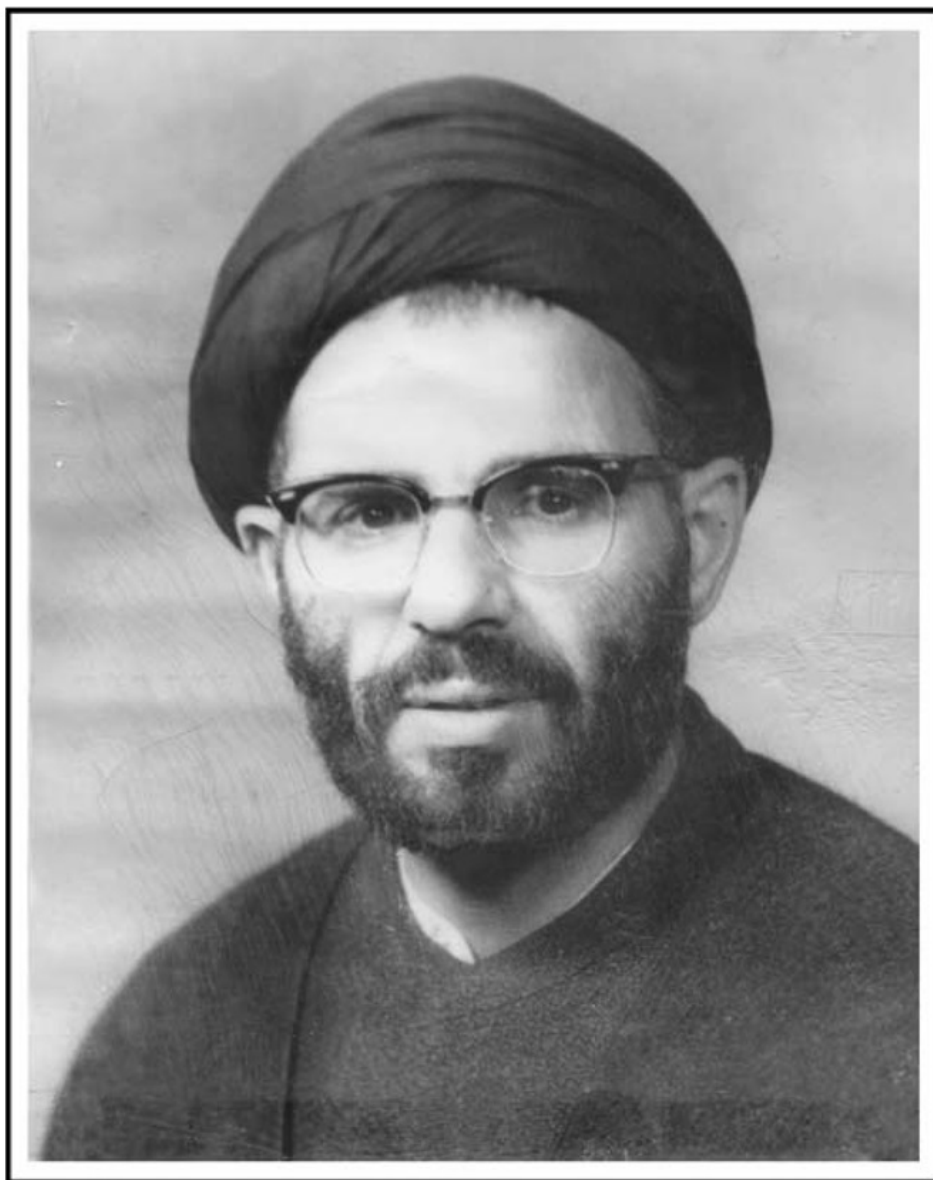
۱- \* - میرزا هاشم خورد آزاد خادم الحسین فرزند محمد ابراهیم، فوت ۱۳۶۱ ه. ش. مدفون در تکیه محمد لطیف خواجویی

۲- همان ص ۲۰

## سید محمدباقر عمادالواعظین

آقاسید محمدباقر عمادالواعظین فرزند عالم فاضل مرحوم سید حبیب الله، ملقب به عمادالواعظین فرزند سید محمدباقر، از واعظ محترم اصفهان بود.

پدرش مرحوم سید حبیب الله عمادالواعظین متوفی در ۱۹ شعبان ۱۳۵۲ ه. ق. در همین تکیه در سمت شرقی مدفون است.



واعظ محترم ذاکر الشهداء (ع) سید محمدباقر عمادالواعظین

ص: ۲۵۳

وی از علما و وعاظ معروف اصفهان بود و در سن جوانی دار فانی را وداع نمود. شاعر شهیر اصفهانی اشعاری در سوگ او سروده که بر مزارش آمده.

وی در سیزدهم ذی القعدة سال ۱۳۸۳ ه. ق. برابر هشتم فروردین ۱۳۴۳ ه. ش. از دنیا رفت و پیکرش در سمت شرقی تکیه نزدیک مزار پدرش به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه ابدی مرحوم ثقه المحدثین و زیده الواعظین طوطی شیرین سخن مکتب جعفری و خادم خوش الحان آستان حسینی آقای سید محمدباقر عمادالواعظین ولد مرحوم عمده الخطباء والمحدثین سید حبیب الله طاب ثراهما به تاریخ سیزدهم ذی القعدة ۱۳۸۳.

زهجران عمادالواعظین دل مبتلا باشد

بلی فقدان یاران بهر یاران ابتلا باشد

زهی سید محمدباقر واعظ که پنداری

نوای دل نوازش دایم اندر گوش ما باشد

دریغ آن سید عالی نسب کز دیده غایب شد

ولی در لوح دل تصویر سیمایش به جا باشد

دل خلقی ز داغش لاله سان شد داغدار اما

چه بتوان کرد باید بنده راضی بر قضا باشد

بهشتی گشت و رفت آری بهشتی می شود آنکس

که عمری ذاکر ذکر شهید کربلا باشد

غرض رفت و «صغیر» ش خواست تاریخش کند انشاء

که حق از آشنا بر عهده هر آشنا باشد

یکی آمد به جمع و گفت شمسی بهر تاریخش

عماد اندر جنان مهمان شاه نینوا باشد

همچنین دو بیت شعری که بر لوح ایستاده مزار ایشان است: ماه فرودین بروز هشتمین

شد خزان یک نوگل گلزار دین خازن رضوان بشادی می رود

سوی حق آید عماد الواعظین







سنگ مزار سید محمد باقر عماد الواعظین

حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی نجفی شهرضایی، از مدرّسین مدرسه ی میرزا مهدی، در محله ی بیدآباد بود، پس از حدود چهل سال اقامت در نجف اشرف به اصفهان بازگشت و از مدرّسین مدرسه ی میرزا مهدی شد. (۱) استاد ابراهیم جواهری وی را از علمای گمنام و منزوی معرفی می کند. (۲)

### شاگردان

در مدتی که مرحوم شیخ محمدتقی نجفی در اصفهان به امر تدریس در زمینه ی ادبیات فقه و اصول (۳) می پرداخت بزرگانی چند در خدمت ایشان شاگردی نمودند که از آن جمله حجج اسلام و آیات عظام زیر می باشند:

۱- سید علاء الدین مدرس (فوت ۱۴۱۳.ق.)

۲- پروفیسور عبد الجواد فلاطوری (۱۳۶۳ - ۱۴۱۷.ق.)

۳- شیخ مهدی معتمدی (تولد ۱۳۰۱ ه.ش.)

۴- حاج حسین رام پناه (تولد ۱۳۳۴.ق.) شاعر وارسته

این عالم فرزانه در پنجم جمادی الثانی سال ۱۳۷۷.ق. برحمت ایزدی پیوست و پیکرش را در سمت غربی نزدیک بقعه به خاک سپردند.

ص: ۲۵۶

---

۱- زاهد نجفی، محمد، مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین حسین رام پناه، مورخ ۸۴/۵/۱۳.

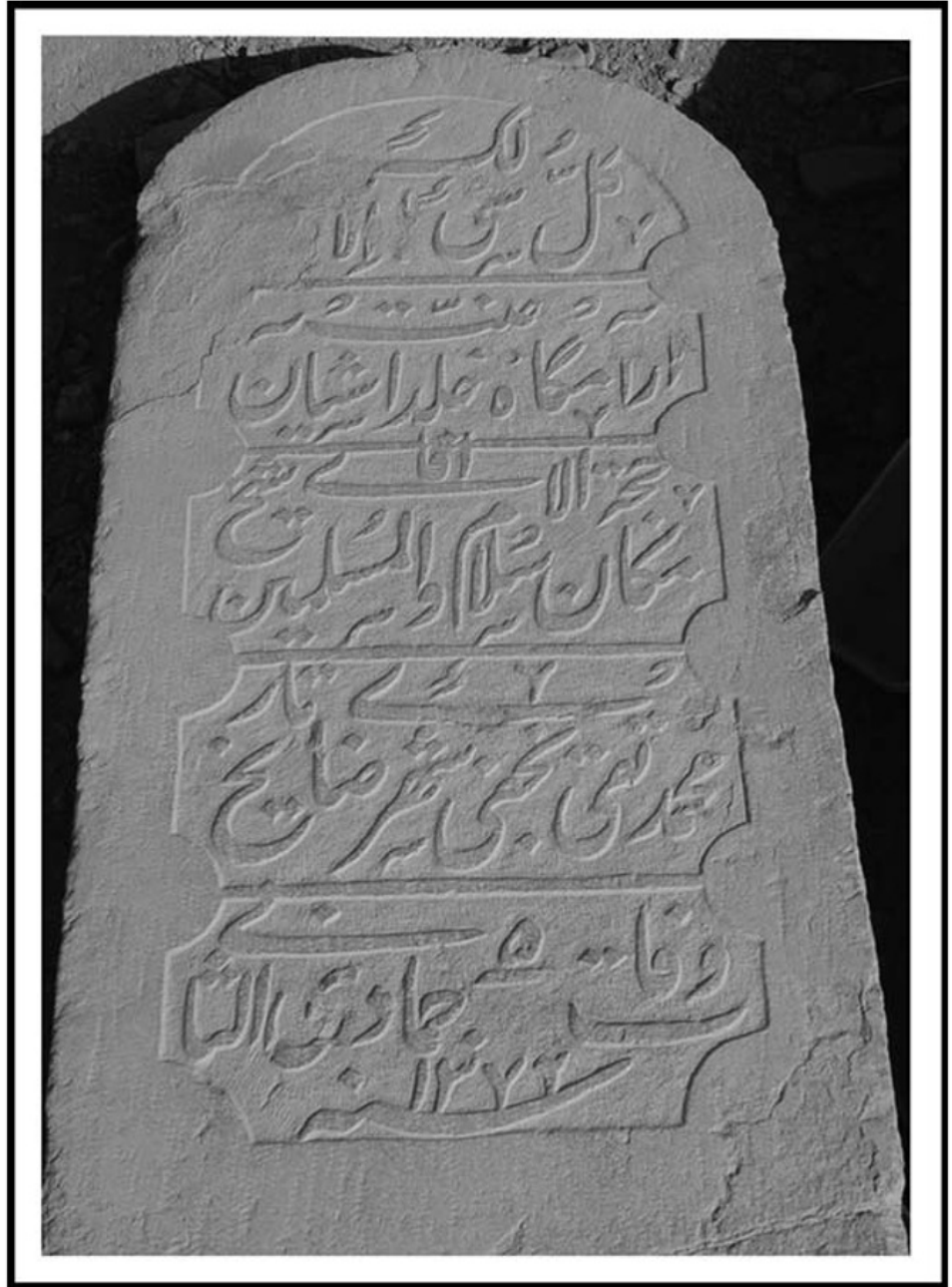
۲- جواهری: علوم و عقاید، ص ۴۱.

۳- همان.

متن سنگ مزار وی چنین است:

كل شيء هالك الا وجهه

آرامگاه خلد آشیان جنت مکان حجت الاسلام والمسلمین آقا شیخ محمد تقی نجفی شهرضایی تاریخ فوت ۵ جمادی الثانی سنه ۱۳۷۷.



سنگ مزار شیخ محمد تقی نجفی

ص: ۲۵۷

فاضل ارجمند سید محمد علوی فرزند سید علی فرزند سید مرتضی فرزند سید احمد فرزند سید مرتضی مشهور به میرلوحی، در در چه در خاندان علم و اجتهاد به دنیا آمد.



سید محمد علوی



یکی از خاندان های علمی، که در طول چندین قرن، مهد پرورش علما و مجتهدین و مؤلفین بزرگی بوده، خاندان موسوی در چه ای است. سادات میرلوحی در اصل از اولاد و احفاد میر سید لوحی سبزواری هستند که بعدها به تناسب نام های خانوادگی مختلفی برگزیدند، از زمان مرحوم میر سید لوحی یعنی عصر صفوی تا عصر حاضر، این خاندان شخصیت های بزرگ علمی، هنری و سیاسی و غیره زیاد داشته اند.

سید مرتضی پدر سید علی خود از علمای اصفهان و دارای مدارج عالی علمی بود، و قسمت زیادی از تحصیلات فرزندان را خود به عهده داشته و چون پدرش سید احمد (متوفی ۱۲۴۴ ه. ق.) ساکن در چه شده بود، او هم به امر ارشاد و تبلیغ و تدریس مردم آنجا مشغول بود. اهالی محل در مقابل منزل سید مرتضی مسجدی بنا کردند که در آن جا به امامت جماعت و تبلیغ پردازد و پایگاه تعلیم و تدریس او باشد وی در ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ ه. ق. فوت نمود. او دارای نه پسر و یک دختر بود که از جمله فرزندان وی آیت الله العظمی سید محمدباقر در چه ای و آیت الله سید محمد مهدی در چه ای و همچنین سید علی در چه ای پدر سید محمد علوی صاحب عنوان می باشد، مرحوم سید علی اولین فرزند پسر سید مرتضی بود و با فوت پدر (۱۲۸۸ ه. ق.) به امر تحصیل و تربیت برادران دیگرش می پردازد.

سید علی دارای سه فرزند به نام های سید محمد و سید مرتضی و سید ابوالقاسم بود.

## تحصیلات

مرحوم سید محمد که فامیلی علوی را برای خود انتخاب نمود از شاگردان عموی خود آیت الله العظمی سید محمد باقر در چه ای و آخوند شیخ عبدالکریم

گری بود.

وی پس از طی دوران تحصیلات در اصفهان راهی نجف اشرف شد و از نزدیکان آیت الله مرحوم شریعت اصفهانی بود از همدرسان وی در نجف آیت الله العظمی مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله مرحوم سید مصطفی کاشانی بودند.

### سید محمد مجاهد

از اتفاقات دوران تحصیل مرحوم علوی در نجف برپایی جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م.) است که در آن جنگ علمای عراق فتوای جهاد می دهند و رسم بر این بوده که از علما و طلبه ها هرکس که می خواست به جهاد برود به حرم امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می رفت و پس از طواف یک شمشیر حمایل می بست و روانه ی جهاد می شد. اولین کسی که اقدام به این کار نمود سید محمد علوی بود و از این رو در نجف به سید محمد مجاهد اشتهاار یافت.

بعد از این به دنبال سخت گیریهایی که به علمای به جهاد رفته در نجف می شد وی مجبور به بازگشت به ایران می شود. در مسیر بازگشت به هنگام عبور از شط دچار حادثه می شوند و کتابچه ی خاطرات روزانه ی ایشان در جهاد از بین می رود.

### بازگشت به ایران

پس از بازگشت به ایران در زادگاه خود، در چه ساکن می شود. در این زمان مدتی دچار نایبایی موقتی می شوند. و مدت دو سالی که در درچه بودند به منبر می رفت و چون به مثنوی و اشعار حافظ و سعدی علاقه ی بسیار زیادی داشت، روی منبر مثنوی را با صدای بسیار خوشی می خواند. علاقه ی وی به مثنوی به حدی بود که هنگام وفات هم سر بر مثنوی نهاده و جان داده بود.

ص: ۲۶۰

بعد از دو سال از زادگاه خود به تهران رفت و در مدرسه ی سادات اخویه برای مدّت کوتاهی تدریس نمود و سپس به امر قضاوت در دادگستری پرداخت. و از سال ۱۳۱۰ ه.ش. در اداره ی ثبت مشغول فعالیت شد.

### فعالیت های هنری

مرحوم علوی در علم موسیقی اطلاعات بسیار داشت و با بزرگانی در این علم مانند مرحوم حبیب خان، مرحوم شیخ اسماعیل تاج الواعظین دوستی و رفاقت داشت. در علم طب نیز اطلاعات و آگاهی داشت، دارای طبع بود گاه گاهی اشعاری می سرود. و در محافل دوستانه با بزرگان و معاریف اصفهان که در منزل مرحوم محمد باقر الفت برگزار می شد شرکت می نمود.

### وفات

وی در ۲۱ جمادی الاول ۱۳۷۴ ه.ق. فوت و پیکرش را در خطیره ای که مرحوم محمّدباقر الفت در جنوب تکیه بروجردی بنا نموده بود بر اساس سابقه ی دوستی و شرکت در محفل انس وی داشت در آن مکان به خاک سپرده شد.

با تأسیس فرودگاه اصفهان در این قسمت از تخت فولاد، متأسفانه مزار این عالم نیز مانند بسیاری دیگر از قبور بزرگان و دیگران از بین رفت.

### شعری در فوت وی

در فوت این عالم، شعر ای اصفهان اشعاری سرودند از جمله شاعر ادیب مرحوم سید علی بدیع زادگان متخلص به هور، چنین سروده است:

باز از گردش سنین و شهور

گشت ماتم سرا سرای سرور

رفت وارسته ای که طلعت او

بود در چشم اهل ایمان نور

ص: ۲۶۱



سیندی حبر و عارفی کامل

ثلث آخر جمادی اول

باد قسمت ز رحمت آبادش

خرد از جمع اولیای سخن

گفت «سید محمد علوی

سندی فرد و عالمی مشهور

شدز دارالغرور سوی قبور

بلد طیبی ز ربّ غفور

خواست تاریخ فوت او از «هور»

با امیر عرب بود محشور»

۱۳۷۴

ص: ۲۶۲

## اشاره

(۱) عالم فاضل ثقه المحدثین مرحوم سید هاشم سادات موسوی فرزند عالم ربانی مرحوم سید زین العابدین، در اصفهان به دنیا آمد.

پدرش عالم ربانی و سید صمدانی ثقه المحدثین مرحوم سید زین العابدین فرزند مرحوم سید عبدالحسین متولد ۱۲۶۰ ه.ش. و متوفی ۱۳۲۰ ه.ش. نیز در همین تکیه دفن گردیده است.

## تحصیلات

سید هاشم سادات موسوی در اصفهان از محضر علمای زیر بهره مند گردید

۱- آیت الله سید حسین خادمی (۱۲۸۰ - ۱۳۶۳ ه.ش.)

۲- علامه میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی (۱۳۰۸ - ۱۳۹۶ ه.ق.)

۳- آیت الله میر سید علی نجف آبادی (۱۲۷۵ - ۱۳۶۲ ه.ق.) وی از علمای اهل منبر و موعظه در اصفهان بوده است.

## وفات

وی در ۲۸ محرم ۱۴۰۴ ه.ق. برابر با سیزدهم آبان ۱۳۶۲ ه.ش. بر حمت ایزدی پیوست و در سمت شرقی این تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

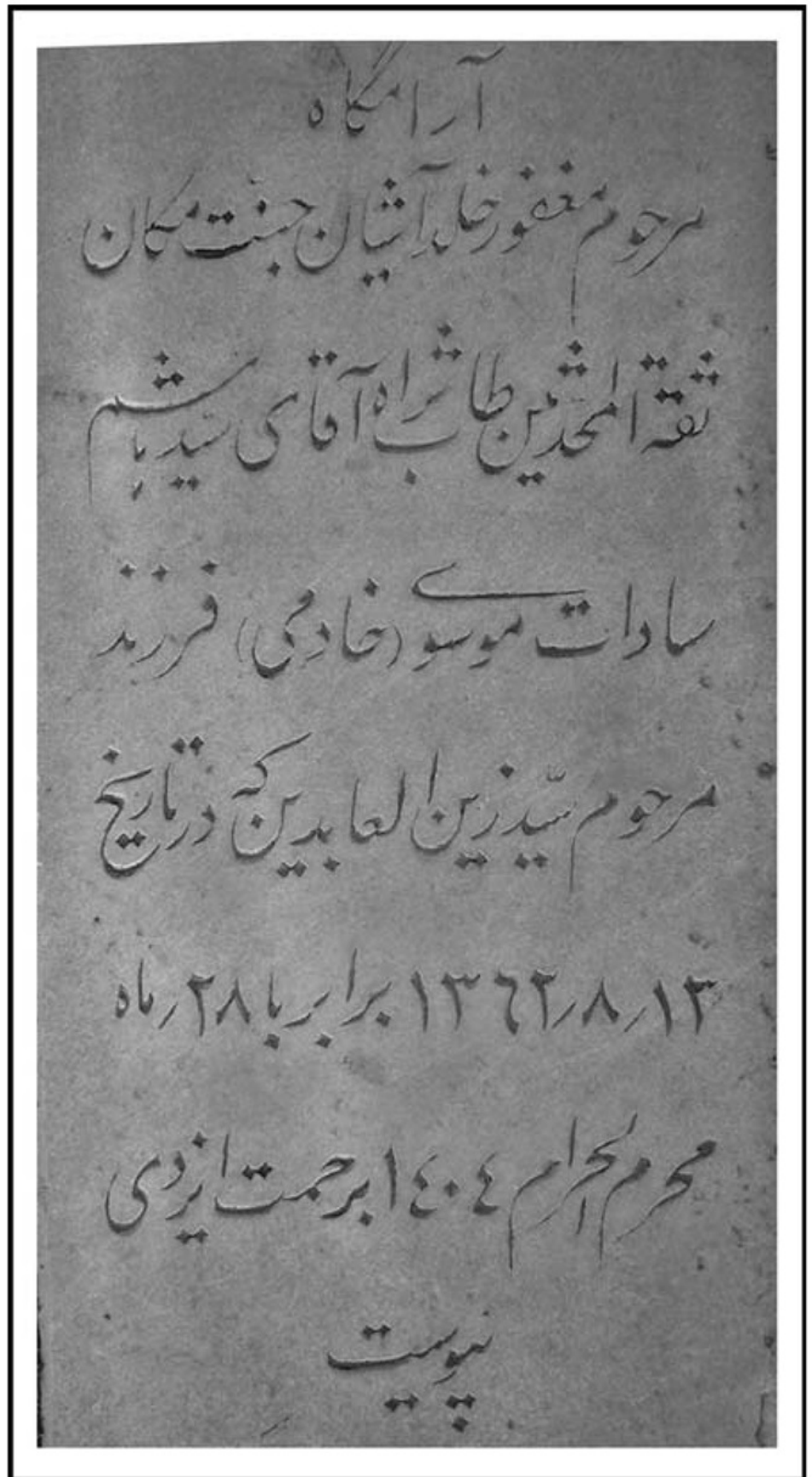
هو الحی الذی لایموت

ص: ۲۶۳

---

۱- \* . با تشکر از حجت الاسلام والمسلمین سید اصغر سادات موسوی که در شرح حال مرحوم سادات موسوی نگارنده را یاری نمودند.

آرامگاه مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان ثقه المحدثین طاب ثراه آقای سید هاشم سادات موسوی (خادمی) فرزند مرحوم سید زین العابدین که در تاریخ ۱۳/ ۸/ ۱۳۶۲ برابر با ۲۸ ماه محرم الحرام ۱۴۰۴ برحمت ایزدی پیوست.





عالم فاضل سید محمد جعفر محقق موسوی معروف به محقق چهارسوقی فرزند آقا سید ابوالقاسم موسوی در سال ۱۲۵۳ ه.ش. در اصفهان به دنیا آمد.



وی در دوران تحصیل از علمای زیر کسب فیض نمود:

۱- آیت الله العظمی سید محمدباقر در چه ای (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲ ه.ق.).

۲- آیت الله العظمی آقا میرزا محمدهاشم چهارسوقی (فوت ۱۳۱۸ ه.ق.).

۳- آیت الله العظمی ملا عبدالکریم گزی (فوت ۱۳۳۹ ه.ق.).

مرحوم محقق موسوی همچنین از این بزرگان نیز اجازه دریافت

نمود. وی سالها در وزارت دادگستری به فعالیت مشغول بود و

ص: ۲۶۵

---

۱- \* . با تشکر از دانشمند فاضل حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا محقق امام جماعت مسجد صاحب روضات که شرح حال این بزرگوار را در اختیار نگارنده قرار دادند.

آرامگاه مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان ثقه المحدثین طاب ثراه آقای سید هاشم سادات موسوی (خادمی) فرزند مرحوم سید زین العابدین که در تاریخ ۱۳ / ۸ / ۱۳۶۲ برابر با ۲۸ ماه محرم الحرام ۱۴۰۴ برحمت ایزدی پیوست.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
هُوَ الَّذِي يُولِّئُكُمْ

آرامگاه

مرحوم مقفوز خلد آشیان جنت مکان

ثقة المشيخین طابراه آقای سید هاشم

سادات موسو (خادمی) فرزند

مرحوم سید زین العابدین که در تاریخ

۱۳۱۳ تا ۱۳۶۲ برابر با ۲۸ ماه

محرم الحرام ۱۴۰۴ بر حمت ایزدی

سپست



فاضل جلیل عبد الجواد شیخ الاسلامی سبزواری فرزند مرحوم میرزا علی فرزند محمدرحیم سوم است. پدرش مرحوم میرزا علی دومین فرزند پسر مرحوم حاج محمدرحیم سوم از دختر مرحوم حاج شیخ محمداقبر مسجدشاهی بود.

مرحوم میرزا علی بعد از وفات برادرش در سال ۱۳۰۹ ه.ق. بر حسب قاعده زمان باید به منصب شیخ الاسلامی منصوب می شد اما به دلیل لکنت زبان که در موقع سخن گفتن کلمات را تکرار می کرد برادر کوچکترش میرزا علی اکبر را بجای وی به مقام شیخ الاسلامی تعیین نمودند. (۱)

مرحوم میرزا علی از نظر موقعیت خانوادگی مورد احترام و اکرام عموم طبقات مردم اصفهان بخصوص علما و اعیان بود. وی در اصفهان وفات نمود و در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی در سمت جنوبی به خاک سپرده شد.

فرزند ایشان میرزا عبدالجواد در اصفهان به دنیا آمد و در این شهر نزد علما تحصیل کرد، وی عالمی خلیق و مهربان و دوست دار علما بود.

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در مورد وی می نویسد: «نویسنده مکرر ایشان را شبها در مسجد سید حجت الاسلام مشاهده و ملاقات می کردم که با مرحوم فقیه حکیم بزرگوار مرحوم حاج شیخ محمود مفید گاهی به مباحثات علمی اشتغال می جست و مرحوم مفید به او احترام می گذاشت.» (۲)

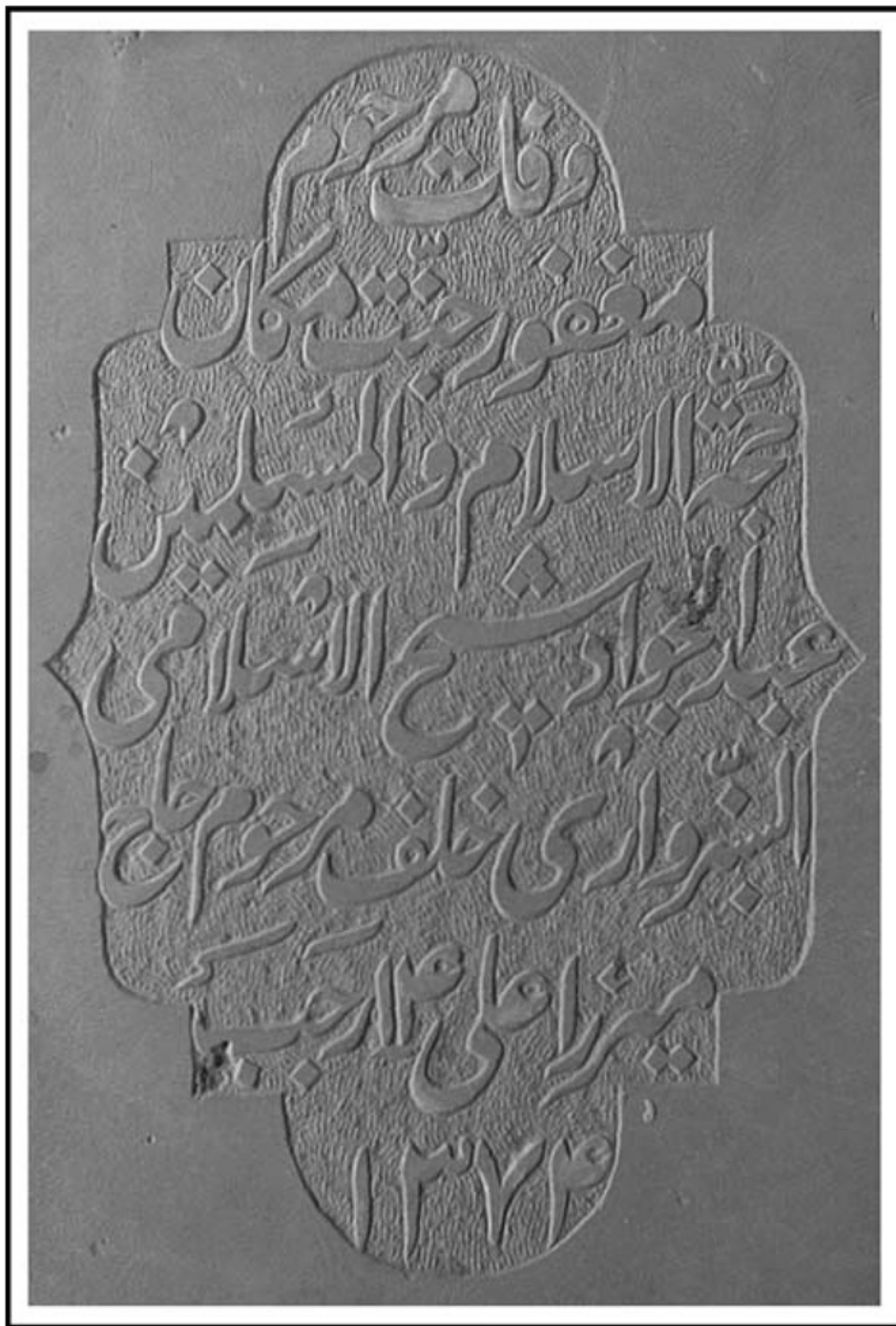
آقا میرزا عبدالجواد در ۱۴ رجب ۱۳۷۴ ه.ق. برحمت ایزدی پیوست و پیکرش در سمت شرقی این تکیه به خاک سپرده شد.

ص: ۲۶۷

---

۱- مهدوی: خاندان شیخ الاسلام، ص ۱۸۳.

۲- همان: ص ۱۸۱.

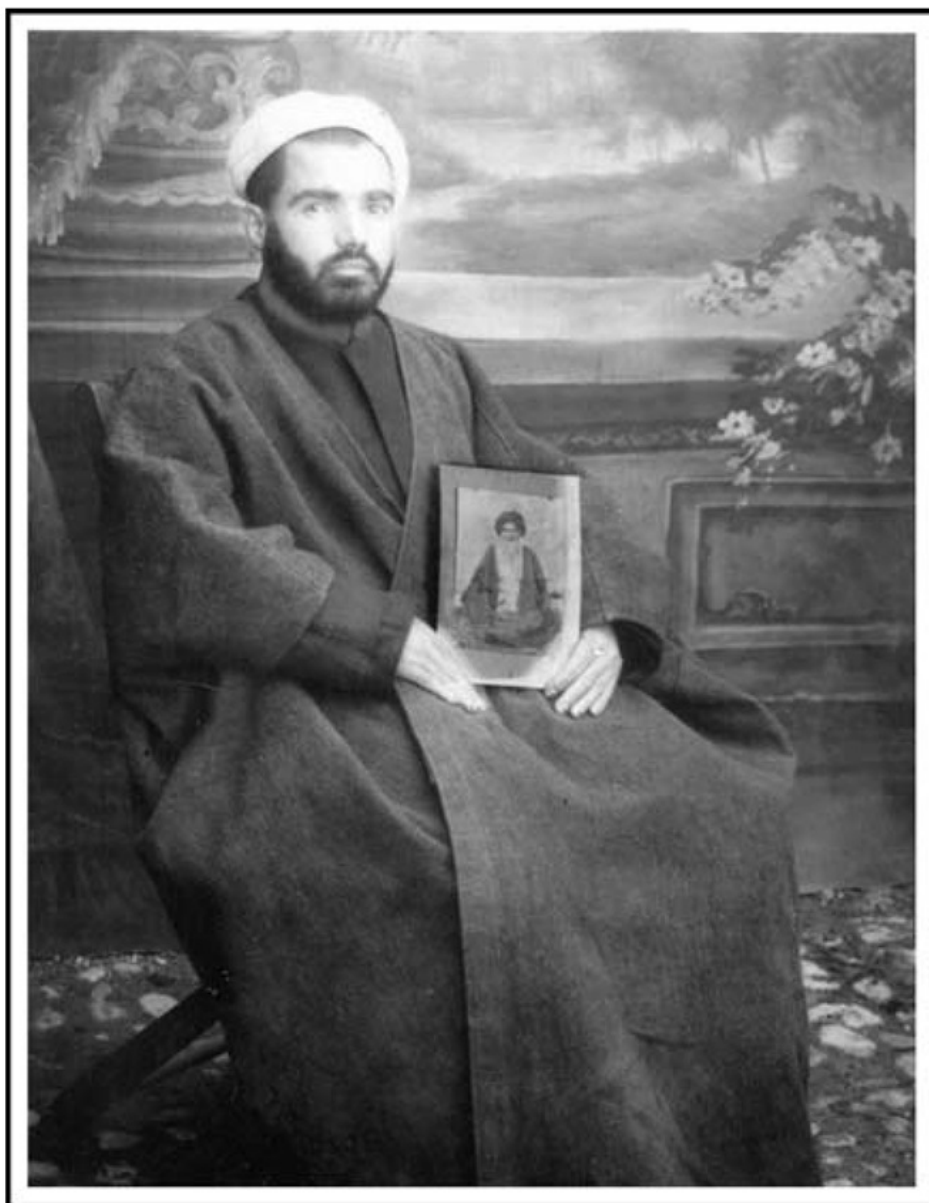


سنگ مزار عبدالجواد شیخ الاسلامی

متن سنگ مزار وی چنین است:

وفات مرحوم مغفور جنت مکان حجج الاسلام والمسلمین عبد الجواد شیخ الاسلامی السبزواری خلف مرحوم حاج میرزا علی ۱۴ رجب ۱۳۷۴.

شیخ یوسف نجفی فرزند مرحوم شیخ موسی نجفی فرزند ملا علی عرب زفره ای، در سال ۱۳۱۴ ه.ق. در نجف اشرف متولد شد. پدرش شیخ موسی نجفی برادر مرحوم حاج آخوند زفره ای، متوفی ۱۸ رمضان ۱۳۳۶ ه.ق. مدفون در تکیه شیخ مرتضی ریزی است.



شیخ یوسف نجفی

ص: ۲۶۹

۱- \* . با تشکر از جناب حاج آقا نجفی راد فرزند مرحوم نجفی که در تهیه شرح حال مرحوم پدرشان نگارنده را یاری نمودند.

شیخ یوسف تحصیل علوم دینی و حوزوی را در زادگاهش نجف آغاز نمود و چون در هنر نیز دارای ذوقی بود به هنر خطاطی و حکاکی روی نگین ها نیز می پرداخت. بعد از نجف اشرف به اصفهان عزیمت نمود و به افتخار دامادی مرحوم حاج آخوند زفرهای نایل آمد و علاوه بر وعظ و خطابه سالها در امر تجارت فیروزه از ایران به عراق فعالیت داشته است. سرانجام در اول شوال سال ۱۳۸۸ ه.ق. برابر با ۳۰ آذر ۱۳۴۷ ه.ش. دعوت حق را لبیک گفت و در سمت غربی تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار چنین است:

آرامگاه ابدی مرحوم مغفور جنت مکان حاج شیخ یوسف نجفی ولد مرحوم شیخ موسی نجفی که در تاریخ نهم ماه ذی القعدة الحرام سال ۱۳۱۴ قمری در نجف اشرف تولد یافته و در اول ماه شوال ۱۳۸۸ هجری مطابق با سیام آذرماه سنه ۱۳۴۷ دعوت حق را لبیک گفت و به سرای باقی شتافت.





سنگ مزار شیخ یوسف نجفی

ص: ۲۷۰

ادامه ی متن سنگ مزار

غمین مباش اجل از کسی چو جان بگرفت

چرا که داد خدا جان و باز آن بگرفت

ادیب نیک سیر حاج یوسف نجفی

که دست مردم دلریش و ناتوان بگرفت

بر آستان علی در نجف عیان شد و باز

پی زیارت مولا ره جنان بگرفت

به روز اول شوال شد بسوی بهشت

چوبلبلی که ره باغ و بوستان بگرفت

سخا بسال وفاتش چنین سخن سرداد

«از داد حق نجفی در جنان مکان بگرفت»

۱۳۸۸

ص: ۲۷۱



میر سید حسن امام جمعه فرزند مرحوم حاج میرزا هاشم امام جمعه، پس از فوت پدر (۱۳۲۱ ه. ق.) به امامت جمعه اصفهان انتخاب گردید اما به دلیل کمی سن، میرزا محمدصادق فرزند میرزا محمدعلی به جای وی به سمت نایب الامام تعیین شد و وقتی به سن بلوغ رسید، چون عنوان علمی و نفوذ معنوی نداشت فرمان امامت جمعه به نام میرزا محمد صادق صادر گردید.

مرحوم سید حسن که بیست و سومین امام جمعه محسوب می شد در بین مردم به امام چی معروف بود و در شب چهارشنبه هفتم شوال ۱۳۶۵ ه. ق. در اصفهان وفات نمود<sup>(۱)</sup> و در سمت شرقی این تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

آرامگاه مرحمت پناه آقای میر سید حسن امام جمعه فرزند مرحوم حاج میرزا هاشم امام جمعه شوال ۱۳۶۵.

ص: ۲۷۲

---

۱- مهدوی: زندگی نامه علامه مجلسی، جلد اول، صص ۳۱۶ - ۳۱۷.

حاج میرزا مهدی مطمئن معروف به ورش (بر وزن فرش) در ۲۳ صفر سال ۱۲۹۴ ه. ق. متولد شد. وی از اساتید فن قرائت و تجوید بوده و در این زمینه زحمتهای کشیده و رنجها برده بود. (۱) عدهای کثیر در خدمت او تربیت شده اند و خود از تربیت شدگان محضر مرحوم حاج سید علی زنجیره فروش (۲) بود.

مرحوم میرزا مهدی مطمئن، فردی فاضل ادیب و شاعر و دارای طبع شعر متوسطی بوده و در حدود یک هزار بیت شعر دارد که از آن جمله است: ای سرو ناز از همه خوبان تو بهتری زان مهتری که اول مخلوق داوری ای بهتر خلاق و ای سرور بشر از هر چه گویمت تو از آن چیز بهتری (۳)

### وفات

وی در سوم ذیقعدة سال ۱۳۷۰ ه. ق. وفات یافت (۴) و پیکرش را در سمت

ص: ۲۷۳

- 
- ۱- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۵۴.
  - ۲- مرحوم حاج سید علی زنجیره فروش فرزند سید محمد موسوی از اساتید فن تجوید و قرائت بوده که عده زیادی از قراء قرآن در خدمتش قرائت آموخته اند. وی معروف به «اقرا القراءه بود و خود نیز نزد عاصم کاشانی قرائت دهگانه را بیاموخت و سالها تدریس شاطبی در اصفهان منحصر به او بوده است. این سید فاضل که در حدود ۱۲۷۵ ه. ق. متولد شده بود در سال ۱۳۵۱ ه. ق. فوت و در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون و سپس به نجف اشرف (وادی السلام) منتقل گردید. مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۸۱۸. در ضمن فرزند خلف صالح ایشان مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آیت الله آقا حاج سید مرتضی ظهیر ملقب به ظهیر الاسلام می باشند.
  - ۳- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۴۵۴.
  - ۴- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۷.

جنوب غربی این تکیه به خاک سپردند. به دلیل دست اندازی به تکیه بروجردی و ساخت مجموعه فرهنگی امین و خانه ریاضیات در جهت جنوب و غرب این تکیه قبر تعدادی از جمله مرحوم مطمئن از بین رفته است.

ص: ۲۷۴

حجت الاسلام شیخ محمد حسین مهاجر در اصفهان (قریه زفره) به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در خدمت علمای زفره و حوزه ی علمیه اصفهان از جمله عالم فاضل میرزا ابوالقاسم زفرهای معروف به حاج آخوند فراگرفت.



شیخ محمد حسین حکیم مهاجر

ص: ۲۷۵

۱- \* . با تشکر از جناب حاج آقا نجفی راد که در فراهم نمودن شرح حال مرحوم مهاجر نگارنده را یاری نمودند.

وی از ذاکران اهل البیت (علیهم السلام) بود و مدّتی مسؤولیت نظامت مدرسه ی اقدسیه به مدیریت مرحوم شیخ محمّد حسین مشکوه را به عهده داشت.

مرحوم مهاجر زفرهای داماد مرحوم حاج آخوند زفره ای بود وی مانند استادش اطلاعات وسیعی در علم جفر و علوم غریبه داشت.

این عالم فاضل در رجب سال ۱۳۷۷ ه. ق. وفات یافت و در سمت غرب تکیه مدفون گردید.

متن سنگ مزارش چنین است:

وفات خلد آشیان آقا میرزا محمّد حسین مهاجر واعظ طاب ثراه رجب سنه ۱۳۷۷. هر کسی اندر جهان شغل و نوایی ساز کرد.

نیکبخت آنکس که خود با کار خیر انباز کرد چاکر آمد این حسین از شاه مظلومان حسین

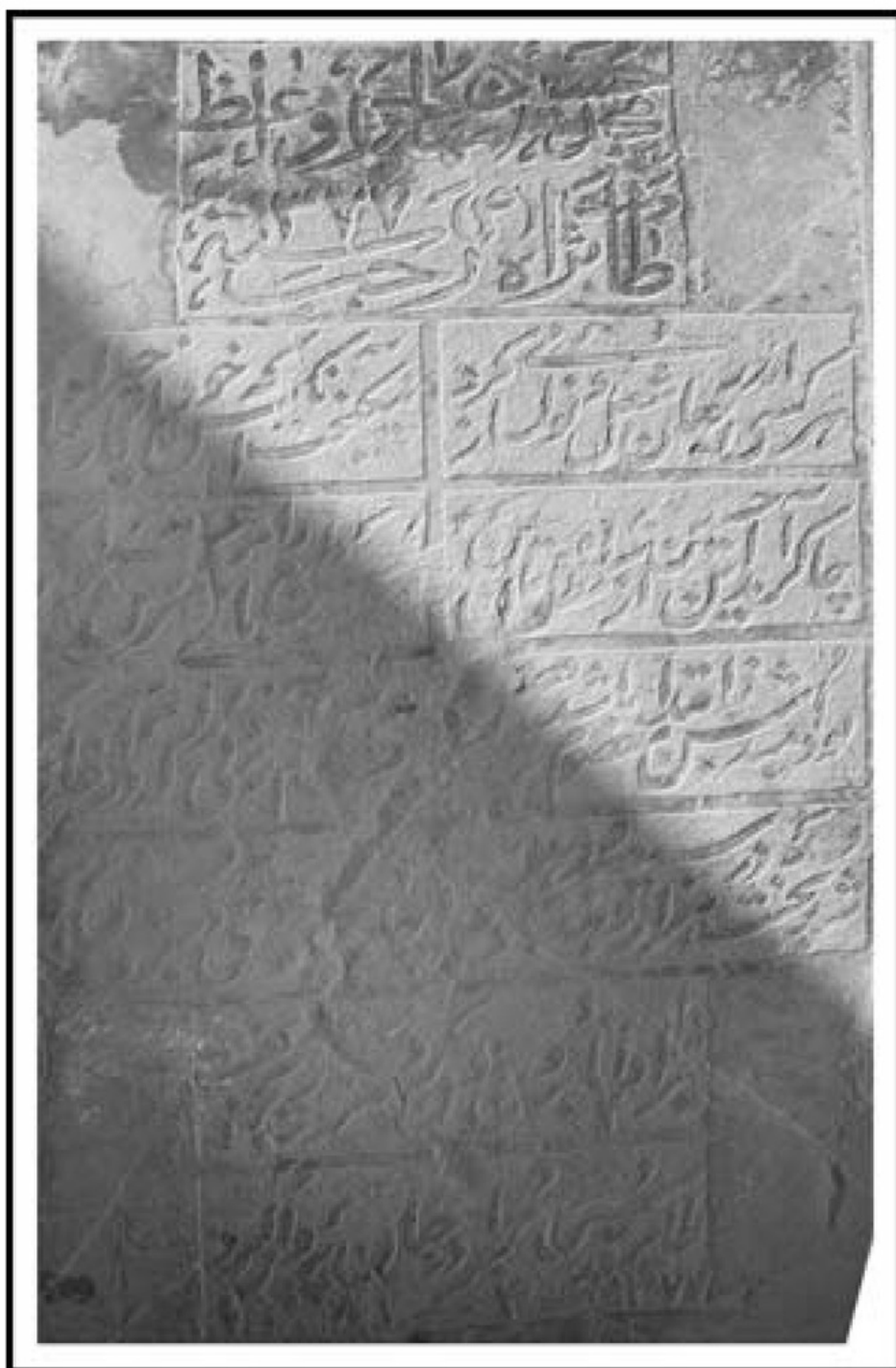
کیست طبع را با حضرتش همراز کرد بو امیدش ز ابتدا معصوم باشد معین

.....(۱)

شد بجنّت در هزار و سیصد و هفتاد و دو

.....

تصویر



سنگ مزار شیخ محمد حسین حکیم

نیرا دانا برون چون کرد سر از تاریخ گفت

طایر قدس مهاجر در جنان پرواز کرد

۱۳۷۷ = ۴ - ۱۳۸۱

ص: ۲۷۶

مرحوم حجت الاسلام سید محمدرضا امامی، عالم فاضل متوفی شوال ۱۳۷۰ ه. ق. از شرح حال وی اطلاعی به دست نیامده و فقط شعری که بر سنگ مزار وی است و نشان از شخصیت علمی و روحانی او دارد آورده می شود:

امامی پیشوای ماسوی بود

سلیل حضرت خیر الوری بود ضمیرش مطلع خورشید عرفان

دلش روشن ز مهر مرتضی بود ملاذ و مرجع تقلید و تحقیق

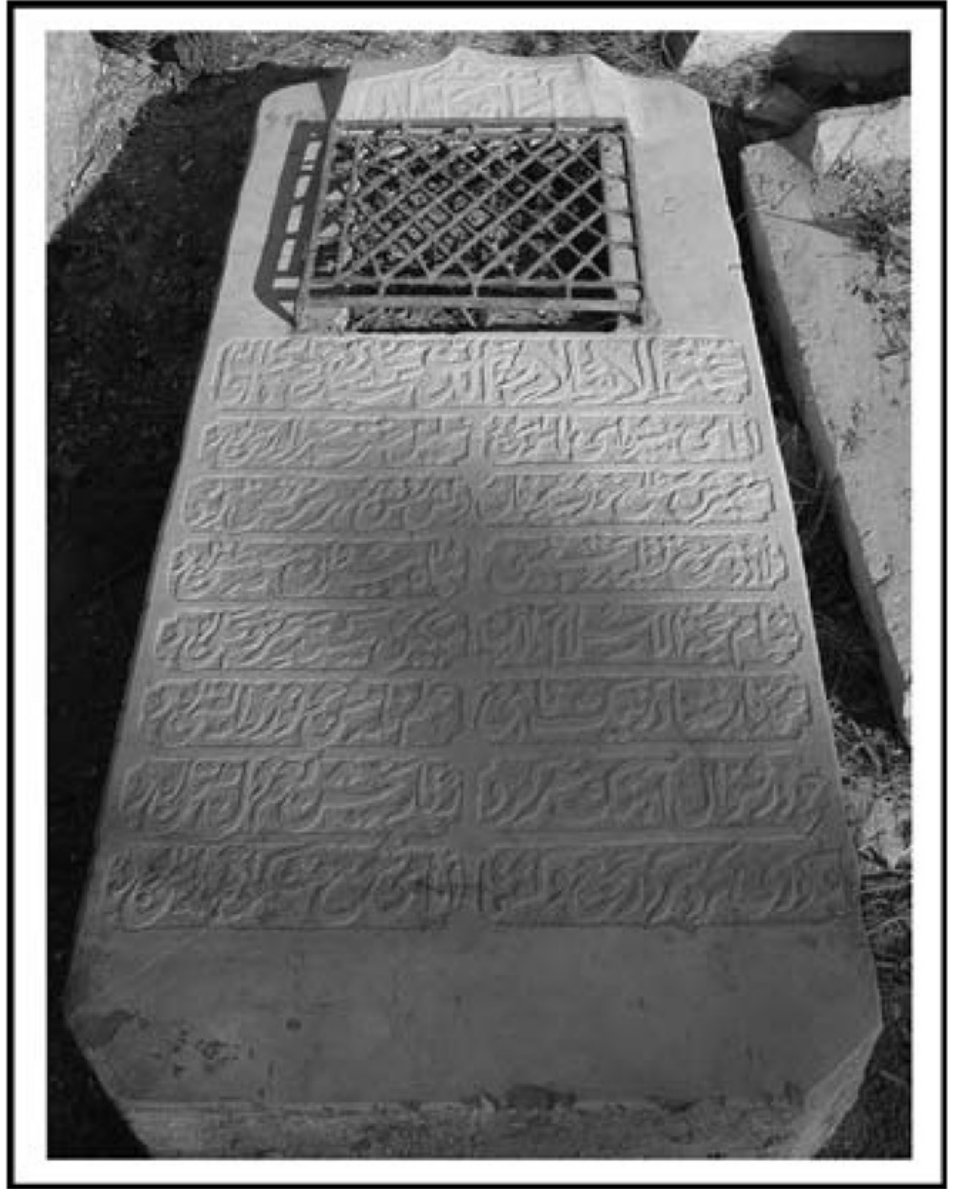
پناه پیروان مصطفی بو بنام حجت الاسلام والدین

مکین مسند عزّ و علی بود محمّد با رضا در نیک نامی

علم نامش چو نور و الفنی بود چو در شوال آهنگ سفر کرد ز تاربخش به غم دل مبتلی بور

«فکوری» کرد سر در جمع و گفتا

امامی شمع مشکوه هدی بود»



سنگ مزار سید محمد رضا امامی



سید علی حسینی فرزند سید مهدی فرزند سید ابوالقاسم، شانزدهم شوال ۱۳۲۲ ه.ق. در اصفهان در خانواده ای روحانی به دنیا آمد. پدرش مرحوم سید مهدی حسینی از ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت و آشنای به امور دینی بود.

سید علی حسینی در چنین خانواده ای تحت تربیت پدر بزرگوار خود سنین کودکی را سپری نموده و بعد از دوران کودکی مشغول فراگیری قرآن شد و توانست در دوران نوجوانی قرآن مجید را از حفظ کرده و بعدها در طول حیات خود توانست تا آخرین حد توان به آن عمل نموده و در اعمال و رفتار الگوی فرزندان و مردم دیگر باشد.

وی در دوران جوانی به شهر اهواز مهاجرت نمود و در آنجا شغل پدری خود نجاری را ادامه داد. ایشان در اهواز با علمای بزرگی همچون آیت الله سید علی بهبهانی، آیت الله ابوالقاسم خزعلی، آیت الله سید محمد رضا شفیعی و شیخ احمد محدث خراسانی در ارتباط تنگاتنگی بوده و به خصوص در دوران مبارزات مردم اهواز علیه حکومت پهلوی و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی بسیار فعالیت می نمود به طوری که همیشه اطلاعات و اخبار انقلاب را از اهواز به اصفهان و بالعکس منتقل می نمود.

### مردی آهین در عبادت

مرحوم سید علی حسینی در طول حیات همیشه از ارادتمندان خاندان اهل بیت

ص: ۲۷۸

---

۱- \* . با تشکر فراوان از سرکار خانم فخرالسادات حسینی دختر مرحوم سید علی حسینی که در جمع آوری شرح حال مرحوم پدرشان نگارنده را یاری نمودند .

بوده و در مجالسی که شرکت می نمودند و در برخورد با مردم همیشه طوری رفتار می نمودند که انسان را به یاد خداوند می انداخت.

وی به برپای نماز اول وقت بسیار اهتمام داشت و در طول حیات نماز شب و خواندن زیارت عاشورای او ترک نشد.

مرحوم شیخ احمد محدث خراسانی از ایشان به: «مرد با ایمان نیک سیرتی که عمری به پرستش و نیایش پروردگار زیست و با روحی سرشار از معنویت و صفا به جوار رحمت حق پیوست» (۱) یاد نموده است.

ایشان در عبادت، خدمت به مردم و اخلاص در اعمال آنقدر جدی و پشتکار داشت که از طرف مردم لقب مردی آهنین در عبادت گرفته است.

### مردی از قیامت خبر آورد که چه چیز ارزش دارد

در کتاب راهنمای بهشت حکایتی از قول مرحوم حسینی آورده شده که: «سید علی حسینی گوید هنگامی که در مشهد مقدّم مشرف بودم و در ایام محرم روز عاشورا در مجمع سوگواری آل عبا(ع) با دسته ای از دوستان ائمه هدی به عزاداری مشغول بودیم یکی از ذاکرین مصیبت حضرت حسین علیه السلام را می خواند و این حدیث را نقل کرد که حضرت باقر علیه السلام فرمود هر کس در ماتم حسین (ع) به اندازه ی بال پشهای آب از دیده های او بیرون آید خداوند گناهان او را می آمرزد هر چند در زیادی مانند کف دریاها باشد.

مردی که ادعای دانش می کرد و خود را از دانشمندان می شمرد در مجلس حاضر بود گفت این حدیث نباید درست باشد چگونه می شود که به اندازه ی بال پشه بگرید و این قدر ثواب داشته باشد؟ او را از این سخن منع کرده و مباحثه

ص: ۲۷۹

نمودیم فایده نبخشید پس هرکدام به منزل خود برگشتیم. شبانگاه آن مرد در خواب دید قیامت قیام کرده و مردم در صحنه ی محشر جمع شده اند. میزان اعمال آویخته و پل صراط بر روی جهنم کشیده و نامه های اعمال مردم را گشوده اند. دوزخ افروخته و زیانیه ی جهنم به خروش آمده و بهشت ها مزین و آراسته و حرارت و گرمی در نهایت است. در خلال این حال تشنگی بر او غالب گردید در صدد آب برآمد و به راست و چپ نگران شد. حوضی بسیار طولانی و عریض مشاهده کرد گوید با خود گفتم همانان این حوض کوثر است.

پس دیدم بر لب حوض دو مرد مجلل و یک زن جلیله ایستاده اند که نور روی ایشان محشر را روشن کرده اما جامه های سیاه پوشیده اند و محزون و گریان می باشند.

پس پرسیدم ایشان کیستند؟

یکی گفت این خاتم پیامبران(ص) و آن دیگری علی مرتضی و آن زن فاطمه ی زهرا شفیعه ی روز جزا علیها سلام می باشد.

پرسیدم چرا لباس سیاه پوشیده اند و گریان و نالانند؟

گفت مگر نه روز عاشورا و روز شهادت سیدالشهداء است در سوگواری آن بزرگوار مظلوم این گونه پریشانند.

پس به نزد فاطمه زهرا علیها السلام رفتم و عرض کردم ای دختر رسول خدا من تشنه هستم. آن بانوی معظمه نگاهی به من کرد و فرمود توی که انکار می کنی فضیلت گریه کردن به فرزندم و نور دیده ام را و آرامی دلم که او را از روی ظلم و ستم شهید کردند خداوند کشندگان او را لعنت کند.

آن مرد گوید من از وحشت و ترس از خواب جستم و از گفتار بد خود پشیمان گشتم و ایشان را از خواب خود باخبر کردم و با آب توبه و انابه خود را شست و شو

## وفات

سرانجام این سلاله پاک عصمت و طهارت در روز پنج شنبه سوم ربیع الاولی ۱۳۹۴ ه. ق. برابر با پنجم اردیبهشت ۱۳۵۳ ه. ش. به رحمت ایزدی پیوست.

متن سنگ مزار وی چنین است:

وفات مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان سلاله السادات نخبه الاطیاب داعی الی الخیر و الدعا و هادی الناس فی طریق اداء مناسک الحج السید الجلیل من نسل آل طه و یاسین الحاج سید علی حسینی ولد مرحوم مغفور سید مهدی ضاعف اله حسنات و حشره مع اجداده الطاهرین توفی یوم الخمسین، ثالث من شهر ربیع الاولی ۱۳۹۴ مطابق سال ۵۳/۲/۵ شمسی.



سنگ مزار سید علی حسینی

۱- مقدم، سید محمد تقی، راهنمای بهشت، جلد اول، صص ۳۱۴ - ۳۱۶

مرحوم آقا سید محمد جواد روضه خوان، متوفی یکشنبه ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۶۴ ه. ق. مدفون در سمت شمالی مزار مرحوم آقا سید محمد صمصام می باشد. از شرح حال وی اطلاعی به دست نیامد و از این رو فقط اطلاعات سنگ مزار وی درج گردید.

آرامگاه خلد آشیان مرحمت و غفر آن پناه رضوان آرامگاه آقا سید محمد جواد روضه خوان یکشنبه پانزدهم جمادی الثانی ۱۳۶۴.

اجل گرفت گریبان نسل زهرا را

.....(۱)

یگانه واعظ عالم که در مناقب و فضل

نداشت کسب بجز مدح آل طه را

به فیض رحمت حق آن چنان شدی واصل

کجاست آنکه بفهمد مقام تقوی را

مترس خواجه تو از مرگ گر که اهل دلی

که وقت زندگی آنجاست شخص بینا را

به علم غره مشوای حکیم دانشمند

عمل بیار و ببین رتبهی مسیحا را

به سیر روح نظر کرد عرش اعلا را

ص: ۲۸۲

ك جاست زنده دلی عارفی مسیح دمی

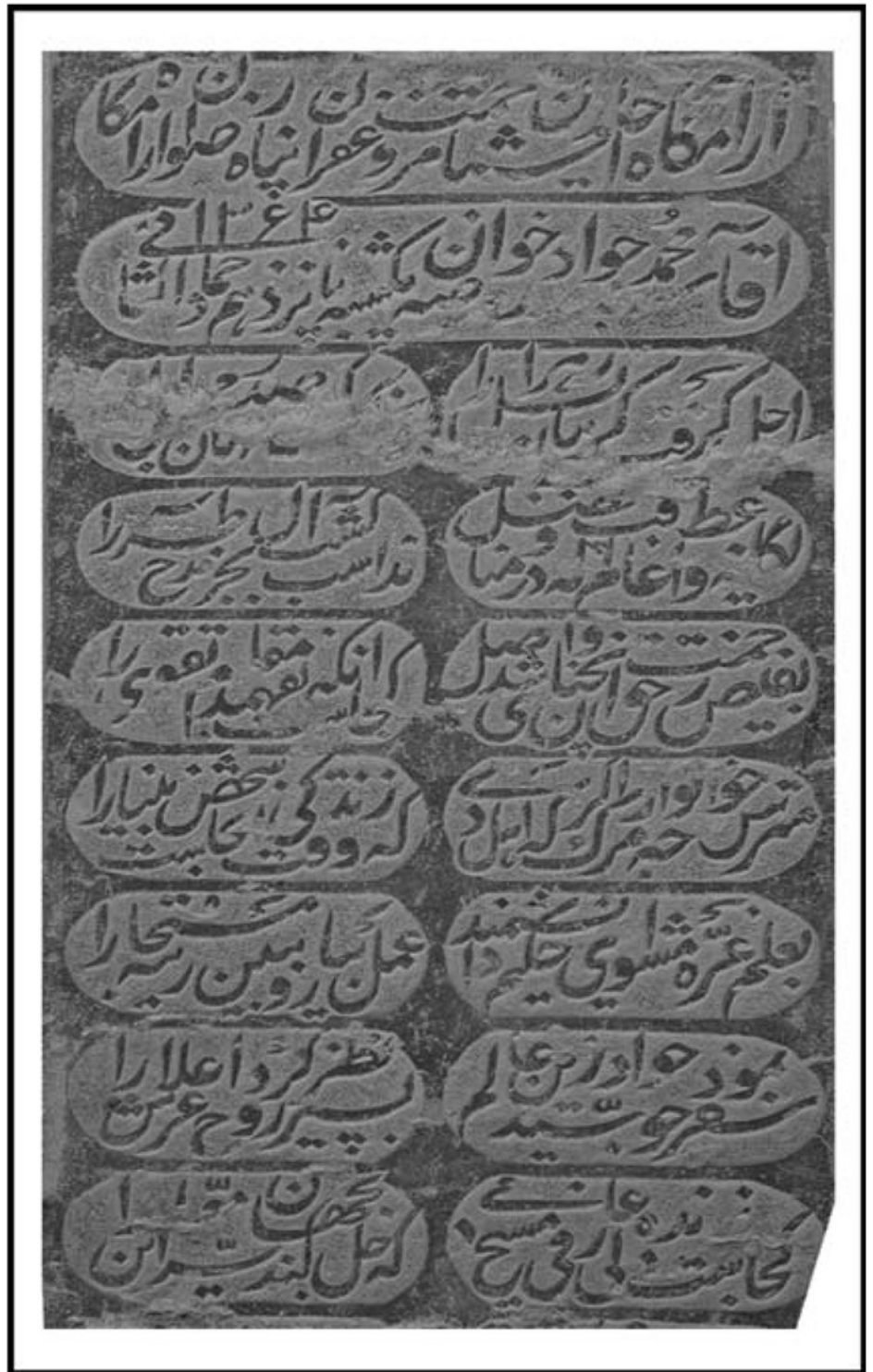
که حل کند به جهان سر این معما را

هزار و سیصد و شصت و چهار سال گذشت

ز بعد هجر نبی رفت راه عقبی را

چو در تجلی با روح دوست محو شدی

بیاد آر در آنجا صفایی مارا



سنگ مزار سید محمد جواد روضه خوان



شیخ لطف الله سینایی فرزند ابراهیم فرزند اسماعیل از اساتید فن قرائت و تجوید قرآن به سال ۱۲۸۳ ه.ش. در محله بیدآباد اصفهان به دنیا آمد.



لطف الله سینایی

۱- \* . با تشکر از فرزندان مرحوم سینایی که شرح حال مرحوم پدرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.

وی ابتدا شغل کفاشی داشته و بعد از درس خواندن در مدارس شبانه آن زمان (اکابر) در اداره دارایی مشغول به کار شد. مرحوم سینایی در کنار کارش به آموزش دینی کودکان همت گماشت و در دایر کردن مدارس مذهبی نظیر دبستان جعفری وابسته به جامعه تعلیمات اسلامی همت گماشت و در مدرسه های مدرس، مفید و نوربخش در محله بیدآباد به صورت رایگان مشغول تدریس قرآن و اخلاق به دانش آموزان شد.

مرحوم سینایی سالهای سال همراه بزرگانی همچون استاد حبیب اله فضائلی در مدرسه ی اسلامی جعفری مشغول تدریس بود و در این راه با عشق و علاقه که از قرآن سرچشمه گرفته بود مشغول آموختن قرآن شد.

عکس شماره ۱۲۰

## اوصاف

شیخ لطف الله سینایی مردی که همیشه راه او، راه قرآن و قرآن و نهج البلاغه راهنمای زندگیش بود، هرگز در طول زندگانی ۵۸ ساله اش منکری را مرتکب نشد،

حتی گوش خود را به غیر از اخبار و احادیث و قرآن از رادیو، به صدای دیگری اجازه شنیدن و حتی به اطرافیانش را نداد.

ص: ۲۸۵

در زندگی مکلف به برپا داشتن نماز در سر وقت بود و قبل از آن اذان را با صدای خوشی که داشت، بلند می خواند. در تمام طول زندگی نماز شب او ترک نشد، امر به معروف و نهی از منکر را به همگان می رساند. به صورت فردی، قرض الحسنه را دایر کرده بود و قسمتی از حقوق خود را به محتاجان و متقاضیان به صورت وام می داد.

او می گفت: همواره ریسمان الهی را رها نکنید و شیطانهای کوچک و بزرگ را از خود دور سازید تا زندگیتان پربرکت شود و رستگار شوید.

این مرد حق همواره خوشبو و معطر و با روی گشاده و با تبسم با مردم برخورد می کرد. صداقت در رفتار و شفافیت در گفتارش زبان زد همه بود. در هر مجلسی وارد می شد، منشأ خیر و برکت بود.

معمولاً در مجالس به تصحیح نماز و قرآن دیگران می پرداخت. کودکان را بسیار دوست می داشت و از یتیمان به شدت مراقبت می کرد. در تشییع جنازه ها و مراسم مردمی مجدانه شرکت می کرد.

## وفات

در مورد مرگ خود می گفت: مردن به اندازه بوییدن یک گل طول می کشد. زمانی که دار دنیا را وداع کرد، به یکی از آشنایان که کنار ایشان بوده می گوید: مرا تنها بگذارید، زیرا مهمان دارم و بعد در تنهایی از بستر خود بلند شده، تعظیمی می کند، سپس به بستر رفته جان به جان تسلیم حق می نماید.

مرحوم لطف اله سینایی در ۲۹ بهمن ۱۳۴۱ ه.ش. برابر ۲۳ رمضان ۱۳۸۲ ه.ق. فوت و پیکرش در سمت جنوبی این تکیه در کنار مرحوم پدرش به خاک سپرده می شود.

فرزند ایشان در وصف پدر چنین می سراید:

از لطف الله آن مرد نیکو مرام

که شد در پی علم فقه و کلام

خبیر و خردمند و روشن روان

بزرگی از فامیل سینائیان

ز جهدی که در راه دین داشت او

روان شد پی کاوش و جستجو

به تدریس و تجوید هر روز و شب

بکوشید با درد و رنج و تعب

پیا کرد کانون علم و هنر

که گشتند اهل طلب بهره ور

ن هادند نامش ز دانشوری

دبستان اسلامی جعفری

که من نیز شاگرد آن مکتبم

که نامی از آن آمده بر لبم

بسی جای دارد که در اصفهان

بماند از آن مرد مؤمن نشان

همچنین متن سنگ مزار وی که نشانگر اوصاف اوست چنین است:

ما هو الحی الذی لا یموت

آرامگاه شادوران جنت مکان مرحوم مغفور لطف الله سینایی فرزند مرحوم ابراهیم که در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۴۱ برابر با ۲۳ رمضان ۱۳۸۲ دار فانی را وداع و برحمت ایزدی پیوست.

زیر این آسمان مینایی

ای بشر جاودان نه میپایی

زیر طاق شکسته ای دانا

کی توان تا ابد بیاسایی

از جهان رخت بست لطف اله

شهرتش آنکه بود سینایی

منبع فضل و علم و دانایی

در همه عمر خویش بشناخت

ایزد پاک را به یکتایی

خواست سالم که فوت او گوید

قلمش زد رقم به شیدایی

حوری آورد سر بجمع و بگفت

«شد مقیم بهشت سینایی»

۱۳۴۱

ص: ۲۸۷





سنگ مزار شیخ لطف الله سینایی



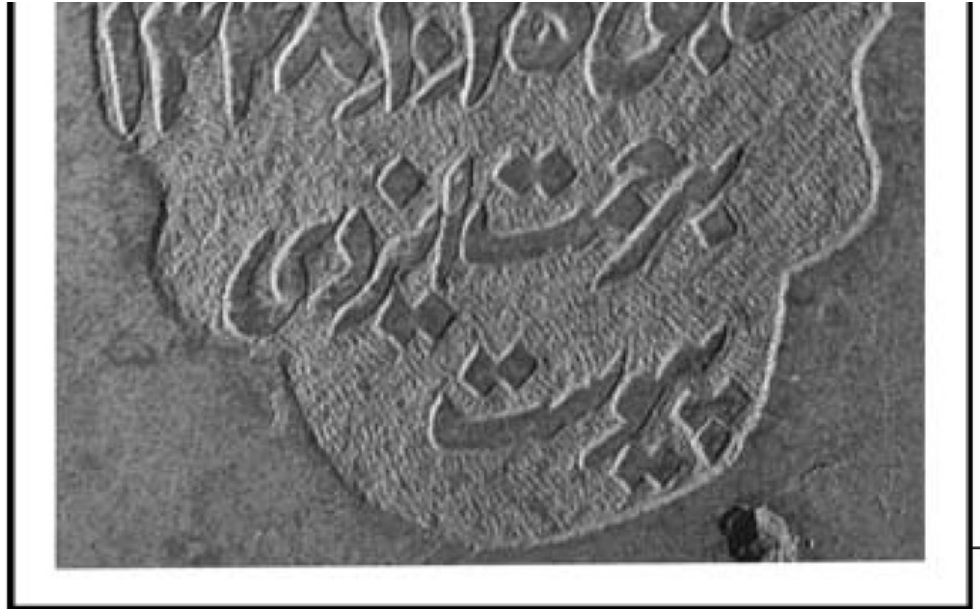
عباس اشتهاریها معروف به آقای بهشتی فرزند مرحوم علی، از اساتید قرائت قرآن و از مدرسین مدرسه مسجد سید اصفهان بوده است.

وی در هفتم ذی‌قعدة ۱۳۸۹ ه. ق. فوت و در سمت غربی این تکیه به خاک سپرده شده است.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه مرحوم عباس اشتهاریها معروف به آقای بهشتی ولد مرحوم عل بتاریخ هفتم ذی‌قعدة ۱۳۸۹ مطابق ۵۲ / ۱۰ / ۱۳۴۸ برحمت ایزدی پیوست.





سنگ مزار عباس اشتهاریها

ص: ۲۸۹

---

۱- \* . با تشکر از حجه الاسلام والمسلمین سید محمدعلی بهشتی نژاد که شرح احوال وی را در اختیار نگارنده قرار دادند.

میرزا عباس تنباکوزاده فرزند مرحوم محمد حسین عطار، از اساتید فن قرائت قرآن در دوره ی معاصر در اصفهان بوده است. استاد تنباکوزاده در روز پنج شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۵۷ ه. ش. فوت و سمت شمالی این تکیه مدفون گردید.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه شادروان مرحوم حاج میرزا عباس تنباکوزاده فرزند مرحوم محمد حسین عطار فوت پنج شنبه ۲۴ فروردین ماه ۱۳۵۷ برابر ۵ جمادی الاول ۱۳۹۸.



---

۱- \* . با تشکر از حجه الاسلام و المسلمین سید محمد علی بهشتی نژاد که مزار ایشان را به نگارنده معرفی نمودند.

فصل سوم: شاعران

اشاره

ص: ۲۹۱



ادیب شاعر سید حسین حسینی قائنی ملقب به بشارت حضور، فرزند مرحوم میرزا علی رضا قائنی، در اصفهان متولد شد. خاندان قائنی ساکن اصفهان و از اعقاب میرزا اسماعیل حسینی قائنی می باشند. وعده ای از آنان شاعر، ادیب، ریاضی دان و حکیم بودند.

میرزا اسماعیل قائنی، جد مرحوم سید حسین بشارت، از فضیلتی سادات محترم اصفهان، به داشتن مسلک عرفان و مشرب طریقت ارباب سیر و سلوک معروف بود. در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری، میرزا کوچک حسینی قائنی پدر میرزا اسماعیل از حکما و عرفا و شعرای قائنی، جهت ادامه ی تحصیل فرزند جوان خود، میرزا اسماعیل را از شهرستان قائن به اصفهان فرستاد، و در این شهر مقیم و متوطن و متأهل گردید. وی از طبقه ی عرفای ممتاز عهد خود به شمار می رفته است.<sup>(۱)</sup>

از مرحوم میرزا اسماعیل، شش فرزند پسر و یک دختر به نامهای، میرزا محمدعلی، میرزا محسن، میرزا مهدی خان، میرزا ابوالحسن، میرزا علی رضا، میرزا یحیی و بیگم صاحب به جای ماند.

از فرزندان وی، میرزا محمد علی حسینی، یکی از چند تن دانشمندان صاحب نظر و برجسته علوم ریاضی در قرن ۱۳هـ. ق. در ایران است. مرحوم همایی وی را «استاد دانشمند، حکیم عالم ریاضی و خطاط و رام هنرمند نامدار عهد

ص: ۲۹۳



از چپ به راست نشسته: ۱- سید حسین خان قاینی (بشارت) ۲- میرزا حبیب اله خان فرزند ارشد سید حسین خان ۳- نفر ایستاده مهندس امان الله بشارت فرزند دوم سید حسین خان

از چپ به راست نشسته: ۱- سید حسین خان قاینی (بشارت) ۲- میرزا حبیب اله خان فرزند ارشد سید حسین خان ۳- نفر ایستاده مهندس امان الله بشارت فرزند دوم سید حسین خان



قاجاری معرفی می کند» (۱). تاکنون حدود هفده کتاب و رساله در علوم مختلف مخصوصاً ریاضی از ایشان شناخته شده است. (۲)

در کتاب المآثر والآثار در مورد وی آمده که «فلسوفی معتبر و بالخصوص در هندسه و نجوم استادی مسلم بود. از خط نستعلیق او هر کلمه ای را به چند سطر می بایست ستود.» (۳)

از اساتید وی مرحوم ملا محمد اصفهانی متوفی ۱۲۹۳ ه. ق. (۴) و از شاگردانش سلطان اویس میرزا احتشام الدوله و برادرش عبدالعلی میرزا ظهور علی و میرزا عبدالله ریاضی را می توان نام برد. سرانجام میرزا محمدعلی حسینی در سنه ۱۳۰۵ ه. ق. وفات یافت و در تهران در امامزاده یحیی مدفون گردید. (۵)

از دیگر فرزندان میرزا اسماعیل، مرحوم میرزا علی رضا حسینی، پدر سید حسین بشارت می باشد. وی از افاضل و شعرا و خوشنویسان اصفهان بوده و در شعر و شاعری از استادان مسلم قرن ۱۳ - ۱۶ و معاصر مسکین، پرتو، عنقا، عمان، دهقان سامانی، بیضا و آشفته و گویندگان دیگر اصفهان بوده است. او در انجمن های ادبی اصفهان مانند انجمن ابو الفقرا و انجمن عنقا، مرتب حاضر و در ساختن غزلهای طرحی شرکت می جسته و در شعر تخلص صفا می کرده است. (۶) وی علاوه بر همه اینها، از هنر نقاشی نیز بهره کافی داشته و نقاشی های کتاب مثنوی مولانا جلال الدین، که به خط میرزا محمد علی قاننی نوشته شده، از آثار اوست. نامبرده در شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۳۱۳ ه. ق. وفات یافت و در تکیه های میرزا رفیعا به

ص: ۲۹۵

۱- همان: ص ۳۹.

۲- همان، ص ۲۰.

۳- اعتماد السلطنه: المآثر والآثار، جلد اول، ص ۲۷۰.

۴- معلم حبیب آبادی: مجله وحید، شماره ششم، دوره نهم.

۵- اعتماد السلطنه: المآثر والآثار، جلد اول، ص ۲۷۰.

۶- بشارت: کارنامه خاندان قاننی، صص ۲۸ و ۲۹.

خاک سپرده شد. که متأسفانه مزار وی در تأسیس فرودگاه اصفهان از بین رفته

است (۱).

### بشارت حضور

مرحوم میرزا علی رضا قائنی، دارای فرزندی بوده است که ارشد آنها سید حسین بشارت است. سید حسین در تلگرافخانه اصفهان با درجه سرهنگی به خدمت اشتغال داشت. در سال ۱۳۴۱ ه.ق. به موجب فرمانی از طرف احمد شاه قاجار، به لقب «بشارت حضور» (۲) ملقب گردید و هنگام اخذ شناسنامه «بشارت» را به عنوان شهرت انتخاب و از آن تاریخ افراد خاندان حسینی قائنی، به این نام مشهور گردیدند.

سید حسین، از طبع شعر روانی برخوردار بود و در شعر تخلّص بشارت می کرد، ولی متأسفانه هر شعری را که برای دیگران می خواند، آن نسخه را پاره می کرده و دور می انداخته که فلسفه ی این کار معلوم نیست. (۳)

از اشعار وی:

شب های فراق چون سحرگاه شود

هنگام دعا و ناله و آه شود

با دل به شکایت تو می پردازم

امانه چنان که ناله آگاه شود

### وفات

سرانجام مرحوم بشارت در روز پنج شنبه دی ماه ۱۳۱۶ ه.ش. مطابق سال

ص: ۲۹۶

۱- همان، ص ۱۲۱ .

۲- همان: ص ۲۰۸ .

۳- همان، ص ۲۰۹ .

۱۳۵۶ه.ق. دار فانی را وداع و پیکرش در جانب شمال این تکیه مدفون گردید.

متن مزار که شعری از خود وی دارد چنین است:

وفات مرحمت پناه ..... سید حسین خان بشارت به تاریخ روز پنج شنبه..... دی ماه ۱۳۱۶ شمسی، آن مرحوم قبل از فوت سروده:

خطی که بر مزار احبا نوشته اند

این رقعہ دعوتیست که بر ما نوشته اند

امروز گر ز غفلت خود سهل بشمریم

تأخیر در عمل نه به فردا نوشته اند

البته نیست از پس فردا تعللی

کاین امر نامه، باید طولا نوشته اند

گر ما سفر کنیم به امید حق بود

کاین ارجعی ز عالم بالا نوشته اند

ص: ۲۹۷

شاطر حسن سالک اصفهانی فرزند خلیفه حسین، شاعر ادیب، در سال ۱۲۸۸ ه. ق. در محله بیدآباد اصفهان متولد شد.

وی دارای طبع سرشار و روان بوده، و از اعضای انجمن ادبی شیدا بوده است. در شعر تخلص سالک می کرد و در اواخر عمر چون تعدادی دیگر نیز سالک تخلص می کردند و عموماً سالک پیر تخلص می نمود.

این اشعار از اوست:

جهان را جوی قدر و مقدار نیست

بر آن بستن دل سزاوار نیست

وفایی اگر داشت دنیایی دون

چرا غیر جورش به اخبار نیست

جهان دار حزن و ملال است و رنج

دلی شاد از این شوم مگار نیست

زدنیا حذر کن کزین پیر زال

به مردان حق غیر آزار نیست

به کهنه لباسی به دنیا بساز

مخور غم گرت رخت زرتار نیست

اگر چون سکندر بگیری جهان

در روز دگر از تو آثار نیست

به هر جازوی مرگت اندر قفاست

کسی را در این حرف انکار نیست

ز گلزار قطع نظر کن که هیچ

ثبات و بقایی بگلزار نیست

بظاهر جهان گرچه نوری بود

ولی باطن آن به جز تار نیست

عمل گر نداری مزن دم زعلم

«که صد گفته چون نیم کردار نیست»

چو «سالک» بکن کار بهر خدای

که غیر از خدا کس تو را یار نیست (۱)

ص: ۲۹۸

---

۱- مهدوی: تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۳۳.

این شاعر ادیب در ماه رجب ۱۳۵۶ ه. ق. فوت و در جانب جنوبی تکیه به خاک رفت.

متن سنگ مزار او چنین است:

شاطر حسن سالک اصفهانی ولد مرحوم خلیفه حسین (۱).

ص: ۲۹۹

---

۱- نصراللهی، غلامرضا تخت فولاد سرزمین جاویدان، تکیه بروجردی، ص ۳۶.

محمّد حسن منّانی، فرزند مرحوم حاج محمد حسین، متولّد ۱۲۹۸ ه.ق. در اصفهان، از خدمتگزاران به فرهنگ و ادیبان فاضل و متدین قرن چهاردهم هجری است. (۲)

### دوران خدمت

مرحوم منّانی پس از فارغ التحصیلی از دانشسرای مقدماتی به تدریس در مدارس جدید اصفهان پرداخت و ابتدا در دبیرستان فرهنگ با مرحوم میر احمدی و بعد با مرحوم صدرهاشمی همکاری می کرد و آخر سنوات خدمت را در دبیرستان فارابی که خود نیز در آن سهیم بود پرداخت. وی در این مدت علاوه بر تدریس ادبیات به امور حسابداری نیز رسیدگی می کرد.

استاد منّانی از ستاره های درخشان فرهنگ بود که لحظه ای از ارشاد و هدایت محصلین فروگذاری نمی کرد، و با بیان بسیار ملاحظت آمیز و منطقی با دانش آموزان رفتار می نمود و حتّی رفت و آمد آنها را در خارج از دبیرستان زیر نظر داشت و بعضی از آنها را به جلسه ی تفسیر قرآن که صبح جمعه ها در منزلشان برپا بود دعوت

ص: ۳۰۰

- 
- ۱- \* . با تشکر از ادیب شاعر حاج آقا محمد منّانی، برادر زادهی مرحوم حاج آقا حسن منّانی که در تهیه این شرح حال نگارنده را کمک نمودند. حاج محمد منّانی فرزند مرحوم حاج میرزا عباس در ۱۳۱۲ ه. ش. در اصفهان متولد شد. وی از دبیران بازنشسته ادبیات عرب می باشد و در اشعارش منان تخلص نموده و از اعضای انجمن ادبی سعدی، حافظ و نظامی می باشد. دیوان شعر وی به نام دیوان منّانی شامل قصائد، غزلیات، رباعیات، فکاهیات، مثنویات و داستانهای قرآن به سال ۱۳۸۳ ه. ش. به چاپ رسیده است.
- ۲- مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۶.

می کرد.

## جلسات تفسیر قرآن

عصرهای جمعه دعای سمات توسط مرحوم حاج آقا مصطفی بهشتی نژاد در منزل حاج آقا حسن منانی برپا می شد و صبح های جمعه نیز جلسه ی تفسیر قرآن و احکام برپا می داشتند که وعظ و علمای محترم اصفهان از جمله حجج الاسلام حاج آقا میرزا دهکردی، حاج آقا رضا هرندی، حاج آقا صدرالدین کوپایی، حاج آقا سید حبیب الله روضاتی، حاج آقا حسن مدرّس، حاج آقا سید جمال الدین صهری، در این جلسه ی تفسیر شرکت می کردند.

## اوصاف

وی فردی وارسته، متدین، متقی و فاضل و بسیار مهربان و خوش اخلاق و خوش برخورد بود. به مبانی دین پایبند بوده و تا سر حد امکان حتی مستحبات را ترک نمی کردند و به صله رحم بسیار مقید بود و در امر معاشرت بسیار دقت داشت.

## شعر و شاعری

وی طبع شعری روان داشت و شعر را نیکو می سرود و در اشعار منّانی تخلّص می نمود. که نمونه شعرهای او گواه بر این مدعا است.

زبان را به نام خدا باز کن

به نعتش سخن گفتن آغاز کن

س تایش کنم آفریننده را

حکیم سخن گوی بیننده را

سپاس فراوان و بی حد بر آن

خداوند یکتای کون و مکان

خداوند شاهان گردن فراز

که هر بی نیاز است زو در نیاز

خداوند رزاق بنده نواز

که ذاتش مبرّ است ز آز و نیاز

ص: ۳۰۱



خداوند دانای اسرار را  
دهد نحل را در جهان نوش بهر  
همی مور روزی دهد در زمین  
دهد روزی کرم را برگ تر  
خداوند بی چون حی مدام  
یکی دست بر سینه با دستبند  
یکی را دهد کودکی ماهرو  
یکی را دهد خواسته بی قیاس  
یکی را بگیرد از او خواسته  
زبان بند «منّانی» از این کلام  
که روزی دهد نحل و هم مار را  
نهد مار را در دهان جام زهر  
همی برکشد بر فلک یاسمین  
به قعر زمین در میان حجر  
یکی را کند شه یکی را غلام  
یکی بر نشسته بتخت بلند  
یکی را نهد بر دلش آرزو  
که نه شکر او گوید و نه سپاس  
که باطن به ذکرش بیاراسته  
سخن هر چه گویی نگردد تمام

## وفات

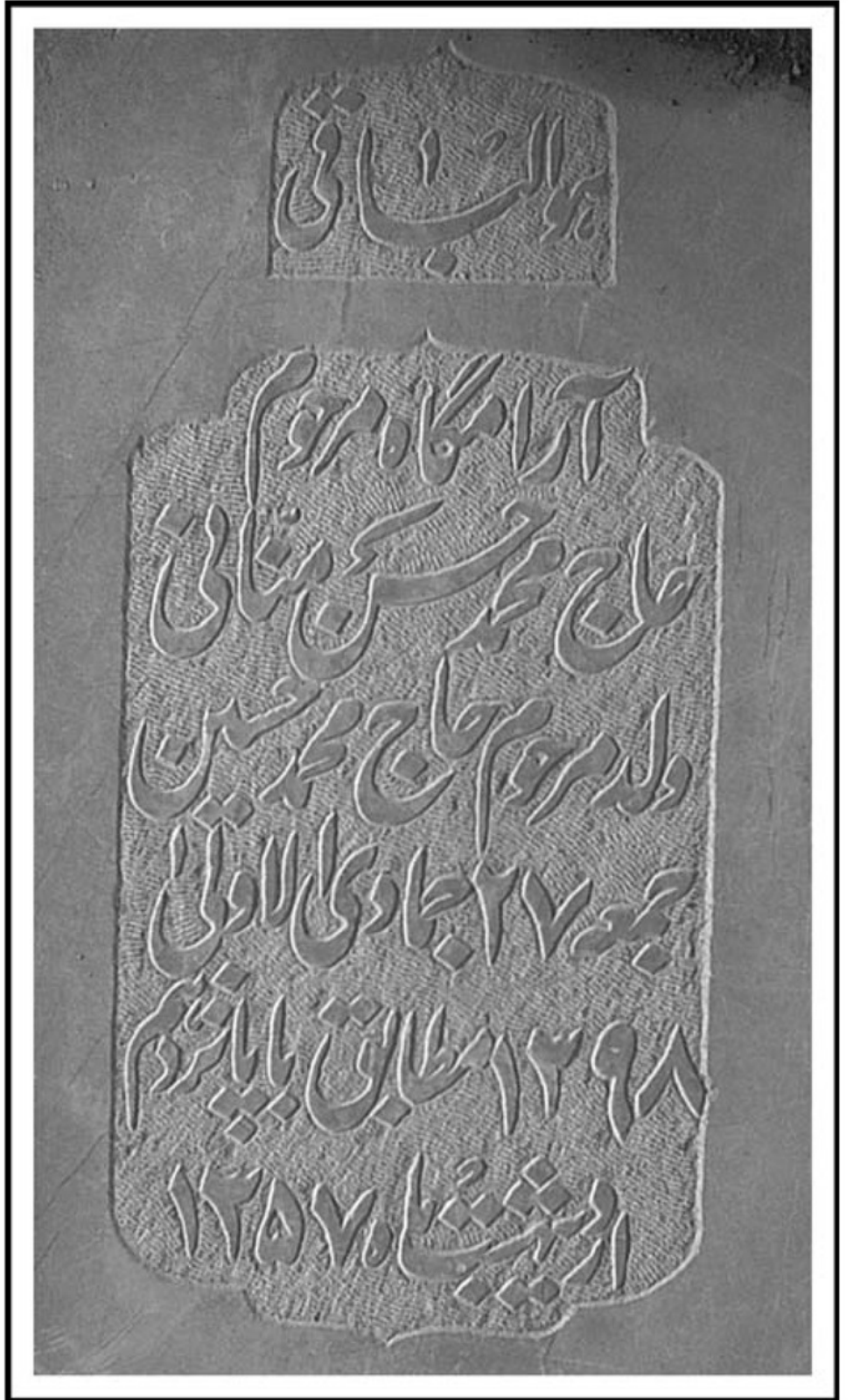
این ادیب فاضل در ۲۷ جمادی الاول ۱۳۹۸ ه. ق. مطابق با ۱۵ اردیبهشت ۱۳۵۷ ه. ش. بدرود حیات گفت و پیکرش در سمت شمالی این تکیه به خاک سپرده شد.

سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

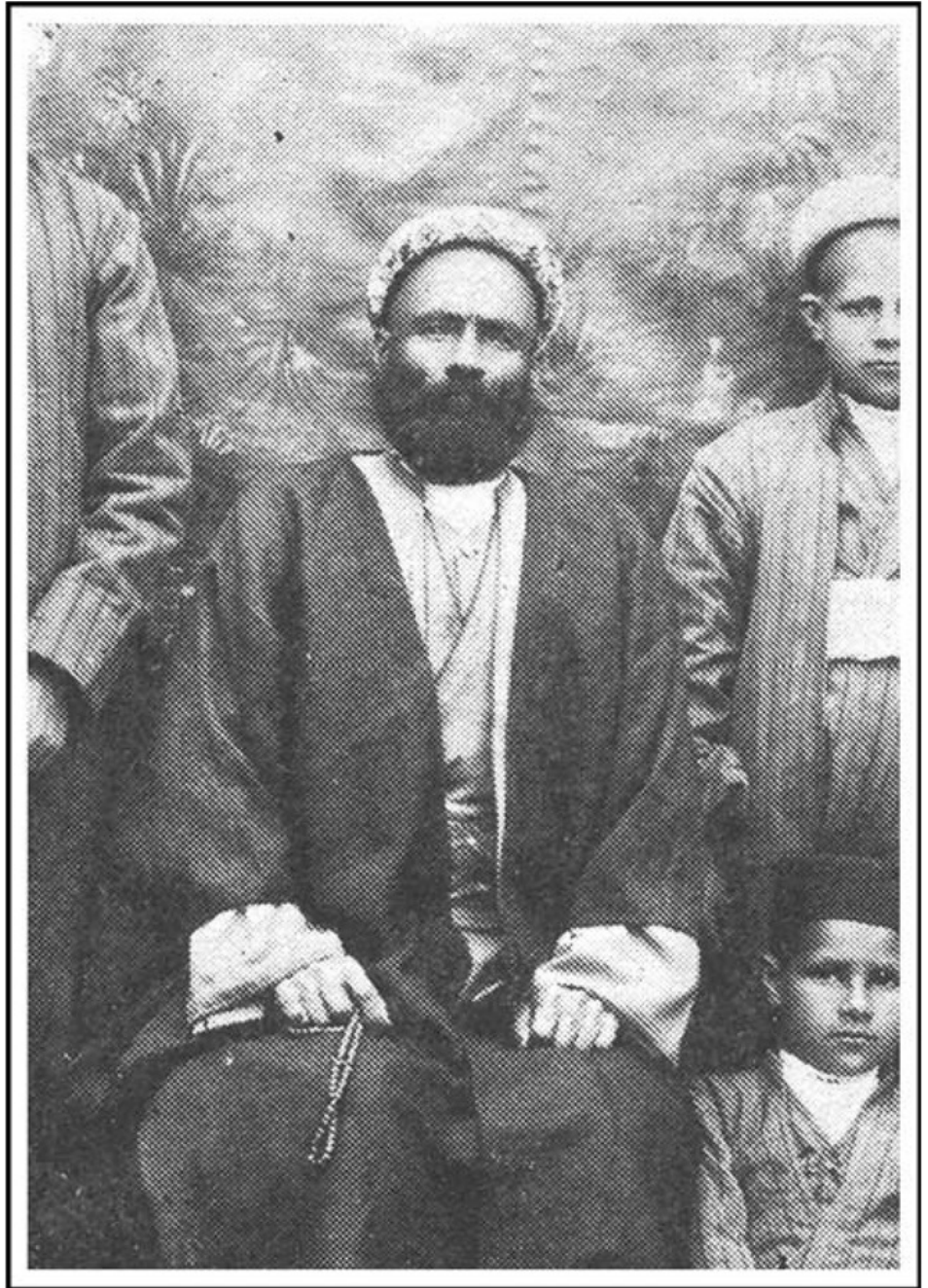
آرامگاه مرحوم حاج محمد حسن منانی ولد مرحوم حاج محمد حسین جمعه ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۹۸ مطابق با پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷.

ص: ۳۰۲



سنگ مزار محمد حسن منانی

عارف شاعر آقا محمد حسن قناد اصفهانی متخلص به ساکت پدرش حاج محمد طلافروش به شغل زرگری اشتغال داشت. وی در سال ۱۲۴۳ه. ش. در اصفهان به دنیا آمد. (۱)



عارف شاعر آقا محمد حسن ساکت اصفهانی

ص: ۳۰۴

در عرفان و تصوّف خود را از سلسله‌ی صفی‌علیشاه می‌نمود. (۱) استاد جلال‌الدین همایی در مقدمه‌ی دیوان طرب او را مردی بسیار پخته و آرام و صافی ضمیر معرفی می‌کند و می‌نویسد: «غزلهای طرحی انجمن شیدا را خوب می‌ساخت و اکثر غزلهای او حسن مطلع داشت و در طریقت داخل اخوان صفی‌علیشاه بود.» (۲)

وی از اعضای قدیمی و محترم انجمن ادبی مرحوم شیدا به شمار می‌رفت و اشعارش در مجله‌ی دانشکده‌ی دوره اول به طبع می‌رسید. (۳)

دیوان اشعار وی سال ۱۳۶۹ ه. ش. به چاپ رسیده است. از اشعار وی مرثیه‌ای در مورد واقعه کربلا است:

به کربلا دل سلطان دین زغم خستند

و دمی که آب به روی عیال او بستند

سکینه خواست ز عباس عم خود آبی

«جواب داد که آزادگان تهی دستند»

«به نخل قامت اکبر به راستی بنگر»

«که سروهای چمن پیش قامتش پستند»

فراز نیزه سر شاه و کودکان به فغان

«درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند»

بیاری شه دین گفت حضرت عباس

به آن گروه که بر قتل او کمر بستند

ص: ۳۰۵

---

۱- معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، جلد ششم، ص ۲۲۱۱

۲- همایی: دیوان طرب، مقدمه، ص ۲۴۶.

۳- شیدا، عباس خان: مجله دانشکده اصفهان، سال اول، شماره اول، ص ۲۹.

اگر جهان همه دشمن شود به دولت دوست

خبر ندارم از ایشان که در جهان هستند

فروگذار نکردند. کوفی و شامی (۱)

به شاه تشنه جگر آنچه می توانستند

کسان که عرش برین بود فرش در گهشان

بشام از ره کین در خرابه بنشستند

موخدان حقیقی به روز عاشورا

ز فیض جام شهادت به دوست پیوستند

مگو خرابه که خلوتگه خدا گردد

به هر کجا که خراباتیان سرمستند

«علی بخویش نبودند از محبت دوست»

و علی الخصوص که پیرایه ای بر او بستند»

شدند جمله حسینی و جان فدا کردند

که حق به غیر حسین علی ندانستند

ز جرم «ساکت» بیچاره در گذر یارب

و به تارکی که ز سنگ جفاش بشکستند (۲)

\*\*\*\*\*

پیش شمع روی جانان پای تا سر سوختیم

این چنین پروانگان کردند ما آموختیم

تانیاید در نظر ما را به غیر از دوست کس

ز آتش غیرت سراسر ماسوا را سوختیم

۱- در این مصرع وزن کم دارد و احتمالاً در جای نقطه چین کلمه ای مانند «قوم» بوده که افتاده است

۲- ساکت اصفهانی: دیوان ساکت، صص ۴۵۴ - ۴۵۵.

همنشین ما مشو ناصح که خواهی سوختن  
از آتشی کز عشق جانان ما به دل افروختیم  
عشق رویش را به دل از جان خریدار آمدیم  
هستی خود را به سودای غمش بفروختیم  
کی روا باشد شکایت کردن از خیاط صنع  
زانکه خود این جامه را بر قامت خود دوختیم  
این قدر دانسته ام ساکت که با بی دانشی  
ای بسا دانش کزین بی دانشی اندوختیم(۱)

میرزا محمد ساکت در رجب سال ۱۳۵۶ه.ق. برابر با ۱۳۱۸ه.ش. در گذشت و در سمت شرقی نزدیک بقعه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه شاعر شهیر میرزا محمد حسن قنّاد متخلّص به ساکت اصفهانی فرزند محمد متوفی ۱۳۱۸

شمسی برابر با ۱۳۵۶ه.ق.

از برای زیستن ساکت نیاید در جهان بینی زبان آمد و حال هریک دوستان پرسید و رفت

تاب مان گرچه مقصودش از این عالم بجز سیری نبود هر چه می باید بفهمد از جهان فهمید و رفت



الما مکاه  
شاعر شمس  
سیرا محمد حسن و شاد  
بتخاصت مبارکت اصفهانی  
فرزند محمد  
شماره ۱۳۱۸ شمس برابر با ۱۳۵۶ هـ ق

از برای گشت مبارکت باید در جهان

آمد و انجان بر یک دوستان پر سید و رفیق

گرچه بخت خوش از این عالم سحر سی می نمود

خوب چه نیاید بفرمان از جهان فشیب و رفیق



میرزا عبدالله تابش فرزند مرحوم آقا میرزا فتح الله خان، در محله ی بیدآباد اصفهان به دنیا آمد.

خاندان تابش معروف به میرزاهای چهارسوق علیقلی آقا از فامیل های محترم و معروف اصفهان می باشند. جدّ ایشان مرحوم میرزا مهدی اشتهااردی بانی مدرسه



ادیب شاعر میرزا عبدالله تابش

میرزا مهدی و آثار خیریه ی دیگر و یکی از منشی های زمان نادر شاه افشار بوده

است. (۱)

این خاندان اهل فضل و ادب عموماً از زمان افشار به بعد در دستگاه حکومتی و ادارات دولتی مشغول خدمت بوده اند. (۲)

میرزا عبدالله تابش از مردان نیک محضر و فضیلتی اصفهان بود و در دفتر کار خانه وطن فعالیت می کرد.

وی طبع روانی در سرودن شعر داشت، گاهی به اقتضای حال اشعاری می سرود و در اشعارش در ابتدا تابش و در اواخر حیاتش «واقف» تخلص می نمود. از نمونه اشعار چاپ شده وی شعری بوده که در مدح خدمات فرهنگی مرحوم سید مصلح الدین مهدوی سروده و در کتاب تذکره الشعراء معاصر اصفهان مرحوم مهدوی به چاپ رسیده است. (۳)

وی در روز جمعه ۱۰ ذی القعدة ۱۴۰۳ ه.ق. برابر با ۲۸ مرداد ۱۳۶۲ ه.ش. چشم از جهان فرو بست و در سمت شمال شرقی تکیه بروجردی به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه

ادیب دانشمند مرحوم حاج میرزا عبدالله تابش فرزند مرحوم فتح الله که در روز جمعه دهم ذیقعدة الحرام ۱۴۰۳ ه.ق. مصادف با شب تولد حضرت ثامن الائمه (ع) برابر ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۲ شمسی بر حمت ایزدی پیوست.

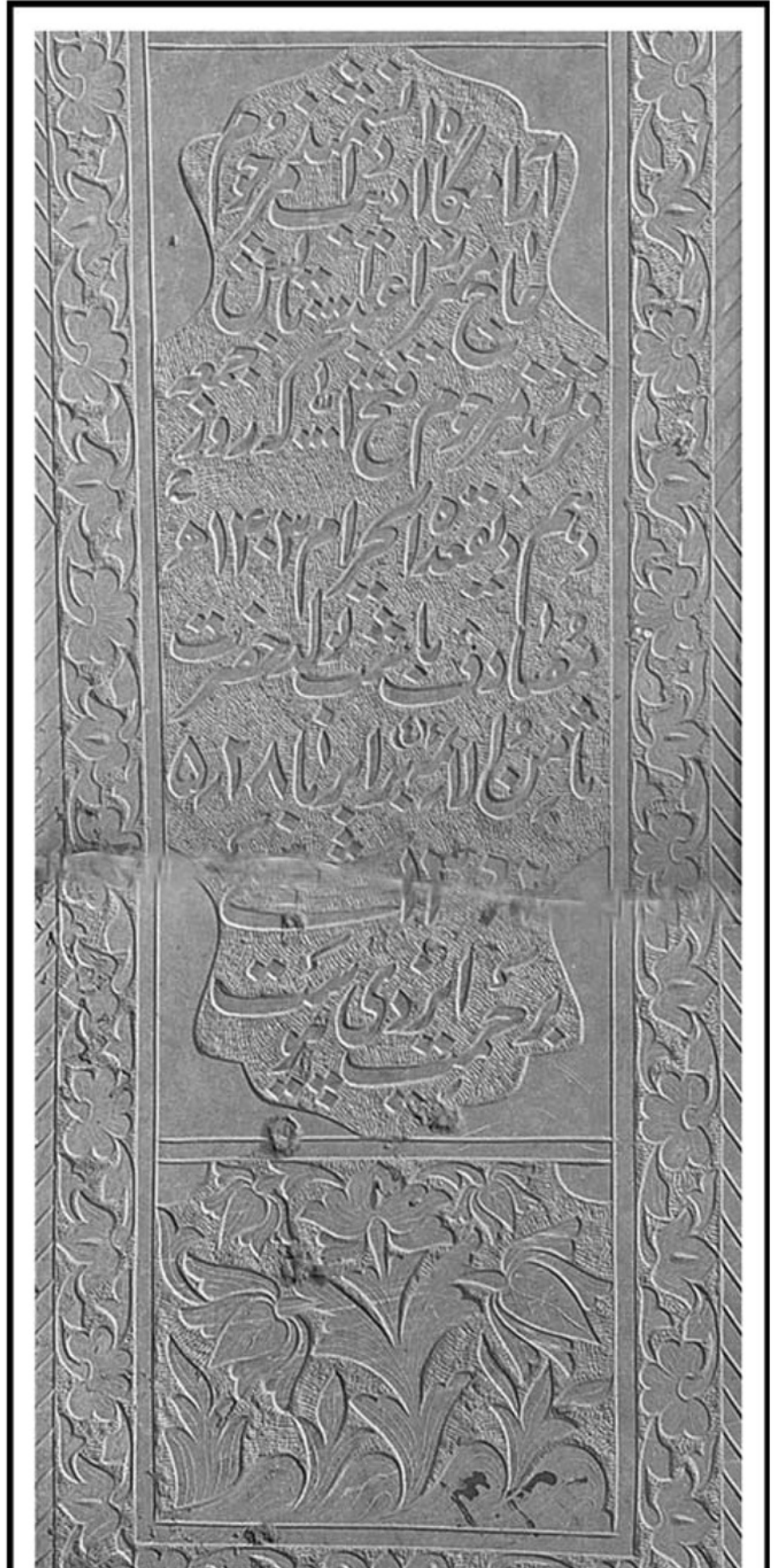
ص: ۳۰۹

---

۱- مهدوی: تذکره شعراء معاصر اصفهان، ص ۱۲۱

۲- همان: بیان المفاخر، ج دوم، ص ۲۳۸.

۳- همان: تذکره شعراء معاصر اصفهان، ص ۱۲۱





سنگ مزار میرزا عبداللہ تابش

ص: ۳۱۰

در زیر نمونه ای از اشعار مرحوم تابش را که فرزند گرامی ایشان آقای مهدی تابش برای نگارنده فرستاده است، نقل می کنیم. (۱)

مناجات با قاضی الحاجات

ای بر احدیتت ز آغاز

خلق ازل و ابد هم آواز

ای قطره ی ابر ذره و ریح

و در حلقه ی طاعتت به تسبیح

ای طرفه آسمان عالی

در بحر تو چون حباب خالی

ای مبدع آفریده گاری

سرمايه ده بزرگواری

ای داده صلاح خود ز آغاز

خلق آمده از عدم به آواز

سررشته ی رشته های هستی

در تذکره ی س پهر پستی

چرخى که ز ماه تا به ماهی

بر ذات تو مختصر گواهی

ص: ۳۱۱

---

۱- با تشکر از استاد شاعر جناب آقای عباس احمدی شاهپورآبادی و استاد شاعر علی رضا لطفی که اشعار مرحوم تابش را بازخوانی نمودند.

نه طاق مقرنس آفریدی

بی مشورت کس آفریدی

یک نقطه زطلعت آسمان است

کانشاء دوکون شرح آن است

چندان که جهان گشاده دیده

غیر از تو خدای خود ندیده

عقل ار طلبت بسی دویده

وز خانه خود برون ندیده

علم تو به خواندن سبق نیست

موقوف گشادن ورق نیست

با حکم تو نیست حکم کس را

در بحر چه اختیار خس را

چون حکم توام مهار دارد

هرجا برد اختیار دارد

هر گل که بکاشت چوب و سنگش

و از خ امهی تست آب و رنگش

نه از گنه منت زیان بود

نه باشدت از عذاب من سود

گر دوزخ گرم بایدت تیز

طومار گناه ما در اوریز

هر نیک و بدی که از نوا بود

نیک از تو و بد ز فعل ما بود





ای سایه ی م ثال گاه بینش  
در حکم وجودت آفرینش  
ای ک البد آفرین جانها  
گوهر کش رشته ی بیانها  
ای طایر عقل عرش پرواز  
بی یاد تو باد ناخوش آواز  
ای برتر از آنکه دیده جوید  
یانطق زبان بریده گوید  
ای بحر تو بیش از آن مقعر  
کانجابتوان فکند لنگر  
یک دانه ز مزرعت زمین است  
کز وی همه خلق خوشه چین است  
در مملکت توربع مسکون  
گردیست ز گردباد گردون  
شد عقل و عقيله چون فلاطون  
در حکم تو همشین گردون  
نقل مجنون تو با دل شکسته  
زنجیر سپهر را گسسته  
صورتگریت به خامه ی تیز  
و در طبع ص ور معانی انگیز  
روی صنم از تو عنبرین خال  
مرغ س خن از تو گوهرین بال



هر نقش که یافت روزگارش  
از قدرت توست بود و تارش  
گر بر در کعبه یا به دیرم  
از شهپر حکم تست سیرم  
هر چند که نامه سیاهم  
شد دودکش تف گناهم  
گر بحر عنایتت بجوشد  
طومار گناه ما بپوشد  
از سوزش ما که نیست سودی  
این شمع ز آب و دود بودی  
خاکم تو سرشته ای و شاید  
ان کز دست تو هیچ بد نیاید  
مارا ز کرم هدایتی بخش  
در ملک رضا ولایتی بخش  
آن در بگشا که چون سحابم  
ره در حرم نجات یابم  
آن ره که سپهر محمل اوست  
جان توشه بهشت منزل اوست  
بنمای به مکتبی در این راه  
راهی که بحضرتت برد راه  
ما را بهمان برات کل بخش  
مهر از کف خاتم رسل بخش



جز دوست در خیال مصور نمی شود  
و با عشق او دو کون برابر نمی شود  
این تیرگی که در شب هجران بعالم است  
جز باجمال یار منور نمی شود  
گر صد هزار سرو بروید به طرف باغ  
و زیبا یکی چوقامت دلبر نمی شود  
دل با ولای آل پیمبر چو خو کند  
آشفته حال در صف محشر نمی شود  
قلبی که پر ز مهر و تهی از عدالت است  
هرگز به روزگار مکدر نمی شود  
پابست هر کسی عمل اوست ورنه هیچ  
جز خیربر عباد مقدر نمی شود  
تاما منافقیم و ستم پیشه و حسود  
اینست وضع ما و نکوتر نمی شود  
آگاه باش از عمل خویش «واقفا»  
چون خوب و زشت محوز دفتر نمی شود

جمعه ۳۳/۱۱/۱۹

\*\*\*\*\*

تو را که گفت، که سالک براه شیطان باش  
مطیع او شو و از آدمی گریزان باش  
به جمع مال حلال و حرام دل خوش دار  
پسی تعدی هر مضطر و پریشان باش



پی نشاندن تخم هوس به مزرع دل  
به فکر یک دو سه هکتار ملک لنجان باش  
که گفت هر شب و هر روز جان به کف چو یهود  
اگهی به شهر صفاهان گهی به طهران باش  
هزار مرتبه گفتند واعظان که بیا  
اگر بگوش گرفتی زهی سعادت تو  
وگرنه م نتظر انتقام یزدان باش  
بین مشقت دنیا عالی و دانی  
بکش مرارت عقبی مقیم نیران باش

۳۳/۱۱/۲۲

\*\*\*\*\*

به کوی دوست مهیا برای قربان باش  
و به کیش زنده دلان پای تا به سر جان باش  
به پیش شمع رخس جان خود چو پروانه  
فدا ز عشقی کن و تا به حشر خندان باش  
گذشت فصل زمستان رسید موسم گل  
غزل سرای چو بلبل میان بستان باش  
ب ه کار بسته بیچارگان مخند ای دل  
گره گشاز دل کافر و مسلمان باش  
چو خواستی که رهی از عذاب هر دو جهان  
محب آل و پیمبر ز روی ایمان باش

ص: ۳۱۶



بکن اطاعت آنها مکن گدائی خلق  
کمر به خدمت آنان ببند و سلطان باش  
بیخسش گنهدت «واقف» از طریق خلوص  
از پیشگاه خدا خواستار غفران باش جمعه

۳۳/۱۱/۲۲

\*\*\*\*\*

از هم چو باز دیده غمّاز کردهای  
ابواب فتنه بر رخ ما باز کرده ای  
چشمان پر کرشمه و مستت دلم ربود  
و گویا به جای سرمه در آن ناز کرده ای  
واللّیل والضحی است مرا ورد روز و شب  
زین زلف و رخ که تو به هم انباز کرده ای  
ای اشک سر عشق نهان بود در دلم  
افشا به چهره ام ز چه این راز کردهای  
ایمن شدی ز پنجه صیّاد و دام غم  
ای مرغ دل به کعبه چو پرواز کرده ای  
ای آنکه دهر همچو سلیمان به کام تست  
بر دانه ای ز مورچرا از کردهای  
از چنگ فقر صورت مسکین خراش یافت  
تو گوش خود به چنگ و به آواز کرده ای  
درویش گوچو تاج قناعت به سر نهاد  
خوش باش از این مقام که احراز کرده ای



انجام آن حواله به روز قیامت است  
این جور را که تو به من آغاز کرده ای  
هرگز نکرده است کس ای یار بی وفا  
و بر «واقف» این جفا که توطناز کرده ای

\*\*\*\*\*

آسوده بود آنکه ندارد به جهان نام  
چون نامور آمد برود از دلش آرام  
دارا به دوصد غصه کند گندمش انبار  
مسکین نبرد قدر جوی محنت ایام  
دل گشته گرفتار به دام سر زلفش  
گفتم که چنین مرغ رهاکی شود از دام  
گفتند به مجنون که تو را خانه کجا شد  
آنجاست بگفتا که نه در دارد و نه بام  
چندی است ز آرام دل من خبری نیست  
ب ی روی دلارام ن دارد دلم آرام  
هر چند فرستم به سراغش اثری نیست  
گویا که نداده است دمی گوش به پیغام  
ز آغاز جوانی به سرم عشق وی افتاد  
عشق است و ندانم به کجا باشدش انجام  
آیا چه خطا رفت که آن ماه ختن صبح  
از عاشق غمدیده نبرده است دگر نام  
گویا ندهد عمر مرا بخت از این پس

چون طالع من هیچ ندارد بمن اقدام

ص: ۳۱۸

خون می خورم از دست وی و ترسم از آنجا

کاندر بر اغیار کشد باده یکی جام

از هجر رخس صبح به چشمم همه تاریک

اوز وصل جمالش همه روشن شودم شام

طوبی به جنان در نظرش جلوه ندارد

هرکس نظر افکند بدان سرو گل اندام

اما بود امید که بختم کند امداد

اید به سر مهر و زمانی دهم کام

هر چند وفا نزد بتان شیشه و سنگ است

ای واقف» ناپخته تو داری طمع

\*\*\*\*\*

تا پا به رسم و راه اروپا گذاشتیم

عقبای خویش بر سر دنیا گذاشتیم

تا عشرتی تمام به دست آوریم ما

پای طرب به دامن صحرا گذاشتیم

شد خون دل اگر چه همه قوت ما ولی

هر لحظه لب به ساغر مینا گذاشتیم

از دور جام و ز می ساقی شدیم مست

لب بر رخی چو لاله حمرا گذاشتیم

باشد که سنگ فتنه به سر بارد از فلک

چون از گلیم خویش فرا پا گذاشتیم

افزود هر چه خواست ستمگر بما نمود

تا وعده حساب به فردا گذاشتیم

ص: ۳۱۹

اطراف روبهان دغل باز گشته جمع

وان شیر اسیر سلسله تنها گذاشتیم

گمره شدن ز کوری چشم دل است و ما

تقصیر با دو دیده □ بینا گذاشتیم

«واقف» ز جور مردم دون رنجه میکشیم

چون کار با مهیمن یکتا گذاشتیم

ص: ۳۲۰

علی محمد کاویان جهرمی فرزند میرزا محمدرضا از شعرای گمنام اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. وی در شعر تخلّص «پیمان» می کرد. علی محمد کاویان در ۱۳ رمضان ۱۳۱۸ه. ق. دیده به جهان گشود و در ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۲ه. ق. وفات یافت و در سمت شمالی این تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار که حاوی اطلاعات و شعری سروده ی اوست.

آرامگاه ابدی بنده بی مقدار شرمسار امیدوار به درگاه آفریدگار علی محمد کاویان متخلص به پیمان فرزند شادروان میرزا محمدرضا که در ۱۳ رمضان ۱۳۱۸ دیده به جهان گشوده و در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۶ برابر با ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۰۲ دیده فروبسته اشعار از اوست:

بر سر خاکم اگر می گذری باش بهوش

که قدم نهی ام بر سر و چشم و بگوش

تو مپندار اگر از نظرت دور شدم

غافلم از تو شدی یا که ز یادم فرموش

شمع رویت چو شبستان دلم روشن کرد

تا ابد می نشود روشنی دل خاموش

زنده دل هرکه بود تا به ابد زنده بود

مرده آنست که در زندگی آمد مدهوش



پاکدل باش تو در زندگی از کس مهراست  
شاد زی و زغم بیش و کم روزی مخروش  
چونکه در آمدن و زیستن و رفتن ما  
اختیاری نبود جامه ی اندوه میپوش  
تو چه دانی که دم دیگرت آید چه بسر  
در غم نامده چون آب بر آتش تو مجوش  
دم غنیمت شمر از نعمت آماده بگیر  
بهرهی خویش و بیاسای و باندازه بگوش  
رفته ها رفته دگر باز نیاید زنهار  
که پی رفته روی غم شودت هم آغوش  
مرگ امری است طبیعی که بود همچون خواب  
زان هراسان مشو آسوده چو آیش بنوش  
مرغ جان از قفس تن چو شود در پرواز  
زغم آزاد و بشادی شود او دوش بدوش  
مرغ آزاده چسان از قفس آسوده زید  
چه تجانس بود ابلیس لعین را بسروش  
همچو پیمان کز ازل در گرو پیمان است  
مگسل رشته و این گوهر تابان مفروش  
گوهر صدق و صفا طرفه متاعی باشد  
اگر دو عالم بدهندت مده از من بنیوش  
خواهی ار عیب تو از خلق پیوشد خالق  
عیب مخلوق خدا را تو به هر حال پیوش



کرد پیمانہ ی پیمان چوپرا این مینایی

بی گمان می نگذارد که شود امشب دوش

با حضور و نظارت خودم نوشته شد (کاویان جهرمی ۵۴/۸/۶) (۱)

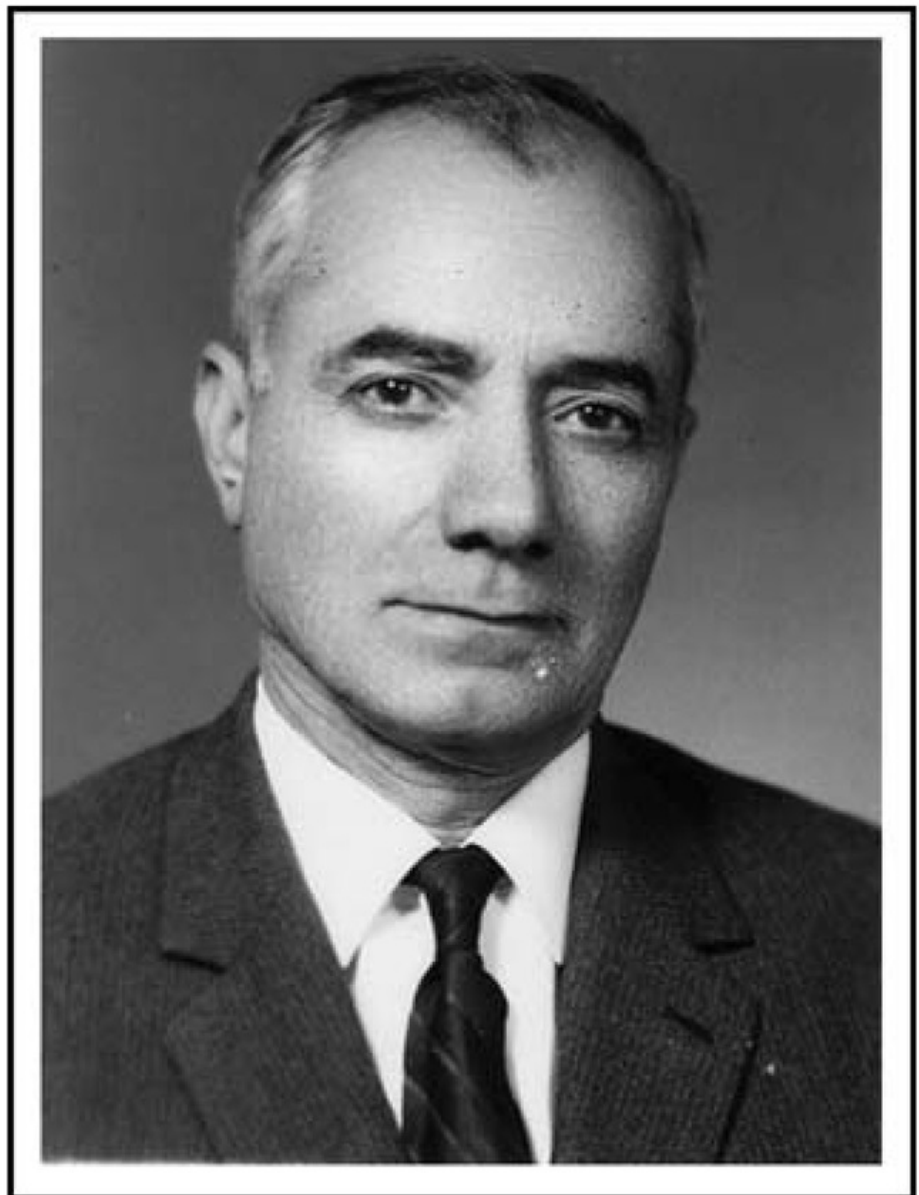
ص: ۳۲۳

---

۱- شعر دیگری از وی بر روی سنگ مزار همسرش که در کنار خودش مدفون است حک شده است.

عباسعلی بهرامیان فرزند تقی به سال ۱۲۸۷ ه.ش. در محله ی پاچنار سیچان اصفهان به دنیا آمد. دوره‌ی تحصیلات ابتدایی را در محل تولد خود گذراند و در مهرماه ۱۳۱۴ ه.ش. از دبیرستان نظام اصفهان فارغ التحصیل شده و دوره دانشکده افسری را در سال ۱۳۱۶ ه.ش. در تهران به پایان رسانید و پس از سی سال خدمت نظامی در ارتش با درجه ی سرهنگی بازنشسته گردید.

وی طبع شعری روان داشت و در اشعار «بهرام» تخلص می نمود و در انجمن های شعری از جمله انجمن ادبی صائب شرکت می نمود. اشعار وی در برخی روزنامه، مجلات و کتاب ها از جمله کتاب دویست شاعر به چاپ رسیده است.



۱- \* - با تشکر از سرکار خانم پژمان همسر مرحوم بهرامیان که شرح حال و اشعار همسرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.

مرحوم مهدوی در مورد ایشان چنین می نویسد: «آقای عباسعلی بهرامیان از اهالی سیچان اصفهان

مدّتی با یکدیگر در یک مدرسه و کلاس مشغول تحصیل بودیم الحق جوانی است به فضایل اخلاقی آراسته و به کمالات صوری و معنوی پیر  
استه» (۱).

از نمونه اشعار وی چنین است:

ای خوش آن روز که در دل غم جانانه نبود

سخنی جز سخن دوست به کاشانه نبود

با خیالش دل خود زار نمودم صد حیف

جای سیمرخ در این لانه ویرانه نبود

تا که شمع رخ اور محفل ما روشن کرد

با کم از سوختن خویش چو پروانه نبود

چشم او گر زازل معنی مستی میگفت

تا ابد هیچ سخن از مسی و میخانه نبود

زلف و خال رخ او اهل دلی دید و بگفت

دام هرگز به جهان بر زبر دانه نبود

بسکه شد بسته ی زلفش دل صاحبنظران

دیگر اندر خم گیسو ش ره شانه نبود

حاصل از عمر ندیدیم که این خواب و خیال

قصه ای بود سراسر که جز افسانه نبود

ص: ۳۲۵

---

۱- مهدوی: یادداشت های خطی .

گر نبودی به جهان زمزمه از عشق و امید

باده ای جز غم ایام به پیمانہ نبود

## وفات

وی در چهارم مرداد سال ۱۳۵۴ ه.ش. دار فانی را وداع و در سمت غرب تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه شادروان مرحوم سرهنگ عباسعلی بهرامیان فرزند تقی متولد ۱۲۸۷ ش. و در تاریخ چهارم مرداد ۱۳۵۴ برحمت ایزدی پیوست.

سرهنگ بهرامیان داد بجانانه جان

طایر روحش نمود به شاخ طویی مکان

شاعر ملک سخن شمع به هر انجمن

سوخت که روشن کند خانه ی بی خانمان

به راه علم یقین رهرو دین مبین

خادم سلطان دین رها از این خاکدان

مردی پاکیزه جان فارغ از این جهان

بهر وضع و شریف بود بسی مهربان

هر چه که او را توان بود، به تن هم بجان

بی نظر ایثار کرد در ره حق رایگان

تلک بود او، بصورت خاکیان

برتر از این خاکدان به خیل افلاکیان

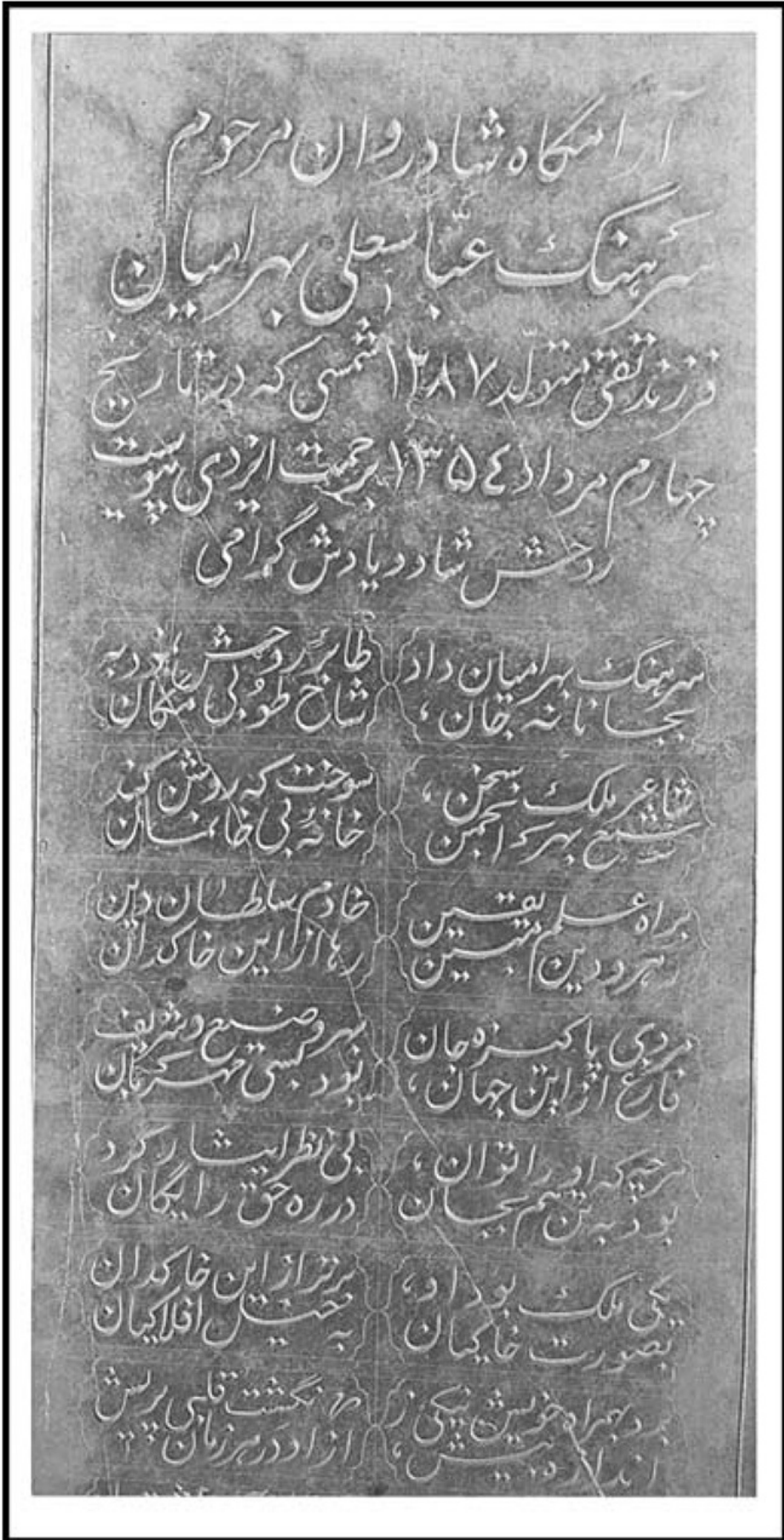
برد بهمراه خویش نیکی زاندازه بیش

انگشت قلبی پیش از او در هر زمان

برفت عباس وار در راه عشق علی (ع)

برتر از آن عشق باد تربت او منجلی





آرامگاه شادروان مرحوم  
 سرسنگ عباسعلی بهرامیان  
 فرزند قاسم متولد ۱۲۸۲ شمسی که در تاریخ  
 چهارم مرداد ۱۳۵۵ بر حسب ایزدی سپوت  
 رحلتش شاد و یادش گرامی

طاهر و حشر ایزدی	سرسنگ بهرامیان داد
شاح طوبی مکان	جسانانه جان
سخت که روشن کن	شاه عماد بخت
خانه بی خانمان	سید سعید آهنگر
خادم سلطان دین	براهیم بخت
رها از این خاکدان	مهر دین آهنگر
مهر و صبح و شرف	مردی پاک ز جهان
بود بسی مهر جان	فایز از این جهان
بی نظیر ایشا کرد	مردی که او را توان
دره حق را بجان	بود بین هم جهان
میرزا از این خاکدان	یکی ملک بود او
مختار افلاکیان	بصورت خایمان
مرد مگشت قلمی برش	دو به راه خویش یکی
از ادر در زمان	از ادر در زمان

سنگ مزار عباسعلی بهرامیان



ادیب فاضل، سید مهدی مکینیان، فرزند سید احمد خان مکین الدوله فرزند میرزا محمدعلی خان شیرازی به سال ۱۲۸۸ ه.ش. در اصفهان متولد گردید. پدرش سید احمد خان مکین الدوله از سال ۱۳۴۵ ق. حاکم و نماینده از طرف حکومت اصفهان در منطقه ی برخوردار بود.

وی تحصیلاتش را در اصفهان به پایان رسانید و از بدو تأسیس بنگاه برق دهش اصفهان که توسط مرحوم عطاء الملک دهش (فوت ۱۳۳۸ ه.ش.) پدر صنعت برق اصفهان پایه گذاری و تأسیس شد وی به عنوان مدیر حسابداری آن مشغول به کار شد و تا آخر عمر به همین عنوان با بنگاه مذکور که بعداً نامهای دیگری گرفت همکاری نمود.

وی فردی نیک اندیش بود، به اشعار مولوی علاقه ای خاص داشت و اغلب شعرهای مولوی را با همان حالات عرفانی زمزمه می کرد.

انسانی متدین و روشنفکر بود، در خطاطی بخصوص شکسته نستعلیق مهارت بسیار داشت که اشعاری با خط شکسته نستعلیق از وی موجود است.

### روزنامه مکین

از مهمترین فعالیت های اجتماعی و فرهنگی وی چاپ روزنامه مکین در اصفهان بود که امتیاز آن را در تاریخ سوم اسفند ۱۳۳۰ ه.ش. دریافت نمود و اولین شماره ی آن را روز پنجشنبه پانزدهم آبان ۱۳۳۱ ه.ش. به چاپ رسانید این روزنامه

ص: ۳۲۸

---

۱- \* . با تشکر از فرزندان مرحوم مکینیان که شرح احوال و آثار پدرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند . ۱- حکم حکومتی وی در آرشیو دانشنامه تخت فولاد موجود می باشد.

ثم جعلناه نطفة في قرار مكين

**روشن ما :**  
مبارزه بارذائل اخلاقی  
» « مفاسد اجتماعی  
» « جهل و بیخردی  
حرفدار حقیقت و طایقت محروم

# گفتگو

صاحب امتیاز و مدیر و نویسنده  
**محمد کیانی**  
مجموعه پخش ۲۰ مقابل مسجد سید  
تلفن ۹۶۰۹

شماره اول

پنجشنبه ۱۵ آبان ماه ۱۳۳۱

شماره اول

## تا اذ افر هنك استان دهم

جواب قانع کننده ندهد موضوع را دنبال میکنیم  
و میبرسیم دلیل اینکه دبستان نسوان صارمیه که در محل پیدا شد  
بست مسجد شینلو و برای استفاده دوشیزگان اهل محل چندین سال دایر  
بود به کوچه دروازه دولت انتقال دادید چیست ؟ آیا دبستانی که در محلی  
دایر است برای رفاه و آسایش اطفال همان محل نیست ؟

## وظیفه ما :

### بنام ایزد یکتا

هر کس در اجتماع وظیفه دارد ، اگر خوب ادا کرد بهترین پاداش  
از رضایت وجدان او است .  
وجدان چیست ؟ چیز شریف و مقدسی است . همان است که اگر

مرحوم مکینیان در سرودن شعر طبع روانی داشت و اشعارش را در روزنامه مکین به چاپ می رسانده است.

از نمونه اشعار وی چنین است:

به مناسبت ماه رجب و عید مبعث حضرت خاتم الانبیاء و تقارن آن با عید سعید نوروز، که در اسفند ماه سال ۱۳۳۲ ه. ش سروده است:

ز بهار و نکهت فرودین چمن و دمن چه زمردین

رجب آمده مه عابدین فرحی رسیده به اهل دین

شده مبعث شه مرسلین ملک الملوک مقربین

همه نه فلک به طفیل این ز عطای احسن خالقین

همه از برای کمال او - بلغ العلی بکماله

شده گلستان همه دلستان سوی بوستان همه دوستان

شده جلوه گر مه آسمان همه بهر ختم پیمبران

شه دلبران و جهان جان چو به محشر او بشود عیان

بحضور خالق انس و جان بکند شفاعت عاصیان

همه روشنی ز جمال او - کشف الدجی بجماله

خلق عظیم خصال او به جهان نه مثل و مثال او

همه محو روی و جمال او به دو ابروی چو هلال او

ترسیده کس به قبال او به مقام و جاه و جلال او

نه کسی رسد به فعال او، شده عقل خیره به حال او

به کمال او بخصال او - حسنت جمیع خصاله

چو درود بی حد و انتهی، به جمال حضرت مصطفی (ص)

به وصی او شه لافتی، دگران ائمه ی باصفا

به طفیلشان همه ماسوا، بنموده خلق و عطا خدا  
چو بظلشان همه اولیاء، چو مدیحشان شده طاوها  
بتمام موالی و آل او □ صلو علیه و آله  
شده از عنایت سرمدی، نظری بیرکت احمدی  
بعنایت شرع محمدی، که سروده مدحت اسعدی  
بهاروسیصد و سی و دو چو برای عقل مجردی  
که زحق رسول ممجدی، به یقین که خاتم و ارشدی  
همه مهتدی ز نوال او - ثم الهدی بنواله  
همچنین از دیگر سرودهای وی:  
سال نو گشت به یاران کهن مژده دهید  
که بهار آمد و باغ آمد و گل آمد و عید  
سال نو گشت به آیین کهن می باید  
خدمت دوست شد و دست ارادت بوسید  
خدمت دوست بیاید شد و گفتن با دوست  
بر تو ای دوست مبارک بود این عید سعید  
صحبت یار کهن تازه بهار است که یار  
تازه تر گردد، هر قدر کهن تر گردید  
تازه آن نیست که چون سبزه تر و تازه بود  
کهنه آن نیست که چون گل نبود سرخ و سپید  
تازه آن نیست که دوران بنوایش رساند  
کهنه آن نیست که چون تازه بدوران نرسید

تازه آن است که از دل برد اندوه کهن  
کهنه آن است که گردد زرخش غصه پدید  
تازه آن است که تن پیر ولی روح جوان  
کهنه آن است که تن پاک ولی روح پلید  
من از این تازه بدور امدگان کهنه و نو  
و تازه ها دارم کز کهنه و نوکس نشنید  
ای خوشا عید و خوشا دیدن یاران کهن  
که زایام کهن تازه کند عهد سعید  
سال نو آمد و نو گشت امید همه خلق  
که حیات همه عالم به امید است امید  
هیچ دانی که چگونه بتو این تازه بهار  
هر سحرگاه نسیمش بگل و لاله وزید

\*\*\*\*\*

غرض از عید نه آن است که ارباب نعم  
ب نشینند و بنوشند همه نقل و نیند  
غرض از عید نه آن است که ارباب درما  
جامه ی تازه بپوشند به الطاف مزید  
غرض از عید بود آنکه توانگر پرسد  
خبر از حال فقیری که نشسته بنوید  
غرض از عید بود آنکه توانگر بخرد  
جامه آنرا که کسش کفش و کلاهی نخرید  
غرض از عید بود آنکه توانگر بدهد

میوه آنرا که از باغ بجز خار نچید

ص: ۳۳۲



ای توانگر خبرت هست که چون وعده گذشت

کیفر وعده خلافان برسد روز وعید

ای خوش آن عید کزان شاه و گدا خوش باشند

که چنین عید سعید است و جز این نیست سعید

شادمان آنکه بپوشید بتن جامهی نو

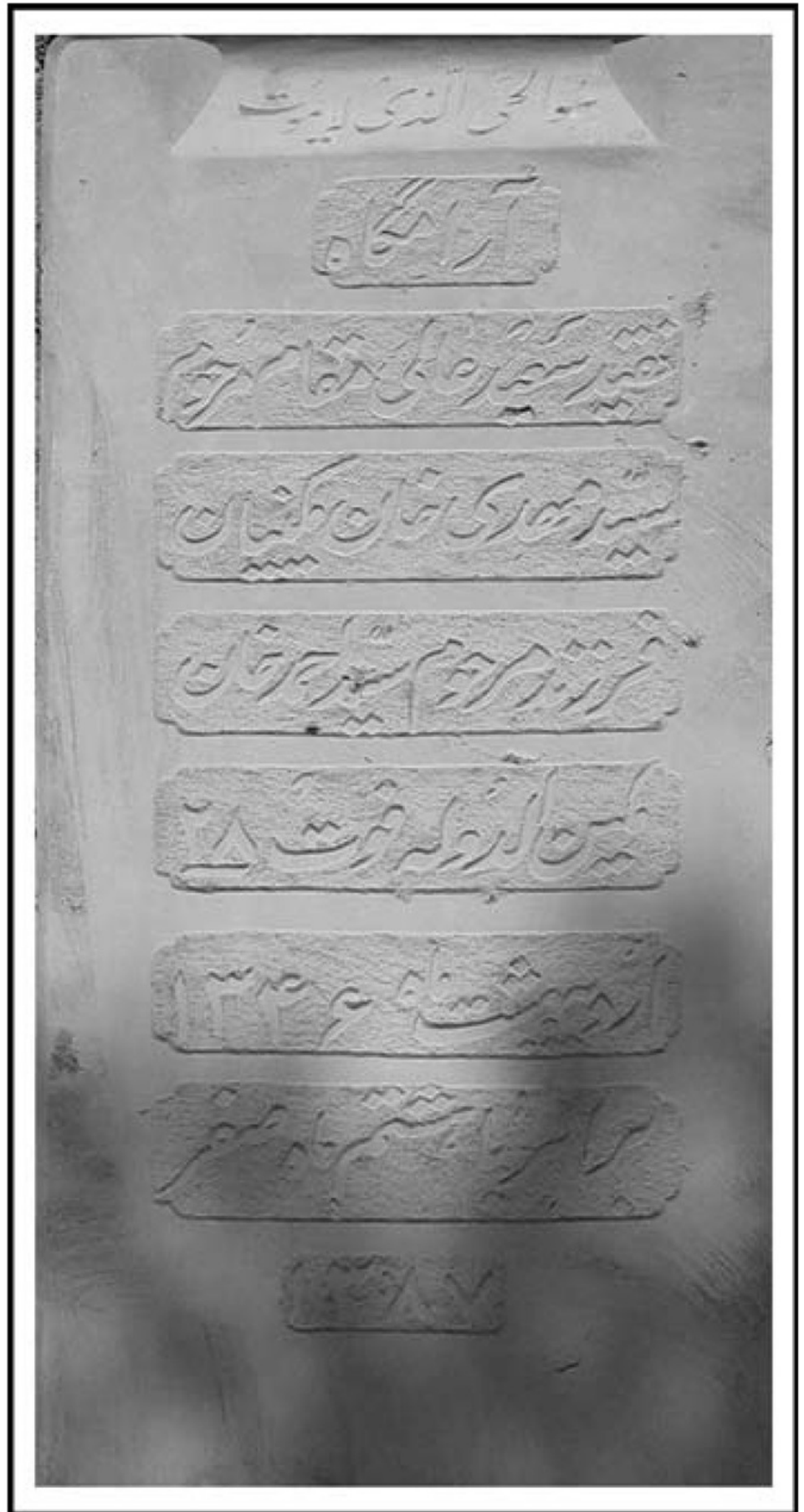
ش ادمان تر که فقیران را نو پوشانید

## وفات

سرانجام این ادیب فاضل در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۴۶ برابر با ۸ صفر ۱۳۸۷ ه. ق. دار فانی را وداع گفت و در جوار مرقد مرحوم میر سید علی مقدّس بید آبادی پدر همسرش در سمت جنوب این تکیه مدفون گردید. متن سنگ مزار او چنین است:

هو الحی الذی لا یموت

آرامگاه فقید سعید عالی مقام مرحوم سید مهدی خان مکینیان فرزند مرحوم سید احمد خان مکین الدوله فوت ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۴۶ برابر با هشتم ماه صفر ۱۳۸۷ ه. ق.



سنگ مزار سید مهدی مکینیان









میرزا عباس اسفرجانی فرزند میرزا حسین فرزند نصر الله فرزند محمد معروف به ذوالفنون (۲) در سوم مهر ماه سال ۱۲۶۶ ه.ش. در شهر اصفهان بدنیا آمد.

دوران جوانی را به علّت ذوق فراوان به هنر در رشته های مختلف مثل سوخت معرق، مینیاتور و غیره طرحهای بدیع و جالبی به وجود آورد و سفارش های فراوان از مشتاقان هنر دریافت نمود.



- 
- ۱- \* . با تشکر از فرزندان مرحوم میرزا عباس ذوالفنون که در تهیه زندگی نامه پدرشان نگارنده را کمک نمودند
- ۲- مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۹.



از اقدامات این هنرمند ایجاد هنرکده بزرگی است که هنرواران تحت نظارت آن استاد به خلق آثار می پرداختند که اینها خود بعدها استادان بزرگی در هنر شده که نمونه ی آنها خوشنویس زاده و مرحوم حاج میرزا محمد علی خان نقاش و غیره بوده اند. مرحوم استاد ذوالفنون در مقطعی از زندگی خود با تهیه ی آزمایشگاهی که بوجود آورد تجربیاتی در علم شیمی بدست آورد و در این راه به تهیه ی آلیاژهای مخصوص مجسمه سازی اقدام نمود. در همین زمان بر حسب دستور وزارت معارف عده ای از معارف پژوهان در صدد تهیه قندیل جهت آرامگاه فردوسی بر آمدند که تحت نظر استاد ذوالفنون این قندیل که بدون شک یکی از شاهکارهای صنعتی عصر حاضر است ساخته شد. این قندیل که بر اساس اشعار فردوسی با مجسمه های فراوان از شکارگاهها و سواران که در وسط آن مجسمه ی بزرگ ابوالقاسم فردوسی شاعر بزرگ بود، آماده شد. روی این مجسمه با مینیاتورکاری زینت یافته است، این قندیل در سالهای ۱۳۱۳ الی ۱۳۱۷ ساخته و مدتی در چهلستون اصفهان مورد بازدید مردم و جهانگردان قرار گرفت، و سپس در سال ۱۳۲۰ ه.ش. به آرامگاه فردوسی برده شد، و هم اکنون جزو میراث فرهنگی غنی ایران نگهداری می شود. از دیگر فعالیت های مرحوم میرزا عباس خان، شرکت در نمایشگاه بزرگی از کشورهای مختلف جهان در سال ۱۹۳۱ م. مطابق دی ماه

۱۳۰۹ ه.ش. در انگلستان بود که به مدت هشت ماه با گروهی از هنرمندان به لندن اعزام شده بود اقدام به اجرای سردرب نمایشگاه به سبک سر درب مسجد امام اصفهان روی پوست و کاغذ مخصوص نقاشی به سبک کاشی کاری های دوران صفوی و نقاشی آن زمان را به صورت سوخت معرق تهیه کرد و همراه گروه خود به آنجا برد و بر سر در نمایشگاه نصب نمود که تحسین و اعجاب بازدیدکنندگان خارجی به خصوص تحسین رئیس الوزراء را به همراه داشت و اخبار آن در

مرحوم ذوالفنون بعد از بازگشت از اروپا بر حسب دستور وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به اخذ مدال درجه یک علمی نایل گردید.

مهم ترین رشته ی هنر مرحوم میرزا عباس اسفرجانی سوخت معرق بود که در نهایت ظرافت و مهارت کار می کرد. به طوری که یک تابلو مینیاتور نقاشی را با برش و جاسازی صدها طرح بدیع در پوست نازک آهو که بوسیله رنگهای گیاهی که توسط خود استاد ساخته می شد و در کنار هم قرار می گرفت و تهیه و برای زینت از آب طلا- در روی آن استفاده می کرد. تابلوهای مزبور هم اکنون با ابعاد ۹۰ سانتی متر در ۱۹۰ سانتی متر در کاخ سعد آباد، کاخ مرمر نیاوران موجود است و در کتابخانه ی ملی با ابعاد ۱۵۰ سانتی متر در ۲۵۰ سانتی متر قرار دارد.

آقای محمّد علی کریم زاده درباره ی استاد ذوالفنون می نویسد: «میرزا عباس خان ذوالفنون از مذهبیان و استادان هنر سوخت معرق در زمان احمدشاه و رضاشاه بود، که در هنر خود مهارت زیادی داشت» (۲).

مهمترین و برجسته ترین کارهای وی تابلوی ۱۵۰ سانتی متر در ۲۵۰ سانتی متر سوخت معرق است که در جشن های هزاره شاعر بزرگ حکیم ابوالقاسم فردوسی در دهه دوم قرن چهاردهم بنا به خواسته ذکاءالملک فروغی و علی اصغر حکمت تابلوی بسیار بزرگی با ابعاد ذکر شده از سوخت معرق که نوعی هنر چرمکاری با تزئینات مینیاتور، تذهیب، تشعیر و غیره با صدها تکه کنار هم قرار گرفته است، ساخته شد. هم اکنون این تابلو بنا به درخواست مرحوم مهدی بیانی به کتابخانه ی ریاست جمهوری منتقل و نگهداری می شود.

ص: ۳۳۹

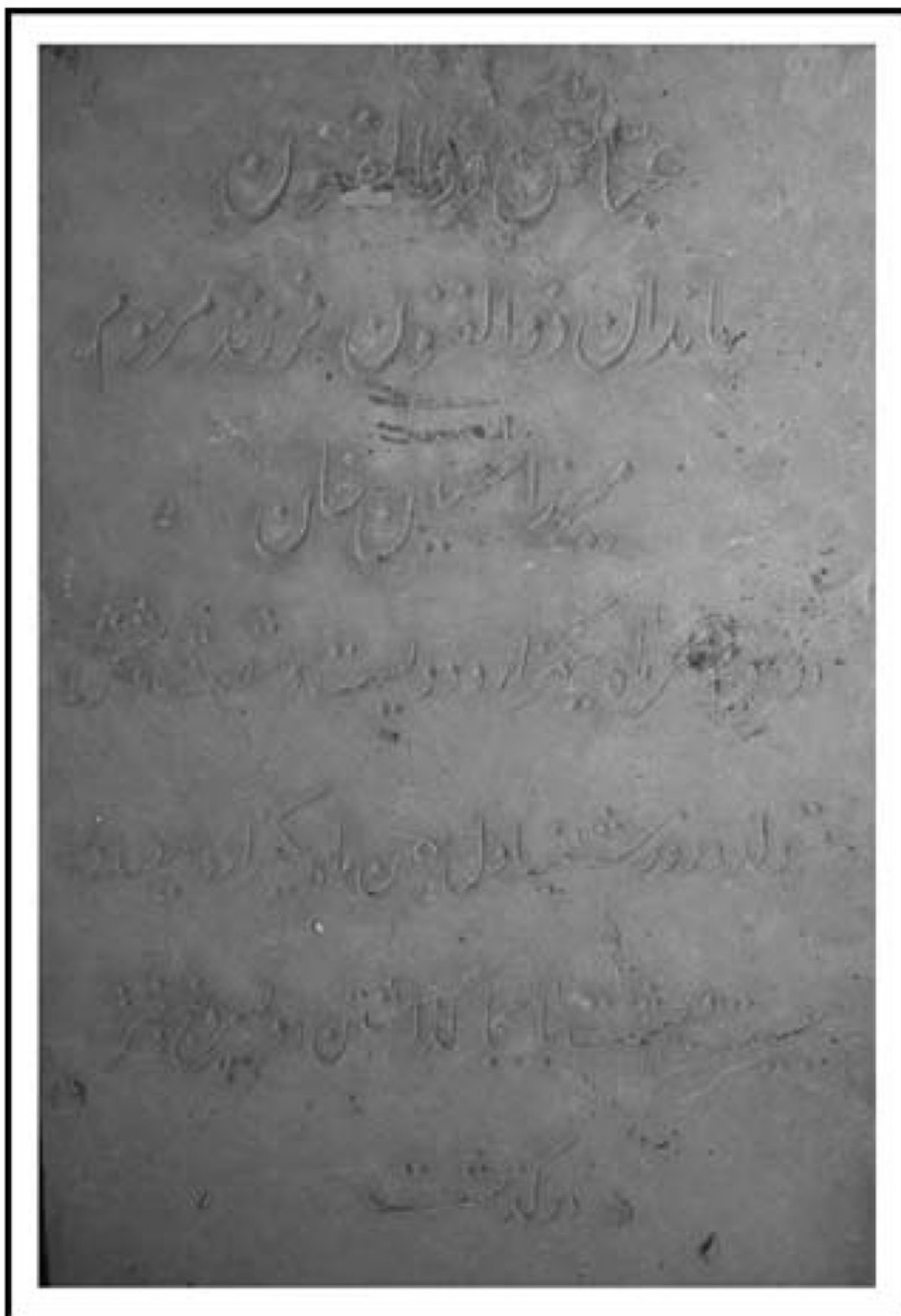
۱- روزنامه آئینه ایران، سال دوم، شنبه ۱۸ بهمن ۱۳۰۹ ش. شماره ۲۲۱؛ و روزنامه یومیه عصر، سال پنجم، شماره ۱۳۲۷.

۲- کریم زاده، محمّد علی: احوال و آثار نقاشان قدیم ایران، جلد سوم، ص ۱۲۹۴.

از دیگر آثار این هنرمند شهیر، کتیبه‌ی چوبی منبت کاری با خط کوفی، نیم گنبد نقاشی شده است که در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. همچنین بسیاری از جلد کتابهای قدیمی از جمله جلد کتاب مجموعه خطوط مرحوم درویش عبدالمجید طالقانی از سوخت و معرق کار مرحوم ذوالفنون است.

## وفات

وی در روز شنبه اول بهمن ماه ۱۳۲۸ ه.ش. دار فانی را وداع گفت و در سمت جنوب غربی این تکیه مدفون گردید. بر سنگ مزار این هنرمند چنین نوشته شده است: مرحوم عباس ذوالفنون سرخاندان ذوالفنون فرزند مرحوم میرزا حسین خان در سوم مهر ماه یکهزار و دو بیست و شصت و شش متولد و روز شنبه اول بهمن ماه یکهزار و سیصد و بیست و هشت با بجا گذاشتن دو پسر و پنج دختر درگذشت.



سنگ مزار عباس ذوالفنون



## خاندان

از جمله خاندانهای هنرمند اصفهان، خاندان رشتیان است که در هنر نقاشی خدمات ارزنده ای به این شهر کرده اند. بر اساس شجرهی نسب این خاندان جد آنها مرحوم سید محمد معروف به میر معصوم همراه مرحوم سید حجت الاسلام شفقتی از رشت به اصفهان مهاجرت نمود و به همین دلیل به رشتیان مشهور گردیده اند.

## تحصیل هنر

از جمله افراد باهنر و صاحب ذوق این خاندان سید هاشم نقاش فرزند مرحوم سید محمد معروف به سید مؤمن فرزند سید هاشم فرزند سید محمد معروف به میر معصوم است. پدرش سید مؤمن معلم و مکتب دار بود. سید هاشم که از کودکی به نقاشی علاقه داشت نزد برادرانش مرحوم استاد سید حسین نقاش (متوفی ۱۳۳۵ مدفون در تکیه صاحب روضات) و مرحوم استاد سید رحیم به فراگیری نقاشی پرداخت.

## اوصاف

هادی سیف در کتاب نقاشی روی گچ در مورد مرحوم رشتیان چنین می نویسد: بیشترین سهم در رونق و رواج نقاشی روی گچ را باید از آن خاندان صاحب ذوق و هنر مند رشتیان دانست و از پیشکسوت و ولی نعمت این خاندان سید هاشم رشتیان

ص: ۳۴۱

---

۱- \* . با تشکر از دکتر سید محمود رشتیان که شرح احوال خاندان رشتیان را در اختیار نگارنده قرار دادند.

یاد کرد که وارسته هنرمندی بوده است با استعداد و نبوغی در خلاقیت هنری که کمتر همتای چون او را می‌شود در جمع رشتیان‌ها یافت و نام برد.

سید هاشم رشتیان تنها نقاش و گچ‌نگار نبود، خداوند به او استعدادی بخشیده بود که در تمامی رشته‌های هنری سنتی سرپنجه‌هایی توانا و خلاق و ذوقی وافر و کافی داشت.

سید هاشم جدا از عالم ذوق و خلاقیت، هنرمندی آزاده و مردمی و با اخلاص بود، در میان مردم زندگی می‌کرد و برای مردم هنر می‌آفرید و هرگز از مردم کوچه و بازار روی گردان نبود» (۱).

### آثار هنری

از آثار مرحوم رشتیان تصویر واقعه‌ی غدیر خم، شمایل ائمه معصومین (علیهم السلام)، گل‌سازی روی پارچه، تابلوهای شیرین و فرهاد، لیلی و معجون، خسرو و شیرین، همچنین نقاشی روی شیشه به یادگار مانده است.

از دیگر آثار وی تابلو قیامت بود که در ایام عاشورا در مسجد ترکها نصب می‌شد و اثر او در تکیه‌ی میرفندرسکی که قاب بندی چوبی در یک اطاق را بته‌سازی کرده است. از دیگر آثار مهم و زیبای ایشان که همراه برادرش مرحوم سید حسین رشتیان خلق نمود نقاشی‌های موجود در بقعه آقا حسین خوانساری در تخت فولاد است.

کار عظیم دیگر استاد طرح گنبد مدرسه امام جعفر صادق (علیه السلام) که طرح قبلی آن مثل طرح مسجد امام بود که خراب شده بود و ایشان طرح را عوض می‌کند و این طرح جدید را ارائه می‌دهد.

سید هاشم نقاش در زمان آندره گدار فرانسوی، جزو نقاشان مخصوص اداره

ص: ۳۴۲

باستان شناسی بود.

در احوال سید هاشم رشتیان، گفته شده که بسیار شوخ طبع و خنده رو بود، همیشه با قرآن مانوس و ذکر دایم او کلمه ی یا نبی الله بوده است.

### فرزندان

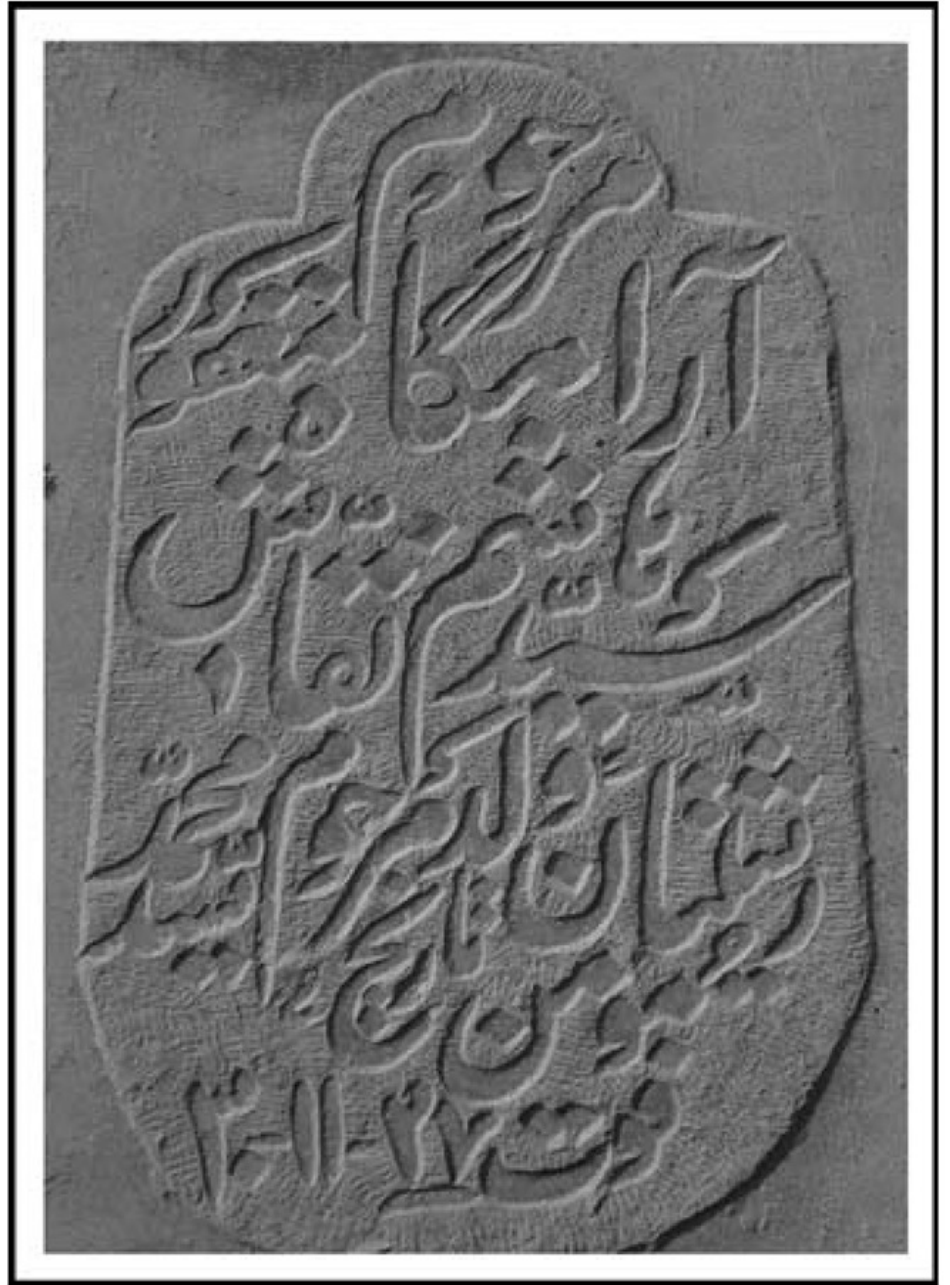
از فرزندان وی سید باقر و سید عباس و سید اسدالله رشتیان از اهل هنر و نقاشی بودند، سید اسدالله از نقاشان مخصوص صحن مطهر حضرت امام حسین (ع) بود و به سال ۱۳۲۹ه.ق. وفات یافت و در کنار پدرش بخاک سپرده شد و سید عباس نقاش نیز از شاگردان میرزا آقا امامی بوده که سبک کار وی بیشتر نقاشی مینیاتور بوده است.

### وفات

سرانجام سید هاشم نقاش در روز ۲۷ بهمن ۱۳۳۰ ه.ش. فوت نمود و در سمت شمال غربی تکیه نزدیک راه ورودی تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه مرحوم مغفور سید هاشم نقاش رشتیان ولد مرحوم سید محمد مؤمن تاریخ فوت ۱۳۳۰/۱۱/۲۷.



سنگ مزار سید هاشم نقاش



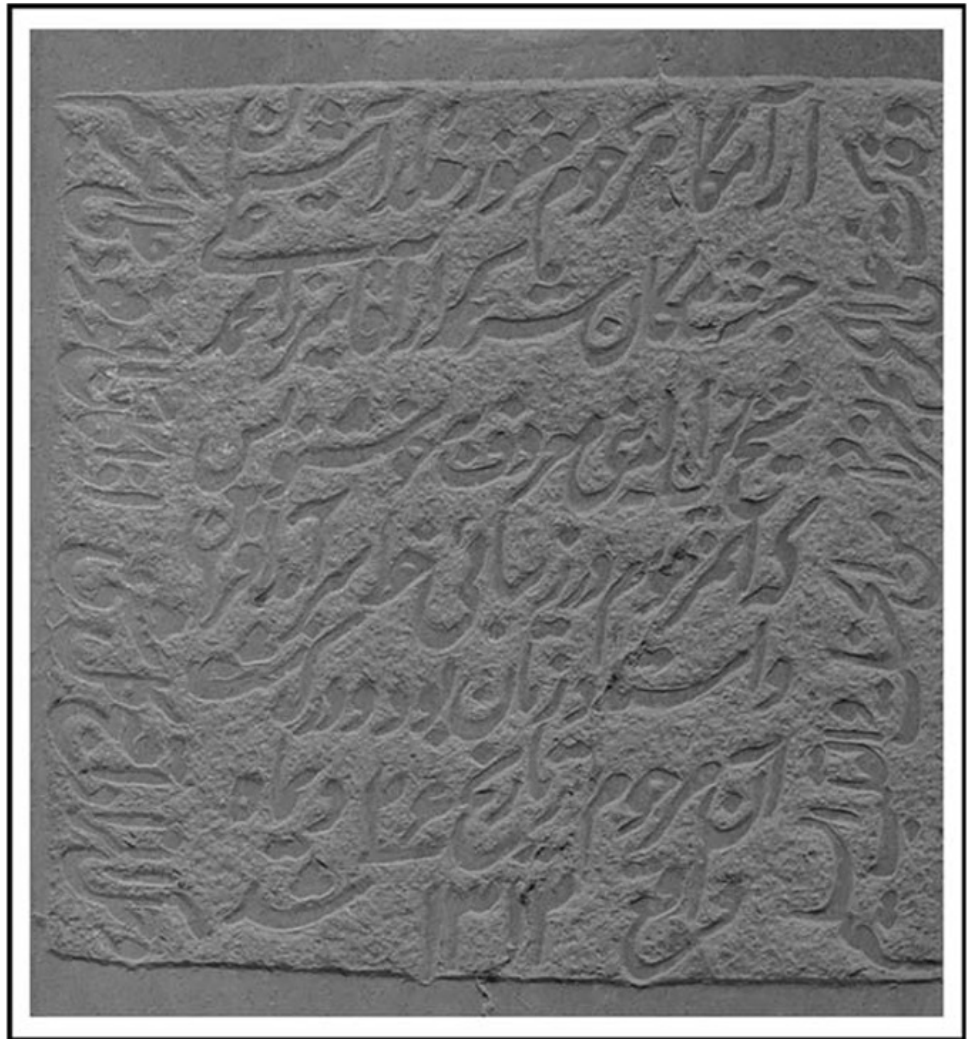
آقا میرزا محمد علی شیخ زین الدینی مشهور به خوشنویس از فضلا و هنرمندان اصفهان در قرن چهاردهم هجری است. بر اساس متن سنگ مزارش وی در زیبایی خط سرآمد اقران و استاد زمان بود.

مرحوم شیخ محمد حسن شیخ زین الدین، متوفی ۲۵ صفر ۱۳۷۷ ه. ق. مدفون در همین تکیه احتمالاً فرزند ایشان است و همچنین عالم فاضل سید مصطفی سیادت موسوی متوفی ۱۳۹۰ ه. ق. مدفون در همین تکیه نیز داماد مرحوم خوشنویس بوده است.

این هنرمند خطاط در ۲۶ دی ماه ۱۳۱۲ ه. ش. وفات یافت و در سمت جنوب تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

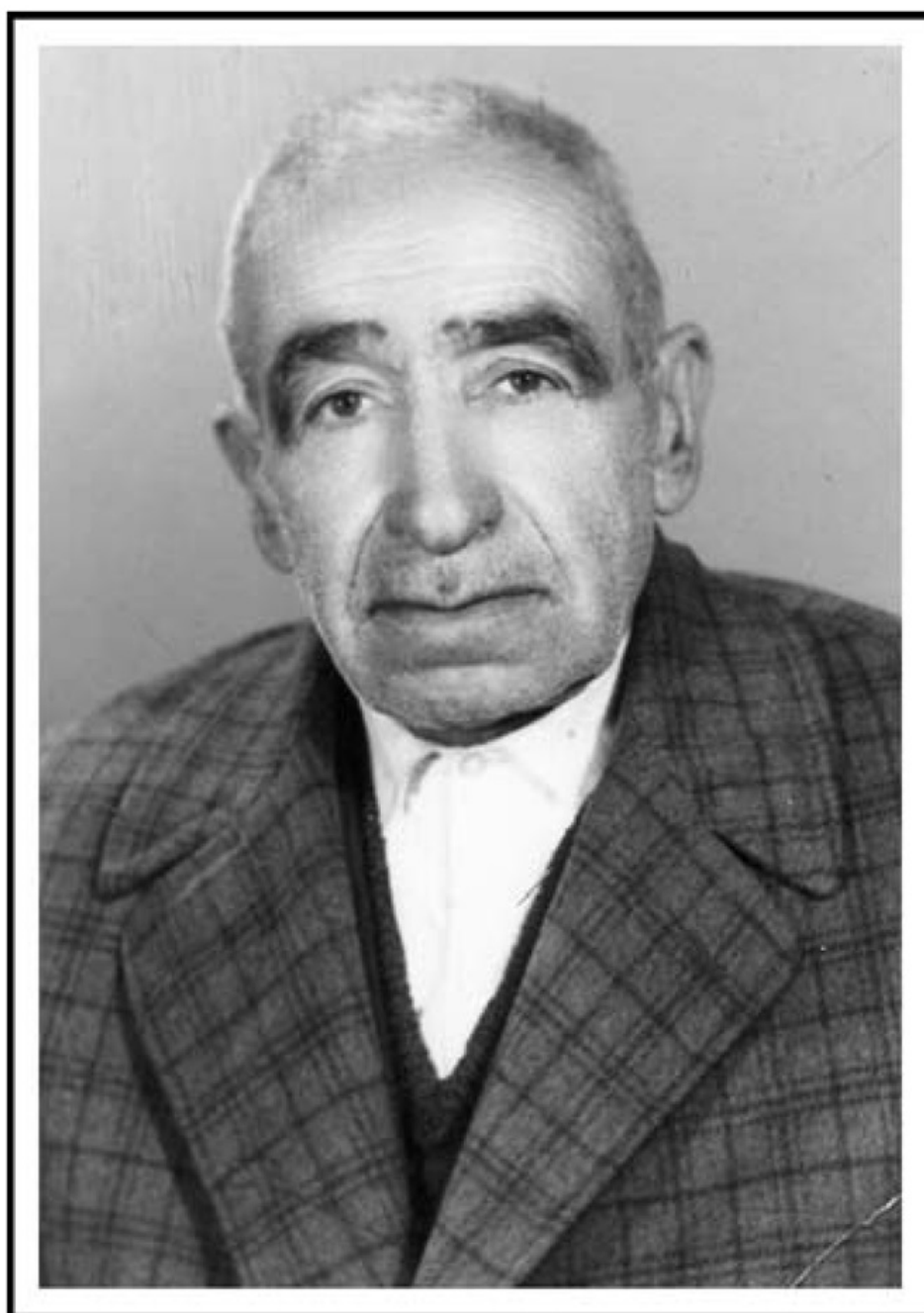
آرامگاه مرحوم مغفور خلد آشیان جنت مکان شریعتمدار آقا میرزا محمد علی شیخ زین الدینی معروف به خوشنویس که آن مرحوم در زیبایی خط سرآمد اقران و استاد زمان بود و در گذشت آن مرحوم در تاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۱۲ واقع شد.



سنگ مزار میرزا محمد علی خوشنویس

هنرمند معمار غلامعلی ماهرالنقش فرزند مرحوم استاد اسدالله معمار فرزند استاد علی بنا در حدود سال ۱۲۸۰ه.ش. در محله ی بید آباد به دنیا آمد.

پدرش حاج اسدالله معمار از معماران اصفهان از آثار وی معماری محراب مسجدسید است که با کمک دو تن از معماران اصفهان کاشیکاری شده است. استاد اسدالله در روز دوشنبه ۲۸ شوال ۱۳۵۰ه.ق. وفات و در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید.



---

۱- \* . با تشکر از استاد هنرمند و معمار بزرگ ایران جناب آقای محمود ماهرالنقش و جناب آقای عزیزالله ماهرالنقش که نگارنده را در تهیه شرح حال مرحومین ماهرالنقش و مرحوم جلالی یاری نمودند.

مرحوم حاج غلامعلی ماهر النقش پس از دوران کودکی، خواندن و نوشتن را نزد مرحوم شیخ حسن جناب (مدفون در تکیه ابوالمعالی) در مسجدسید فراگرفت و پس از آن معماری را نزد مرحوم پدرش آموخت تا اینکه خود در معماری استادی چیره دست شد. استاد ماهر النقش مدت ۳۳ سال کارشناس معماری شهرداری اصفهان بود و در این مدت خدمات ارزنده ای به این شهر نمود.

### آثار

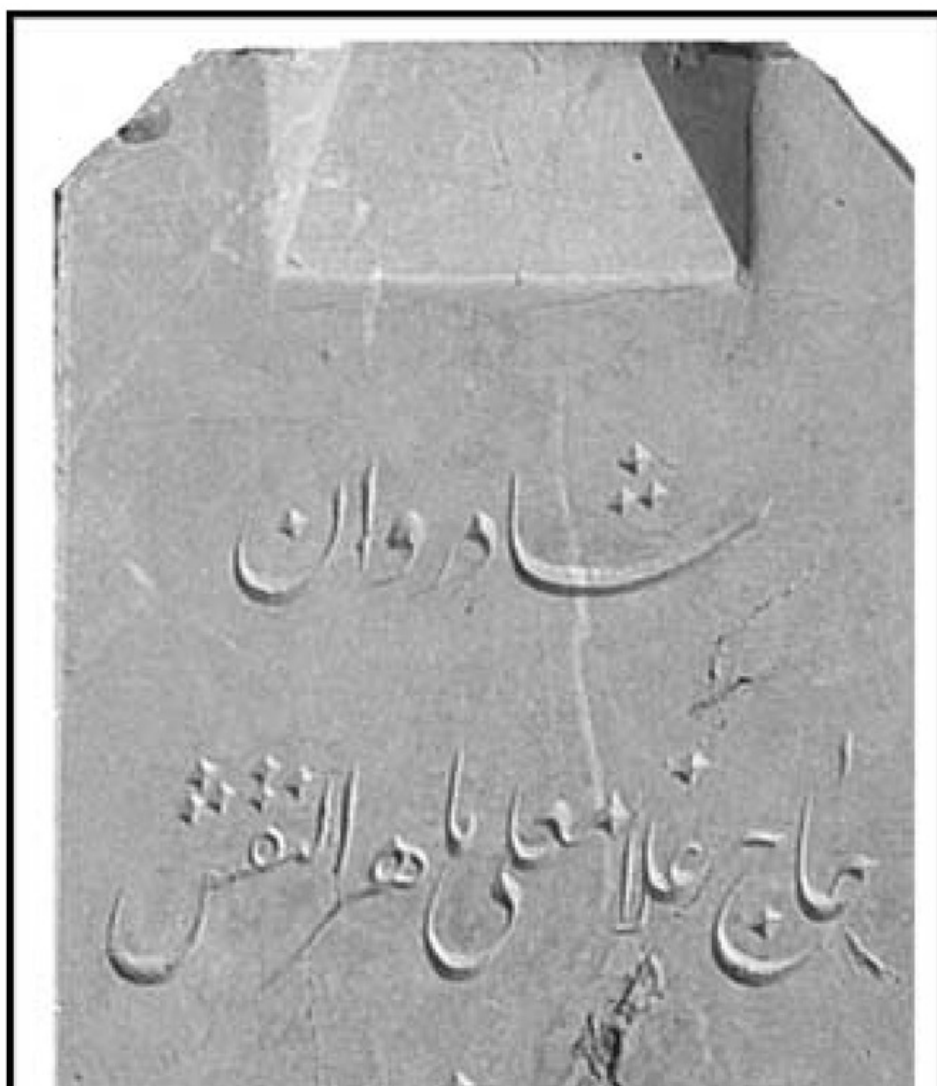
آثار معماری مرحوم ماهر النقش را در اصفهان می توان به موارد زیر اشاره کرد: ا تعمیرات دوره ای و بازسازی پل های خواجه، سی و سه پل، مارنان و پل چوبی و پل شهرستان. ۲- بازسازی کلی حوض میدان امام (نقش جهان). ۳- تعمیرات و مرمت عمارت های عالی قاپو و چهلستون. ۴- تعمیرات کلیسای وانک و دیگر کلیساهای اصفهان.

### وفات

سرانجام این هنرمند دلسوخته در سال ۱۳۴۶ ه. ش. فوت نمود و در سمت جنوب تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است:

شادروان حاج غلامعلی ماهر النقش (معمار اصفهانی) فرزند حاج اسدالله معمار تولد ۱۲۸۰ در گذشت ۱۳۴۹ ش.





سنگ مزار استاد غلامعلی ماهر النقش

حسن ماهر النقش فرزند محمد از م عماران دوران قاجار و از آثار او تعمیرات پل رودخانه ی قم در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی است.

وی در ۲۵ شوال ۱۳۶۸ ه.ق. فوت نمود و در سمت جنوبی تکیه به خاک سپرده شده است.

متن سنگ قبر وی چنین است:

وفات مرحوم مغفور استاد حسن معمار ولد مرحوم استاد محمد به تاریخ ۲۵ شوال ۱۳۶۸. زین جهان رفت اوستاد حسن صاحب خلق و خوی مستحسن آنکه پیوسته پاک داشت ضمیر وانکه همواره راست گفت سخن بود معمار و کس ندید از او جز نکویی در این سرای کهن سیصد و شصت و هشت بعد هزار کرد در روضه جنان مسکن







سنگ مزار استاد حسن ماهر النقش



مرحوم حاج غلامحسین جلالی از هنرمندان بسیار نخبه در کار گچ بری و سنگ تراشی در اصفهان بود وی پدر همسر مرحوم حاج غلامعلی ماهر نقش بوده و از آثار مهم او کارهای سنگی کاخ سعد آباد از جمله شیر سنگی این کاخ است.

این هنرمند گچبر سرانجام در روز اول فروردین ۱۳۲۹ ه.ش. فوت نمود و پیکرش را در سمت جنوب غربی این تکیه به خاک سپردند. متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه

مرحوم خلد آشیان حاجی غلامحسین جلالی گچبر فرزند استاد کاظم در روز اول فروردین ۱۳۲۹.



سنگ مزار استاد غلامحسین جلالی







ادیب فاضل، نویسنده توانا، میرزا محمدتقی ادیب خراسانی فرزند علی نقی مآلباشی، از آزادی خواهان صدر مشروطیت و مدیر روزنامه ی «صبح امید» بود از آنجا که کمتر با مردم معاشرت می کرد نزد خواص بیش تر شهرت داشت. (۲) و شاید به همین دلیل از زندگی خصوصی وی اطلاع چندانی در دست نیست.

### تحصیلات

میرزا محمدتقی پس از دوران کودکی تحت تربیت پدرش قرار گرفت و بعد از آن به فراگیری علوم زمانه پرداخت از اساتید وی بجز عالم فاضل ادیب محقق مدقق مرحوم میرزا یحیی مدرس مستوفی بید آبادی اطلاع دیگری نداریم. (۳)

### فعالیت های سیاسی و اجتماعی

وی پس از انقلاب مشروطه به روزنامه نگاری روی آورد و از سال ۱۳۲۷ه. ق. نوشته های وی در روزنامه «زاینده رود» (۴) به مدیریت معین الاسلام خوانساری به چاپ می رسید و چندی بعد مدیر مسئول این روزنامه شد. در همان اوان، مرحوم ادیب در انجمن «بلدیه ی اصفهان» که میرزا مهدی خان کلانتر ریاست آن را عهده دار

ص: ۳۵۳

۱- \* در تهیه زندگی نامه مرحوم ادیب خراسانی بیشترین استفاده از مقاله سرکار خانم شهناز خواجه شده است.

۲- صدر هاشمی: تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد دوم، ص ۱۰۱.

۳- مهدوی: یادداشت های خطی

۴- قاسمی، سید فرید: راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار، ص ۱۴۸.

بود، عضویت داشت و پیوسته در جلسه های آن حاضر می شد. (۱) افزون بر این در سال ۱۳۲۸ ه.ق. مرحوم میرزا محمد تقی برای نمایندگی در «انجمن ولایتی اصفهان» کاندید شد، اما بدان راه نیافت. (۲)

وی سخنوری زبردست بود، به طوری که وی پس از اتمام حجت دولت روسیه به دولت ایران برای اخراج مورگان شوستر که مخالفت گسترده ی مردم از جمله علمایی چون آخوند خراسانی را برانگیخت، خطابه های پرشور در حمایت از مشروطه در چهلستون اصفهان ایراد کرد و مردم را منقلب ساخت، به گونه ای که پس از پایان سخنان وی صدای «یا مرگ یا استقلال» از حاضران برخاست. (۳)

### روزنامه ی صبح امید

در سی ام اسفند ۱۲۹۹ ه. ش. ادیب، نخستین شماره از روزنامه ی «صبح امید» را در اصفهان منتشر کرد. روش این روزنامه، سیاسی، اجتماعی، علمی، تاریخی، ادبی و اخلاقی بود و تا سال ۱۳۰۵ ه. ش. به چاپ می رسید و بیشتر مطالب آن را ادیب خود می نوشت. از این رو، روزنامه مزبور تا حد زیادی نمایانگر آراء و عقاید اوست. (۴) در روزنامه صبح امید، ادیب با انتقاد از کارکرد کابینه های پس از کودتای ۱۲۹۹ ه. ش. به نادیده انگاشتن قانون اساسی که هرج و مرج و اختلال در اداره امور کشور را موجب می شد، اعتراض نمود. وی عناصر ضد مشروطه و قانون شکن را در دولت، موجب عقب ماندگی و پس رفت کشور می دانست. (۵)

ص: ۳۵۴

- ۱- روزنامه زاینده رود: سال دوم، ش ۳۵، ۱۶ شوال ۱۳۲۸ ه.ق. ص ۴.
- ۲- همان سال دوم، ش ۳۴، ۹ شوال ۱۳۲۸ ه.ق. ص ۲ و ۳ و ۳۹، ص ۴.
- ۳- صدر هاشمی، محمد: تاریخ جرائد و مجلات ایران، جلد دوم، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.
- ۴- روزنامه صبح امید: سال اول، ش ۱۲، ص ۱ و ۲، سال دوم، ش ۳، ص ۱ و ۲.
- ۵- همان سال دوم، ش ۲۷ ص ۲.



از دیگر فعالیت های مرحوم میرزا محمد تقی، فعالیت در مدارس جدید است وی مدتی مدیریت مدرسه ی معرفت(۱) را به عهده داشت و جزو هیأت اداره کننده ی مدرسه ی ایمانیه(۲) در اصفهان بود. وی در روزنامه خود از ضرورت ایجاد

ص: ۳۵۵

۱- مدرسه معرفت در سال ۱۳۲۳ ه.ق. در محل دروازه نوبه به همت مرحوم حاج میرزا یحیی دولت آبادی تأسیس و مدیریت آن به عهده مرحوم ادیب طوسی و معلم عربی این مدرسه شیخ محمد حسین فاضل تونی بود. این مدرسه با سبکی بین مکتب و مدارس جدید به سه کلاس ابتدایی و متوسطه و یک کلاس علمی اداره می شد. این مدرسه در ابتدای انقلاب مشروطه تعطیل شد. ر. ک: ایمانی، مجتبی، تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۱۶۶.

۲- مدرسه ایمانیه در سال ۱۳۲۵ ه.ق. به مدیریت و سرپرستی آقا سید علی نقی و آقا شیخ یحیی محلاتی تأسیس گردید و محل آن ابتدای بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای (محل نیم آورد) بود و بعد به حوالی مسجد حکیم منتقل گردید. هیئت اداره کننده مدرسه عبارت بودند از: میرزا رضاخان نائینی، فتح الله وزیرزاده، میرزا سید عبدالحسین زاینده رود، میرزا محمد تقی ادیب طوسی و مرحوم شیخ الاسلام بود. این مدرسه بالغ بر چهار سال دوام داشت. ر. ک: همان، ص ۱۶۹ و ۱۷۰.



مدارس جدید حمایت می نمود. کسب علم و دانش نوین را برای همه مورد تأکید قرار می داد و بی سوادى مردم را زمینه ساز قدرت یابی مستبدان می دانست. (۱)

## وفات

وی در روز سه شنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۶۲ ه. ق. مطابق ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ ه. ش. دارفانی را وداع کرد و پیکرش در سمت جنوب غربی این تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

یا حی یا قیوم

آرامگاه ابدی مرحوم جنت مکان محمد تقی ادیب طوسی فرزند مرحوم علینقی مالباشی در سه شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ برابر با ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۶۲.

از نزدیکان مرحوم ادیب برادرش مرحوم میرزا عبدالائمه صدر الافاضل طوسی از شاگردان عالم جلیل محقق مدقق مرحوم میرزا یحیی مدرس مستوفی بیدآبادی، (۲) از و کلاء مبرز دادگستری و از فضلاء محترم اصفهان بود (۳) که در سه شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۲۸ ه. ش. وفات یافته و در جوار برادرش به خاک سپرده شده است.

ص: ۳۵۶

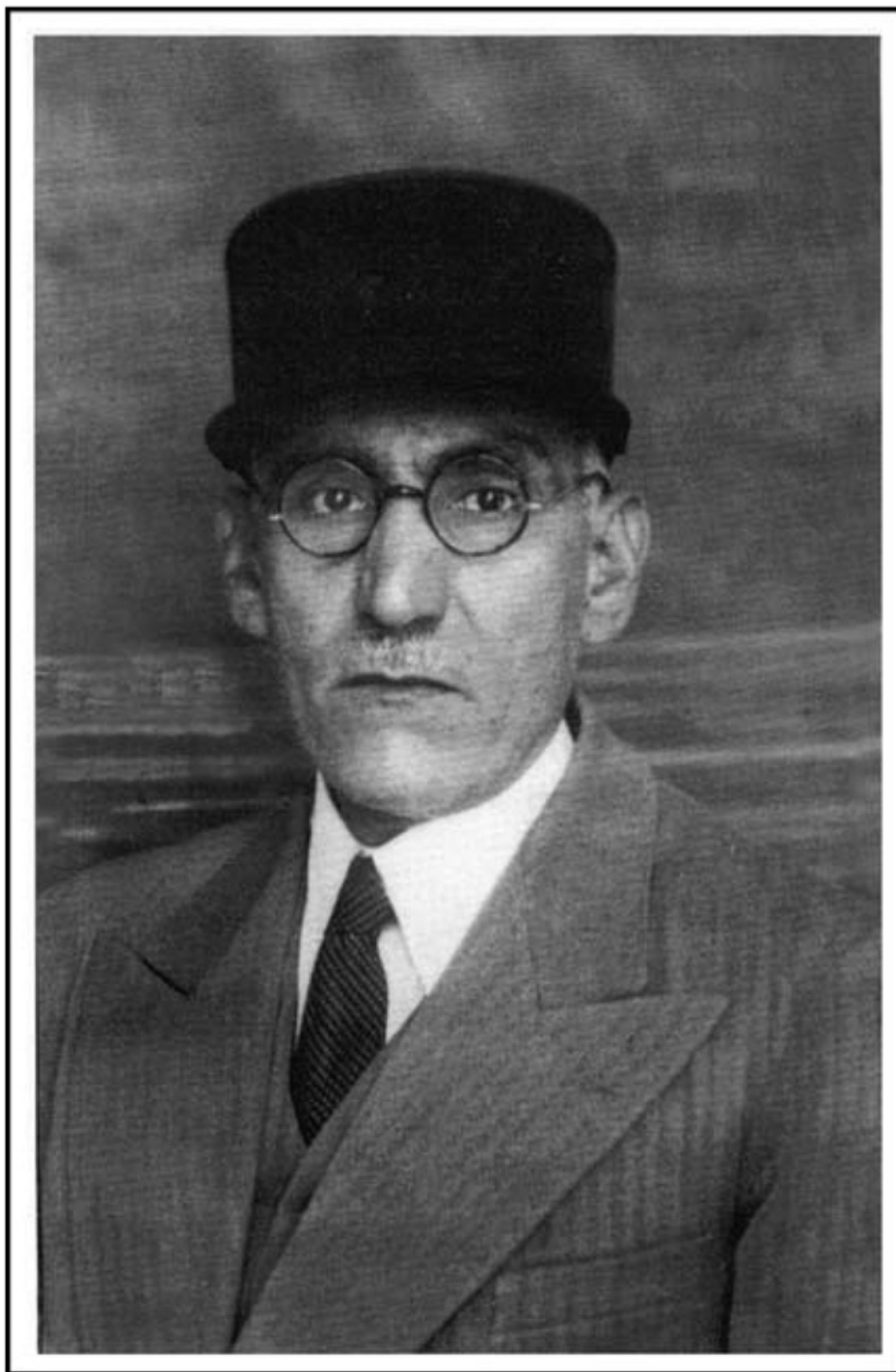
---

۱- روزنامه صبح امید: سال اول، ش ۲۱، ص ۱ و ش ۳۱، ص ۱.

۲- مهدوی: یادداشت های خطی.

۳- همان: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۸.

سید کمال الدین بروجردی فرزند عالم فاضل مرحوم سید محمدباقر بروجردی (متوفی ۱۳۴۰ ه. ق.) به سال ۱۲۶۰ ه. ش. در یک خانواده‌ی مذهبی به دنیا آمد.



سید کمال بروجردی

۱- \* . با تشکر از فرزند ایشان جناب آقای بهاء الدین بروجردی که عکس و شرح حالی از پدرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.

مرحوم بروجردی ملقب به «کمال السلطنه» در آغاز مشروطیت مدتی ریاست معارف و اوقاف اصفهان را از طرف انجمن ولایتی اصفهان به عهده داشت (۱) و بعد از آن رئیس معارف و اوقاف شهرهای کرمانشاه، کردستان، همدان و تهران را داشت.

احتمالاً وی فعالیت هایی با انجمن مخفی داشته که به صورت علنی نبوده است چنان که وی را جزو مشروطه خواهانی نام برده اند که در جریان اشغال اصفهان توسط روسها با آنان مخالفت نمود. و به همین جهت وی به همراه دو شخصیت دیگر توسط روسها دستگیر و منزل آنها غارت گردید. (۲)

سید کمال الدین سرانجام در پنجم خرداد ۱۳۴۹ ه. ش. در سن ۸۹ سالگی درگذشت و در بقعه این تکیه نزدیک عموی خود مرحوم میرزا ابوالحسن بروجردی به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

آرامگاه شادروان جنت مکان سید کمال الدین بروجردی (کمال السلطنه) پنجم خرداد ۱۳۴۹.

ص: ۳۵۸

---

۱- ایمانیه، مجتبی: تاریخ فرهنگ اصفهان، ص ۲۱۰.

۲- دانشور علوی: جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، ص ۱۷۹.

اديب فاضل سید حسين مرندي فرزند عالم فاضل سید عبدالعلی اعتماد العلماء در سال ۱۲۹۲ ه.ش. در اصفهان به دنيا آمد.

### خاندان

جدّ وی عالم جلیل مرحوم سید احمد مرندي فرزند میر سید حسین حسینی در حدود سال ۱۲۲۵ ه.ق. در شهر مرندي متولد گردید و مقدمات علوم را در آنجا فراگرفت، سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان مهاجرت نمود و از محضر درس علامه مرحوم حاجی کرباسی و مرحوم سید حجت الاسلام شفتی و جمعی دیگر از علما سالها بهره مند شد تا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید. (۱)

سید احمد مرندي پس از فوت میرزا محمدباقر فرزند میرزا عبدالله شیخ الاسلام با همسر وی ازدواج نمود و از او صاحب فرزندان شد که از جمله ی آنها مرحوم میرزا عبدالعلی مرندي است. (۲)

### کراماتی از حاجی کرباسی

در کتاب البدر التمام تألیف آیت الله میرزا ابوالهدی کلباسی به شاگردی مرحوم سید احمد مرندي نزد حاجی کلباسی اشاره شده است و از قول مرحوم مرندي گوید: «زمانی عازم مسافرت به طهران شدم برای خداحافظی خدمت حاجی مشرف شدم از من پرسیدند طول مسافرت شما چقدر خواهد بود؟ در جواب

ص: ۳۵۹

---

۱- مهدوی، بیان المفاخر، جلد اول، ص ۲۵۸.

۲- معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، جلد هفتم، ص ۲۴۹۹.

عرض کردم سه ماه الی چهار ماه فرمودند بیست و یک ماه. از این بیان متحیر شدم به منزل آمدم و در پشت قرآن روز حرکت را یادداشت نمودم به طهران رفتم و در آنجا کاری در مرند پیش آمد مجبوراً به مرند رفتم و پس از انجام کار به طهران و سپس به اصفهان مراجعت نمودم چون به روز حرکت در پشت قرآن نظر کردم طول مدت مسافرتم دقیقاً بیست و یک ماه بود و این از کرامات حاجی کرباسی است. (۱)

این عالم گرانقدر در شوال سال ۱۲۹۸ ه. ق. در اصفهان وفات یافت و در یکی از

سنگ مزار او منقور است:

حاج سید احمد از شهر مرند

دانش این آیت الله بزرگ

در هزار و دو صد و نود و هشت

آمد و در اصفهان مأوا گرفت

در میان عالمان والا گرفت

در جوار رحمت حق جا گرفت

از فرزندان وی یکی عالم فاضل آیت الله حاج سید عبدالعلی مرندی معروف به اعتماد العلماء است. وی عالمی وارسته بود که عمده ی تحصیلاتش را در اصفهان سپری نمود و از محضر علامه سید محمدباقر در چه ای و آیت الله شیخ مرتضی ریزی استفاده ها کرد و به ارشاد و تبلیغات دینی مبادرت ورزید. (۲) وی با آمنه بیگم یکی از دختران مجله‌ی مرحوم آیت الله حاج آقا میرزا مسیح چهارسوقی ازدواج (۳) نمود که ثمر این ازدواج سه پسر و چهار دختر بود از پسرانش آقا قوام الدین مرندی، آقا محمد مرندی مدیر روزنامه چهره کار (۴) و آقا حسین مرندی بودند. (۵)

ص: ۳۶۰

- 
- ۱- مهدوی: بیان المفاخر، جلد اول، ص ۲۵۸.
  - ۲- مهدوی: دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۷۸.
  - ۳- معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، جلد هفتم، ص ۲۴۹۹.
  - ۴- روزنامه چهره کار، به مدیر مسئولی محمد مرندی، در سال ۱۳۳۱ ه. ش. شروع به چاپ کرد، فاصله انتشارات آن هفتگی و با موضوعات سیاسی، خبری، اجتماعی، کاریکاتوری بود. ر. ک. پژوهشهای ایران شناسی به کوشش ایرج افشار، جلد چهارم، ص ۲۳۸.
  - ۵- الفت، محمد باقر: دفتر نسب نامه الفت، مخطوط.

مرحوم حاج سید عبدالعلی اعتماد العلما در شب سه شنبه بیست و یکم ربیع الثانی ۱۳۵۴.ق. (۱) فوت و در بقعه تکیه ریزی در کنار استادش مدفون گردید.

### تحصیلات و دوران خدمت

از سه فرزند پسر مرحوم عبد العللی مرنندی یکی مرحوم سید حسین مرنندی است. وی تحصیلاتش را نزد پدر دانشمند خود و مرحوم آیت الله سید حسن چهارسوقی (۲) و علما و بزرگان دیگر به پایان برد و از آن پس وارد کارهای دولتی گردید. وی در دوران خدمت در سمت های معاون استانداری اصفهان، شهرداری یزد، و رئیس رادیو اصفهان و غیره بوده است.

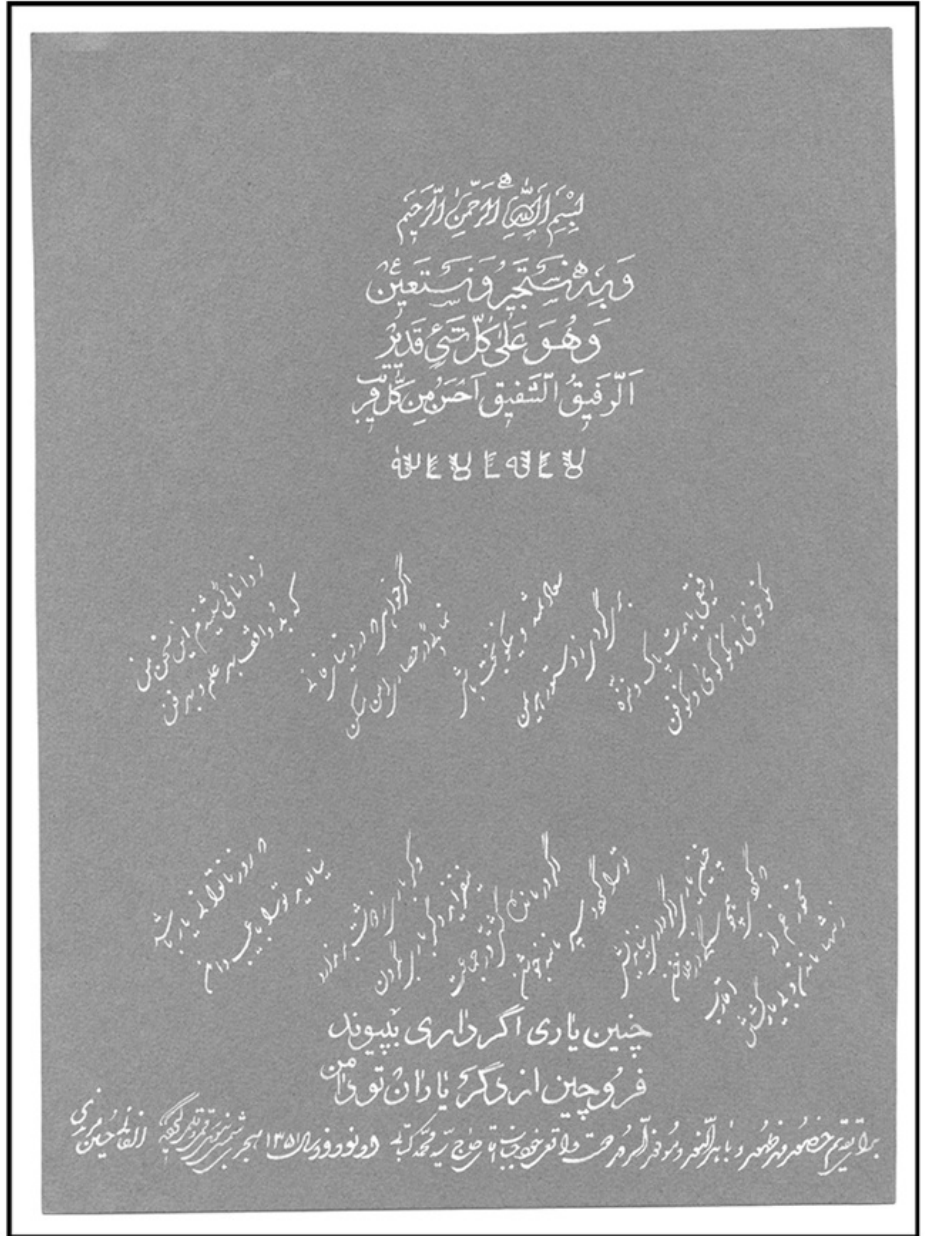
مرحوم مرنندی علاوه بر فعالیت های دولتی در خوشنویسی استاد بود و این هنر را از مرحوم پدرش که خط بسیار زیبایی داشت فرا گرفته بود.

ص: ۳۶۱

---

۱- معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، جلد هفتم، ص ۲۴۹۹

۲- مصاحبه با سرکار خانم مرنندی، همسر مرحوم سید حسین مرنندی، در تاریخ ۸۴/۱۱/۱۰؛ و تشکر و قدردانی فراوان از ایشان که نمونه خط و اطلاعاتی از همسرشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.



نمونه دستخط مرحوم مرندی



وی در شعر تخلص «مرندی» داشت و از اشعار وی شعری بود که در وفات مرحوم علامه میرزا محمدعلی معلم حبیب آبادی سروده:

گرگ چالاک روزگار بین

چون نشسته کمین برای شکار

پیر و برنا و عالم و جاهل

هست یکسان به پیش آن غدار

می برد، می درد، هلاک کند

هرچه آید به چنگ آن خونخوار

الیک حیف است عالمان بردن

جاهلان هشتن و شدن سربار

بالاخص عالم ستوده خصال

فاضل بی همال و شرع مدار

آن معلم که بود از اعلام

و آن محقق که بود از ابرار

قانع و ساخته به حداقل

کاین بود از خصایص اختیار

کی تواند شمرد آثارش

بنده ی ناتوان و بی مقدار

که معرف نشایدی بودن

از معرف فروتر و کم بار

بلکه باید بزرگ مردانی

چون همایی شهره در اقطار

یا که روضاتی جلیل الشان

برشمارند از او همه آثار

رحمت کردگار بر روحش

مدفنش باد مطلع الانوار

پی تجلیل وی «مرندی» گفت

باکمال خلوص این اشعار

رحلت او بسال شمسی هست

«ابدی شد مکارم الآثار»<sup>(۱)</sup>

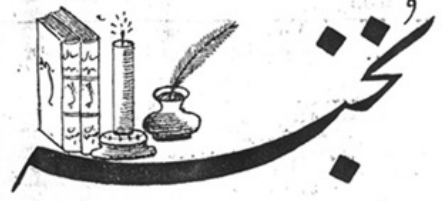
همچنین مقالاتی از مرحوم مرندی در نشریه ی اداره فرهنگ و روزنامه های آن زمان از جمله روزنامه مجاهد<sup>(۲)</sup> موجود است. وی در هنر موسیقی نیز دستی قوی داشت و از شاگردان سید رحیم اصفهانی بوده است و با هنرمندان آن زمان از جمله تاج اصفهانی بسیار صمیمی بودند.

ص: ۳۶۳

---

۱- معلم حبیب آبادی: مکارم الآثار، جلد پنجم، مقدمه، ص ۳۰.

۲- روزنامه مجاهد: سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۶ سال ششم، شماره ۲۴۵، ص ۱ و ۲.



اقتلادی - سیاسی - ادبی - کلاهی

# فولادوند عزیز

امیر فاسم فولادوند استانبول شریف‌نوازی و دانشور سابق استانبول بر حسب اراده ذات اندس شهرسازی و طبق شهادت و تبارش از استانبول رخت و لایحه نظام بالاسر و خلق والاری می‌نویسد فولادوند ولی استانبول استانبول شریف‌نوازی فولادوند و شهبازی بن‌تکیر و آینه‌سنگ و خوی بن‌تکیر و وفات و سکون توام با بی آلابی و فراموش نمی‌کند.

## غفاری

چند روز قبل دو سه نفر از ماغلی فروش قند و شکر که از موضوع تریبیل شکر قند تا وقتی بودند نزد نگارنده آمده شکایت داشتند که چرا اداره قند و شکر استان دهم با این فکر افتاده و چه لزومی دارد که فروش شکر قند شهری مگر از موهر را خورد مردم بدهند ۱ و از این تریبیل چراها ۰۰۰ و چراها ۰۰۰ نامبروگان قافلا داشتند که می‌بورد گنار تارخانی آنها را در روزنامه‌های مکتوبی که می‌فروشد هم رادم که موشویرا بتوسیم ولی گنم شوم بد مقال اشکاس شکایت شده یک طرف مرفون ۳۰۰

# لزوم تدبیر قواین مملکتی

در مدارسی

جناب آقای خوشتری نماینده مجلس شورای عالی در جلسه مورخه ۲۴/۳/۳۴ مجلس ششم تهران که در مدارس بعضی از دانش آموزان در مورد قواین مملکتی که در مدارس این اطوار طبقه را منظور باید صرف‌نمود فرموده و متذکر است زیاد هم در اینبار اسرار نمانده باشد ولی طبقه نگارنده این نظر بسیار صحیح و منطقی است و چنانچه بر طبقه قبل در آید بعد کشور و مردم آن محمود زیرا خود من روزی با یکی از لیسانس‌های ادبی بر سر یک امر ساده قانونی بحث داشتیم و آنچه خوب است این چنان لیسانس‌های انقلاب حالی کسب که انجام پیشنهادشان بر اساس قانون است باید

از لیسانس‌های ادبی بر سر یک امر ساده قانونی بحث داشتیم و آنچه خوب است این چنان لیسانس‌های انقلاب حالی کسب که انجام پیشنهادشان بر اساس قانون است باید

آی فرمان حکیم باشی‌های سابق ادارهای اسپالیته و اشناتین ها باجان مردم بازی می‌کند

انجام بدهند و وی بر پی قومی که نمی‌فهمند انجام بدهند

جناب آقای میرزا ساجان افشار نماینده محترم مجلس شورای ملی توجه فرمائید

مردم این شهر از آقای رئیس محترم بهادری

شورای عالی مشورتی شهر

بغیایان چهارباغ اصفهان باید بیشتر توجه شود و میدان در واره دولت

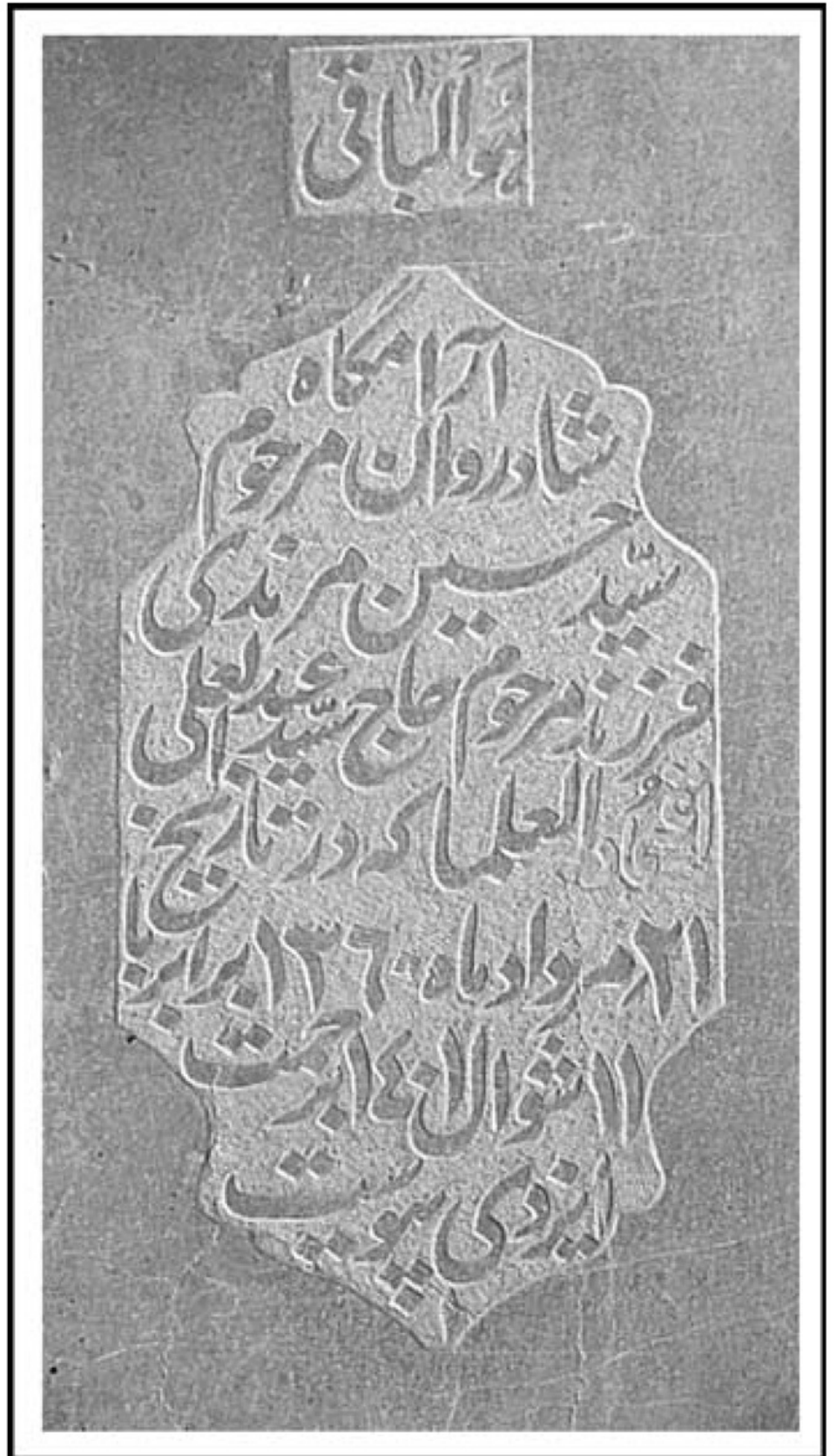
از دیگر فعالیت های مرحوم مرندی چاپ روزنامه نخبه در اصفهان است. این روزنامه در سال ۱۳۳۰ ه.ش. در اصفهان منتشر شد. انتشار آن به صورت هفتگی بود و نوع روزنامه سیاسی، اجتماعی، خبری و ادبی. از این روزنامه تعدادی در کتابخانه ی مرکزی دانشگاه اصفهان و در کتابخانه ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران نگهداری می شود. (۱)

## وفات

وی سرانجام در یازدهم شوال ۱۴۰۱ ه.ق. برابر با ۲۱ مرداد ۱۳۶۰ ه.ش. دار فانی را وداع گفت و در سمت شمال شرقی این تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی

آرامگاه شادروان مرحوم سید حسین مرندی فرزند مرحوم سید عبدالعلی اعتمادالعلما که در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۶۰ برابر با ۱۱ شوال ۱۴۰۱ برحمت ایزدی پیوست.



سنگ مزار سید حسن مرندی

۱- افشار، ایرج: پژوهش‌های ایران‌شناسی، جلد چهاردهم، ص ۲۵۷.

اشاره

حاج میر سید علی لقمانیان طیب، از اطباء و پزشکان معروف اصفهان است. (۱) مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در مورد وی چنین می نویسد:

الطیب الماهر الحاج میر سید علی لقمانیان در طب بقراط زمان و جالینوس دوران بود. طب قدیم را در خدمت حاج میرزا محمدباقر حکیم باشی اصفهانی تحصیل نمود. مردم از جمیع طبقات نسبت به تشخیص و معالجه ی او اعتماد مخصوصی داشتند». (۲) ۲

وفات

وی در ۱۴ ذی الحجه ۱۳۵۸ ه. ق. در اصفهان از دنیا رفت و در سمت شمال شرقی تکیه به خاک سپرده شد. متن سنگ نوشته وی چنین است

هوالباقی

وفات مرحوم مغفور حاجی میرزا سید علی طیب لقمانیان غفر له ۱۴ شهر ذی الحجه ۱۳۵۸.





۱- مهدوی: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۸۷.

۲- مهدوی: یادداشت های خطی .

طیب حاذق، میرزا محمد طیب خراسانی مشهور به «مجدالحکماء»<sup>(۱)</sup> فرزند مرحوم میرزا محمدجعفر خراسانی، در سال ۱۲۴۸ ه. ش. به دنیا آمد. وی از اساتید طب قدیم و جدید بوده و در سن هشتاد و سه سالگی در هفتم دی ماه ۱۳۳۱ ه. ش. وفات یافت و پیکرش را در سمت جنوب تکیه به خاک سپردند. از زندگی وی جز متن سنگ مزار وی چیزی در دست نداریم.

متن سنگ مزار وی چنین می باشد:

وفات جنت مکان آقای میرزا محمد طیب خراسانی مشهور به مجدالحکماء فرزند مجتهد زمان مرحوم میرزا محمدجعفر خراسانی در تاریخ هفتم دی ماه ۱۳۳۱

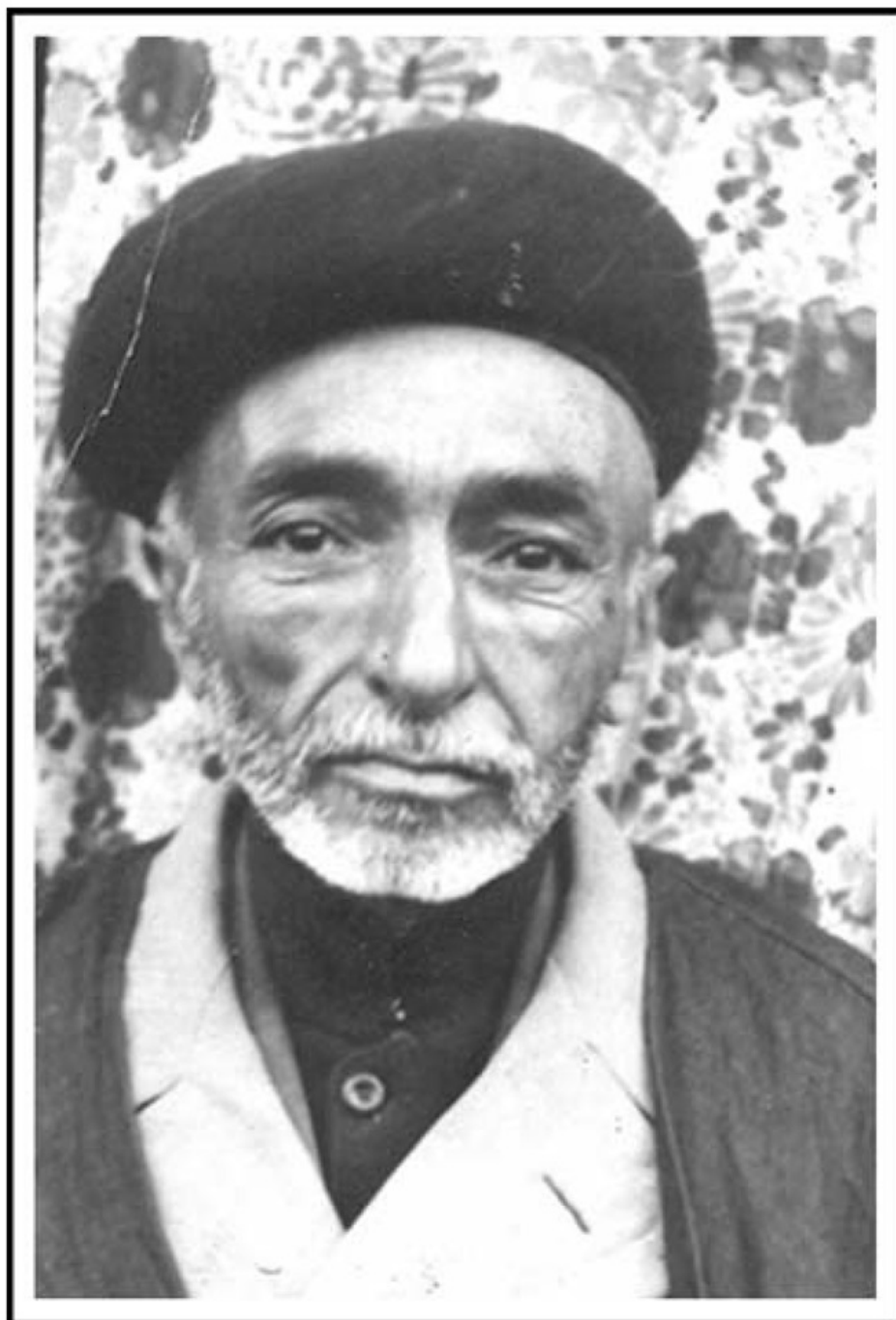
مرحوم میرزا محمد نامبرده استاد طب قدیم و جدید بود و از اطباء ماهر و مشهور زمان خود بود قریب شصت سال طبابت نمود و در سن ۸۳ سالگی وفات نمود.

ص: ۳۶۷

---

۱- مجد الحکما، برادری به نام میرزا محمد حسین اصفهانی ملقب به «دبیر الحکماء» داشته که از فارغ التحصیلان مدرسه دارالفنون در رشته طب بوده. وی در تهران روزنامه الجمال را به سال ۱۳۲۵ ه. ش. تأسیس و مندرجات آن موعظ سید جمال الدین واعظ اصفهانی در آغاز مشروطیت را شامل می شده است. میرزا محمد حسین پس از این روزنامه، روزنامه ی جمالیه را در همدان منتشر نمود. ر. ک: اقبال یغمایی: شهید راه آزادی سید جمال واعظ اصفهانی، ص ۲۲۳.

دکتر سید حسین بصیر، فرزند حاج میرزا ابوالحسن حکیم، فرزند میرزا هادی حکیم، فرزند سید ابراهیم حکیم خطاط، فرزند سید محمدرضا حکیم، فرزند میرزا عبدالباقی طیب. از پزشکان حاذق و دانشمند دورهی معاصر در اصفهان می باشد.



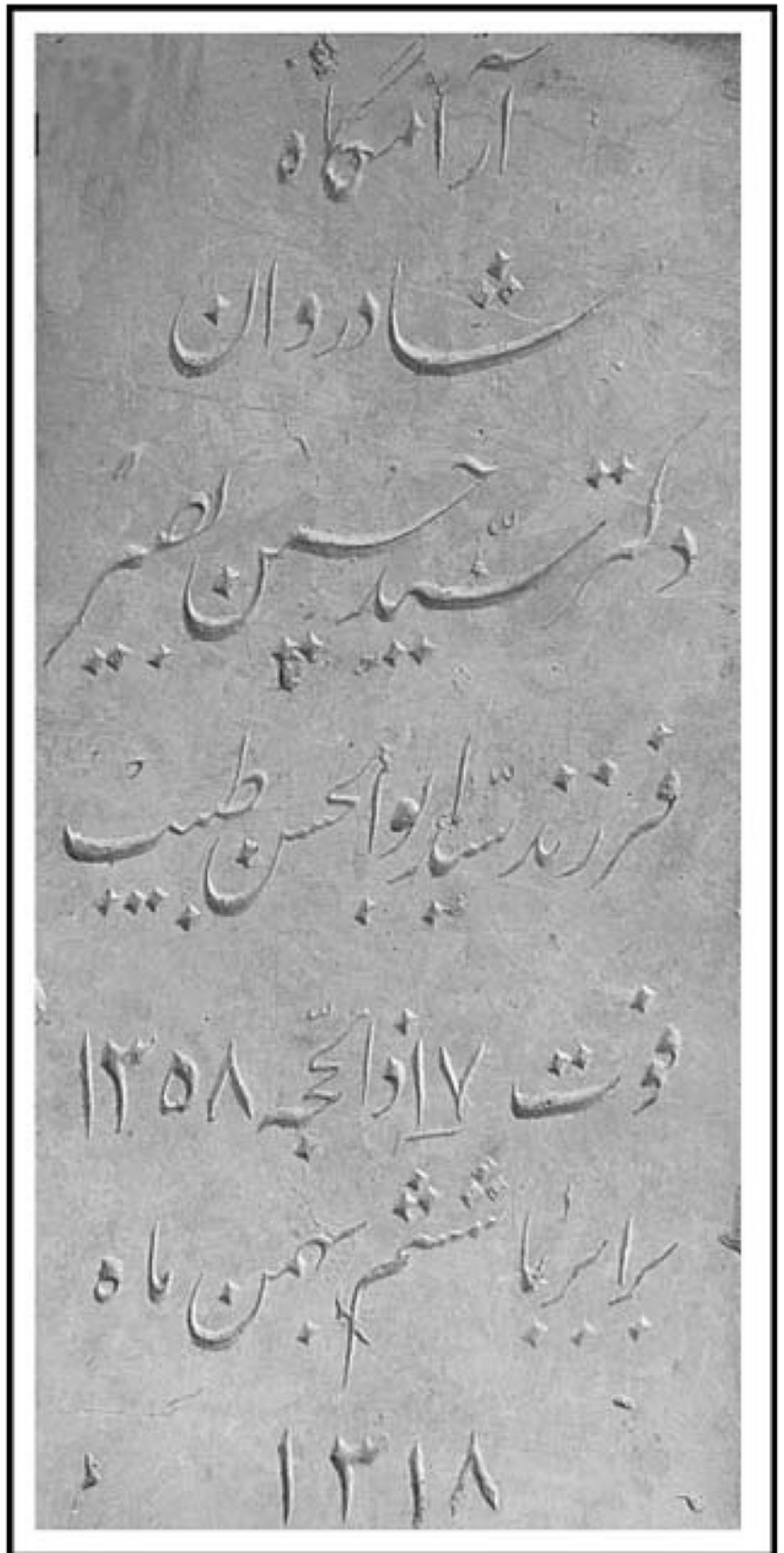
دکتر سید حسن بصیر

وی تحصیلات مقدماتی خود را در اصفهان پایان رسانید و از مدرسه علوم عالیہ طب و داروسازی فارغ التحصیل شد. دکتر بصیر مدتی به عنوان پزشک داخلی

ارتش مشغول خدمت بود و سپس در بیمارستان امین اصفهان واقع در سنبلستان به طبابت پرداخت. وی با پزشکان معروف اصفهان از جمله دکتر سید علی میرعلایی، دکتر محمد ریاحی و دکتر احمد محیی همکاری نزدیک داشت. مرحوم دکتر حسین بصیر سرانجام در ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۸.ق. دار فانی را وداع گفت و پیکرش را در سمت شرقی این تکیه به خاک سپردند.

متن سنگ مزار وی چنین است:

آرامگاه شادروان دکتر سید حسین بصیر فرزند سید ابوالحسن طیب فوت ۱۷ ذی الحجه ۱۳۵۸ برابر با ششم بهمن ماه ۱۳۱۸.



سنگ مزار دکتر سید حسین بصیر



مرحوم سید فخرالدین موسوی فریدنی فرزند مرحوم میر محمدعلی فریدنی، از ادبا و فضیلابی اصفهان در قرن چهاردهم هجری و متولد به سال ۱۳۱۴. ق. می باشد.

وی تحصیلات خود را در مسجد شاه اصفهان فراگرفت و از هم مباحثان استاد جلال الدین همایی و از وکلای دادگستری بود.

خط بسیار زیبایی داشت و در خط از شاگردان والای مرحوم میرزا اسدالله رجالی (۲) به شمار می آید.

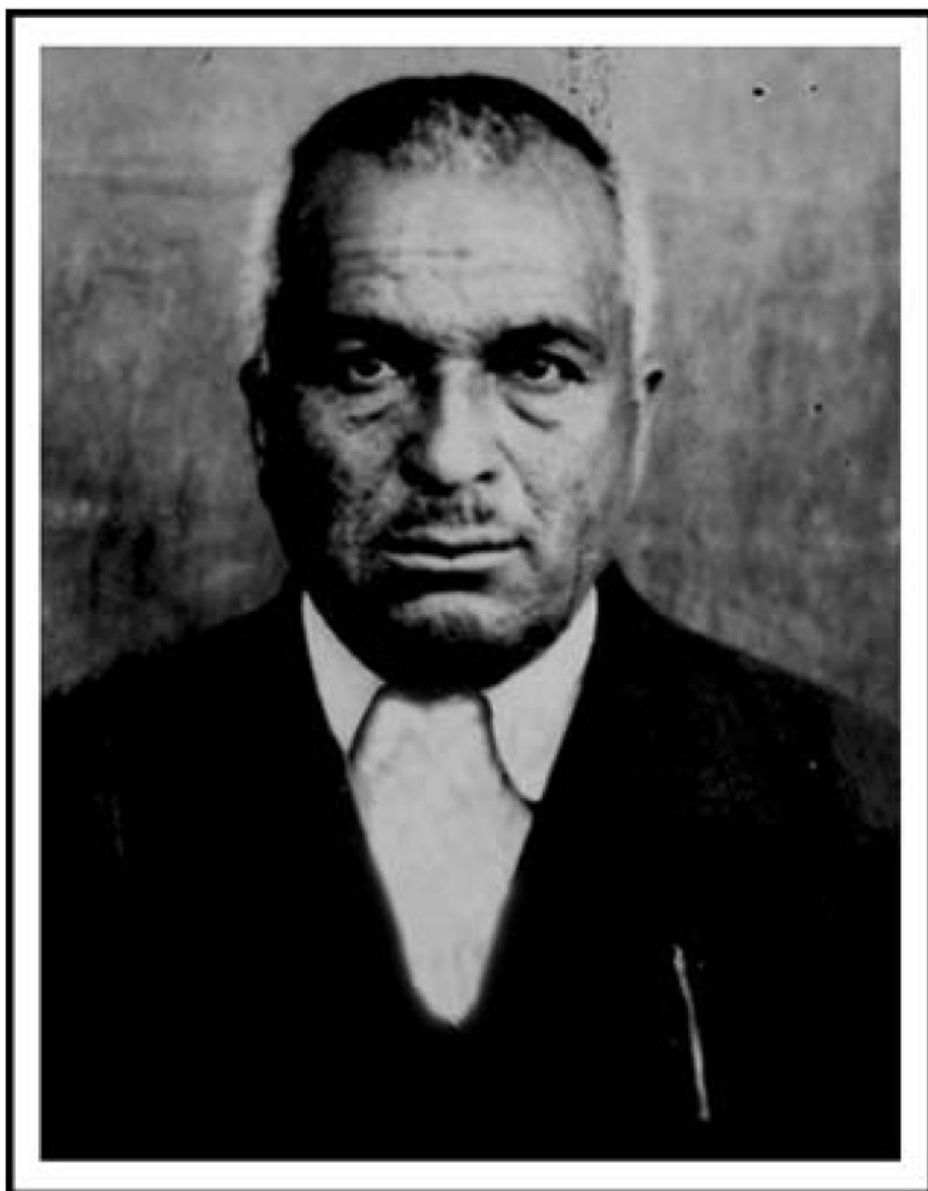
این استاد فرزانه در روز دوشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۳. ق. برابر با هیجدهم بهمن ماه ۱۳۶۱ ه. ش. روی به دیار باقی نهاد و پیکرش را در جانب غربی این تکیه به

ص: ۳۷۰

---

۱- \* . با تشکر از استاد محمد علی موسوی فریدنی، فرزند مرحوم سید فخرالدین موسوی که نگارنده را در تهیه این مقاله کمک نمودند.

۲- میرزا اسد الله رجالی فرزند مرحوم میرزا عبد الجواد فرزند ملا محمد رجالی، متولد ۱۲۸۲ ه. ق. در اصفهان بود. پدرش میرزا عبد الجواد نقاش معروف دروایی ناصری است که علاوه بر نقاشی و خوشنویسی از اساتید طراحی و نقش بندی بود. وی که به لقب خوشنویس نیز معروف بوده در حجرات فوقانی مسجد سید همه روزه به تعلیم خط و طرح نقشه ها اشتغال داشت و در حدود سال ۱۳۴۰ ه. ق. فوت و در مقبره سر قبر آقا(واقع در محله خوابجان غرب خیابان آیت الله مدرس)، دفن گردید. فرزندش میرزا اسد الله از شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر و میرزا فتح الله جلالی بوده و انواع نستعلیق را به خوبی می نوشته است و در عین حال سریع و تند بوده است. مرحوم رجالی حدود پنجاه سال شغل معلمی مشق مدارس اصفهان را بر عهده داشت وی در موسیقی نیز صاحب ذوق و اطلاعات بسیار بوده است. از آثار ایشان کتیبه هایی چند در مسجد سید می باشد. وفات مرحوم میرزا اسد الله در یکشنبه پنجم ذی الحجه ۱۳۷۲ ه. ق. برابر با ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ ه. ش. اتفاق افتاد و در تکیه مرحوم سید محمد لطیف خواجهویی در تخت فولاد مدفون شد.



سید فخرالدین موسوی فریدنی

بر مزار وی چنین نوشته شده است:

آرمگاه شادروان مرحوم مغفور ادیب فاضل و خیر، حاج سید فخرالدین موسوی فریدنی فرزند مرحوم خیر الحاج میر محمدعلی طاب ثراهما  
بتاریخ روز دوشنبه هیجدهم بهمن ماه ۱۳۶۱ برابر با ۲۳ ربیع الثانی ۱۴۰۳ ه.ق.

از این ادیب فاضل چهار پسر به نامهای، مجتبی، حسین (دبیر آموزش و پرورش) محسن (دکترای شیمی و استاد دانشگاه شیراز)، محمدعلی (۱)  
(دبیر آموزش و پرورش) به یادگار مانده است.

ص: ۳۷۱

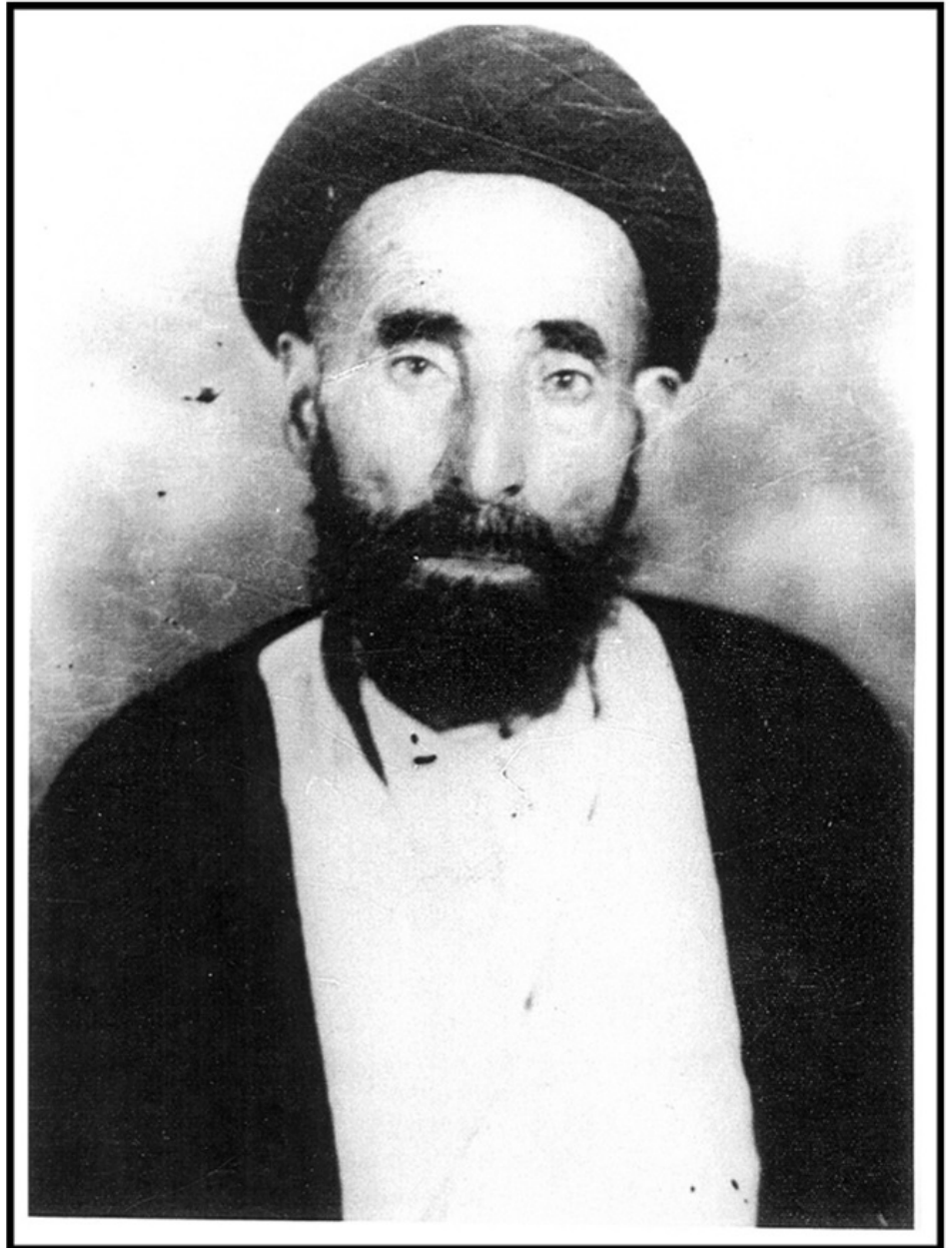
---

۱- از جمله فرزندان وی استاد محمدعلی موسوی فریدنی از فرهیختگان اصفهان به شمار می آید که نگاه دیگر، دو برادر و یک



آرزو(زندگینامه برادران همدانیان)، دوازدهمین رخ (رساله در تفسیر دوازده رخ شاهنامه). و از ترجمه ها: تاریخ جلفای اصفهان به همراه لئون میناسیان، اصفهان مروارید ایران اثر ویلفرد بلانت و ابداع جمهوری مدرن مجموعه مقالات راجع به انقلاب کبیر فرانسه می باشد. همچنین مقالات این استاد در مجلات نگین، فصلنامه زنده رود، نما و جهان کتاب به چاپ رسیده است.

عابد زاهد سید محمد باقر اعتصامی فرزند سید احمد خیاط اصفهانی فرزند سید محمد فرزند سید محمد طاهر رهنانی در اصفهان به دنیا آمد. پدرش از خدمتگزاران خاندان مسجدشاهی در اصفهان بود که پس از فوت در قبرستان آبخشان به خاک سپرده شد.



عابد زاهد سید محمد باقر اعتصامی رهنانی

ص: ۳۷۲

۱- \* . با تشکر از میر سید علی اعتصامی فرزند برادر مرحوم اعتصامی که شرح حال ایشان را در اختیار نگارنده قرار دادند.

مرحوم سید محمد باقر نیز مانند پدر به علما و بزرگان ارادت خاصی داشت و بیشتر با مرحوم آقا نجفی و برادرشان مرحوم حاج آقا نورالله نجفی رفت و آمد می نمود و معمولاً در جلسات مختلف و حتی در سفرهای عتبات عالیات با ایشان همراه بود.

وی مردی عابد و زاهد بود. شب های جمعه از رهنان به اصفهان می آمد و در مراسم دعای کمیل آیت الله شیخ مرتضی ریزی و حاج میرزا ابوالحسن بروجردی و حاج ملا- حسینعلی صدیقین و روزهای جمعه با اراداتی که به مرحوم حاج آقا رحیم ارباب داشت در نماز جمعه ی ایشان شرکت می نمود و چندین مرتبه این آقایان را برای سخنرانی و موعظه به رهنان دعوت کرد.

از سه فرزند پسر مرحوم اعتصامی، پسر دوم سید مرتضی اعتصامی در دوران جنگ حق علیه باطل به مقام رفیع شهادت نایل آمد و در قطعه ی شهدای رهنان دفن گردید.

وی در روز پنج شنبه ۲۸ صفر ۱۳۷۹ه.ق. برحمت ایزدی پیوست و پیکرش در سمت غربی تکیه بروجردی بنا به ارادت خاصی که به مرحوم میرزا ابوالحسن بروجردی داشت به خاک سپرده شد. متن سنگ مزار وی چنین است:

هوالباقی و کل شیء فانی

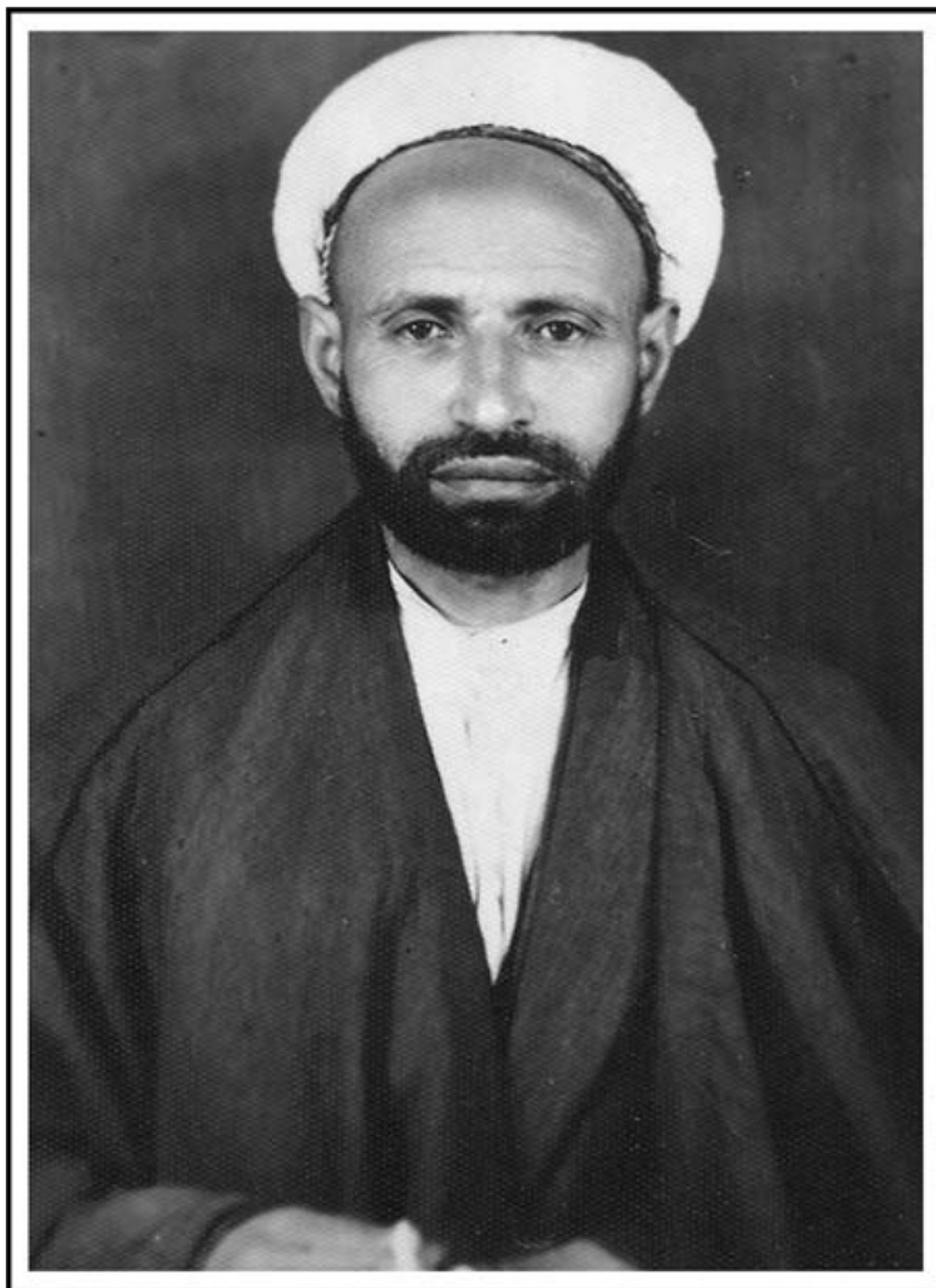
آرامگاه مرحوم جنت مکان خلد آشیان العابد السعید الزاهد الفقید العارف السید صاحب المناقب و المفخر السید محمد باقر اعتصامی رهنانی خیاط اصفهانی فی پنج شنبه بیست و هشتم شهر صفر ۱۳۷۹.



طاب ثراه نجل مرحوم احمد

ص: ٣٧٣

اسدالله فرزند مرحوم مشهدی محمد در سال ۱۲۸۲ ه. ش. در اصفهان در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. پس از گذراندن دوران طفولیت جهت کسب علم و دانش به مکتب خانه رفت. هر چند که در آن زمان به علم و دانش بهایی داده نمی شد



اسدالله الهی دوست

اما وی تحصیلات خود را ادامه داد و سپس بنا به نیاز خانواده نزد پدر خود در کرسی شاگردی مشغول به فعالیت شد. و فنون طبابت را نزد پدر عطار خود فراگرفت و همین سرمایه ی زندگی وی گردید.

## اوصاف

از آنجا که شغل را یک عبادت و خدمت به خلق می دانست قبل از شروع به کار وضو می گرفت. در قناعت در کسب زبانزد عام و خاص و در زمان خود نمونه بود. در صداقت و عدالت چنان شاخص بود که اگر امام جماعت به هر دلیلی برای اقامه ی نماز جماعت نمی آمد از ایشان تقاضا می شد، به عنوان امام جماعت نماز را بپا دارند.

## امر به معروف و نهی از منکر

مؤدب به آداب اسلامی بود و امر به معروف و نهی از منکر را اجرا می کرد. هرگاه سوء اخلاقی از شخصی یا شخصیتی میدید با خوشرویی تذکر می داد. در عدالت، چنان عمل کرده بود که در بین همکاران و بستگان و اهالی محل نقش داوری ایفا می کرد و اگر بین دو نفر چه در موضوع خانوادگی و چه در مسایل کسبی اختلافی پیدا می شد، از ایشان برای حکمیت و فصل خطاب دعوت می شد.

## کار آفرینی

یکی از ویژگیهای وی روح سخت کوشی و تلاش جهت خدمت به خلق بود از جمله خدمات ایشان فراهم آوردن و بستر سازی جهت افراد کارگر و بدون کار و سرمایه بود که با هزینه ی خود آنان را کاسب و مستقل و دارای شغلی برای خودشان می نمود.

بسیاری از همکاران و تعدادی از دوستان که اکنون مشغول فعالیت های اقتصادی هستند کار و فعالیت خود را مرهون پیشنهاد و راهنمایی وی می دانند.

### اهمیت عبادت

روزهای سه شنبه از یک نفر روحانی دعوت می نمود و از خانواده و فرزندان می خواستند که از مواعظ ایشان استفاده نمایند هفته ای نبود که در مجالس دینی شرکت نکنند دائماً با افراد صالح از کسب و کار سؤال می نمودند که مبدا کاری خلاف موازین شرعی صورت بگیرد. تمام عمر سعی ایشان بر این بود که نماز را در اول وقت در مسجد اقامه کنند.

### برخورد با مردم

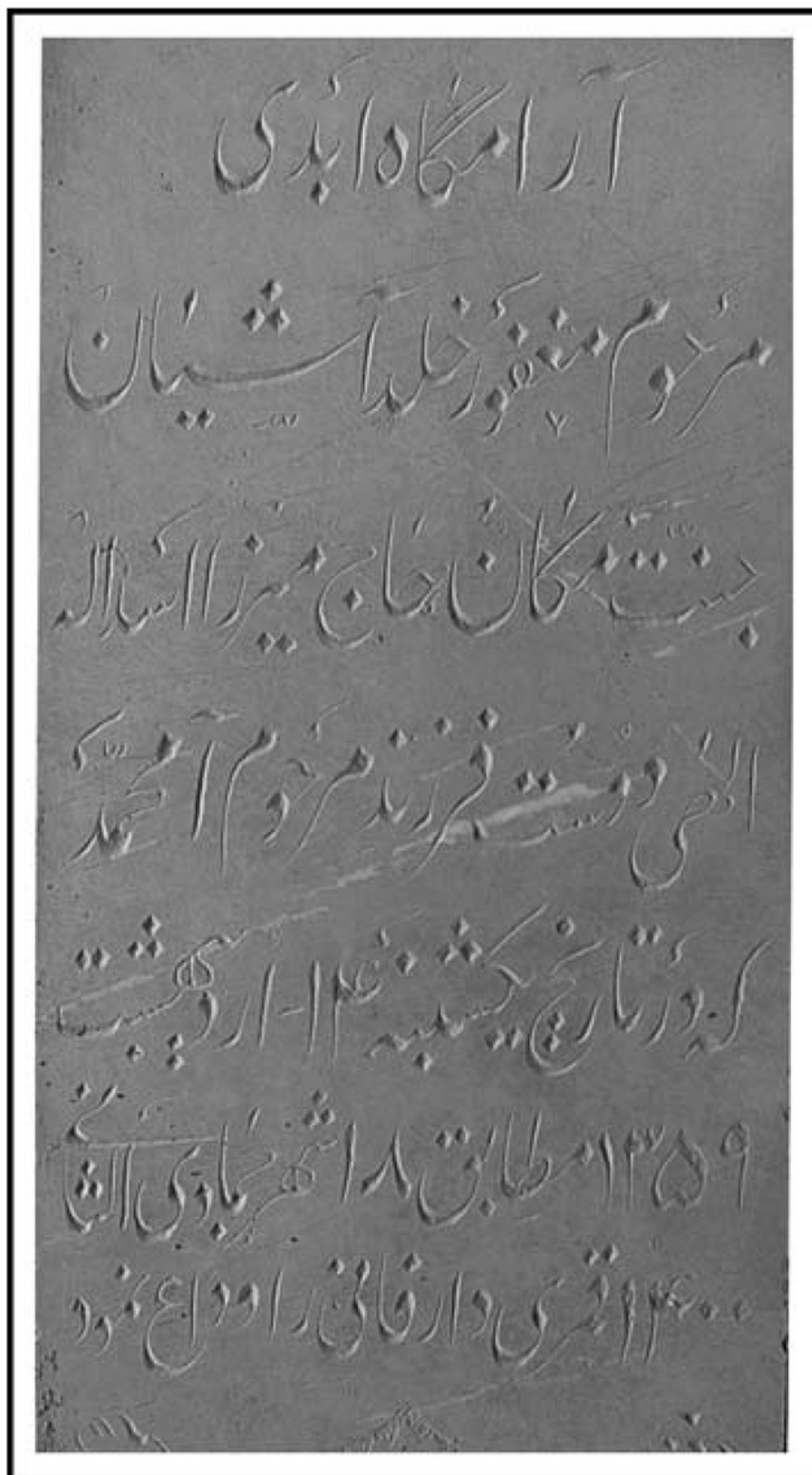
ایشان در محاوره عفت کلام داشتند و هیچگاه کلام لغوی از ایشان شنیده نشد، ساده زیستی روش ایشان بود و قناعت طبع سرلوحه ایشان قرار داشت. اگر جنسی خریده بودند و قیمت آن افزایش پیدا کرده بود به همان قیمت قبلی می فروختند، به حقوق مشتری تعدی نمی نمودند، عموماً با افرادی باتقوا و صالح معامله و معاشرت داشتند و از معامله با افراد بی تقوا پرهیز می کردند و می گفتند: «معامله و معاشرت با افراد بی تقوا در روح انسان اثر منفی می گذارد».

### وفات

وی در روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ ه.ش. برابر با ۱۸ جمادی الثانی ۱۴۰۰ ه.ق. وفات یافت و پیکرش را در سمت شرقی تکیه به خاک سپرده شد.

متن سنگ مزار وی چنین است: آرامگاه ابدی مرحوم مغفور جنت مکان حاج میرزا اسدالله الهی دوست فرزند

مرحوم محمد در تاریخ یک شنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ مطابق با ۱۸ شهر جمادی الثانی ۱۴۰۰ قمری دار فانی را وداع نمود.



سنگ مزار میرزا اسدالله الهی دوست









در پایان به نام برخی از بزرگان، معاریف و واعظان مدفون در این تکیه که از شرح حال و احوال آنها اطلاعی بدست نیامد اشاره می کنیم باشد که ان شاء الله با معرفی نام آنها در چاپهای بعدی این کتاب اطلاعات بدست آمده پیرامون این بزرگان را نیز ارائه نماییم.

۱- شیخ محمد حسن پورتوسلی فرزند مرحوم ملا علی، متوفی غره صفر ۱۳۶۰ه.ق.

۲- شهید حسن زارع فرزند یدالله که در سن ۱۸ سالگی در تاریخ ۲۰ مرداد ۱۳۵۷ه.ش. در تظاهرات اصفهان به درجه ی رفیع شهادت نایل گردید.

۳- حاج سید عبدالصمد واعظ فرزند میرزا ابوالحسن شهشانی، متوفی محرم ۱۳۵۹ه.ق.

۴- شیخ محمدعلی عندلیب فرزند ملا محمد حسن قاری از شاگردان حاج آقا نورالله نجفی،<sup>(۱)</sup> متوفی دوشنبه سی ام رجب ۱۳۹۹ه.ق.

۵- ملا محمد حسن قاری عندلیب، متوفی شب جمعه هفتم شوال ۱۳۶۴ه.ق.

- ملا علی روضه خوان فرزند مرحوم محمدهاشم، متوفی ۲۴ ربیع الاول ۱۳۷۰ه.ق.

۷- ملا حسن عنایت دستجردی فرزند ملک محمد، متوفی غره صفر ۱۳۷۹ه.ق.

۸- شهید حاج سید مصطفی فرزند سید اسماعیل، که دوشنبه دوم رجب

ص: ۳۸۱

---

۱- مهدوی: تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، جلد دوم، ص ۲۱.

۱۳۷۹ه.ق. برابر با ۳۰ خرداد ۱۳۵۶ ه.ش. در راه مسجد شهید شد.

۹- ملا محمدباقر واعظین فرزند ملا محمد تقی، متوفی ۱۳۱۹ ه. ش.

۱۰- آقا محمدرضا عندلیب نقاش فرزند استاد عبدالحسین فخار، متوفی ۱۳۶۶.

۱۱- میرزا محمد قاری فرزند ملا عباس، متوفی پنج شنبه ۲۳ ذی القعدة ۱۳۷۷ ه. ق.

۱۲- فقیه سعید سید عبدالرسول محمدی فرزند سید محمدعلی، متوفی یک شنبه ششم جمادی الثانی ۱۳۹۰ه.ق. مطابق با ۱۸ مرداد ۱۳۴۹ ه.ش.

۱۳- عالم ربانی مرحوم سید زین العابدین فرزند سید عبدالحسین، متولد ۱۲۶۰ ه.ش. و متوفی ۱۳۲۰ ه.ش.

۱۴- ملا حسین سلطانی رهنائی فرزند ملا حسن، متوفی آبان ۱۳۴۸ ه. ش. مطابق با شعبان ۱۳۸۹ ه.ق.

۱۵- عمده الواعظین ملا محمد حسین، متوفی پنجم رمضان ۱۳۴۹ ه. ق.

۱۶- سیدالعلماء الاعلام حجت الاسلام والمسلمین آقا میرزا محمد حسن سیدرضوی ریزی، متوفی پانزدهم محرم ۱۳۵۶ ه.ق.

۱۷- عالم ربانی مرحوم سید مجتبی موسوی نسب فرزند سید آقاجان، متولد ۱۳۰۸ ه.ش. و متوفی ششم فروردین ۱۳۶۲ ه.ش.

۱۸- شیخ محمدرضا محقق بانکی متوفی ۱۳۱۰ ه.ش.

۱۹- سید ابوالقاسم زهرایی فرزند محمدرضا معروف به شریف الواعظین متوفی اسفند ۱۳۲۲ ه.ش.

۲۰- آقا سید علی زهرایی اشرف الواعظین، متوفی یکم فروردین ۱۳۱۹ ه.ش.

۲۱- شیخ محمد حسین شیخ زین الدین فرزند میرزا محمد علی، متوفی ۲۵ صفر ۱۳۷۷ ه.ق.

۲۲- ثقه المحدثین حجت الاسلام سید اسدالله هدایی، متوفی ۱۴ مهر

۱۳۲۹ ه. ش.

۲۳ - شیخ محمد حسین قلمزن فرزند محمد ابراهیم متوفی ۱۳۴۴ ه. ش.

۲۴ - شیخ علی اکبر سجادی فرزند شیخ صادق متوفی ۹ محرم ۱۳۶۹ ه. ق.

۲۵ - شهید علی فرهادی.

۲۶ - آیت الله حاج سید علی محمد رفسنجانی فرزند آیت الله آقای حاج سید محمد قل هو اللهی رفسنجانی یزدی، متوفی ظهر پنجشنبه ۱۵ شعبان ۱۳۵۶ ه. ق.

ص: ۳۸۳



فهرست

اشاره

ص: ۳۸۵































































بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
  ۲. ارتباط با مراکز هم سو
  ۳. پرهیز از موازی کاری
  ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
  ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

